

۴۸۶

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۱ تا ۱۷ آبان ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۵۲

راه‌هایی برای
باخت نهایی!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در **کیهان** آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت **کیهان** بهترین راه برای آگاهی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[@KayhanLife](https://twitter.com/KayhanLife)
[@kayhanlife](https://www.instagram.com/kayhanlife)
[@KayhanLife](https://www.facebook.com/KayhanLife)
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

[@KayhanLondon](https://twitter.com/KayhanLondon)
[@kayhanlondon](https://www.instagram.com/kayhanlondon)
[@kayhanlondon](https://www.facebook.com/kayhanlondon)
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۵۲ (۴۸۶)

جمعه ۱۱ تا ۱۷ آبان ۱۴۰۳
۱ تا ۷ نوامبر ۲۰۲۴



کیهان

* فهرست مطالب *

۴	سر مقاله - دشمن ما یکست! / الاله بقر اط
۴-۵	تیر هفته - راه‌هایی برای باخت نهایی! / ...
۶	شاهزاده رضا پهلوی به نیروهای نظامی و امنیتی: کنار ملت بایستید... / ...
۶	آلمان درواکش به اعدام جمشیدشارمهد تمام کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را بست... / ...
۷	جمهوری اسلامی با وجود هشدارهای داخلی و بین‌المللی برای «وعده صادق ۳»... / ...
۸	حمله تلافی جوانان اسرائیل به چندین پایگاه نظامی در ایران متعلق به ارتش و سپاه... / ...
۹	رویتر ز در حمله تلافی جوانان اسرائیل تأسیسات ترکیب سوخت موشک بالستیک... / ...
۱۰	کورش و مدبریت تغییر... / الن بستاکیان
۱۱	بوی ایران!... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	جامعه، دولت و جنبش زنان (بخش ۹) -... / امینافخمی
۱۴	«کانال ۱۳»: کابینه امنیتی اسرائیل طرح یک حمله دیگر به جمهوری اسلامی را... / ...
۱۴-۱۵	روزنامه «یلید»: جاسوسی ملاحادر آلمان؛ سه فهرست مخفی بانام ماموران رژیم... / ...
۱۵	تعمیر قاسم به عنوان رهبر گروه تروریستی حزب الله جانشین حسن نصرالله شد... / ...
۱۶-۱۷	نشست شورای امنیت؛ هشدار آمریکا به جمهوری اسلامی در مورد «پیامدهای شدید»... / ...
۱۷	حماس برای معامله با اسرائیل اعلام آمادگی کرد... / ...
۱۸-۱۹	توان موشکی اسرائیل: نقش استراتژیک در منطقه و تأثیرات جهانی... / شهرام سبزواری
۱۹	روزنامه «وال استریت ژورنال»: در حمله اسرائیل همه سیستم دفاعی S-300... / ...
۲۰-۲۱	آسوشیتد پرس: در حمله هوایی اسرائیل پایگاه موشکی سپاه پاسداران در شاهرود... / ...
۲۱	ادعای «ساحل دزدان» بر جزایر ایران و خوش رقصی اتحادیه اروپا برای... / ...
۲۱	فهمیده رویبول: ترش خیزش همساران با پدر دستاوردهای دوران پهلوی جستجو کرد... / ...
۲۲	جمشیدشارمهد ز ندانی دو تابعیتی اعدام شد... / ...
۲۲-۲۳	واکش هابه اعدام جمشیدشارمهد؛ آلمان سفیرش را فرخواند... / ...
۲۳	اعتصاب غذای نامحدود منوچهر بختیاری تا آزادی از زندان... / ...
۲۴-۲۶	ادعای «اشغال» جزایر سه گانه در خلیج فارس؛ نقض حاکمیت ملی ایران... / حنیف حیدر نژاد
۲۷	از فتح قدس تا فرار از جنگ: فروپاشی سیاست‌های جمهوری اسلامی... / مرتضی انواری
۲۸	واکش علی خامنه‌ای به حمله اسرائیل؛ باید «خطای محاسباتی صهیونیست‌ها»... / ...
۲۸-۲۹	عباس عراقچی: اسرائیل از آسمان چند کشور در حمله به مراکز نظامی ایران... / ...
۲۹	جشن‌های ۲۵۰ ساله، میراث کورش و تاریخ پر افتخار ایران را... / امجد خوش بیان
۳۰	در حمله به مراکز نظامی جمهوری اسلامی چند فروند جت اسرائیل... / ...
۳۰-۳۱	ارتش جمهوری اسلامی تلفات در حمله اسرائیل را تأیید کرد... / ...
۳۱	بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح درباره حمله اسرائیل؛ «خسارات محدود و کم اثر بود»... / ...
۳۲-۳۳	برجسته شدن پرونده فرار داد میلیارد پورویی زاکاتی باچین پس از تصادف مرگبار... / ...
۳۳	نمایشگاه کاریکاتورهای کینانوش ررضانی در پاریس... / ...
۳۴	حمله مسلحانه به ماموران نیروی انتظامی در «کوه کوه» سیستان و بلوچستان... / ...
۳۴	قتل امام جمعه کازرون بعد از نماز؛ ضارب یک «جانناز» بود و خود کشتی کرد... / ...
۳۵	محرور میت زهر آفتبری فونبالیست تیم ملی به دلیل خوشحالی بدون حجاب اجباری... / ...
۳۶	سی‌ان‌ان: حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران تا بوی ۴۰ ساله را شکست... / ...
۳۷	پسر علی شمشخانی شرکت «اوشن لئونید» در لندن باصدها میلیون دلار درآمد... / ...
۳۸-۳۹	جنگ بزرگ در انتظار مداخله «شیطان بزرگ»... / غسان شربل (شرق الاوسط)
۳۹	بازجویی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) از خدمه هواپیمایی «ماهان ایر»... / ...
۴۰-۴۲	انگاره‌های احساسی و حقایق تاریخی... / امیشایل وولفرن
۴۲-۴۳	گفتگو با مردی که شصت سال پیش در نوجوانی با دوستانش از نیش... / فیروزه نوردستروم
۴۴-۴۵	حزب الله و افسانه «لبنان اسرائیلی»... / اندیم قطیش (شرق الاوسط)
۴۵	برگزاری روز کورش بزرگ در لندن... / ...
۴۵	هفتمین آبان روز کورش بزرگ در گفتگو با شکوه میرزادگی... / ...
۴۶-۴۷	زنان «مکار» و «کشنده» و «خیانتکار» در کلیپ‌هایی که طبق فرهنگ سنتی و... / ...
۴۷	«جبهه هفت آبان» دو ساله شد... / ...
۴۸	۱۰ هزار کارگر حفاری نفت؛ از تبعیض در آمد تا عدم برخورداری از... / ...
۴۹	افزایش تورم در مهرماه؛ اقتصاد بر خلاف وعده‌های پشتیبان حرکت می‌کند... / ...
۵۰	ساخت برج‌های ۲۵ طبقه در دانشگاه تهران؛ رصدا وضعیت هوادر تهران... / ...
۵۱	تورم و گر داب معیشتی دولت برای حقوق بگیران... / ...
۵۲-۵۳	کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد... / ...
۵۳-۵۴	وزیر نیروگران شدن برق خبر داد: دولت پشتیبان سیاست «صعود آزاد»... / ...
۵۵	ادعای کسری بودجه امسال از سوی دولتمردان... / ...
۵۶	کمبود انرژی در ایران؛ یک گام تا تبدیل شدن به بحران امنیتی برای حکومت... / ...
۵۷	در آمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۴: دست دولت پشتیبان در جیب مردم ایران!... / ...
۵۸-۵۹	ویرانی‌های فرونشست؛ اینبار در ورزشگاه «نقش جهان» و فرودگاه اصفهان... / ...
۵۹-۶۰	تصویب کلیات لایحه بودجه؛ هشدار مرکز پژوهش‌ها درباره عدم تحقق... / ...
۶۰-۶۱	افزایش آمار سالمندان در ایران؛ حقوق ناکافی و ناچیز باز نشستی و نبود... / ...
۶۲	آزاد شدن «رجبستانی» آیفون به سود جیب دولت... / ...
۶۳	پیش‌بینی تورم ۴۵ درصدی در سال آینده با بودجه ۱۴۰۴... / ...
۶۴-۶۵	خبرهای کوتاه... / ...
۶۶	پشت جلد - عکس هفته / هالوین ۲۰۲۴ در کاخ سفید

بازنشر
بازنشر



دشمن ما کیست!

شرایط ایران با جمهوری اسلامی همیشه جنگی بوده و اکنون بیش از پیش جنگی است! مردم ایران با جمهوری اسلامی همیشه جنگزده بوده‌اند! افکار و رفتار جمهوری اسلامی هرگز چیزی جز جنگ آفرینی و بحران نبوده چون جز این نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اینکه جوامع بشری همواره با بحران و جنگ و انواع جرائم فردی و ناهنجاری‌ها در هر مرحله از تاریخ تکامل خود روبرو بوده و خواهند بود، یک واقعیت است که به سرشت افراد انسان بر می‌گردد اما اینکه چگونه با وجود چنین واقعیتی بتوان از



بحران و جنگ و جرائم و ناهنجاری‌ها کاست و یک همزیستی متعادل را با کمترین درگیری‌ها تأمین کرد، موضوعی مربوط به جامعه و اجتماع انسان است که از اندیشه و نگرش آن به جهان ناشی می‌شود.

تمامی ادیان و ایدئولوژی‌هایی که با کسب قدرت سیاسی، از یکسو با خودپسندی و تکبر دچار این توهم بوده‌اند که «برتر» از «دیگران» و برحق ابدی هستند و از سوی دیگر، به همین دلیل تلاش کرده‌اند تا تنوع جوامع را نادیده گرفته و انسان‌های یکسان و یک‌شکل و یک‌فکر طبق ذهنیاتی درست کنند که خودشان هم آنطور نیستند، اول کشور را به جهنم تبدیل کرده و بعد توسط همان جوامع به تاریخ سپرده شدند.

دین سیاسی و ایدئولوژی‌های غیردینی سلطه‌جو یعنی بحران دائمی؛ یعنی جنگ و درگیری پایان‌ناپذیر و این در مورد اسلام سیاسی که دیدگاه آخرومانی دارد و خود را حتا در شکست‌های مداوم نیز، پیروز نهایی تصور می‌کند، ابعادی به شدت خشن و جان‌سخت می‌یابد.

مسبب شرایط دائم تحریمی و جنگزده‌ی ایران بر اساس همان اندیشه‌ای که برای خود رسالت دنیوی و آخروی قائل است، همه‌ی زمامداران کشوری و لشکری جمهوری اسلامی از ۵۷ تا کنون هستند. در این میان، بدون تعارف، نباید نقش آنهایی را هم که هر بار در انتخابات آن شرکت کرده و نه تنها به تداوم این شرایط بلکه به تعمیق و گسترده شدن آن رأی داده‌اند نیز نادیده گرفت. شهروندان یک جامعه تا مسئولیت فردی و اجتماعی خود را در مسائل و رویدادهای سیاسی نپذیرند، چه بسا به این نیروی خود پی نبرند که چگونه دریغ کردن آرای‌شان به ویژه از نمایش انتخابات ۱۴۰۰ به بعد، حکومت را مستأصل و منزوی و بیش از پیش دچار خطاهای محاسباتی کرد که امروز مجبور به تلاش برای بقای خود در جنگی است که خود بر آن اصرار داشته و به کشور تکمیل کرده است.

دشمن ایرانیان نه هیچ کشور خارجی و نه هیچ جریان سیاسی داخلی بلکه نظام جمهوری اسلامی و همه آن گروه‌ها و افرادیست که گفتار و رفتارشان به سود آن عمل می‌کند. بقیه نه دشمن بلکه فقط مخالف فکر و راه و روش یکدیگر هستند که معیار درستی یا نادرستی آن چیزی جز گذشت زمان و عملکرد آنها نیست. برای برخی جریان‌ها، این زمان سپری شده و عملکرد خودشان از ۵۷ به اینسو آنها را به محک گذاشته؛ برای برخی دیگر این روزها و آینده‌ی نه چندان دور معیار سنجش آنهاست. معیاری که تلاش برای همبستگی و جذب بیشترین نیروی نه تنها مخالف رژیم بلکه موافق اصول اعلام شده توسط رهبری ملی جنبش آزادیخواهی ایرانیان مبنی بر تعهد به تمامیت ارضی ایران، دموکراسی و حقوق بشر، و تعیین نظام آینده‌ی کشور بر رأی مردم، مهم‌ترین واحد اندازه‌گیری آن است.

تیر هفته

راه‌هایی برای باخت نهایی!



● جمهوری اسلامی دو راه در مقابل دارد که هر دو می‌توانند موقعیت نظام را بطور جدی به خطر بیندازند. انتخاب بین این دو راه سخت به بحثی جدید در داخل نظام نیز دامن زده است: باخت در جنگ با اسرائیل یا در مقابله با مردم!

است، دولت بنیامین نتانیاهو نمی‌توانست این خواست را نادیده بگیرد.

حمله پنجم آبان اسرائیل در پاسخ به موشک‌پرانی جمهوری اسلامی که ۱۰ مهرماه صورت گرفته بود، توپ در زمین تهران قرار گرفت. هنوز مشخص نیست که جمهوری اسلامی دست به اقدام متقابل خواهم زد یا مانند فروردین گذشته فعلا پرونده این درگیری برای مدتی به بایگانی خواهد رفت. اما در هر صورت این درگیری‌ها ادامه پیدا خواهد کرد زیرا تا زمانی که جمهوری اسلامی بر نابودی اسرائیل تاکید داشته باشد و به برنامه هسته‌ای خود با هدف دستیابی به زرادخانه اتمی ادامه دهد، اسرائیل نیز چاره‌ای نخواهد داشت که به هر اقدامی که موجودیت این کشور را به خطر بیندازد پاسخ دهد.

نه جمهوری اسلامی در حمله موشکی ده مهر قصد اعلان جنگی تمام‌عیار به اسرائیل داشت و نه پاسخ ۵ آبان دولت بنیامین نتانیاهو تلاشی برای زدن سر اختاپوس در تهران بود. هر دو کشور فعلا قصد جنگی گسترده را ندارند که البته هرکدام دلایل خود را برای این تعلل دارند. فشار آمریکا بر اسرائیل برای به تعویق انداختن حمله به تاسیسات نفتی و یا تاسیسات اتمی بی‌ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که ۱۵ آبان (۵ نوامبر ۲۰۲۴) برگزار خواهد شد نیست. حملاتی گسترده‌تر به ایران بدون شک می‌توانست تأثیراتی بر نتیجه این انتخابات داشته باشد و هیچکدام از دو حزب دموکرات و جمهوریخواه موافق سایه انداختن جنگی در خاورمیانه بر صندوق رای ایالات متحده نیستند و از آنجا که آمریکا تأمین کننده تسلیحات ارتش اسرائیل و مهم‌ترین حامی این کشور

شکست استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی تصمیم‌گیری برای جمهوری اسلامی بسیار مشکل‌تر و پیچیده‌تر است. ضرباتی که به جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر وارد شده، کل استراتژی منطقه‌ای نظام حاکم بر ایران را نه اینکه فقط زیر سوال برده باشد بلکه فلج کرده و به شکست کامل نزدیک کرده است. سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی به ویژه پس از پایان جنگ ۸ ساله با عراق، بر ایجاد و توسعه گروه‌های نظامی و سیاسی-نظامی در منطقه تکیه داشت. نیروهائی که قرار بود با حمایت تسلیحاتی، مالی و مشورتی جمهوری اسلامی از سوئی در جبهه مقابله با اسرائیل فعال باشند و از سوی دیگر به عنوان ابزاری برای تهدید و فشار بر دولت‌های منطقه مورد استفاده قرار گیرند.

نیروهای نیابتی که در خط مقدم مقابله با اسرائیل قرار داشتند امروز از امکان عملیاتی بسیار ناچیزی برخوردارند. حماس و جهاد اسلامی در غزه هرگونه امکان عملیاتی خود را از دست داده‌اند و در آینده حتی به فرض بازسازی نسبی نیز نخواهند توانست فراتر از یک گروه تروریستی زیرزمینی فعالیتی داشته باشند. حماس که سرزمینی با دو و نیم میلیون جمعیت را اداره می‌کرد و ارتشی کم و بیش منظم داشت، از بین رفته و امکان ندارد دوباره بتواند مانند گذشته عمل کند.



جدید علیه اسرائیل را خطری برای موجودیت خود نظام ارزیابی می‌کنند. اسرائیل با حمله ۵ آبان (۲۶ اکتبر) نه تنها برتری نظامی خود را بار دیگر نشان داد، بلکه

آشفتگی در درون نظام

امروز جمهوری اسلامی دو راه در مقابل دارد که هر دو می‌تواند موقعیت نظام را بطور جدی به خطر بیندازند.

از بین رفتن نیابتی‌های جنگ علیه اسرائیل

نیروی دیگری که در مرزهای اسرائیل مستقر بود، یعنی حزب‌الله لبنان نیز شدیداً ضربه خورده است. بازوی



توانست با از کار انداختن سیستم پدافند هوایی جمهوری اسلامی راه را برای حملات آینده، اینبار علیه تاسیسات نفتی و هسته‌ای هموار سازد. رژیم به خوبی به ضعف سیستم دفاعی خود واقف است و کم نیستند حتی فرماندهان میانی سپاه پاسداران که حمله موشکی ۱۰ مهر علیه اسرائیل را نوع خودکشی خوانده و صریحاً با آن مخالفت کرده بودند.

خطر دیگری که در هر حالت می‌تواند بقای این نظام را به خطر بیندازد، استفاده مردم از ضعف نظام برای بازگشت گسترده به خیابان است. نظامی که با از دست دادن «اقتدار» منطقه‌ای خود احساس ضعف کند، می‌تواند با چالش‌های جدی مخالفان خود در داخل مواجه شود که عبور از نظامی بحران‌زده را امکان‌پذیر تشخیص می‌دهند. برخی از فعالان میدانی از هم‌اکنون سرگرم سازماندهی اعتراضات آینده هستند. در صورت حمله به اسرائیل و سپس حمله متقابل آن کشور به نقاطی در ایران و آنهم گسترده‌تر از حمله اخیر در پنجم آبان، رژیم دچار چنان آشفتگی‌ای خواهد شد، که به احتمال زیاد نخواهد توانست نیروهای خود را برای سرکوب گسترده معترضین راهی خیابان کند. بعلاوه در چنان وضعیتی، ریزش نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی نیز سرعت خواهد گرفت.

نظام جمهوری اسلامی امروز در بحرانی قرار گرفته که در پیش گرفتن هر راهی با تصور خروج از آن می‌تواند بقا و موجودیت آن را با خطر نابودی روبرو کند. در حقیقت رژیم، به پای خود بر سر میز قمار رفته که بازی با هر کارتی نتیجه‌ای جز باخت برایش ندارد؛ اگرچه چگونگی این باخت‌ها و زمان آنها می‌تواند متفاوت باشد.

انتخاب بین این دو راه سخت به بحثی جدید در داخل نظام نیز دامن زده است. عباس عراقچی وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان، وعده انتقام سخت می‌دهد البته بدون اینکه زمانی برای این واکنش و چگونگی آن تعیین کند. برخلاف او، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه سابق و مشاور کنونی علی خامنه‌ای در مسائل بین‌المللی، صحبت از تغییر در سیاست خارجی و بازگشت به گفتگو با غرب می‌کند. صحبت‌هایی که در حلقه اول شاید در تضاد با یکدیگر دیده شوند، ولی در واقعیت رو به مخاطبین متفاوت گفته می‌شود تا آنها را برای نظام نگه دارد. روی سخن عباس عراقچی با حامیان جمهوری اسلامی در منطقه و نیروهای نیابتی آن است؛ در حالی که علی‌اکبر ولایتی رو به غرب و حامیان عرب کشورهای غربی در خاورمیانه صحبت می‌کند. برای جمهوری اسلامی از دست دادن نیروهای نیابتی و حامیان افراطی‌اش در منطقه، و حتی در خارج از آن، بسیار خطرناک است زیرا یکی از کارت‌های اصلی خود را برای آشوب‌آفرینی و ایجاد رعب و وحشت از دست می‌دهد. بدون نیروهای نیابتی فعال، جمهوری اسلامی دیگر جایی در میز گفتگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی نخواهد داشت. اینست که برای حفظ «اقتدار» و «اعتماد»، جمهوری اسلامی باید به اقدام نظامی جدیدی علیه اسرائیل دست بزند، وگرنه تشدید نارضائی این نیروها که از ابتدای جنگ در غزه و عدم واکنش فوری جمهوری اسلامی به حملات اسرائیل آغاز شده می‌تواند به مرحله نافرمانی از اوامر تهران برسد.

راه‌هایی که به باخت می‌رسند

در جمهوری اسلامی نیز کم نیستند کسانی که حمله‌ای

نظامی این گروه رهبران بالائی و میانی خود را از دست داده و اگر در هفته‌های اخیر اهدافی را در اسرائیل مورد حمله قرار داده با فرماندهی عوامل نیروی قدس و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده که از تهران اعزام شدند. بازوی سیاسی حزب‌الله که در پارلمان و دولت حضور دارد نیز دچار سردرگمی در مورد آینده این گروه است. روز به روز صداهائی که معتقدند باید اسلحه را به زمین گذاشت و قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت را پذیرفت و تبدیل به یک حزب سیاسی شد رو به افزایش است. معرفی نعیم قاسم به عنوان جانشین حسن نصرالله که از ترس کشته شدن توسط اسرائیلی‌ها به تهران پناه برده است، خود نشان از بحران سیاسی عمیق در حزب‌الله دارد.

سیاست منطقه‌ای و خارجی جمهوری اسلامی از ابتدا بر چند محور استوار بود: تشکیل جبهه‌ای از نیروهای نیابتی، گسترش برنامه‌های پهنای و موشکی، دستیابی به سلاح اتمی. در یکسال گذشته و به ویژه در چند ماه اخیر برخی از نیروهای نیابتی ضربات سخت و مرگبار خوردند و برخی دیگر نیز درگیر مباحث داخلی در رابطه با چگونگی ادامه همکاری با جمهوری اسلامی هستند. محور دوم یعنی برنامه‌های موشکی و پهنای با حمله اخیر اسرائیل دچار خسارات جدی شده که تا مدتی می‌تواند پیشبرد آنها را با مشکلات جدی روبرو سازد و با توجه به تحریم‌های قدیمی و جدی که طی یک سال گذشته برقرار شدند، ترمیم این خسارات ساده نخواهد بود. بمب اتمی هم که با وجود تسریع غنی‌سازی و افزایش سطح غلظت اورانیوم، هنوز در دسترس نیست اگرچه برخی منابع فاصله با آزمایش اولین بمب را تنها چند هفته اعلام می‌کنند.

شاهزاده رضا پهلوی به نیروهای نظامی و امنیتی:

کنار ملت بایستید؛ انقلاب ملی ما آبادانی و زندگی به ارمغان خواهد آورد

است و نه میهنی.

ملت ایران می‌داند که جمهوری اسلامی تهدیدی حیاتی علیه رفاه و کرامت و آزادی ایرانیان و موجودیت و تمامیت ایران است. تا جمهوری اسلامی هست، تهدید جنگ هم هست؛ و هر روز نیز بیشتر و خطرناک‌تر خواهد شد. راه حل، برانداختن این رژیم ضدملی، و احیای دولت ملی مبتنی بر حقوق بشر و دموکراسی و منافع ملی در ایران است.

پیام من به نیروهای نظامی و امنیتی روشن است: ملت بزرگ ایران دیر یا زود بار دیگر همچون دی ۹۶، آبان ۹۸، و خیزش مهسا برای پس گرفتن ایران به خیابان‌ها خواهند آمد. در آن روز، اگر نه برای شرافت انسانی و منافع ملی، که برای آینده خود و خانواده‌تان کنار ملت بایستید چرا که دستاورد جمهوری اسلامی فلاکت برای ایران و مرگ و تحقیر برای شماست؛ حال آنکه انقلاب ملی ما آبادانی و زندگی را برای همه ایرانیان به ارمغان خواهد آورد.

پاینده ایران،
رضا پهلوی

عملیات تلافی‌جویانه اسرائیل در عمق خاک ایران که در پاسخ به حمله موشکی سپاه پاسداران به این کشور انجام شد، نشان داد که جمهوری اسلامی پس از چهار دهه حکومت، میلیاردها دلار هزینه، و سال‌ها هیاهو و رجزخوانی، آسمان ایران را در برابر نیروی هوایی کشوری به مراتب کوچک‌تر و کم‌جمعیت‌تر بی‌دفاع گذاشته است. انهدام سامانه‌های راداری و پدافند هوایی، و تاسیسات موشکی جمهوری اسلامی، در واقع تحقیر نیروی نظامی کشوری است که روزگاری نیروی هوایی و دفاع ضدهوایی آن، رشک کشورهای منطقه بود. قدرت نیروی هوایی ایران پیش از فاجعه ۵۷، دستاورد سیاست اقتصادی و خارجی درستی بود که صلح از موضع اقتدار را سرلوحه رفتار قرار داده بود. افتضاح و فلاکت کنونی اما حاصل چهار دهه جنگ‌طلبی و عربده‌کشی جمهوری اسلامی همراه با فساد و ناکارآمدی اقتصاد است؛ وضعیتی که در آن، دوران جنگ‌افروزی از طریق تروریست‌های نیابتی رو به پایان است و خامنه‌ای گام به گام به جنگی مستقیم نزدیک‌تر می‌شود که نمی‌تواند در آن پیروز شود؛ جنگی که نه ملی

آلمان در واکنش به
اعدام جمشید شارمهد
تمام کنسولگری‌های
جمهوری اسلامی را
بست

● دولت آلمان در واکنش به اعدام جمشید شارمهد شهروند ایرانی- آلمانی تمام کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را در این کشور بست.

● آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان پنجشنبه ۳۱ اکتبر (دهم آبان) دستور تعطیلی کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را در شهرهای فرانکفورت، هامبورگ و مونیخ صادر کرد.

● به گفته وزیر خارجه آلمان، با بسته شدن سه کنسولگری جمهوری اسلامی ایران، ۳۲ کارمند ایرانی آنها نیز در صورتی که دارای تابعیت آلمان نباشند از این کشور اخراج خواهند شد.

● با توجه به این اقدام تنها سفارت جمهوری اسلامی در برلین فعال خواهد بود.

دولت آلمان در واکنش به اعدام جمشید شارمهد شهروند ایرانی- آلمانی تمام کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را در این کشور بست.

آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان پنجشنبه ۳۱ اکتبر (دهم آبان) دستور تعطیلی کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در شهرهای فرانکفورت، هامبورگ و مونیخ را صادر کرد.

با توجه به این اقدام تنها سفارت جمهوری اسلامی در برلین فعال خواهد بود.



پوستر جمشید شارمهد در تجمع ایرانیان در دروازه براندنبرگ برلین

نفع رژیم تهران است!

در همین ارتباط، غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد جمهوری اسلامی را رژیم «جهادگران اسلامی بزدل» خوانده است. آنالنا بریوک پیش از این در بیانیه‌ای گفته بود: «اعدام شارمهد بار دیگر نشان داد که در تهران چه رژیم بی‌رحمی حاکم است، رژیمی که علیه جوانان خود علیه مردم خود و علیه اتباع خارجی با مرگ برخورد می‌کند. این وضع نشان می‌دهد که حتی در دولت جدید [دولت پزشکیان] نیز هیچکس در امان نیست.»

بعد از اعدام شارمهد، دولت آلمان سفیر خود را از تهران فراخواند. همچنین سفیر جمهوری اسلامی در برلین به وزارت خارجه آلمان احضار شد.

جمشید شارمهد که سال ۱۳۹۹ توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در دوبی ربوده شده بود، روز دوشنبه ششم آبان‌ماه ۱۴۰۳ به اتهام خرابکاری و طراحی چند انفجار در ایران اعدام شد.

وزیر خارجه آلمان که به نیویورک رفته است اعلام کرد که به دلیل اعدام شارمهد روابط این کشور با جمهوری اسلامی به «پایین ترین سطح خود» رسیده است. وی تأکید کرد «قتل» شارمهد نشان داد رژیم ایران به بی‌عدالتی و رفتارهای وحشیانه خود ادامه می‌دهد.

به گفته وزیر خارجه آلمان با بسته شدن سه کنسولگری جمهوری اسلامی، ۳۲ کارمند ایرانی آنها نیز در صورتی که دارای تابعیت آلمان نباشند از این کشور اخراج خواهند شد.

دولت آلمان پیشتر نیز پس از حمله روسیه به اوکراین، چهار کنسولگری روسیه را بسته بود.

بریوک همچنین عنوان کرد، «رژیم ایران بیش از همه زبان باج‌خواهی، تهدید و خشونت را می‌فهمد. ما بارها و به صورت واضح به [رژیم] ایران اعلام کرده‌ایم که اعدام یک شهروند آلمانی عواقب جدی در پی خواهد داشت.»

با اینهمه وزیر خارجه آلمان عنوان کرد که سفارت این کشور در تهران تعطیل نخواهد شد زیرا به اعتقاد وی این کار «به

جمهوری اسلامی با وجود هشدارهای داخلی و بین‌المللی برای «وعده صادق ۳» آماده می‌شود



تجمع طرفداران نظام در مشهد و درخواست برای «وعده صادق ۳»

دایره خودی‌های نظام هم که منتقد درگیری با اسرائیل اند گفته است: «بعضی‌ها با خبری که می‌دهند، با تحلیلی که می‌کنند، با تفسیری که از وقایع می‌کنند، در مردم تردید و ترس ایجاد می‌کنند.» با اینهمه وی نحوه پاسخ به اسرائیل را به مقامات مسئول واگذار کرد و گفت: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

در این میان، کشورهای غربی از جمله آمریکا، بریتانیا و آلمان حمله اسرائیل به مراکز نظامی داخل ایران را محکوم نکرده‌اند و به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که از پاسخ دادن به این حمله اسرائیل خودداری کند.

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل نیز با اعلام پایان حمله هشدار داد اگر تهران «اشتباه» کند و تنش‌ها را بیشتر افزایش دهد، اسرائیل پاسخ می‌دهد.

وی افزود، «پیام ما روشن است، تمام کسانی که به کشور اسرائیل تهدیدی وارد می‌کنند و می‌کوشند منطقه را به یک تنش وسیع‌تر بکشانند، هزینه سنگینی خواهند پرداخت.»

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز حمله تلافی‌جویانه به مراکز نظامی جمهوری اسلامی را دقیق و پر قدرت دانست و گفت که اسرائیل برای حفظ موجودیت خود در نبرد با محور شرارت تحت رهبری حکومت ایران است و «دشمنان اسرائیل بهایی سنگین خواهد پرداخت.»

وی روز یکشنبه ۲۷ اکتبر (ششم آبان) در مراسم گرامیداشت قربانیان حمله تروریستی «هفت اکتبر» با تقدیر از پشتیبانی‌های آمریکا خطاب به مردم ایران گفت: «جنگ ما علیه شما نیست، بلکه علیه رژیم خودکامه‌ای است که شما را سرکوب کرده و کل منطقه را تهدید می‌کند.» برخی کارشناسان می‌گویند اسرائیل در حمله هوایی که با نام «روزهای پاسخ» انجام شد، بخش عمده توان پدافندی جمهوری اسلامی را نابود کرده است. اگر این ادعا واقعیت داشته باشد، خطری عمده زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند.

دوشنبه هفتم آبان‌ماه در پیامی به عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، در حالی که مدعی شده «با آمادگی پدافند» اسرائیل از دستیابی به اهداف خود «ناکام ماند» اما تهدید کرده است که «پیامدهای تلخی در انتظار صهیونیست‌هاست.»

بر اساس گزارش منابع اطلاعاتی، بین ۱۹ تا ۲۴ نقطه در ایران پنجم آبان‌ماه ۱۴۰۳ در حمله هوایی اسرائیل هدف قرار گرفت. تمرکز این حملات روی پایگاه‌های موشکی و تأسیسات نظامی در تهران، خوزستان و ایلام بود اما انفجارهایی در چند مرکز در اطراف شاهرود، اصفهان، بجنورد و شیراز نیز اتفاق افتاد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که «ایران از حق خودش در پاسخ به اسرائیل عدول نخواهد کرد.» سخنگوی این وزارتخانه تهدید کرده است، «از همه ابزارها برای پاسخ قاطع به اسرائیل استفاده می‌کنیم.»

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همچنین نمایندگان علی‌خامنه‌ای نیز در استان‌ها تهدید کردند انتقام سختی در انتظار اسرائیل است.

در مورد گرفتن «انتقام» مجدد از اسرائیل و «وعده صادق ۳» تا پیش از اعلام موضع علی‌خامنه‌ای حرف زیادی زده نشده است، اما صحبت‌های او در واکنش به حمله اسرائیل بار دیگر هیاهوی مسئولان و عوامل نظام برای واکنش به اسرائیل را بالا برد به ویژه آنکه تعداد کشته‌شدگان در حمله پنجم آبان از بین نیروهای ارتش و سپاه به پنج نفر رسید و ویدیوهای زیادی منتشر شده که خسارات نسبتاً سنگین حملات اسرائیل را غیرقابل انکار می‌سازد.

اگرچه شماری از مسئولان دولتی از جمله مسعود پزشکیان و معاونش محمدرضا عارف و همچنین فرماندهان ارشد نیروهای مسلح می‌گویند آماده پاسخ به اسرائیل هستند اما به نظر می‌رسد درون نظام در مورد ادامه این جدال و تشدید درگیری‌ها و چرخه‌ی واکنش‌ها نگرانی‌های جدی وجود دارد.

علی‌خامنه‌ای در سخنرانی خود تأکید کرده باید به اسرائیل قدرت جمهوری اسلامی را «فهماند» و خطاب به

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوشنبه هفتم آبان‌ماه در پیامی به عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، در حالی که مدعی شده «با آمادگی پدافند» اسرائیل از دستیابی به اهداف خود «ناکام ماند» اما تهدید کرده است که «پیامدهای تلخی در انتظار صهیونیست‌هاست.»

وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که «ایران از حق خودش در پاسخ به اسرائیل عدول نخواهد کرد.»

در مورد گرفتن «انتقام» مجدد از اسرائیل و «وعده صادق ۳» تا پیش از اعلام موضع علی‌خامنه‌ای حرف زیادی زده نشده است، اما صحبت‌های او در واکنش به حمله اسرائیل بار دیگر هیاهوی مسئولان و عوامل نظام برای واکنش به اسرائیل را بالا برد به ویژه آنکه تعداد کشته‌شدگان در حمله پنجم آبان از بین نیروهای ارتش و سپاه به پنج نفر رسید و ویدیوهای زیادی منتشر شده که خسارات نسبتاً سنگین حملات اسرائیل را غیرقابل انکار می‌سازد.

علی‌خامنه‌ای در سخنرانی خود تأکید کرده باید به اسرائیل قدرت جمهوری اسلامی را «فهماند» و خطاب به دایره خودی‌های نظام هم که منتقد درگیری با اسرائیل اند گفته است: «بعضی‌ها با خبری که می‌دهند، با تحلیلی که می‌کنند، با تفسیری که از وقایع می‌کنند، در مردم تردید و ترس ایجاد می‌کنند.» با اینهمه وی نحوه پاسخ به اسرائیل را به مقامات مسئول واگذار کرد و گفت: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل با اعلام پایان حمله هشدار داد اگر تهران «اشتباه» کند و تنش‌ها را بیشتر افزایش دهد، اسرائیل پاسخ می‌دهد.

مقامات جمهوری اسلامی در موضعی متناقض از یکسو پیامدهای حمله هوایی به مراکز نظامی در ایران را خفیف و کم‌اثر جلوه می‌دهند اما همزمان صحبت از انتقام مجدد و «وعده صادق ۳» می‌کنند.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

حمله تلافی جویانه اسرائیل به چندین پایگاه نظامی در ایران متعلق به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



برخاستن شعله آتش و دود سیاه غلیظ از یکی از پایگاه‌های نظامی حومه تهران بعد از حمله اسرائیل / پنجم آبان ۱۴۰۳

جبهه) به اسرائیل حمله کرده‌اند، از جمله حملات مستقیم از خاک ایران. مانند هر کشور مستقل دیگری در جهان، دولت اسرائیل نیز حق و وظیفه دارد که پاسخ دهد. توان دفاعی و تهاجمی ما کاملاً بسیج شده است. ما هر کاری که لازم باشد برای دفاع از کشور اسرائیل و مردم اسرائیل انجام خواهیم داد.»

ارتش اسرائیل تصویری از سپهد هرترزی هالوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل، و ژنرال تومر بار فرمانده نیروی هوایی ارتش اسرائیل را به اشتراک گذاشت و نوشت آنها «حمله به ایران را از اتاق عملیات زیرزمینی پایگاه نیروی هوایی در کریا فرماندهی می‌مایند.»

همچنین بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل به همراه یوآو گالانت وزیر دفاع و شماری از فرماندهان نظامی از یک «اتاق جنگ» این عملیات را زیر نظر داشتند. گالانت پیش از این گفته بود، «پاسخ اسرائیل به ایران مرگبار، دقیق و غافلگیرانه خواهد بود بطوری که جمهوری اسلامی نخواهد فهمید چگونه و از کجا خورده است.»

با فاصله حدود سه ساعت موج دوم این حملات آغاز شد. شهروندان در تهران صدای چندین انفجار مهیب را شنیدند با اینهمه اما رسانه‌های داخلی تا لحظه تنظیم این گزارش در سکوت بودند و صرفاً خبر وقوع چند انفجار را تأیید کردند. دست‌کم در ۱۰ شهر ایران نقاط مختلف مورد اصابت قرار گرفته و مردم انفجارهای مهیب را دیدند یا شنیدند، اما در هیچ کدام از این نقاط پیش از حملات صدای آژیر خطر شنیده نشد. بعد از صدای شنیده شدن چند انفجار گزارش شد که هواپیماهای جنگنده از فرودگاه مهرآباد برخاستند. شهروندان در همدان و کرمانشاه نیز صدای هواپیماهای جنگنده را شنیدند اما مشخص نبود پروازها متعلق به جنگنده‌های نیروی هوایی جمهوری اسلامی است یا هواپیماهای اسرائیلی.

«منابع مطلع» به خبرگزاری تسنیم گفتند که همچنانکه از پیش اعلام شده ایران آماده پاسخ به تعرض اسرائیل است.

شنبه ۲۶ اکتبر (پنجم آبان‌ماه) در چند مرحله چندین پایگاه نظامی و سایت موشکی در ایران متعلق به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف حمله قرار داد. در این حملات هدفمند حدود ۲۰ نقطه مورد اصابت قرار گرفت. عمده نقاطی که هدف قرار گرفته شد تأسیسات نظامی و پایگاه‌های اطراف تهران حوالی شهریار (ملارد)، کرج، قلعه‌حسن‌خان، باقرآباد ورامین و جاده قم بود. در شرق تهران حوالی پارچین نیز صدای چند انفجار مهیب به گوش اهالی رسیده بود.

در مشهد، زنجان، همدان، کرمانشاه، اهواز و شیراز نیز صدای انفجارهایی از حومه شهر به گوش رسیده بود.

در تهران و شهرهای اطراف با وجود شنیده شدن صدای مجموعه‌ای از انفجار اما پیش از حملات صدای پرواز هواپیماهای جنگنده یا شلیک پدافند شنیده نشد. این وضعیت احتمال هدف‌گیری نقاط از دوردست را تقویت کرده است. برخی منابع محلی ویدیوهایی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته‌اند که نشان می‌دهد ماشین‌های آتش‌نشانی و آمبولانس به سمت پایگاه‌های نظامی در حرکت‌اند.

با اینکه خبرگزاری‌های حکومتی مدعی شدند که پروازها در فرودگاه‌های ایران لغو نشده اما ویدیوهایی منتشر شده که نشان می‌دهد از جمله در فرودگاه «خمینی» تهران پروازها لغو شده و مسافران را از داخل یک هواپیما تخلیه می‌کنند.

یکی از اهدافی که مورد اصابت موشک قرار گرفت سایت پدافندی نزدیک قبر روح‌الله خمینی در جنوب تهران است. دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل در یک پیام ویدیویی اعلام کرد، ارتش اسرائیل به اهداف نظامی در ایران حمله کرده است. این مقام نظامی توضیح داد، «در پاسخ به ماه‌ها حملات مستمر رژیم ایران علیه اسرائیل، در حال حاضر نیروهای دفاعی اسرائیل حملات دقیقی را به اهداف نظامی در ایران انجام می‌دهند. رژیم ایران و دستیارانش در منطقه از هفتم اکتبر بطور بی‌امان (در هفت

● اسرائیل به تلافی حمله موشکی جمهوری اسلامی، بامداد شنبه ۲۶ اکتبر (پنجم آبان‌ماه) در چند مرحله چندین پایگاه نظامی و سایت موشکی در ایران متعلق به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف حمله قرار داده است.

● در این حملات هدفمند حدود ۲۰ نقطه مورد اصابت قرار گرفت. عمده نقاطی که هدف قرار داده شدند تأسیسات نظامی و پایگاه‌های اطراف تهران حوالی شهریار (ملارد)، کرج، قلعه‌حسن‌خان، باقرآباد ورامین و جاده قم بود. در شرق تهران حوالی پارچین نیز صدای چند انفجار مهیب به گوش اهالی رسید.

● در مشهد، زنجان، همدان، کرمانشاه، اهواز و شیراز نیز صدای انفجارهایی از حومه شهر به گوش رسید.

● در تهران و شهرهای اطراف با وجود شنیده شدن صدای مجموعه‌ای از انفجارها اما پیش از حملات صدای پرواز هواپیماهای جنگنده یا شلیک پدافند شنیده نشد. این وضعیت احتمال هدف‌گیری نقاط از دوردست را تقویت کرده است.

● دانیال هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل در یک پیام ویدیویی اعلام کرد، ارتش اسرائیل به اهداف نظامی در ایران حمله کرد.

● با فاصله حدود سه ساعت موج دوم این حملات آغاز شد. شهروندان در تهران صدای چندین انفجار مهیب را شنیدند با اینهمه اما رسانه‌های داخلی تا لحظه تنظیم این گزارش در سکوت بودند و صرفاً خبر وقوع چند انفجار را تأیید کردند.

● دست‌کم در ۱۰ شهر ایران نقاط مختلف مورد اصابت قرار گرفته و مردم انفجارهای مهیب را دیدند یا شنیدند، اما در هیچ کدام از این نقاط پیش از حملات صدای آژیر خطر شنیده نشد.

اسرائیل به تلافی حمله موشکی جمهوری اسلامی، بامداد

رویترز: در حمله تلافی جویانه اسرائیل تأسیسات ترکیب سوخت موشک بالستیک در پارچین و خُجیر هدف قرار گرفتند



تصاویر ماهواره‌ای شرکت Planet Labs

موشک‌های بالستیک استفاده می‌شد، آسیب وارد کرده است.

وی توضیح می‌دهد این ساختمان‌ها حدود ۳۲۰ متر از تأسیساتی که زمانی بنا بر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، به عنوان بخشی از یک برنامه جامع توسعه سلاح‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی شناخته می‌شدند فاصله دارند.

اسرائیل اعلام کرده است ساختمان‌هایی را که در آنها دستگاه‌های مخلوط‌کننده سوخت جامد نگهداری می‌شد، هدف قرار داده است. اولت توضیح داد، «این مخلوط‌کن‌های صنعتی مراحل تولید پیچیده‌ای دارند و واردات آنها تحت کنترل شدید است. تهران طی سال‌ها بسیاری از این دستگاه‌ها را با هزینه گزاف وارد کرده و احتمالاً جایگزین کردن آنها دشوار خواهد بود.»

این محقق همچنین گفته است که اسرائیل با این عملیات محدود، ضربه بزرگی به توانایی جمهوری اسلامی ایران در تولید انبوه موشک‌ها وارد کرده و حمله موشکی احتمالی آینده جمهوری اسلامی علیه اسرائیل را برای نفوذ به سامانه‌های دفاعی موشکی اسرائیل دشوارتر کرده است. او افزود: «به نظر می‌رسد که این حملات بسیار دقیق بوده‌اند.»

تصاویر «پلانت لبز» که اوایل امسال توسط ایولت و جفری لوبیس از مؤسسه مطالعات بین‌المللی مونتری بررسی شده بودند، نشان می‌داد که خُجیر و مجتمع نظامی «مدرس» در نزدیکی تهران، به منظور افزایش تولید موشک به صورت گسترده‌ای توسعه یافته‌اند. به گزارش رویترز، سه مقام ارشد جمهوری اسلامی این ارزیابی‌ها را تأیید کرده‌اند.

ایولت تأکید کرد: «اسرائیل اعلام کرده است ساختمان‌هایی را که در آنها دستگاه‌های مخلوط‌کننده سوخت جامد نگهداری می‌شد، هدف قرار داده است. این مخلوط‌کن‌های صنعتی مراحل تولید پیچیده‌ای دارند و واردات آنها تحت حفاظت شدید قرار دارد.»

واشنگتن بر اساس تصاویر ماهواره‌ای تجاری به ارزیابی آثار تخریبی حملات اسرائیل به تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی پرداختند.

آنها می‌گویند تأسیساتی که هدف قرار گرفتند برای ترکیب سوخت جامد موشک‌های بالستیک استفاده می‌شدند. از مراکزی که مورد اصابت قرار گرفتند، یکی مجتمع نظامی پارچین و دیگری سایت تولید موشک خُجیر در شرق تهران (جاده سمنان) پایین منطقه سرخه حصار است.

طی سال‌های اخیر بارها در مورد توسعه فعالیت‌های اتمی-موشکی جمهوری اسلامی در سایت خُجیر گزارش‌هایی منتشر شد. دکر ایولت می‌گوید، حملات اسرائیل ممکن است بطور قابل توجهی توانایی جمهوری اسلامی ایران برای تولید انبوه موشک‌ها را مختل کرده باشد.

وی بر اساس تصاویر شرکت ماهواره‌ای تجاری «پلانت لبز» استدلال کرد اسرائیل دو ساختمان در خُجیر را که برای تهیه سوخت جامد موشک‌های بالستیک استفاده می‌شد، منهدم کرده است.

این ساختمان‌ها توسط خاکریزهای بلندی که معمولاً در سایت‌های تولید موشک برای جلوگیری از گسترش انفجار احتمالی به سایر ساختمان‌ها ساخته می‌شوند، احاطه شده بودند.

بنا بر تصاویر ماهواره‌ای «پلانت لبز» از پارچین، اسرائیل سه ساختمانی را که برای ترکیب و تولید سوخت جامد موشک‌های بالستیک استفاده می‌شدند و همچنین یک انبار را منهدم کرده است.

برخی منابع از جمله «ایننتلی تایمز» گزارش داد تأسیساتی که در شرق تهران مورد اصابت قرار گرفته شده‌اند محل استقرار میکسرها یا مخلوط‌کن‌های صنعتی ترکیب سوخت موتورهای بالستیک بودند که برای تولید سوخت جامد استفاده می‌شوند.

آلبرایت نیز می‌گوید حمله اسرائیل به سه ساختمان، از جمله دو ساختمانی که برای ترکیب سوخت جامد

دیوید آلبرایت بازرس پیشین تسلیحات سازمان ملل و دکر ایولت تحلیلگر پژوهشی وابسته در CNA در اندیشکده واشنگتن بر اساس تصاویر ماهواره‌ای تجاری در گفتگو با رویترز به ارزیابی آثار تخریبی حملات اسرائیل به تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی پرداختند.

آلبرایت توضیح داد حمله اسرائیل به سه ساختمان، از جمله دو ساختمانی که برای ترکیب سوخت جامد موشک‌های بالستیک استفاده می‌شد، آسیب وارد کرده است. این ساختمان‌ها حدود ۳۲۰ متر از تأسیساتی مرتبط با توسعه سلاح‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی فاصله دارند.

دکر ایولت می‌گوید، اسرائیل با این عملیات محدود، ضربه بزرگی به توانایی جمهوری اسلامی ایران در تولید انبوه موشک‌ها وارد کرده و حمله موشکی احتمالی آینده جمهوری اسلامی به اسرائیل را برای نفوذ به سامانه‌های دفاعی موشکی اسرائیل دشوارتر کرده است. او افزود: «به نظر می‌رسد که این حملات بسیار دقیق بوده‌اند.»

برخی منابع از جمله «ایننتلی تایمز» نیز گزارش دادند تأسیساتی که در شرق تهران مورد اصابت قرار گرفته شد محل استقرار میکسرها یا مخلوط‌کن‌های صنعتی ترکیب سوخت موتورهای بالستیک بودند که برای تولید سوخت جامد استفاده می‌شود.

خبرگزاری رویترز شنبه ۲۶ اکتبر (پنجم آبان‌ماه) به نقل از یک محقق آمریکایی گزارش داد که در حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی با عنوان عملیات «روزهای پاسخ»، ساختمانی که بخشی از برنامه توسعه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی در آنجا مستقر بود هدف قرار گرفت. یک پژوهشگر دیگر نیز گفت که تأسیساتی که برای مخلوط کردن سوخت جامد برای موشک‌ها استفاده می‌شود مورد اصابت قرار گرفته است.

دیوید آلبرایت بازرس پیشین تسلیحات سازمان ملل و دکر ایولت تحلیلگر پژوهشی وابسته در CNA در اندیشکده

کورش و مدیریت تغییر

● کورش یک رهبر متفاوت بوده است که استراتژی‌های تغییر هوشمندانه‌ای را برای ساختن امپراتوری خود اجرا کرد که مردم متحد در صدر آن قرار دارند.

الن بستاکیان - کورش بزرگ یکی از بزرگترین پادشاهان تاریخ ایران و بنیانگذار امپراتوری هخامنشی است. او به دلیل توانایی‌های مدیریتی و نوآوری‌های خود در تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شناخته می‌شود. در این نوشته کوتاه، نتیجه تحقیقی را که اخیراً انجام داده‌ام را به اختصار توضیح می‌دهم. در این پروژه، از مشاوره تخصصی «ندا» از ایران دارای دکترا و سوابق پژوهشی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران پارسی برخوردار بودم، و همچنین از ترجمه منشور کورش توسط دکتر شاهرخ رزمجو مترجم رسمی موزه بریتانیا استفاده کرده‌ام و سپس تغییراتی را که کورش برای شکل دادن و حفظ امپراتوری خود انجام داده، از لنز مدیریت تغییر (تخصص خودم) تحلیل کرده‌ام. کورش تغییرات بزرگی در ایران باستان ایجاد کرد که این سرزمین پهناور را به یکی از بزرگترین و پیشرفته‌ترین امپراتوری‌های زمان خود تبدیل نمود و تأثیرات عمیقی بر تاریخ گذاشت.

پیش از کورش، شرایط در ایران و دیگر مناطق تحت کنترل او به گونه‌ای بود که تفاوت‌های قابل توجهی با تغییراتی که کورش ایجاد کرد، داشت. به همین دلیل من از دید تخصصی مدیریت تغییر، کار سترگ او را در رده Highly Impactful and transformational changes (تغییرات بسیار مؤثر و متحول‌کننده) ارزیابی می‌کنم:

کورش یک امپراتوری گسترده و چندملیتی بنا نهاد. او با مدیریت هوشمندانه، قلمروهای مختلفی را تحت کنترل درآورد و آنها را با رعایت فرهنگ محلی و بومی اداره کرد.

حقوق بشر یکی از دستاوردهای کورش بود. او آزادی فرهنگی را به تمامی مردمان تحت حکومت خود اعطا کرد و بر رعایت حقوق انسان‌ها تأکید داشت. ادیان مختلف اجازه داشتند در آزادی دین خود را داشته باشند و آیین و مناسک خود را اجرا کنند. کمک او به بازگشت یهودیان به سرزمین خود و بازسازی معبدشان یکی از نمونه‌های برجسته در مدارای مذهبی اوست.

او ساختار مدیریتی منسجم و سیستم اداری و حکومتی منظمی ایجاد کرد. با ایجاد ساختارهای متکی به استانداردهای واحد در سرتاسر امپراتوری، توانست حکومتی کارآمد برپا کند. او استان‌هایی را ایجاد کرد که هر کدام توسط فرمانداران اداره می‌شدند. ایجاد یک سیستم اداری و اقتصادی واحد در یک امپراتوری وسیع و چندملیتی کار آسانی نبود. کورش باید توان مدیریتی و اداری بالایی به کار می‌گرفت تا بتواند این ساختارها را ایجاد و حفظ کند. هر منطقه قوانین، مالیات‌ها و سیستم اداری خاص خود را داشت و هماهنگ کردن آنها با سیستم مرکزی یک چالش بزرگ به شمار می‌رفت.

او به توسعه ارتباطات با بنیانگذاری جاده‌های شاهراه کمک کرد. این جاده‌ها نه تنها برای انتقال نیروها، بلکه برای افزایش تجارت و تبادل فرهنگی نیز استفاده می‌شدند و بسیار مهم بودند. کورش ثبات اجتماعی و فرهنگی آورد. مهاجرت و جابجایی آرام مردمان را آزاد کرد. برخلاف بسیاری از فاتحان دوران قدیم که مردم مغلوب را به اسارت می‌بردند، کورش به مردم اجازه می‌داد در سرزمین‌های خود بمانند یا به مناطق اولیه خود بازگردند. این باعث ثبات اجتماعی و فرهنگی در امپراتوری شد. پیش از کورش، ایران از چندین پادشاهی تشکیل شده بود، و این حکومت‌ها اغلب بطور جداگانه از هم عمل می‌کردند و وحدت سیاسی بین آنها وجود نداشت. او وحدت سیاسی را



کورش در شکارگاه، کاخ ورسای پاریس، نقاشی از کلود آدران دوم

سرزمین را تحقق بخشید. قبل از کورش، سیستم‌های اداری و حکومتی در امپراتوری‌ها و پادشاهی‌های مختلف، بطور متمرکز و منظم وجود نداشت. و این موضوع باعث بی‌نظمی در اداره و مدیریت مناطق می‌شد. او نظام اداری واحد بنا نهاد.

او در مدیریت چالش‌ها و مخالفت‌ها موفق بود. تغییرات بزرگی که کورش در مناطق تحت کنترل خود ایجاد کرد، به هیچ وجه ساده نبودند و او با چالش‌ها و مخالفت‌های متعددی مواجه شد. به ویژه وقتی او تلاش می‌کرد امپراتوری چندملیتی و منسجم خود را بسازد، برخی از گروه‌ها و پادشاهی‌های محلی با او مخالفت می‌کردند. مخالفت‌های درونی در امپراتوری هم وجود داشت. حتی پس از فتح و ادغام این پادشاهی‌ها در امپراتوری هخامنشی، برخی از فرمانداران محلی و گروه‌های قدرت‌طلب با سیاست‌های کورش مخالفت می‌کردند. برخی از آنها به ساختار اداری و حکومتی جدید کورش یا به مدارای مذهبی او اعتراض داشتند.

مخالفت مذهبی و فرهنگی هم وجود داشت. در برخی مناطق تحت حکومت کورش، گروه‌های مذهبی و فرهنگی که به شدت به دین و رسوم محلی خود پایبند بودند و تغییرات اجتماعی و فرهنگی را که کورش ایجاد کرد، تهدیدی علیه خود ارزیابی می‌کردند، با او مخالف بودند.

ایجاد حکومت منسجم در عین مقاومت پادشاهی‌های رقیب، از دستاوردهای او بود. کورش برای ایجاد امپراتوری خود، ابتدا باید با پادشاهی‌های قوی و پر قدرت مقابله می‌کرد. او محبوبیت و اعتماد مردم را به دست آورد. کورش با ترکیبی از سیاست‌های هوشمندانه، روش‌های دیپلماتیک و نظامی موفق شد. او نه تنها از قدرت نظامی خود بهره برد، بلکه با مدارا و رعایت فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، توانست محبوبیت و اعتماد مردم مناطق مختلف را به دست آورد و امپراتوری‌اش را پایدار کند. استفاده از دیپلماسی بجای زور از کارهای برجسته کورش بود. وی در بسیاری از فتوحات خود بجای تکیه بر قدرت نظامی، از دیپلماسی و مذاکره بهره گرفت. او توانست بدون جنگ‌های خونین، مناطق وسیعی را به قلمرو خود اضافه کند و به مردم احترام بگذارد.

تاثیرگذاری اتباع در تصمیم‌گیری مورد ارزشمند دیگری از سیاست او بود. اعطای آزادی به اتباع و زیردستان در زمان او اتفاق افتاد. در نبردها نظر سپاهیان برای او مهم و در تصمیم‌گیری‌هاش تاثیرگذار بود. او با پذیرفتن غیرخودی (هم در زمینه‌ی باورها و عقاید و هم حکومت) به موفقیت مدیریت خود کمک کرد. این شاید همان چیزی باشد که در ادبیات امروز به آن تساهل و تسامح و مدارا گفته می‌شود. در زمینه مدیریت بحران، کورش در بحران‌های داخلی و خارجی با درایت و شجاعت تصمیم‌گیری می‌کرد. او توانست چالش‌های بسیاری را با استفاده از تدابیر خردمندانه و احترام به مردم و سربازان خود حل کند. کورش به بیان شفاف سیاست‌ها و اهداف خود معروف بود. «استوانه کورش» یا منشور معروف او اغلب به عنوان اولین اعلامیه حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود که سیاست‌های او را به شیوه‌ای شفاف ترسیم می‌کند. در نمودار زیر ارتباط مواردی که در بالا یاد شد با استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مدیریت تغییر نشان داده می‌شود:

بطور کلی، یک نکته مهم را در این روابط متوجه شده‌ام. او از استراتژی‌های زیادی برای متحد کردن مردم و بخش‌هایی از امپراتوری خود استفاده کرده است. در گرافیک بالا می‌بینید که برخی از کارهایی را که او انجام داده با مربع‌های نقطه‌چین سفید مشخص کرده‌ام. اینها کارهایی هستند که او برای ائتلاف، همبستگی و حمایت حداکثری انجام داده است. در این پروژه، سپس ارزش‌ها و اصول مدیریت تغییر گنجانده شده در منشور کورش بزرگ را بررسی کردم. کلمات کلیدی که در متن منشور پیدا کردم و مربوط به مدیریت تغییر هستند در سمت چپ گرافیک زیر دیده می‌شوند: با توجه به محتوای آنها، آنچه در سمت راست گرافیک بالا قرار داده‌ام نشان می‌دهد که برخی ارزش‌ها و اصولی که ما در تخصص مدیریت تغییر داریم، مستقیماً یا غیرمستقیماً در منشور کورش آمده است. در نهایت می‌خواهم بگویم که کورش یک رهبر متفاوت بوده است که استراتژی‌های تغییر هوشمندانه‌ای را برای ساختن امپراتوری خود اجرا کرد که مردم متحد در صدر آن قرار دارند.

*دکتر الن بستاکیان مدیر ارشد تخصص مدیریت تغییر در انجمن جهانی متخصصین مدیریت تغییر، عضو کنونی هیئت هماهنگی اندیشکده ققنوس، مشاور ایران‌سانس و موسس اندیشکده مدیریت هوشمند تغییر برای حقوق بشر در کانادا

بوی ایران!

کیهان لندن شماره ۱۱۰۴ اردیبهشت ۱۳۸۵

خبراندیش (احمد احرار)

با نشر



شیرین عبادی



محمود احمدی نژاد



بانو مرضیه

روزنامه «شرق» چاپ تهران، مقاله‌ای از خانم شیرین عبادی به چاپ رسانده است.

برندهٔ جایزه صلح نوبل، زیر عنوان «ایران» می‌نویسد: «در مسافرت اخیر خود به ایالات متحده برای تدریس دوره‌های ایرانشناسی در دو دانشگاه آمریکا، شاهد نوعی فضای تبلیغاتی ضد ایرانی در سطح رسانه‌های گروهی بودم... نکته قابل توجه آن که علی‌رغم این قبیل فضا سازیهای سیاسی (!) نسل جدید ایرانیان مقیم آمریکا، حساسیت و علاقه خود را نسبت به سرزمین مادری حفظ کرده‌اند... و آموزنده‌تر آن که بسیاری از اعضای نسل جدید ایرانیان مقیم آمریکا، حتی در جهت حفظ و گسترش فرهنگ ایرانی، سرمایه‌گذاریهای قابل توجهی را نیز به انجام رسانیده‌اند. از آن میان می‌توان به جوان سی و چند ساله‌ای اشاره کرد که از راه فروش اختراع خود ثروتی ۶۰۰ میلیون دلاری به هم زده و از آن طریق، مبلغ هنگفتی به رشته ایرانشناسی در دانشگاه UC Ervine کمک کرده، یا به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به جوان میلیاردر ایرانی اشاره کرد که ۱۰۰ میلیون دلار به تأسیس بنیادی خیریه اختصاص داده که یکی از کارکردهای آن کمک به مطالعات ایرانشناسی است».

و در همین حال، عکسها و خبرهای مربوط به محمود احمدی‌نژاد و پرونده هسته‌ای و تیم جدید حکومتگران ایران هر صبح و عصر، در همه جا، از این سر تا آن سر جهان، در روزنامه‌ها جلب نظر می‌کند.

محمود احمدی‌نژاد چهرهٔ شاخص ایران انقلابی است. ایرانی که از شمال به دریای خزر و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شود. او برای آن که متعلق به همهٔ ایرانیان باشد، یک جا نمی‌ماند. از این شهر به آن شهر می‌رود و جمعیت، با دیدش فریاد می‌کشد: صل علی محمد - بوی رجائی آمد احمدی‌نژاد بوی رجائی می‌دهد. رجائی بوی انقلاب می‌داد... مانده‌ام حیران: بوی «ایران» را کجا باید شنید: در المپیا پاریس؟ در بورس بین‌المللی؟ در آمریکایی که خانم عبادی وصف می‌کند یا آنجا که احمدی‌نژاد سخن می‌راند و آیت‌الله جنتی منبر می‌رود و «آهنگران» نوحه می‌خواند و فرماندهان ارتش و سپاه سینه می‌زنند؟

سن و سال پذیرا شود. مرضیه هشتاد و دو سال دارد ولی صدای او از چهل سال پیش تغییر نکرده است. این را ام‌کلثوم ایرانی با صدایی که توسط ارکستر بزرگ اپرای پاریس، مرکب از ۵۲ نوازنده فرانسوی، همراهی می‌شود اثبات می‌کند».

چند روز بعد، در روزنامه عصر پاریس «لوموند» عکسی از یک ایرانی دیگر، در کنار دو شخصیت صاحب‌نام اقتصادی و بازرگانی فرانسه - نسان بولوره و آلن دو بوزیاک - نظرم را جلب می‌کند. عکسی که در جلسه پر غوغای مجمع عمومی «هاواس» در سال ۲۰۰۵ گرفته شده است. لوموند، با اشاره به موفقیت این «بیزنسن سرارآمیز ایرانی» در آن ماجرا و غلبه بر رقیب نیرومندی که برای حفظ اقتدار خود در Havas با چنگ و دندان می‌جنگید، نوشته است «امیر جهانشاهی این بار برای تسلط بر ویواندی اونیورسال کمین کرده است» آنگاه می‌پرسد «کیست این ایرانی سرارآمیز که با سرمایه سیاستین هالندینگ، گروه سرمایه‌گذاری آلکساندریوک روژی وارد چنین مبارزهٔ بزرگی شده و V.U. را در برابر یک معما قرار داده است؟» و خود پاسخ می‌دهد: مردی ۴۵ ساله، مؤدب، خوش برخورد و در عین حال مقید به پرنسپ دیرینهٔ کارگزاران دنیای اقتصاد و تجارت: پنهان زیستن! او که یک پا در انگلستان دارد، یک پا در اسپانیا و هر بار به پاریس می‌آید در سویت مشخصی در یکی از هتلهای اشرافی نزدیک شانزه‌لیزه اقامت می‌کند، اهل جار و جنجال و مطرح کردن خود نیست. از زمان انقلاب به این سو، به‌عنوان پناهندهٔ سیاسی در خارج از ایران زندگی می‌کند و علاقهٔ او به دست یافتن بر هاواس یا ویواندی اونیورسال شاید علی‌الخصوص به انگیزه یک اعتقاد درونی باشد که عنوان کتابی که چندی قبل به‌زبان فرانسه انتشار داد منعکس‌کنندهٔ آن است: «غلبه بر سومین خودکامگی». تشکیلاتی چون ویواندی و هاواس با امکانات وسیعشان در زمینه وسایل نشر و تبلیغ بی‌شک می‌توانند این ایرانی عقیده‌مند به مغلوب ساختن رادیکالیسم مذهبی را - که معتقد است بعد از فاشیسم و کمونیسم، سومین خطر بزرگ برای جامعه باز محسوب می‌شود - برای رسیدن به هدف آرمانش یاری دهند.

دو سالی از «انقلاب شکوهمند» می‌گذشت. دکتر امینی می‌خواست «جبهه نجات» را اعلام کند. جلسه‌ای در سالن یکی از هتلهای نزدیک شانزه‌لیزه تشکیل شده بود که علاوه بر روزنامه‌نگاران، عده‌ای از ایرانیان اسم و رسم‌دار مقیم پاریس در آنجا حضور داشتند. جلسه که تمام شد یکی از مقاطعه‌کاران مشهور که اموالش در ایران مصادره شده و مارک «ضد انقلاب» بر پیشانی‌اش نقش بسته بود تنی چند از دوستان را به صرف شام در رستورانی دعوت کرد. اول رفتیم به آپارتمان مجلل او در نزدیکی «پورت مایو» از محلات اعیان‌نشین پاریس، نشستیم به گپ زدن. شور بازگشت هنوز در سرها باقی بود. طبعاً چند کلمه‌ای حرفهای سیاسی به میان آمد و بعد، تا آخر شب، بحثها رفت به طرف بازار بورس و قیمت طلا و سرمایه‌گذاری و خرید و فروش املاک که من با الفبای آن بیگانه بودم و طبعاً خود را در جمع آنها زینب زیادی حس می‌کردم.

نزدیک نیمه‌شب، برای بازگشت به خانه، از پله‌های نزدیکترین ایستگاه «مترو» پائین رفتیم. غیر از من، جز چند جوان که بلندبلند به‌زبان فارسی حرف می‌زدند، کسی در انتظار رسیدن قطار نبود. جر و بحثشان صد در صد سیاسی بود و همراه با ادبیات شورانگیز انقلابی. در همان حال یکی از آنها شعارهای انقلابی به دیوار می‌نوشت. من که با «ضد انقلاب» شام خورده بودم حالا می‌بایستی با «انقلابیون» سوار یک قطار بشوم. در طول راه آنها همچنان از انقلاب و جامعه انقلابی حرف می‌زدند. زبانشان را می‌فهمیدم و حرفهایشان را نه!

مانده بودم متحیر. دوپارگی وطنم را در یک شب، و در پنج هزار کیلومتری ایران به چشم می‌دیدم. از خود می‌پرسیدم جای من کجاست؟

از آن شب، یک ربع قرن می‌گذرد. «مرضیه» در المپیا پاریس کنسرت گذاشته است. «فیگارو» روزنامه صبح پاریس عکسی از او چاپ کرده، همراه با گزارشی که در آن آمده است «او دوشنبه هفدهم آوریل در Olympia پراعتبارترین موزیک‌هال پاریس آواز می‌خواند. به‌ندرت ممکن است المپیا خواننده‌ای را در این

رنجیدگی شاه از سازمان زنان توسط نخست وزیر به من ابلاغ شد

بارش

نخست وزیر گفت اعلیحضرت فرموده اند به افخمی بگو سازمان زنان پیشیزی ارزش ندارد

پادشاه در مسائلی که با حساسیتهای مذهبی برخورد داشت خود را درگیر نقطه نظرهای ما نمی کرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهرماه تا بهمن ماه ۱۳۸۲ - شماره ۹۹۰ - ۹۷۶)



جامعه، دولت و جنبش زنان
(بخش ۹)

خاطرات مهناز افخمی
ناشر: بنیاد مطالعات ایران

«جامعه، دولت و جنبش زنان ایران» عنوان خاطرات مهناز افخمی است؛ چهارمین دبیرکل سازمان زنان و اولین وزیرمشاور در امور زنان که در دولت هویدا و دولت آموزگار عضویت داشت. مهناز افخمی «امیرابراهیمی» پس از آنکه تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در آمریکا به پایان رساند در ۲۶ سالگی به ایران بازگشت و در دانشگاه ملی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۷ او به سازمان زنان پیوست و در سال ۱۳۵۰ دبیرکل سازمان شد. درین بخش از خاطرات مهناز افخمی، او از چگونگی انتخاب شدن به دبیرکلی و مسائلی که در این مقام با آنها روبرو بود سخن می گوید. یادآور می شویم که خاطرات مهناز افخمی براساس مصاحبه وی با خانم فرشته نورانی تدوین شده و از سوی بنیاد مطالعات ایران انتشار یافته است.

سیاسی می کردند به گونه ای ملموس و بطرزی که صاحب نفوذ و صاحب اثر باشند. در ایران موفق نبودند. ما دو حزب داشتیم به نام ایران نوین و مردم و مشکل بود تفاوت بین این دو حزب را کسی تشخیص بدهد. حزب مردم جرات نمی کرد با حزب ایران نوین به هیچ وجهی روبرو شود. برای اینکه حزب ایران نوین خودش را در قالب دولت مشخص کرده بود و دولت را هم مشخص کرده بود به عنوان نماینده رای اجرایی شاه و در نتیجه هر مخالفتی که با حزب ایران نوین عنوان میشد به صورت مخالفت با شخص شاه تعبیر میشد. در نتیجه طوری شده بود که بحث و تبادل نظر و انتقاد درباره قوه اجرایی راهی برای نشان دادن خودش نداشت. ولی البته راهی که رستخیز به وجود آورد. راهی ناموفق بود و از اول واضح بود که یک چنین فکری نمی تواند آن منظور را عملی کند مگر آنکه رستخیز به صورت یک نهضت یا جنبش مطرح می شد که در داخل آن احزاب به وجود بیاید و یا لاقلاً آن چیزی که بعدها مطرح شد که جناحها بودند که قرار بود این جناحها تفاوت نظر و تفاوت سلیقه را شکل بدهند که این جناحها نیز خیلی زود مثل حزب ایران نوین و حزب مردم به قدری شبیه هم شدند که آنها هم دیگر اثر خاصی نداشتند.

آیا همه تصمیم ها را شاه می گرفت؟

● در این سالهای آخر چنین استنباط میشد که همه کارها به شخص شاه منتهی می شد. او بود که تصمیم گیرنده بود، او بود که دستور می داد و اگر مسأله ای در هیأت وزیران مطرح می شد باید دستورش از طریق هویدا از دربار بیاید؛ شما که خودتان در جریان کار بودید. این وضع را چگونه می دیدید؟

- من به نظرم می رسد که نداشتن سازمانهای سیاسی و اجتماعی موثر و با سابقه در مملکت باعث شده بود که وضع به صورتی که پیش آمد درآید. وضع به نظر من چنان وضعی بود. مثل اینکه برنامه ای بود که از هر کسی رفع مسئولیت شود به خاطر اینکه این تصویر به مردم داده شود که شاه در مورد هر چیزی تصمیم میگیرد و با شاه هم نمی شود مخالفت کرد. بنابر این وضع همین طور هست که هست. در واقع به هیچ وجه اینطور نبود. یعنی وزراء در زمینه مسئولیتهای خودشان اختیار داشتند که آنچه می خواهند انجام دهند. من خودم به عنوان کسی که نزدیک به سه سال در رابطه

گذشته بود. یعنی همزمان با توسعه برنامه های اقتصادی در حقیقت میبایستی برنامههایی برای تشکیل سیاسی نیز مطرح و اجرا شود.

● ولی این طوری که شما می گوئید. مثل این است که همه این چیزها باید از بالا شروع می شد و به اصطلاح همه چیز باید فرمایشی می شد؟
- نهی دانم منظورتان چیست؟

● منظورم این است که میگوئید فعالیتهای اقتصادی در مملکت بجایی رسیده بود که لازم بود فعالیتهای سیاسی در تجهیز مردم به وجود آید. آیا خود مردم نیستند که باید تصمیم می گرفتند؟ و باید برایشان تصمیم گرفته می شد؟
- «مردم» وقتی از نظر سیاسی معنا پیدا میکند که راهی برای تشخیص و تعیین اراده اش وجود داشته باشد و این مساله ای است که واقعا به آن رسیدگی نشده بود. از نظر خود شاه مسأله این بود که رفاه اقتصادی بایستی به وجود آید و زیربنای اقتصادی باید قوی شود و آموزش گسترش پیدا کند. تا در یک مرحله آن وقت به مسائل سیاسی برسیم در حقیقت در سطح بالای مملکتی پذیرفته شده بود که اول بایستی به مسائل اولیه پرداخت و مسائل اولیه مسائل روزمره اقتصادی مردم است. ولی این اشتباه بود و اگر همزمان با این برنامه های اقتصادی به مسائل سیاسی نیز پرداخته شده بود و تشکیلات زیربنایی برای مشارکت و تشخیص اراده مردم به وجود آمده بود. آن وقت آسان می شد از چنین انفجاری که در سال ۱۹۷۹ به وجود آمد جلوگیری شود. اگر برگردیم و مسائل مربوط به این انفجار را مطالعه کنیم می بینیم یکی از دلایل آن این بود که راه مؤثری وجود نداشت که مردم بتوانند اراده خودشان را به دستگاه دولت و دستگاه رهبری

مملکت نشان بدهند و اثر بگذارند روی آنچه که برایشان اتفاق می افتاد.

● یعنی این طور میگوئید شما که عضو دستگاه دولت بودید و یا تمام اعضای دولت ارتباطی با مردم نداشتند؟

- منظور من این است که در هر مملکتی ممکن است ارتباط مثل ارتباطی که من در چهارچوب سازمان زنان با مردم و با نیازهای خاص زنان داشتم وجود داشته باشد. اگر ارتباط دیگری بود و یا دستگاههای دیگری در ارتباط با مردم وجود داشت مسلماً وضعیت فرق میکرد. حرف من این است که سازمانها دستگاهها و گروههایی که فعالیت

● آیا این فکر خود شاه بود؟

- ما از خود شاه و از طریق وسائل ارتباط جمعی شنیدیم ولی چه کسی آنرا پیشنهاد کرده بود. نمی دانم. اولین باری که من درباره آن شنیدم در ماه مارس ۱۹۷۵ بود. ما برای شرکت در کمیته خاص مشورتی مربوط به سال زن توسط سازمان ملل به نیویورک دعوت شده بودیم در کمیته تلکس نمایندگی به ما اطلاع داد که احزاب منحل شده و یک حزب این چنینی به وجود آمده بعدها شنیدم که آقای مجیدی که در زمستان آن سال یعنی در ماه اسفند برای ارائه طرح بودجه به سن موریتس رفته بود. چون اعلیحضرت آن زمان در سن موریتس بودند. او شنیده بود که ایشان خیال دارند چنین برنامه ای را اجرا کنند. این مطلب را هم من در قالب برنامه تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران که آقای مجیدی مطرح کردند شنیدم این تنها خبر دست اولی است. که در این باره شنیدم که او از شخص شاه شنیده بود. ولی آیا چه کسی در این مورد تأثیر داشته نمیدانم هویدا در جریان نبود جمشید آموزگار در جریان نبود خود مجیدی در جریان نبود آیا کسی دیگر و یا گروه دیگری بودند معلوم نیست.

● گروه دانشگاهی که اشاره کردید آیا به فکر این بودند که تغییراتی از نظر سازمان سیاسی مملکت بدهند؟

- همانطور که گفتم آنها روی طرحی کار می کردند به نام طرح تجهیز ملت ایران و این طرح در حقیقت طرحی ابتدایی بود و خطوط کلی برنامه ای را مطرح میکرد برای اینکه راهی پیدا شود که مردم بتوانند در تصمیم گیریهای مربوط به زندگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی خودشان مشارکت کنند.

● این فکر را چه شخصی به این گروه اساتید داده بود. از خودشان بود یا از دربار بود؟

- نه این چیزی بود که اینها دور خودشان جمع می شدند که صحبت کنند و فکرها را شکل بدهند. و راههایی پیدا کنند. البته وقتی فکرها در این سطح مطرح می شد و افراد افراد سرشناسی بودند سعی می کردند. این فکر را از طریق نخست وزیر یا از طریق دیگری به شاه برسانند و نظر او را جلب کنند. طرح تجهیز ملت ایران قرار بود جوابگوی مساله مشارکت سیاسی و تشکیل سازمانها و مؤسساتی باشد که بتوانند کمک کنند به اینکه مردم در تصمیم گیری شرکت کنند و عدم تمرکز در برنامه ریزی و اجرا انجام شود. زمان طرح این مساله نه تنها رسیده بود بلکه الان واضح است که

در هر زمینه که با اسلام اصطکاک باشد به هیچ وجه تأیید نمی‌کنند. و این دو مورد تنها مواردی بود که من از ایشان نظر یا پیشنهاد یا دستور خاصی را داشتم.

● **ولی چه عاملی باعث شده بود که هر چه را میخواستند انجام بگیرد می‌گفتند اعلیحضرت فرمودند یا اعلیحضرت می‌خواهند که این طور بشود؟**

- این مسأله ای است که فکر می‌کنم اگر شما آن سازمانهای زیربنایی لازم را نداشته باشید خطرش در هر جایی هست برای اینکه خیلی راحت می‌شود که من مسئولیت را به گردن دیگری بیندازم و بگویم به من مربوط نیست و فلانکس گفته خوب این از شما رفع مسئولیت می‌کند در حالی که شما همه امکانات و امتیازات را هم دارید. در مورد هیأت وزیران در ایران آزادی عمل در چهارچوب وظایف وزارتخانه برای وزیر مربوطه وجود داشت و قدرت و امکانات وجود داشت. ولی مسئولیت در مقابل مردم وجود نداشت. برای اینکه همیشه این طور منعکس میشد که من دارم دستور شاه را اجرا میکنم. در بعضی موارد هم می‌رفتند و تأیید شاه را هم می‌گرفتند که این مسأله در عمل هم صورتی به خودش بگیرد. مثلاً در زمینه فلان برنامه به عرض می‌رسید و گفته میشد که به عرض هم رسیده. فقط برای اینکه بعد کسی دیگر مخالفتش را مطرح نکند. در حالی که تا آنجا که من شاهد بودم، غیر از موارد مربوط به ارتش، سیاست خارجی و نفت و البته در مورد چند برنامه بزرگ اقتصادی، مثل برنامه نیروگاههای اتمی، غیر از اینها شاه در اغلب موارد

نتیجه هیچ تشویقی انجام نشد. پس از چند روز در جلسه ای که مربوط به عمران جنوب تهران بود با نخست وزیر و چند نفر دیگر از مسئولین نشستیم بودیم. پس از اینکه جلسه تمام شد آقای آموزگار که تازه از ملاقات با اعلیحضرت برگشته بود، به من گفت همان برای اینکه پیغامی برایت دارم. بعد از جلسه من ماندم و آقای آموزگار گفت من باید یادداشتم را بیاورم که عین آن را برایت بخوانم. بعد گفت قبل از آن که آنرا بخوانم باید بگویم که من به اعلیحضرت عرض کردم اجازه بدهید آنرا جور دیگری مطرح کنم چون ممکن است افخمی ناراحت شود. اعلیحضرت گفتند نه من می‌خواهم که ناراحت شود. بعد آموزگار یادداشت را برای من خواند که اعلیحضرت فرمودند به افخمی بگو سازمان زنان پیشیزی ارزش ندارد. البته آن زمان این مطلب به نظر خیلی با نیک آمد که اعلیحضرت یک چنین به اصطلاح رنجیدگی از سازمان ما نشان بدهند. ولی باز هم آنرا جدی نگرفتم. خوب این بعدها به من نشان داد که تمام صحبت هایی که در طول آن چند سال من خودم شنیده بودم، اعلیحضرت درباره مارکسیست های اسلامی می‌کردند واقعیت دارد. ولی آن زمان فکر میکردیم مارکسیست های اسلامی ساخته و پرداخته دستگاه امنیتی است برای مغشوش کردن افکار جامعه. آن قدر به نظر عجیب می‌آمد که مارکسیسم را با اسلام تلفیق بدهند که باور نداشتیم چنین گروهی با چنین افکاری وجود دارد. من و هر کسی که با او صحبت میکردم باور نداشت که ممکن است در بین

با یکی از بحث انگیزترین مسائل جامعه در دولت کار میکردم در تمام سه سال نه یک گزارش مستقیم به شاه نوشتم و نه دستور مستقیمی از شاه داشتم نه یک بار در ملاقاتها و مراسم شاه به من دستور و نظر خاصی داد. بعضی اوقات گروه ما سعی می‌کردند که اعلیحضرت را به عنوان یکی از حامیان یک برنامه معرفی کنند و ما اصرار داشتیم که ایشان اشاره و حمایتی از زنان نکنند. برای اینکه فکر میکردیم مسأله مهمی است که نشان داده شود ایشان پشتیبان یک برنامه ای هستند. بعضی اوقات موفق می‌شدیم و بعضی اوقات به هیچوجه.

● **در چه مواردی موفق می‌شدید؟**

- در زمینه هایی که مربوط میشد به مسائل اقتصادی و برنامه ریزی توسعه، پشتیبانی شاه را داشتیم و تصمیم گیرندگان مختلف می‌دیدند که شاه نظر مثبتی در آن زمینه دارد. ولی در خیلی موارد که مربوط به مسائل حساس مذهبی میشد به هیچ وجه ایشان خودشان را درگیر نقطه نظرهای ما نمی‌کردند.

سازمان زنان پیشیزی ارزش ندارد

در یک مورد شاه شخصاً یادداشتی توسط آقای آموزگار برای من فرستادند و یک بار هم در مراسم رسمی در مقابل صف وزیران اعلیحضرت با من راجع به اعتصابی که در دانشگاه شده بود و دانشجویان اسلامی تهدید کرده بودند که دختران و پسران دانشجو نمی‌توانند در یک کافه تریا غذا بخورند یا در یک اتوبوس با هم باشند. صحبت و گله کردند که پس این سازمان زنان که ما سالها سرو صدایش را شنیده ایم و تمام شعارهایش را گوش کردیم و همه اش صحبت از قدرت و نفوذ و آگاهی زنان کرده پس کجا هستند این زنهای آزاده ای که عکس العملی به این طور اعتصابات نشان نمی‌دهند. ولی چیزی که جالب است علتی است که چرا ما به این موضوع عکس العمل نشان نداده بودیم. با اینکه چند بار هم از دستگاههای مختلف سؤال شده بود که آیا سازمان زنان در مقابل آن رویداد عکس العملی دارد یا ندارد. یادم است درست روزی که این اتفاقات افتاده بود، من در آمریکا با وزیر مسکن آمریکا برای تبادل نظر در مورد بازسازی جنوب شهر تهران که در دولت مسئولیتش را داشتم چون او هم درگیر برنامه ای بود مشابه کار ما برای منطقه هارلم در نیویورک، ملاقات میکردم به من خبر دادند که چنین تظاهراتی در دانشگاه تهران شده. عکس العمل اولیه من این بود که این تظاهرات را دستگاه امنیتی برای مفتضح کردن مخالفین پیش آورده و یک چیز ساختگی است. عکس العمل اولیه ام این بود که این حادثه نمی‌تواند واقعی باشد. یعنی احساسی که خیلی از ماها داشتیم این بود که غیر ممکن است در یک محیط دانشگاهی دانشجو آن قدر متعصب و عقب افتاده و کوتاه فکر باشد که فکر کند دختر دانشجو با پسر دانشجو در یک کافه تریا نمی‌توانند بنشینند. پس طبیعتاً این یک چیز ساخته و پرداخته دستگاه امنیتی است. در نتیجه به موضوع عکس العملی نشان ندادیم. در موردی که گفتم اعلیحضرت پس از آنکه در جلوی صف هیأت وزیران ایستادند و این موضوع را مطرح کردند و همیشه توجه جلب می‌شد که ایشان چه میگویند و دیگران میخواستند بدانند بحث درباره چیست. آخرش به مزاح گفتند بلکه چون رهبر در نیویورک بودند، این خانها عکس العملی نشان ندادند و حالا که رهبر در ایران هستند شاید یک اتفاقی بیفتد. بازم با مراجعت رهبر مفلوک به ایران اتفاقی نیفتاد برای اینکه همین طور که گفتم باور نداشتیم و نمی‌خواستیم سازمان را با مسأله‌ای که به نظر ساختگی می‌آمد نکرده و تظاهراتی برای این موضوع درگیر کنم در



نظر خاصی در زمینه انجام کارهای دیگر نداشت. تنها چیزی که مورد نظر ایشان بود، این بود که در پیشرفت کار و انجام برنامه‌ها موفقیت باشد. ولی کدام برنامه به چه نحوی، شاه درگیر این مسائل نبود. حتی در انتخاب وزراء نخست وزیران علاقمند بودند که بگویند شاه تک تک وزراء را انتخاب میکند، چنین نبود. البته نخست وزیران، قدرت می‌گرفتند از این که بگویند همه این چیزها به تأیید اعلیحضرت رسیده. در نتیجه می‌رفتند و یک یک این مسائل را مطرح می‌کردند ولی به نظر نمی‌رسید که شاه نظر خاصی داشته باشد. (دنباله دارد)

افراد روشنفکر دانشگاهی و تحصیلکرده مملکت گروهی باشند که تا این حد فناتیک باشند. همیشه انتظار داشتیم که در بین آخوندها، ملاها و در فلان ده دور دست افکار این گونه تعصب آلود باشد. ولی در محیط دانشگاه و بین روشنفکران اصلاً باور نمی‌کردیم که چنین چیزی هست. بهر حال در تنها زمینه‌ای که من پیشنهاد انتظار یا طرح نظری را از اعلیحضرت داشتم، در این یک زمینه بود و مورد دیگر که در قسمت دیگری از مصاحبه مطرح کردم وقتی بود که در ارتباط با سمینار حقوقی نظر اعلیحضرت به ما این طور توجیه شد، که ایشان

«کانال ۱۳»: کابینه امنیتی اسرائیل طرح یک حمله دیگر به جمهوری اسلامی را بررسی می‌کند



کابینه امنیتی اسرائیل

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به این حمله گفته بود، «فرستادگان جمهوری اسلامی که تلاش کردند نخست‌وزیر نتانیاهو و اعضای خانواده او را ترور کنند، بار دیگر چهره واقعی حکومت ایران و محور شرارتی را که رهبری می‌کند، به نمایش گذاشتند.»

جمهوری اسلامی مسئولیت حمله پهلپادی به اقامتگاه نتانیاهو را نپذیرفت و اعلام کرد «ما نبودیم و کار حزب‌الله بود!»

برخی کارشناسان می‌گویند با توجه به نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بعید است فعلاً اسرائیل دست به اقدام نظامی دیگری علیه جمهوری اسلامی بزند.

پس از حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران، مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند آماده تلافی هستند. حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید کرد، «پیامدهای تلخی در انتظار صهیونیست‌ها است». وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد، «ایران از حق خودش در پاسخ به اسرائیل عدول نخواهد کرد.» این تهدیدها پس از آن انجام شد که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرد باید به اسرائیل قدرت جمهوری اسلامی را «فهماند.»

مقامات آمریکایی تأکید می‌کنند که تمام‌قد در کنار اسرائیل خواهند ایستاد. در همین ارتباط لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل روز دوشنبه ۲۸ اکتبر (هفتم آبان‌ماه) در نشست شورای امنیت هشدار داد، «اگر [رژیم] ایران تصمیم بگیرد اقدامات تهاجمی بیشتری علیه اسرائیل یا پرسنل آمریکایی در منطقه انجام دهد، عواقب شدیدی در پی خواهد داشت. ما در دفاع از خود دریغ نخواهیم کرد.»

در حمله پهلپادی به خانه نتانیاهو پنجره اتاق خواب هدف قرار گرفت اما شیشه‌ها مستحکم بودند و انفجار به داخل نفوذ نکرد. نتانیاهو و همسرش آن زمان در خانه نبودند و کسی آسیب ندید. پس از این حمله بود که برخی منابع اسرائیلی موضوع تلافی این اقدام را با حمله به اقامتگاه رهبران حکومت مطرح کردند.

● اعضای کابینه امنیتی اسرائیل درباره احتمال انجام حمله دیگری به نقاطی در ایران در پاسخ به حمله پهلپادی به اقامتگاه شخصی بنیامین نتانیاهو گفتگو و تبادل نظر کردند.

● بر اساس گزارش «کانال ۱۳» تلویزیون اسرائیل، روز دوشنبه ۲۸ اکتبر (هفتم آبان‌ماه) به وزرای کابینه امنیتی گفته شد که حملات اسرائیل به تأسیسات نظامی در ایران پاسخ حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود نه پاسخ به حمله پهلپادی به اقامتگاه بنیامین نتانیاهو در قیصریه.

● در این گزارش آمده است که واکنش اسرائیل به این حمله «کاملاً متفاوت» با حملات نیروی هوایی اسرائیل به مراکز نظامی داخل ایران خواهد بود.

● مقامات اسرائیل «ساعت‌ها» درباره سناریوهای مختلف این حمله احتمالی گفتگو کردند و انتظار می‌رود در روزهای آینده پیشنهادی کامل ارائه شود.

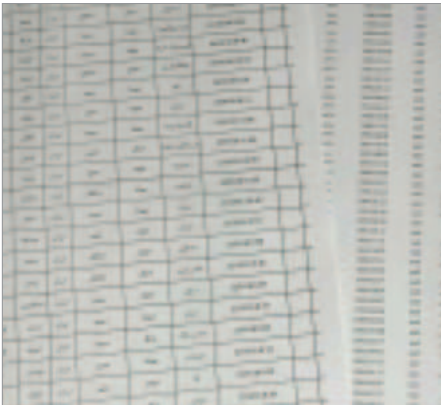
اعضای کابینه امنیتی اسرائیل درباره احتمال انجام حمله دیگری به نقاطی در ایران در پاسخ به حمله پهلپادی به اقامتگاه شخصی بنیامین نتانیاهو گفتگو و تبادل نظر کردند. بر اساس گزارش «کانال ۱۳» تلویزیون اسرائیل، روز دوشنبه ۲۸ اکتبر (هفتم آبان‌ماه) به وزرای کابینه امنیتی گفته شد که حملات اسرائیل به تأسیسات نظامی در ایران پاسخ حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود نه پاسخ به حمله پهلپادی به اقامتگاه بنیامین نتانیاهو در قیصریه.

در این گزارش آمده است که واکنش اسرائیل به این حمله «کاملاً متفاوت» با حملات نیروی هوایی اسرائیل به مراکز نظامی داخل ایران خواهد بود.

مقامات اسرائیل «ساعت‌ها» درباره سناریوهای مختلف این حمله احتمالی گفتگو کردند و انتظار می‌رود در روزهای آینده پیشنهادی کامل ارائه شود.

دفتر نخست‌وزیری اسرائیل اعلام کرد که شنبه ۱۹ اکتبر (۲۸ مهرماه) یک پهپاد که از لبنان پرتاب شده بود به اقامتگاه شخصی نتانیاهو اصابت کرده است. مقامات اسرائیلی این اقدام را «تلاش جمهوری اسلامی برای ترور نتانیاهو» دانستند.

روزنامه «بیلد»: جاسوسی ملاحا در آلمان؛ سه فهرست مخفی با نام ماموران رژیم ایران پیدا شد!



لیست افرادی که می‌بایست با داده‌های مراکز امنیتی آلمان تطبیق داده شوند / عکس خصوصی از روزنامه بیلد

● این فهرست شامل نام ۶۳ نفر با پاسپورت آلمانی است. ● لیست دیگری مربوط به ۵۵۱ دانشجوی «دانشگاه بین‌المللی المصطفی» است که به نوعی در «ارتباط با آلمان» هستند. ● فهرست سوم شامل نام ۷۸ به اصطلاح «کارآموز از آلمان» است.

● اسناد مربوط به تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌گوید: «دانشگاه بین‌المللی المصطفی که در سراسر جهان شعبه دارد، توسط نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بستری جهت جذب نیرو برای جمع‌آوری اطلاعات و روابط و همچنین جذب نیرو برای شبه‌نظامیان خارجی به رهبری نیروی قدس استفاده می‌شود.»

روزنامه آلمانی «بیلد» روز دوشنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴ در گزارشی از نگرانی شدید در مورد حضور و فعالیت عوامل جمهوری اسلامی در آلمان خبر داد. بر اساس اطلاعات این روزنامه، سرویس‌های مخفی این کشور در حال حاضر حدود ۷۰۰ نفر را که با شعبه‌ی «جامعه المصطفی» در برلین ارتباط دارند، در رابطه با فعالیت‌های جاسوسی برای رژیم ایران بررسی می‌کنند.

این روزنامه پیشتر در روز سه‌شنبه ۲۲ اکتبر طی گزارشی این پرسش را مطرح کرده بود که آیا شعبه‌ی «جامعه المصطفی» در برلین مظنون به جاسوسی برای رژیم ایران است؟ محلی که به طور رسمی ظاهراً دروس الهیات در آن برگزار می‌شود اما به شدت مشکوک به عملیات جاسوسی برای جمهوری اسلامی است.

در حالی که گزارش هفته گذشته درباره احتمال سرآزگیری جمهوری اسلامی برای جاسوسی و عملیات ترور در



نعیم قاسم به عنوان رهبر گروه تروریستی حزب الله جانشین حسن نصرالله شد



نعیم قاسم رهبر جدید حزب الله لبنان

خری «ارم نبوز» ۲۹ مهرماه به نقل از یک منبع از ایران گزارش داد نعیم قاسم به ایران فرار کرده است.

گفته می‌شود که وی به همراه عباس عراقچی که به لبنان و سوریه سفر کرده بود، به تهران منتقل شد. انتقال او به ایران بعد از هشدار مقامات ارشد جمهوری اسلامی به دلیل نگرانی از کشته شدن وی توسط اسرائیل انجام شد زیرا نعیم قاسم نیز تحت تعقیب قرار دارد.

پیش از قاسم اصلی‌ترین گزینه، هاشم صفی‌الدین پدرشهر زینب سلیمانی بود که برخی منابع اعلام کردند در حملات اسرائیل کشته شده و پس از چندین روز ارتش اسرائیل خبر مرگ او را تأیید کرد که نه در اثر حمله نظامی بلکه به علت خفه شدن در مخفیگاهی که پنهان شده بود، مرده بود.

همچنین منابع لبنانی ۱۴ مهرماه ۱۴۰۳ گزارش دادند ابراهیم امین السید از مقامات ارشد حزب الله از به عهده گرفتن رهبری این گروه خودداری کرده است. گفته شد که ابراهیم امین السید درخواست کرده به تهران برود تا عمر خود را وقف عبادت در ایران کند!

نعیم قاسم سرسپرده علی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی است. وی در مورد حمایت‌های مالی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از حزب الله در مصاحبه با نشریه «الاکهار» گفته بود، حکومت ایران و حزب الله با اصول و اهداف مشترکی چون مقابله با ظلم و سلطه‌جویی به همکاری دارند و برای تقویت توان دفاعی و مقاومت حزب الله و در نهایت، حفظ امنیت و حاکمیت لبنان این پشتیبانی‌ها ادامه دارد. حالا در شرایطی اعلام شده که وی جانشین حسن نصرالله شده است که برخی ناظران می‌گویند مدیریت حزب الله لبنان به عنوان مهم‌ترین گروه نیابتی جمهوری اسلامی پس از کشته شدن نصرالله عملاً در دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و اقامت نعیم قاسم در ایران نیز این هدایت را توسط رژیم ایران تقویت می‌کند.

● یک ماه پس از کشته شدن حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، سرانجام نعیم قاسم به عنوان رهبر این گروه تروریستی انتخاب شد.

● حزب الله در بیانیه‌ای که هشتم آبان‌ماه در شبکه الجزیره منتشر شد، اعلام کرد «بر اساس ساز و کار مصوب برای انتخاب دبیرکل، شورای حزب الله با انتخاب نعیم قاسم به عنوان دبیرکل موافقت کرد.» قاسم ۷۱ ساله از سال ۱۹۹۱ سمت معاون دبیرکل این گروه تروریستی را برعهده داشت.

● به دنبال حذف فیزیکی رهبران ارشد حزب الله که اسامی آنها به عنوان گزینه‌های جانشینی نصرالله مطرح بود پایگاه خری «ارم نبوز» ۲۹ مهرماه به نقل از یک منبع از ایران گزارش داد نعیم قاسم به ایران فرار کرده است. گفته می‌شود که وی به همراه عباس عراقچی که به لبنان و سوریه سفر کرده بود، به تهران منتقل شد.

● حالا در شرایطی اعلام شده که وی جانشین حسن نصرالله شده است که برخی ناظران می‌گویند مدیریت حزب الله لبنان به عنوان مهم‌ترین گروه نیابتی جمهوری اسلامی پس از کشته شدن نصرالله عملاً در دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و اقامت نعیم قاسم در ایران نیز این هدایت را توسط رژیم ایران تقویت می‌کند.

یک ماه پس از کشته شدن حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، سرانجام نعیم قاسم به عنوان رهبر این گروه تروریستی معرفی شد. حزب الله در بیانیه‌ای که هشتم آبان‌ماه در شبکه الجزیره منتشر شد، اعلام کرد «بر اساس ساز و کار مصوب برای انتخاب دبیرکل، شورای حزب الله با انتخاب نعیم قاسم به عنوان دبیرکل موافقت کرد.» قاسم ۷۱ ساله از سال ۱۹۹۱ سمت معاون دبیرکل این گروه تروریستی را برعهده داشت. به دنبال حذف فیزیکی رهبران ارشد حزب الله که اسامی آنها به عنوان گزینه‌های جانشینی نصرالله مطرح بود، پایگاه

این مؤسسه صحبت شده بود، پس از یک هفته خبر پیدا شدن سه فهرست از افرادی که در ارتباط با این مرکز مظنون به فعالیت‌های جاسوسی برای رژیم ایران هستند، منتشر شد. خبرنگار «بیلد» در همان گزارش می‌نویسد، در حالی که هیچ دانشجویی در محل این مؤسسه دیده نمی‌شد، مدیران «جامعه المصطفی» نیز حاضر نشدند به پرسش‌های وی پاسخ بدهند.

«بیلد» در گزارش جدید خود می‌نویسد که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از طریق شعبه برلین دانشگاه «المصطفی» در ایران، افرادی را برای جاسوسی و عملیات ترور جذب می‌کند. نیروهای امنیتی رژیم ایران از سازمان‌های تروریستی (از جمله حماس و حزب الله) در سراسر جهان حمایت می‌کنند.

اسناد مربوط به تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا



شعبه «جامعه المصطفی» در برلین/ عکس خصوصی از روزنامه بیلد

می‌گوید: «دانشگاه بین‌المللی المصطفی که در سراسر جهان شعبه دارد، توسط نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بستری جهت جذب نیرو برای جمع‌آوری اطلاعات و روابط و همچنین جذب نیرو برای شبه‌نظامیان خارجی به رهبری نیروی قدس استفاده می‌شود.»

اتحاد دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی از نانسوی فِر وزیر کشور آلمان (از حزب سوسیال دموکرات) می‌خواهد که فوراً «جامعه المصطفی» را به عنوان یک مؤسسه اسلامگرا ممنوع اعلام کند. الکساندر دوبرینت دبیر ایالتی حزب سوسیال مسیحی به روزنامه «بیلد» می‌گوید: «مؤسسات اسلامگرای وابسته به جمهوری اسلامی در خاک آلمان باید فوراً بسته شوند. تهدیدات رژیم ایران کاملاً روشن هستند و وزیر کشور دیگر نباید این موضوع را نادیده بگیرد و باید فوراً این مجموعه را ممنوع کند.»

کریستف دی وریس کارشناس امور امنیتی از حزب دموکرات مسیحی نیز معتقد است که وزیر کشور آلمان باید توضیح بدهد که «چرا مدت‌ها پیش جامعه المصطفی را در برلین تعطیل نکرده، در حالی که این سازمان سال‌هاست در فهرست تحریم‌های ایالات متحده و کانادا قرار دارد.»

این کارشناس امنیتی خاطرنشان می‌کند که «جامعه المصطفی» توسط شخص رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، تأسیس شده و یک ارگان مرکزی برای گسترش بنیادگرایی و «جذب نیرو برای تروریسم سپاه قدس» به شمار می‌رود.

نشست شورای امنیت؛ هشدار آمریکا به جمهوری اسلامی در مورد «پیامدهای شدید» حمله مجدد علیه اسرائیل



صحن شورای امنیت / عکس: رویترز

در بخش دیگر این سخنرانی، لیندا توماس گرینفیلد عنوان کرد: «امروز پیام ایالات متحده برای اسرائیل روشن است: ما همیشه به تأمین امنیت مردم و سرزمین آن در برابر [رژیم] ایران و نیابتی‌ها و شرکای تروریست‌اش کمک خواهیم کرد. پیام ما برای [حکومت] ایران نیز روشن است: اگر تصمیم بگیرد اقدامات تهاجمی بیشتری علیه اسرائیل یا پرسنل آمریکایی در منطقه انجام دهد، عواقب شدیدی در پی خواهد داشت. ما در دفاع از خود دریغ نخواهیم کرد.»

وی سپس افزود: «اجازه دهید روشن بیان کنم: ایالات متحده نمی‌خواهد شاهد تشدید بیشتر تنش‌ها باشد. ما معتقدیم که این باید پایان تبادل آتش مستقیم بین اسرائیل و ایران باشد. در واقع، اسرائیل برای جهان روشن کرده است که پاسخش اکنون کامل شده است. بنابراین ما مجدداً از [رژیم] ایران می‌خواهیم که حملات خود را علیه اسرائیل متوقف کند و افسار گروه‌های تروریستی را بکشد. ما از همه اعضای بانفوذ شورای امنیت می‌خواهیم که [رژیم] ایران را تحت فشار بگذارند تا روی آتش‌درگیری‌های منطقه بنزین نریزد. بدانید که ایالات متحده به سهم خود برای حمایت از مسیر دیپلماتیک در منطقه ادامه خواهد داد.»

لیندا توماس گرینفیلد در بخش دیگری از سخنرانی خود از روسیه به دلیل حمایت از جمهوری اسلامی انتقاد کرد و گفت: «هرچند این جلسه به درخواست جمهوری اسلامی آنها در نقش قربانی برگزار شد اما خودشان همچنان عامل اصلی هرج و مرج در منطقه هستند.»

سفیر آمریکا در سازمان ملل با اشاره به ارسال تسلیحات نظامی از ایران به روسیه برای استفاده علیه اوکراین تأکید کرد، روسیه و جمهوری اسلامی به دلیل همکاری علیه اوکراین چاره‌ای جز حمایت از هم ندارند اما آنچه روسیه می‌گوید پوچ است... ما مسئولیت جمعی داریم که ثابت کنیم [رژیم] ایران اشتباه می‌کند، حتی در جایی که با ممانعت یکی از اعضای این شورا [روسیه] روبرو هستیم، باید هزینه‌هایی را برای حمایت از تروریسم ←

و نماینده روسیه نیز گفت آمریکا برای حمله اسرائیل به ایران کمک اطلاعاتی کرده است.

لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل در نشست اضطراری شورای امنیت با اشاره به پرتاب حدود ۲۰۰ موشک به اسرائیل توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اول اکتبر (دهم مهرماه) گفت: «این حمله گستاخانه ممکن بود صدها کشته در پی داشته باشد و اگر کمک نظامی ایالات متحده برای دفاع از اسرائیل به دستور پرزیدنت بایدن نبود، این اتفاق افتاده بود.»

وی به نشست رهبران «گروه هفت» پس از آن حمله [عملیات موسوم به «وعده صادق ۲»] اشاره کرد و توضیح داد که رهبران «گروه هفت» توافق کردند آن حمله‌ی موشکی «باید پیامدهای جدی برای جمهوری اسلامی داشته باشد» که تحریم‌های جدید نفتی آمریکا، تحریم بریتانیا و استرالیا علیه برنامه موشکی ایران و تحریم «ایران ایر» توسط اروپا بخشی از این تلاش‌های هماهنگ در حوزه دیپلماتیک بود که نشان داد برای مقابله با اقدامات ایران و شرکای آن علیه اسرائیل یک اتفاق نظر بین‌المللی وجود دارد.

سفیر آمریکا در سازمان ملل افزود، «بر سر اینکه اسرائیل حق دارد از خود در برابر حملات ایران دفاع کند توافق جمعی وجود دارد و این دقیقاً همان کاری است که اسرائیل در آخر هفته [گذشته] / شنبه ۲۶ اکتبر / ۵ آبان انجام داد.»

لیندا توماس گرینفیلد حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران را «پاسخ هدفمند، متناسب و مستقیم» دانست و تأکید کرد، این اقدام «بدون اینکه غیرنظامیان آسیب ببینند» انجام شد و اسرائیل بطور مشخص حملات هوایی دقیقی را علیه چندین هدف نظامی در سراسر ایران و خارج از مناطق پرجمعیت انجام داد.

او در ادامه توضیح داد، «هرچند ایالات متحده در این عملیات نظامی شرکت نکرد اما در عوض، ما دولت اسرائیل را تشویق کردیم که عملیات را به گونه‌ای انجام دهد که از گسترش جنگ جلوگیری شود.»

● نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست جمهوری اسلامی برای بررسی حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران دوشنبه ۲۸ اکتبر (بامداد هفتم آبان بوقت ایران) برگزار شد.

● در این جلسه نماینده آمریکا در شورای امنیت روسیه را متهم به پشتیبانی از حکومت ایران در حمله به اسرائیل کرد و نماینده روسیه نیز گفت آمریکا برای حمله اسرائیل به ایران کمک اطلاعاتی کرده است.

● لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا هشدار داد «اگر [رژیم] ایران تصمیم بگیرد اقدامات تهاجمی بیشتری علیه اسرائیل یا پرسنل آمریکایی در منطقه انجام دهد، عواقب شدیدی در پی خواهد داشت. ما در دفاع از خود دریغ نخواهیم کرد.»

● واسیلی نینزیا نماینده دائم روسیه در سازمان ملل در این جلسه ادعا کرد که ایالات متحده در حمله اسرائیل به ایران، در زمینه اطلاعاتی مشارکت داشته است و «چراغ سبز» نشان داد.

● امیرسعید ایرانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با محکوم کردن اقدام اسرائیل گفت: «حمایت آمریکا، اسرائیل را وقیح‌تر کرده است.» وی تهدید کرد که ایران پاسخ حملات اسرائیل را خواهد داد.

● دفاع روسیه از رژیم ایران و محکوم کردن حمله اسرائیل در حالیست که گفته می‌شود این حمله به کارخانه‌های تولید موشک و پیچید خسارات مهمی وارد آورده بطوری که ارسال این تسلیحات به روسیه را برای استفاده در جنگ علیه اوکراین با اختلال جدی روبرو می‌کند.

نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست جمهوری اسلامی برای بررسی حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران دوشنبه ۲۸ اکتبر (بامداد هفتم آبان بوقت ایران) برگزار شد.

در این جلسه نماینده آمریکا در شورای امنیت روسیه را متهم به پشتیبانی از حکومت ایران در حمله به اسرائیل کرد



تصویر یحیی سنوار رهبر سابق حماس در دیوارهای تهران پس از آنکه توسط اسرائیل در غزه شکار شد

حماس برای معامله با اسرائیل اعلام آمادگی کرد؛ خامنهای گفته بود بعد از سنوار مقاومت توقف نخواهد داشت!

بوده است اما اسرائیل اعلام کرد ادامه حکومت حماس در غزه را نخواهد پذیرفت. ضمن اینکه حماس آن پیشنهاد را وقتی مطرح کرد که یحیی سنوار زنده بود و در تونل‌های غزه همچنان توانایی مقابله با اسرائیل در سطح بالا وجود داشت اما طی دو ماه گذشته حماس ضربات سنگینی دریافت کرده تا جایی که بسیاری از تحلیلگران و حتا مقامات اسرائیل معتقدند بعید است بتواند ساختار فروپاشیده خود را ترمیم کند. اینکه حماس به عنوان بازوی اصلی جمهوری اسلامی در غزه و کرانه باختری آماده معامله با اسرائیل می‌شود نمی‌تواند خبر خوبی برای مقامات تهران باشد زیرا شعار آنها «مقاومت تا آخرین نفس» است.

بعد از کشته شدن سنوار رهبر تروریست‌های حماس، علی خامنه‌ای در پیامی اعلام کرده بود «جبهه مقاومت همانگونه که قبلاً با شهادت برجستگان خود از پیشروی باز ماند، با شهادت سنوار هم کمترین توقفی نخواهد داشت باذن‌الله. حماس زنده است و زنده خواهد ماند.»

این ادعاها در حالیست که پس از کشته شدن یحیی سنوار کسی حاضر نشد، به صورت علنی، رهبری حماس را بپذیرد. یکی از افرادی که به نظر می‌رسد بر اساس سابقه و موقعیت این مسئولیت را به عهده بگیرد، خالد مشعل بود که او نیز از ترس جان خود رهبری را به عهده نگرفت. تلویزیون «الاقصی» وابسته به حماس پیشتر اعلام کرده بود که هیاتی به ریاست خلیل الحیه از مقام‌های ارشد حماس، برای حضور در مذاکرات آتش‌بس به قاهره پایتخت مصر رفته است. در هفته‌های گذشته جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده کشته‌شدن یحیی سنوار رهبر حماس را فرصت خوبی برای آتش‌بس در نوار غزه دانسته بود و آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا برای یازدهمین بار در یک سال گذشته، به منطقه رفت. آنهم در شرایطی که تا برگزاری انتخابات آمریکا کمتر از دو هفته زمان باقی مانده است.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از تمایل مصر برای پیشبرد توافق آزادی گروگان‌های اسیر حماس استقبال کرد و گفت در پی دیدارهای انجام‌شده در قاهره، تصمیم گرفته رئیس‌موساد را برای «ترویج مجموعه‌ای از ابتکارات درباره دستور کار» به قطر بفرستد.

آخرین دور مذاکرات برای برقراری آتش‌بس با اواخر امرداد در دوحه قطر برگزار شد. حماس در آن مذاکرات بی‌نتیجه نیز شروط خود را تکرار کرده بود. مقامات اسرائیل اما شروط حماس را «زیاده‌خواهی» دانسته و با آن مخالفت کردند.

● در شرایطی که به نظر می‌رسد پس از کشته شدن یحیی السنوار در غزه، مذاکرات دوحه با هدف پایان دادن به جنگ و آزادی گروگان‌ها آغاز شود، روزنامه «تایمز اسرائیل» دوشنبه ۲۸ اکتبر (هفتم آبان‌ماه) گزارش داد حُسام بدران از چهره‌های سرشناس گروه تروریستی حماس که در قطر ساکن است به خبرگزاری «شهاب» که از حماس طرفداری می‌کند گفته معامله با اسرائیل امکان‌پذیر است.

● بدران می‌گوید: «خواست‌های ما روشن و شناخته شده است و می‌توان به توافق رسید، مشروط بر اینکه نتانیاهو به آنچه قبلاً توافق شده پایبند ماند.»

● با اینهمه هنوز مشخص نیست که اظهارات بدران در واکنش به پیشنهاد مصر برای یک آتش‌بس دو روزه در غزه برای مبادله چهار گروگان اسرائیلی با تعدادی زندانی فلسطینی است، که قرار است پس از آن، مذاکرات ده روزه دنبال شود یا نه.

● اینکه حماس به عنوان بازوی اصلی جمهوری اسلامی در غزه و کرانه باختری آماده معامله با اسرائیل می‌شود نمی‌تواند خبر خوبی برای مقامات تهران باشد زیرا شعار آنها «مقاومت تا آخرین نفس» است.

در شرایطی که به نظر می‌رسد پس از کشته شدن یحیی السنوار در غزه، مذاکرات دوحه با هدف پایان دادن به جنگ و آزادی گروگان‌ها آغاز شود، روزنامه «تایمز اسرائیل» دوشنبه ۲۸ اکتبر (هفتم آبان‌ماه) گزارش داد حُسام بدران از چهره‌های سرشناس گروه تروریستی حماس که در قطر ساکن است به خبرگزاری «شهاب» که از حماس طرفداری می‌کند گفته معامله با اسرائیل امکان‌پذیر است.

بدران می‌گوید: «خواست‌های ما روشن و شناخته شده است و می‌توان به توافق رسید، مشروط بر اینکه نتانیاهو به آنچه قبلاً توافق شده پایبند ماند.»

با اینهمه هنوز مشخص نیست که اظهارات بدران در واکنش به پیشنهاد مصر برای یک آتش‌بس دو روزه در غزه برای مبادله چهار گروگان اسرائیلی با تعدادی زندانی فلسطینی است که قرار است پس از انجام آن، مذاکرات ده روزه دنبال شود یا نه.

برخی منابع عربی ادعا کردند، حماس حاضر به پذیرش پیشنهاد مصر است، به شرطی که این پیشنهاد در مطالبات حماس برای معامله گروگان‌ها که اواسط تیرماه ارائه داده بود، گنجانده شود. خواسته‌های حماس شامل آزادی زندانیان فلسطینی، پایان محاصره غزه، تضمین‌های بین‌المللی برای اجرای توافق و دسترسی به کمک‌های انسانی و بازسازی غزه

تضعیف صلح و ثبات بین‌المللی تحمیل کنیم.»
وی در پایان تأکید کرد، «پیام ما باید روشن باشد: ما اجازه نخواهیم داد که آینده منطقه توسط حکومت ایران و دست نشانده‌های آن شبیه آنچه در هفتم اکتبر اتفاق افتاد به خطر بیفتد و جان میلیون‌ها غیرنظامی بی‌گناه در معرض خطر قرار بگیرد.»

نماینده آمریکا تأکید کرد، «زمان تنش‌زدایی فرا رسیده است؛ [رژیم] ایران فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌اش را متوقف کند.» وی همچنین افزود: «ما با هم می‌توانیم - و باید - با فعالیت‌های بدخیم [رژیم] ایران مقابله کنیم و آینده‌ای سرشار از صلح، عزت و امنیت برای همه بسازیم.»

روسیه: آمریکا به حمله اسرائیل چراغ سبز نشان داد
واسیلی نینزیا نماینده دائم روسیه در سازمان ملل در این جلسه ادعا کرد که ایالات متحده در حمله اسرائیل به ایران، در زمینه اطلاعاتی مشارکت داشته و این کار را «ناقض حقوق بین‌الملل» دانست. وی افزود: «از اسرائیل می‌خواهیم از اقدامات نظامی تحریک‌آمیز بیشتر خودداری کند، زیرا برای آن پیامد خواهد داشت.» نینزیا تأکید کرد ایران به اندازه کافی «خویشتنداری» کرده اما واشنگتن نه تنها تلاشی برای منصرف کردن اسرائیل نکرد، بلکه برای این حملات چراغ سبز نشان داد! دفاع روسیه از رژیم ایران و محکوم کردن حمله اسرائیل در حالیست که گفته می‌شود این حمله به کارخانه‌های تولید موشک و پهپاد خسارات مهمی وارد آورده بطوری که ارسال این تسلیحات به روسیه را برای استفاده در جنگ علیه اوکراین با اختلال جدی روبرو می‌کند.

باربارا وودوارد نماینده انگلیس در سازمان ملل در نشست ویژه شورای امنیت نیز با اشاره به حمله اسرائیل به تأسیسات نظامی در ایران تأکید کرد که «[حکومت] ایران یک قربانی نیست». وی هشدار داد جمهوری اسلامی «نباید به حمله اسرائیل پاسخ دهد» و از همه طرفین خواست از خود خویشتنداری نشان دهند و تأکید کرد تشدید تنش‌ها هیچ سودی نخواهد داشت.

اعتراض عراق به اسرائیل
در این نشست عراق از نقض حریم هوایی خود توسط اسرائیل انتقاد کرد و با محکوم کردن حمله به نقاطی در ایران گفت: «اجازه نخواهیم داد از حریم هوایی عراق برای حمله به کشورهای دیگر استفاده شود. اقدام اسرائیل نقض حاکمیت عراق بود. ایران دوست ماست.» سفرای ترکیه و رژیم سوریه نیز حملات اسرائیل را محکوم کردند. نماینده جمهوری خلق چین نیز با کلی‌گویی مانند اغلب موارد مواضع محتاطانه گرفت و «نقض حریم هوایی کشورها» را محکوم کرد و خواستار پایان دادن به تنش‌ها در خاورمیانه شد.

ایروانی: اسرائیل وقیح‌تر شده!
امبرسعد ایروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، با محکوم کردن اقدام اسرائیل گفت: «حمایت آمریکا، اسرائیل را وقیح‌تر کرده است.» وی از کشورهایی که حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران را محکوم کردند قدردانی کرد. ایروانی در بخشی از سخنان خود گفت که اسرائیل در حمله اخیر رادارهای مرزی و دفاعی در استان‌های خوزستان و تهران و مراکز نظامی را با موشک هدف قرار داد و در عین حال ادعا کرد: «فعالیت پدافند هوایی ایران از خسارات گسترده این حمله جلوگیری کرد.»

وی تهدید کرد: «جمهوری اسلامی ایران حق ذاتی خود را برای پاسخگویی در زمان مقتضی به این اقدام تجاوزکارانه، که طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل مورد تأیید است، محفوظ می‌دارد. پاسخ ما قانونی و کاملاً منطبق با حقوق بین‌الملل خواهد بود.»

توان موشکی اسرائیل: نقش استراتژیک در منطقه و تأثیرات جهانی



عکس: ارتش اسرائیل

● اسرائیل با استفاده از فناوری‌های پیشرفته در حوزه موشکی، جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرتهای نظامی برجسته منطقه خاورمیانه و جهان تقویت کرده است.

● آنچه که برنامه موشکی اسرائیل را منحصر بفرد می‌کند، صرفاً توانایی‌های نظامی آن نیست؛ بلکه نحوه استفاده استراتژیک از این توانمندی‌ها در ایجاد بازدارندگی، مدیریت روابط دیپلماتیک و همچنین تأثیرگذاری بر معادلات ژئوپلیتیک جهانی است.

● جمهوری اسلامی با توسعه موشک‌های بالستیک و کروز خود از جمله موشک‌های شهاب و خرمشهر، دست کم در دو مرحله به اسرائیل حمله کرده است، در مقابل اسرائیل با سامانه‌های دفاع موشکی مانند آرو و کمان داوود، موشک‌های ایرانی را در فاز میانی یا نهایی پرواز رهگیری می‌کند. این بازدارندگی دو جانبه به شدت بر محاسبات استراتژیک دو کشور تأثیر می‌گذارد.

● اسرائیل در برنامه موشکی خود از فناوری‌های پیشرفته‌ای استفاده می‌کند که به آن توانایی انجام عملیات‌های پیچیده و دقیق را می‌دهد. این فناوری‌ها شامل موشک‌های بالستیک دوربرد، موشک‌های کروز با دقت بالا، و سامانه‌های دفاع موشکی چندلایه است. بخشی از این موشک‌ها «هوآپایه» هستند و از جت‌های جنگنده به صورت نقطه‌از فواصل دور پرتاب می‌شوند.

شهرام سبزواری- اسرائیل با استفاده از فناوری‌های پیشرفته در حوزه موشکی، جایگاه خود را به عنوان یکی از قدرتهای نظامی برجسته منطقه خاورمیانه و جهان تقویت کرده است.

اما آنچه که برنامه موشکی اسرائیل را منحصر بفرد می‌کند، صرفاً توانایی‌های نظامی آن نیست؛ بلکه نحوه استفاده استراتژیک از این توانمندی‌ها در ایجاد بازدارندگی، مدیریت روابط دیپلماتیک و همچنین تأثیرگذاری بر معادلات ژئوپلیتیک جهانی است. در این بخش به بررسی عمیق‌تر از اثرات منطقه‌ای و جهانی این توانایی‌ها و مقایسه آن با سایر کشورهای منطقه می‌پردازیم.

۱) تحلیل ژئوپلیتیک: نقش بازدارندگی موشکی اسرائیل در منطقه

برنامه موشکی اسرائیل نه تنها به عنوان یک ابزار نظامی، بلکه به عنوان یک عنصر بازدارنده مهم در استراتژی دفاعی این کشور عمل می‌کند. در حالیکه کشورهای همسایه اسرائیل مانند ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان به دنبال افزایش توانایی‌های موشکی خود هستند، اسرائیل با داشتن سامانه‌های پیشرفته و موشک‌های بالستیک دوربرد مانند «جریکو-۳» می‌تواند تهدیدات بالقوه را در سراسر خاورمیانه و حتی فراتر از آن مدیریت کند.

قدرت بازدارندگی در برابر جمهوری اسلامی و سوریه ایران: برنامه موشکی اسرائیل به ویژه در مقابله با تهدیدات بالقوه از سوی ایران، نقش حیاتی ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی با توسعه موشک‌های بالستیک و کروز خود از جمله موشک‌های شهاب و خرمشهر، دست کم در دو مرحله به اسرائیل حمله کرده است، در مقابل اسرائیل با سامانه‌های دفاع موشکی مانند آرو و کمان داوود، موشک‌های ایرانی را در فاز میانی یا نهایی پرواز رهگیری می‌کند. این بازدارندگی دو جانبه به شدت بر محاسبات استراتژیک دو کشور تأثیر می‌گذارد.

سوریه: سوریه با حمایت ایران و روسیه، به تقویت توان موشکی خود پرداخته است. اسرائیل با توجه به نزدیکی جغرافیایی، از سامانه گنبد آهنین برای مقابله با موشک‌های کوتاه‌برد و راکت‌های شلیک‌شده از سوی سوریه یا حزب‌الله استفاده می‌کند. این سامانه‌ها تاکنون موفق به خنثی کردن تعداد زیادی از حملات راکتی شده‌اند.

رقابت موشکی در خاورمیانه

اسرائیل تنها کشوری نیست که در خاورمیانه به توسعه برنامه‌های موشکی پرداخته است. کشورهای عربی همچون عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز در راستای افزایش توان دفاعی و تهاجمی خود، به دنبال خرید و توسعه موشک‌های پیشرفته هستند. در این میان، رقابت موشکی میان این کشورها و اسرائیل به افزایش تنش‌ها و

تسریع در مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای منجر شده است.
۲) مقایسه قدرت موشکی اسرائیل با سایر کشورها

برنامه موشکی اسرائیل در سطح جهانی نیز قابل مقایسه با قدرتهای بزرگ نظامی مانند روسیه و آمریکا است. در این بخش به مقایسه موشک‌های بالستیک و سامانه‌های دفاع موشکی اسرائیل با سایر کشورهای بزرگ پرداخته می‌شود.

مقایسه با ایالات متحده

موشک‌های بالستیک: آمریکا با داشتن موشک‌های بالستیک قاره‌پیما (ICBM) مانند مینوتن (Minute-man)، از توانایی بسیار بالاتری در حمله به اهداف دوربرد برخوردار است. هرچند که موشک‌های جریکو-۳ اسرائیل بردی تا ۶۵۰۰ کیلومتر دارند، اما همچنان از لحاظ قدرت کلاهک و فناوری در مقایسه با آمریکا در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند.

دفاع موشکی: سامانه دفاع موشکی THAAD آمریکا در مقابله با موشک‌های بالستیک در ارتفاع بالا، مشابه سامانه آرو اسرائیل است. هرچند که THAAD توانایی رهگیری موشک‌های در فاز نهایی پرواز را دارد، ولی اسرائیل با سامانه‌های چندلایه خود همچنان یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاع موشکی منطقه را داراست.

مقایسه با روسیه

موشک‌های بالستیک: روسیه با توسعه موشک‌هایی مانند Topol-M و Sarmat از توانایی حمله به اهداف دوربرد با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای برخوردار است. موشک‌های روسیه بردی بسیار بیشتر از موشک‌های اسرائیلی دارند و همچنین با قابلیت مانورپذیری بالا در فاز پرواز، از توانایی فرار از سامانه‌های دفاعی برخوردارند.

دفاع موشکی: سامانه S-400 روسیه یکی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاع موشکی در جهان است که می‌تواند اهداف هوایی و موشک‌های کروز را در فاصله‌های طولانی رهگیری کند. در مقایسه، اسرائیل نیز با داشتن سامانه‌های آرو و کمان داوود، دفاعی چندلایه و پیچیده را توسعه داده است که توانایی مقابله با تهدیدات موشکی را در



روزنامه «وال استریت ژورنال»: در حمله اسرائیل همه سیستم دفاعی S-300 جمهوری اسلامی منهدم شد



سیستم پدافندی «S-300»

درباره جزئیات حملات اسرائیل و مراکز که آسیب دیدند اطلاعات دقیقی منتشر نشده، اما ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، پنجم آبان ۱۴۰۳ اعلام کرد هوایماهای اسرائیل با استفاده از فضای در اختیار ارتش آمریکا در عراق در یکصد کیلومتری مرزهای ایران و از راه دور، تعدادی موشک دوربرد به سمت برخی از رادارهای مرزی در استان‌های ایلام، خوزستان و اطراف استان تهران پرتاب نمودند.

در این بیانیه ادعا شد «خسارت محدود و کم‌اثری وارد شده و چند سامانه راداری آسیب دیده که تعدادی بلافاصله ترمیم و برخی نیز در حال ترمیم هستند».

روزنامه وال‌استریت ژورنال در بخش دیگری از این گزارش به نقل از مقامات آمریکایی می‌نویسد، در حملات اسرائیل تأسیسات مربوط به موشک‌های بالستیک ایران نیز هدف قرار گرفتند و «آسیب‌هایی به توانایی تولید آن وارد شد که بازیابی آن ممکن است سال‌ها طول بکشد».

گفته می‌شود پس از آنکه جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده توانست اسرائیل را ترغیب کند که حمله به تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های نفتی ایران را کنار بگذارد، اسرائیل با وجود محدود کردن اهداف، در عین حال «ضربه‌ای سنگین» به جمهوری اسلامی ایران وارد کرد. با اینهمه بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرد که نحوه این عملیات و مراکز که هدف قرار گرفت همه تصمیم اسرائیل بود.

اسرائیل اردیبهشت ۱۴۰۳ در واکنش به عملیات موشکی «وعده صادق ۱» در یک «حمله دقیق» بخش مهمی از سیستم دفاع هوایی پایگاه هوایی اصفهان را که مأموریت آن حفاظت از تأسیسات اتمی نطنز است مورد اصابت قرار داده بود.

سیستم پدافندی S-300 نقش اساسی در تأمین امنیت رهبری رژیم و نیروگاه‌ها و تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی داشت.

● یک مقام اسرائیلی به «وال استریت ژورنال» می‌گوید، در حمله به مراکز نظامی جمهوری اسلامی موسوم به عملیات «روزهای پاسخ» سیستم پدافندی S-300 ایران هدف قرار گرفت. جمهوری اسلامی این سیستم پدافندی را از روسیه دریافت کرده بود.

● به گفته منابع آمریکایی و اسرائیلی، توسط بیش از ۱۰۰ فروند هوایما در عملیات «روزهای پاسخ» دست‌کم ۲۳ سایت و پایگاه نظامی در داخل ایران هدف قرار داده شد.

● جمهوری اسلامی قبل از حمله اسرائیل چهار سیستم S-300 در اختیار داشت که پیشرفته‌ترین آنها در اختیار پدافند هوایی تهران بود اما به گفته مقامات اسرائیلی «همه آنها منهدم شدند».

● ستادکل نیروهای مسلح ادعا کرده بود در این حملات «خسارت محدود و کم‌اثری وارد شده و چند سامانه راداری آسیب دیده که تعدادی بلافاصله ترمیم و برخی نیز در حال ترمیم هستند».

یک مقام اسرائیلی به «وال استریت ژورنال» گفت در حمله به مراکز نظامی جمهوری اسلامی موسوم به عملیات «روزهای پاسخ» سیستم پدافندی S-300 ایران هدف قرار گرفت. جمهوری اسلامی این سیستم پدافندی را از روسیه دریافت کرده بود.

روزنامه «وال استریت ژورنال» شنبه ۲۶ اکتبر (پنجم آبان‌ماه) در گزارشی به نقل از چند مقام آمریکایی و اسرائیلی جزئیاتی از حملات تلافی‌جویانه اسرائیل به مراکز نظامی در ایران پرداخت.

در این گزارش اشاره شد که توسط بیش از ۱۰۰ فروند هوایما در این عملیات دست‌کم ۲۳ سایت و پایگاه نظامی در داخل ایران هدف قرار داده شد.

یک مقام اسرائیلی گفت که رژیم ایران قبل از این حمله «چهار سیستم S-300 در اختیار داشت که پیشرفته‌ترین آنها در اختیار پدافند هوایی تهران بود اما «همه آنها منهدم شدند».

→ لایه‌های مختلف پرواز دارد.
۳ فناوری‌های پیشرفته: جزئیات فنی موشک‌ها و سامانه‌های دفاعی اسرائیل

اسرائیل در برنامه موشکی خود از فناوری‌های پیشرفته‌ای استفاده می‌کند که به آن توانایی انجام عملیات‌های پیچیده و دقیق را می‌دهد. این فناوری‌ها شامل موشک‌های بالستیک دوربرد، موشک‌های کروز با دقت بالا، و سامانه‌های دفاع موشکی چندلایه است. بخشی از این موشک‌ها «هوایما» هستند و از جت‌های جنگنده به صورت نقطه از فواصل دور پرتاب می‌شوند.

ویژگی‌های تکنولوژیکی «موشک جریکو-۳»

پیشرفته: موشک جریکو-۳ از پیشرفته سوخت جامد استفاده می‌کند که به آن سرعت و مانورپذیری بالایی در مراحل پرواز می‌دهد.

کلاهک: این موشک قابلیت حمل چندین نوع کلاهک را دارد، از جمله کلاهک‌های متعارف و هسته‌ای، که آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی اسرائیل تبدیل کرده است.

سامانه دفاع موشکی آرو: نوآوری در رهگیری موشک‌های بالستیک

رادار پیشرفته: سامانه آرو از رادارهای چندفازی بهره می‌برد که می‌تواند موشک‌های بالستیک را در مراحل اولیه پرواز شناسایی کرده و مسیر آنها را با دقت بالا پیش‌بینی کند.

موشک رهگیر: موشک‌های رهگیر آرو دارای سرعت و دقت بالا در رهگیری و نابودی موشک‌های بالستیک هستند و می‌توانند در فاصله‌های طولانی و ارتفاعات بالا تهدیدات را خنثی کنند.

۴ تأثیرات دیپلماتیک و سیاسی قدرت موشکی اسرائیل
قدرت موشکی اسرائیل نه تنها بر روابط داخلی این کشور تأثیر گذاشته، بلکه پیامدهای مهمی بر روابط دیپلماتیک آن با کشورهای دیگر داشته است.

همکاری‌های نظامی با ایالات متحده

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت برنامه موشکی اسرائیل، همکاری نزدیک این کشور با ایالات متحده است. واشنگتن با ارائه فناوری‌های پیشرفته و کمک‌های مالی به برنامه‌های دفاعی اسرائیل، نقش کلیدی در توسعه سامانه‌های موشکی مانند آرو و گنبد آهنین داشته است.

تأثیر بر روابط با کشورهای عربی

قدرت موشکی اسرائیل به ویژه در سال‌های اخیر با توجه به توافقات ابراهیم و بهبود روابط اسرائیل با برخی کشورهای عربی، بر معادلات سیاسی منطقه تأثیر گذاشته است. در حالی که کشورهای عربی همچنان نگران توانمندی‌های موشکی اسرائیل هستند، اما همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی با اسرائیل در زمینه‌های دیگر موجب بهبود روابط شده است.

نتیجه‌گیری: ارتقاء بازدارندگی و امنیت ملی از طریق قدرت موشکی

برنامه موشکی اسرائیل یکی از پیشرفته‌ترین و مؤثرترین برنامه‌های نظامی در جهان است که نه تنها به عنوان یک ابزار نظامی، بلکه به عنوان یک عنصر کلیدی در بازدارندگی و سیاست خارجی این کشور عمل می‌کند. توانایی‌های پیشرفته اسرائیل در زمینه موشک‌های بالستیک، کروز و سامانه‌های دفاعی، این کشور را قادر ساخته است تا به‌طور مؤثری از خود در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی دفاع کند و هم‌زمان در عرصه دیپلماسی تأثیرگذار باشد.

آسوشیتدپرس: در حمله هوایی اسرائیل پایگاه موشکی سپاه پاسداران در شاهرود «خسارت جدی» دیده است



تصویری از ویرانی یک سیلو در پایگاه موشکی شاهرود پس از انفجار ناشی از حمله اسرائیل

آیا تولید ایران آنطور که برخی می‌گویند فلج شده یا فقط آسیب دیده است، اما به اندازه کافی تصاویری را داریم که نشان می‌دهد این تأسیسات در این حملات ضربه خورده‌اند.»

به نظر می‌رسد سه ساختمان (سیلو) در حمله ۲۶ اکتبر آسیب دیده باشند. هینز توضیح می‌دهد: «با توجه به اینکه ساختمان بزرگ توسط خاکریزهای بلند احاطه شده، این نشان می‌دهد که احتمالاً در آنها با مواد منفجره قوی کار می‌شده است.» وی عنوان می‌کند که در این محل موشک‌هایی ساخته می‌شود که با سوخت جامد کار می‌کنند.

دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به درخواست آسوشیتدپرس برای اظهار نظر در این زمینه پاسخ نداد. ارتش اسرائیل نیز به پرسش‌های این خبرگزاری پاسخ نداد و بیانه قبلی خود را تکرار کرده است که در حملات بامداد شنبه ۲۶ اکتبر «تأسیسات تولید موشک» را هدف قرار داده است.

هینز گفت که جعبه‌های بزرگ در کنار ساختمان احتمالاً جعبه‌های موتور موشک هستند. اندازه آنها نشان می‌دهد که می‌توان از آنها برای ساخت موشک بالستیک موسوم به «خبرشکن» و «فتاح ۱» استفاده کرد. هر دو موشک در حملات جمهوری اسلامی به اسرائیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

آسوشیتدپرس در ادامه می‌نویسد، حمله به مرکز فضایی شاهرود و حملات دیگر اسرائیل به سایر پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی بدون شک حکومت جمهوری اسلامی را به شدت تحت فشار قرار داده است؛ به ویژه در شرایطی که از یکسو در حال ارزیابی میزان خسارات وارد شده به توانایی موشکی، یعنی نیرومندترین زرادخانه خود، است و از سوی دیگر می‌کوشد ابعاد و تأثیر حملات اسرائیل

پاسداران انقلاب اسلامی در شاهرود «خسارت جدی» دیده است.

در این گزارش که ۳۰ اکتبر (نهم آبان‌ماه) منتشر شد آمده تحلیل تصاویر ماهواره‌ای توسط این خبرگزاری نشان داده است که حمله اسرائیل به نقاطی در ایران احتمالاً به پایگاهی که توسط سپاه پاسداران، گروه شبه‌نظامی که موشک‌های بالستیک می‌سازد و موشک پرتاب می‌کند و بخشی از برنامه فضایی آن آسیب رسانده است.

انتشار تصاویر ماهواره‌ای که خسارت جدی به پایگاه موشکی سپاه در شاهرود را نشان می‌دهد پرسش‌های زیادی در مورد ابعاد خسارات ناشی از حمله تلافی‌جویانه اسرائیل ایجاد کرده است زیرا پیش از این جمهوری اسلامی تنها اعتراف کرده بود در حمله اسرائیل تأسیسات نظامی در ایلام، خوزستان و تهران هدف قرار گرفتند و اشاره‌ای به هدف قرار گرفتن یک مرکز نظامی در شاهرود (واقع در استان سمنان) نکرده بود.

مرکز فضایی «خمینی» که سپاه پاسداران بارها در آن اقدام به تست موشک و پرتاب ماهواره کرده در این پایگاه قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران که برخلاف اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نمی‌تواند جنگ‌افزارهای پیشرفته غربی و به ویژه تجهیزات آمریکایی را خریداری کند، از مدت‌ها پیش برای تقویت قدرت نظامی خود بر این نوع موشک‌ها تکیه کرده است.

تصاویر ماهواره‌ای شرکت پلانت لبز Planet Labs که کیفیت بالایی دارند، توسط کارشناسان آسوشیتدپرس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و آسیب به این پایگاه را تأیید می‌کند.

فابیان هینز کارشناس موشکی و پژوهشگر مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک می‌گوید: «ما نمی‌دانیم که

خبرگزاری آسوشیتدپرس بر اساس تحلیل تصاویر ماهواره‌ای شرکت Planet Labs گزارش داد که در حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران احتمالاً پایگاه موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شاهرود «خسارت جدی» دیده است.

● مرکز فضایی «خمینی» که سپاه پاسداران بارها در آن اقدام به تست موشک و پرتاب ماهواره کرده در این پایگاه قرار دارد.

● فابیان هینز کارشناس موشکی و پژوهشگر مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک می‌گوید: «ما نمی‌دانیم که آیا تولید ایران آنطور که برخی می‌گویند فلج شده یا فقط آسیب دیده است، اما به اندازه کافی تصاویری را داریم که نشان می‌دهند در آن حملات ضربه خورده‌اند.»

● به نظر می‌رسد سه ساختمان (سیلو) در آن حمله آسیب دیده باشند. هینز توضیح می‌دهد: «با توجه به اینکه ساختمان بزرگ توسط خاکریزهای بلند احاطه شده بود، این نشان می‌دهد که با مواد منفجره قوی کار می‌کرده است.» وی عنوان می‌کند که در این مکان موشک‌هایی ساخته می‌شود که با سوخت جامد کار می‌کنند.

● مؤسسه سرویس متحد سلطنتی بریتانیا، پژوهشگر امور دفاعی و استراتژیک در لندن، پیش از این در بخشی از تحلیل خود در مورد حملات اسرائیل به ایران گفته بود: «شواهدی که به تدریج منتشر می‌شوند حاکی از وارد شدن خسارت‌های شدید به دفاع ضدهوایی و تأسیسات پرتاب موشک در ایران است. هدف حملات این بوده که به [رژیم] ایران نشان دهد که در صورت اقدام تلافی‌جویانه، در حملات بعدی اسرائیل به شدت آسیب خواهد دید.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس بر اساس تحلیل تصاویر ماهواره‌ای شرکت Planet Labs گزارش داد که در حمله هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران احتمالاً پایگاه موشکی سپاه

ادعای «ساحلِ دزدان» بر جزایر ایران و خوش رقصی اتحادیه اروپا برای شیخ نشین های خلیج فارس



ویدئو

هزاران سال پیش از آنکه «ساحل دزدان» در نوار جنوبی خلیج فارس تبدیل به کشورهای کوچک عربی شود، مردمانی تجارت پیشه، متمدن و نه «دزد» بر سرزمین پهناور پارس حکم می‌راندند.

ابن حوقل مورخ و جغرافی‌شناس عرب که قرن چهارم قمری در بغداد زندگی می‌کرد در کتاب خود به نام «رنسانس اسلام» به رواج دزدی دریایی در سواحل جنوبی خلیج فارس اشاره می‌کند. دزدی دریایی ساکنان عرب محلی از شبه جزیره قطر تا عمان به قدری عادی و رایج بود که بریتانیایی‌ها در قرن هفدهم میلادی نام «ساحل دزدان دریایی» را به ناحیه جنوبی خلیج فارس دادند. هرمان بورچارت کاشف و عکاس آلمانی قرن نوزدهم می‌گوید نام ساحل دزدان شایسته ساکنان تشنه‌ی خون و بدنامی است که دزدی دریایی شغل اصلی آنهاست. تهیه و تنظیم از فرید خلیفی

را کم‌اهمیت جلوه دهد.

این در حالیست که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اعلام کرده درباره حمله روز پنجم آبان اسرائیل به مراکز نظامی ایران نباید بزرگنمایی و کوچک‌انگاری انجام شود. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه هشتم آبان در دیدار با گروهی از دیپلمات‌های خارجی در تهران گفت: «به خاطر آمادگی و هوشیاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و واکنش به‌موقع پدافند هوایی، خسارات ناشی از حملات بسیار محدود بوده است. اقدامات مقتضی برای تعمیر و احیای تجهیزات آسیب‌دیده به وضعیت عملیاتی به سرعت اجرا شد.»

آمریکا نگران است که برنامه‌های فضایی سپاه پاسداران پوششی برای تحقیقات موشکی باشد. به ویژه آنکه بر اساس تصاویر ماهواره‌ای، سکوی پرتاب موشک برای برنامه فضایی ایران در فاصله کمی از ساختمان منهدم شده در مرکز فضایی شاهرود قرار دارد. سکویی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آن برای پرتاب موفقیت‌آمیز چندین ماهواره به جو زمین استفاده کرده است. سپاه که فقط به رهبر جمهوری اسلامی پاسخگو است در سال ۲۰۲۰ برنامه فضایی پنهانی خود را برملا کرد.

نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا سال ۲۰۲۴ در ارزیابی از تهدیدهای جهانی گفتند که ادامه تحقیقات و توسعه موشک‌های حامل ماهواره توسط جمهوری اسلامی «مدت زمان لازم برای تولید موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را کوتاه‌تر خواهد کرد چون از فناوری مشابهی استفاده می‌کند.»

موشک‌های بالستیک قاره‌پیما می‌توانند برای حمل کلاهک‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار بگیرند. در پی فروپاشی توافق اتمی برجام، رژیم ایران حجم و غلظت غنی‌سازی اورانیوم را نیز افزایش داده است.

جمهوری اسلامی همواره تلاش برای تولید سلاح هسته‌ای را تکذیب کرده و می‌گوید برنامه‌های فضایی‌اش مثل برنامه‌های هسته‌ای آن فقط برای «مقاصد غیرنظامی» است.

اما نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گویند ایران تا سال ۲۰۰۳ بطور مخفیانه در حال توسعه یک برنامه هسته‌ای نظامی بوده است.

در حملات اسرائیل به پارچین، یکی از دو تأسیسات نظامی در حومه تهران که هدف قرار گرفت، یک ساختمان مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران منهدم شد.

فایان هینز در بخش دیگری توضیح می‌دهد، «مثل برنامه هسته‌ای ایران، توسعه فناوری‌ها و تحقیقات در برنامه‌های موشکی و فضایی نیز در پوشش برنامه‌های غیرنظامی انجام می‌شود.»

در این حالت رژیم ایران می‌تواند در هر مقطعی که بخواهد تصمیم بگیرد از این برنامه‌ها برای تولید تسلیحات یا از دانش و امکاناتش به عنوان امتیازی در چانه‌زنی با غرب بر سر تحریم‌ها استفاده کند.

اما در حال حاضر تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند که جمهوری اسلامی می‌بایست هنوز در حال ارزیابی پیامدهای حملات اسرائیل و خسارات آن باشد.

مؤسسه سرویس متحد سلطنتی بریتانیا، پژوهشگر امور دفاعی و استراتژیک در لندن، پیش از این در بخشی از تحلیل خود در مورد حملات اسرائیل به نقاطی در ایران گفته بود: «شواهدی که به تدریج منتشر می‌شوند حاکی از وارد شدن خسارت‌های شدید به دفاع ضدهوایی و تأسیسات پرتاب موشک در ایران است. هدف حملات این بوده که به [رژیم] ایران نشان دهد که در صورت اقدام تلافی‌جویانه، در حملات بعدی اسرائیل به شدت آسیب خواهد دید.»

فهیمة رویول نویسنده کتاب «زن، زندگی، آزادی»:

ریشه خیزش مهسا را باید در دستاوردهای دوران پهلوی جستجو کرد



ویدئو

تاریخ ایران از زمان به قدرت رسیدن رضا شاه، تا آخرین سال‌های قبل از انقلاب اسلامی سال ۵۷. دورانی که این نویسنده معتقد است تأثیری مهم در خیزش مردم ایران و به ویژه زنان در سال‌های اخیر علیه نظام استبدادی جمهوری اسلامی داشته است.

احمد رأفت با فهیمة رویول که اخیر نشان پرارزش «لژیون دونور» فرانسه را دریافت کرده گفتگویی انجام داده است.

«نشر نوگام» اخیراً کتابی با عنوان «زند، زندگی، آزادی، بگذار از آن بگوئیم» منتشر کرده که ترجمه فارسی کتابی با همین عنوان است که توسط فهیمة رویول به زبان فرانسوی نوشته و منتشر شده است. این کتاب چنانکه نویسنده آن در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید، تنها در رابطه با وقایع سال‌های اخیر در ایران، به ویژه پس از قتل مهسا (ژینا) امینی نیست. فهیمة رویول نگاهی دارد به

جمشید شارمهد زندانی دوتابعیتی اعدام شد؛ کاربران: طبق معمول حکومت زورش به اسرائیل نرسید از مردم انتقام گرفت



پوستر جمشید شارمهد در تجمع ایرانیان در دروازه براندنبورگ برلین

رنج می‌برد.

جمشید شارمهد، ۱۳ فروردین ۱۴۰۱ در تماسی کوتاه به همسر خود گفته بود تنها دو دندان برایش باقی مانده اما به دلیل ریختن دندان‌هایش اشاره نکرد.

● خبرگزاری قوه قضائیه (میزان) روز دوشنبه ششم آبان‌ماه اعلام کرد، جمشید شارمهد زندانی ایرانی-آلمانی محبوس در زندان اوین اعدام شد.

● دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اوایل اسفندماه ۱۴۰۲ اعلام کرد دادگاه انقلاب تهران، شارمهد را به اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم کرده است.

● برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشتند زور جمهوری اسلامی به اسرائیل نرسید و طبق معمول با اعدام شهروندان آن را تلافی کرد. برخی دیگر نوشته‌اند جمهوری اسلامی یک خانواده دیگر به جمع دادخواهان اضافه کرد. خبرگزاری قوه قضائیه (میزان) روز دوشنبه ششم آبان‌ماه اعلام کرد، جمشید شارمهد زندانی ایرانی-آلمانی محبوس در زندان اوین اعدام شد.

● دستگاه قضایی جمهوری اسلامی اوایل اسفندماه ۱۴۰۲ اعلام کرد دادگاه انقلاب تهران، شارمهد را به اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم کرده است.

جمشید شارمهد ۶۸ ساله در تابستان ۱۳۹۹ توسط مأموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی در امارات ربوده شد. پس از هفته‌ها بی‌خبری از وضعیت او سرانجام مشخص شد که به ایران منتقل شده است.

او با این اتهام واهی که طراح «عملیات انفجار در حسینیه سیدالشهدای شیراز» بوده محکوم شد. خانواده شارمهد و وکیل او بارها این ادعا را رد کردند.

شارمهد که در وضعیت جسمی مناسبی بسر نمی‌برد، دوران بازداشت خود را در سلول انفرادی می‌گذراند. غزاله شارمهد دختر وی گفته بود، وکیل تسخیری پدرش برای خواندن پرونده، طلب ۲۵۰ هزار دلار پول کرده بود.

دادگاه شارمهد از ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ آغاز شد و قاضی بدنام ابوالقاسم صلواتی که از سوی آمریکا به دلیل نقض حقوق بشر تحریم شده است محاکمه وی را انجام داد.

نهادهای حقوق بشری بارها هشدار دادند که شارمهد در زندان تحت بدترین شرایط قرار دارد و از انواع بیماری‌ها

واکنش‌ها به اعدام جمشید شارمهد؛ آلمان سفیرش را فرا خواند؛ آنالنا بربوک: در تهران یک رژیم بی‌رحم حاکم است

● اولاف شولتز صدراعظم آلمان اعدام جمشید شارمهد را محکوم کرد. شولتز اعدام این زندانی را «رسوایی» خواند و گفت، او «حتا امکان دفاع از خود در محاکمه‌ای [عادلان] را نداشت».

● آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان در بیانیه‌ای اعلام کرد، «اعدام شارمهد بار دیگر نشان داد که در تهران چه رژیم بی‌رحمی حاکم است، رژیمی که علیه جوانان خود علیه مردم خود و علیه اتباع خارجی با مرگ برخورد می‌کند. این وضع نشان می‌دهد که حتی در دولت جدید [دولت پزشکیان] نیز هیچکس در امان نیست».

● ماتئومیلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز ضمن محکوم کردن اعدام شارمهد آن را تازه‌ترین نمونه «سرکوب فراملی و بی‌اعتنایی به حقوق بشر» از سوی جمهوری اسلامی خواند. ● غزاله شارمهد: «جهادگران بزدل حکومت اشغالگر پدرم را کشتند».

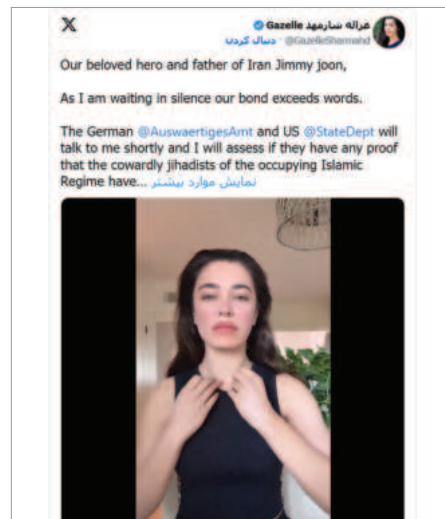
- شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به اعدام شارمهد در «ایکس» نوشت، «رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و رهبر حقیر آن، علی خامنه‌ای، با اعدام جمشید شارمهد، پرونده جنایات خود را سنگین‌تر کردند».

دولت آلمان در واکنش به اعدام جمشید شارمهد شهروند ایرانی-آلمانی، سفیر خود را از تهران فرا خواند و سفیر جمهوری اسلامی در برلین را به وزارت خارجه احضار کرد. اولاف شولتز صدراعظم و آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان اعدام جمشید شارمهد را محکوم کردند. شولتز اعدام این زندانی را «رسوایی» خواند و گفت، او «حتا امکان دفاع از خود در محاکمه‌ای [عادلان] را نداشت».

بربوک نیز که به چین سفر کرده است در بیانیه‌ای اعلام کرد، «اعدام شارمهد بار دیگر نشان داد که در تهران چه رژیم بی‌رحمی حاکم است، رژیمی که علیه جوانان خود علیه مردم خود و علیه اتباع خارجی با مرگ برخورد می‌کند. این وضع نشان می‌دهد که حتی در دولت جدید [دولت پزشکیان] نیز هیچکس در امان نیست».

وی در این بیانیه ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده شارمهد گفت: «امروز برای خانواده او بدترین اتفاق ممکن رخ داده است، خانواده‌ای که مدام در تماس نزدیک با ما بوده‌اند و هستند و این فقدان وحشتناک را تحمل می‌کنند». وزیر خارجه آلمان تأکید کرد که این کشور «بطور خستگی‌ناپذیر» برای نجات شارمهد تلاش کرد. وی خطاب به حاکمان جمهوری اسلامی اعلام کرد، «اعدام یک شهروند آلمانی پیامدهای سنگینی خواهد داشت».

جمشید شارمهد که سال ۱۳۹۹ توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در دویبی ربوده شده بود، روز دوشنبه



او گفته بود هر روز تحت بازجویی قرار دارد و مجبور است اسناد مختلفی را امضاء کند.

تا لحظه تنظیم این گزارش خانواده شارمهد واکنشی به خبر اعدام وی نشان نداده‌اند.

در ارتباط با اعدام جمشید شارمهد که امروز صبح اعلام شد، برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشتند زور جمهوری اسلامی به اسرائیل نرسید و طبق معمول با اعدام شهروندان آن را تلافی کرد. شماری از کاربران نوشته‌اند «حکومت از مردم انتقام سخت گرفت» و برخی دیگر نوشته‌اند جمهوری اسلامی یک خانواده دیگر به جمع دادخواهان اضافه کرد.

عدم دسترسی اینجانب به فریادرسی که دادم را بستاند، اجبارا با فرا رسیدن سالگرد فرزند جاویدم از تاریخ هفتم آبان ماه تا حصول آزادی اعتصاب می‌کنم.»

این پدر دادخواه در پایان تأکید کرده که «در این مدت هر اتفاق و حادثه‌ای برای من بیفتد مسئولیت آن به عهده مراجع قضایی نظام جمهوری اسلامی بوده است.»

صبا بختیاری خواهر منوچهر بختیاری نیز با انتشار این فایل صوتی در شبکه «ایکس» نوشت: «امروز مورخ ۷ آبان ۱۴۰۳ برادرم منوچهر بختیاری اعتصاب غذا کرد در صورتی که اعتصاب برای ایشان بسیار خطرناک است.»

صبا بختیاری افزوده که در طی سال‌ها زندان، تبعید و انفرادی با وجود بیماری و نیاز مبرم به جراحی و نامه‌های پزشکی قانونی بر مبنای معالجه و عمل جراحی، با وجود وثیقه‌های متعدد، سند و فیش حقوقی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از آزادی و حتی مرخصی درمانی برادرم جلوگیری نموده است. وی تأکید کرده که «جان برادرم در خطر است و نیاز فوری به معالجه دارد لطفا صدای برادرم باشید.»

منوچهر بختیاری پس از کشته شدن پویا فرزند ۲۷ ساله‌اش که ۲۵ آبان در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در مهرشهر کرج از ناحیه سر مورد اصابت شلیک مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت به دادخواهی فرزند برخاست. خانواده بختیاری طی چهار سال گذشته بارها بازداشت، احضار و تهدید شده‌اند.

این پدر دادخواه آخرین بار در تاریخ ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شد. او نهایتاً توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶ ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده و از بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی به نامتگاه مرکزی کرج منتقل شد. وی روز چهارشنبه ۲۹ تیر بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شد. علی شریف‌زاده وکیل منوچهر بختیاری ۳۰ تیرماه امسال خبر داده بود که موکلش «با توجه به شرایط جسمانی» و «خون‌ریزی دستگاه گوارش» به مراقبت و درمان نیاز دارد.

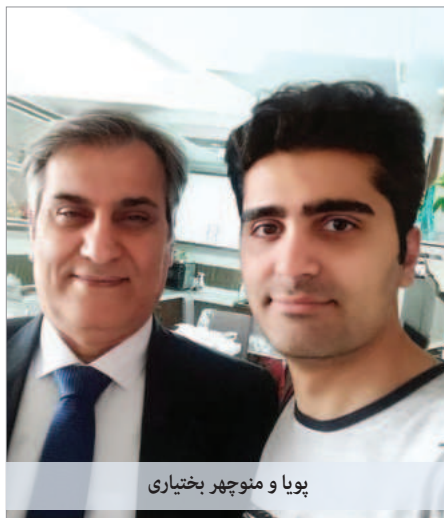
تیرماه پارسال نیز گزارش شده بود که منوچهر بختیاری پیشتر با وجود ابتلا به بیماری‌های کلیوی، پروستات و فتق و با وجود تاییدیه پزشکی قانونی مبنی بر نیاز جدی به اقدامات درمانی، از رسیدگی پزشکی تخصصی و اعزام به مرخصی درمانی محروم مانده است. منوچهر بختیاری دی‌ماه ۱۴۰۰ پس از مطلع شدن از صدور حکم غیرقانونی زندان، دست به اعتصاب غذا زد. او به سلول انفرادی منتقل شد اما پیش از انتقال در نامه‌ای اعلام کرد که «این دادخواهی خاموش شدنی نیست» و «دستوردهندگان و انجام‌دهندگان این جنایت مطمئن باشند به زودی در دادگاه ملت ایران محاکمه و به سزای اعمال خویش خواهند رسید.»

این پدر دادخواه جدا از تبعید به زندان مرکزی قزوین، مدت‌ها در این زندان در سلول انفرادی بسر برد و به بند عمومی هم منتقل نشد. دی‌ماه سال گذشته نیز گزارش شد که این زندانی دادخواه مورد فحاشی و ضرب و جرح مأموران زندان قرار گرفته است.

تیرماه امسال نیز حکم سیزده ماه و پانزده روز حبس در شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان قزوین تأیید شد. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات منوچهر بختیاری ۲۸ فروردین‌ماه امسال به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد. حکم بدوی این پرونده اوایل اردیبهشت امسال از سوی شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو در استان قزوین صادر شده بود.

منوچهر بختیاری آبان‌ماه سال گذشته نیز به شش ماه زندان محکوم شده بود. این حکم توسط شعبه اول دادگاه انقلاب قزوین و به اتهام «توهین به رهبری» صادر شد.

اعتصاب غذای نامحدود منوچهر بختیاری تا آزادی از زندان



پویا و منوچهر بختیاری

● منوچهر بختیاری با انتشار یک فایل صوتی از زندان اعلام کرده از هفتم آبان و تا زمان آزادی از زندان دست به اعتصاب غذا زده است.

● این پدر دادخواه در پایان تأکید کرده که «در این مدت هر اتفاق و حادثه‌ای برای من بیفتد مسئولیت آن به عهده مراجع قضایی نظام جمهوری اسلامی بوده است.»

منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری در زندان اعتصاب غذا کرده است. این زندانی سیاسی با ارسال فایل صوتی از زندان قزوین اعلام کرده اعتصاب غذای او از روز هفتم آبان آغاز شده و تا زمان آزادی ادامه می‌یابد و تأکید کرده مسئولیت هر اتفاقی برای او متوجه جمهوری اسلامی است. شبکه‌های اجتماعی «منوتو» روز دوشنبه هفتم آبان با انتشار یک فایل صوتی از منوچهر بختیاری از اعتصاب غذای این زندانی سیاسی و پدر دادخواه خبر دادند.

منوچهر بختیاری در این فایل صوتی با یادآوری گذشت پنج سال از جان باختن فرزندش در اعتراضات سال ۹۸، و زندانی شدن خودش به جرم دادخواهی، تأکید کرده «در پی تحمل این کیفر تحمیلی، غیرقانونی و غیرانسانی، از تمامی حقوق شهروندی محروم بوده و مبتلا به بیماری شده و بر اثر قصور و کوتاهی و نادیده گرفتن مواد ۵۲۰ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری و نظریه اداره پزشکی قانونی که حق مسلم یک زندانی بیمار است که خارج از زندان تحت جراحی، مداوا و درمان باشد اما متاسفانه مراجع قضایی و امنیتی با زیر پا گذاشتن قانون، اخلاق و کرامت انسانی اینجانب را از حق قانونی-انسانی خود محروم نموده‌اند.»

منوچهر بختیاری در ادامه گفته «حتی پس از اتمام حبس غیرقانونی تحمیلی مجدداً با پرنده‌سازی‌های جدید مانع آزادی من شدند. لذا با توجه به عدم پایبندی مراجع قضایی به قانون، اخلاق و شرعی که مدعی آن هستند و قصور و کوتاهی در امر پزشکی که جان بیماری در خطر است، و

→ ششم آبان‌ماه به اتهام خرابکاری و طراحی چند انفجار در ایران اعدام شد. سازمان عفو بین‌الملل (شاخه آلمان) از دولت این کشور خواست برای تمامی مقامات جمهوری اسلامی که در اعدام شارمهد دخالت داشتند پرونده قضایی تشکیل دهد و بنیان این جنایت را محاکمه کند.

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز ضمن محکوم کردن اعدام شارمهد آن را تازه‌ترین نمونه «سرکوب فراملی و بی‌اعتنایی به حقوق بشر» از سوی جمهوری اسلامی خواند و گفت: «ما در کنار آلمان، خانواده شارمهد و جامعه بین‌المللی برای پاسخگو کردن این رژیم ایستاده‌ایم.» با وجود واکنش آمریکا و آلمان، غزاله شارمهد دختر جمشید شارمهد هر دو دولت را به دلیل سکوت در برابر به گروگان گرفتن پدرش در طول چهار سال گذشته محکوم کرد و خواستار بازگرداندن فوری پیکر پدرش شد. وی در «ایکس» نوشت، «در حالی که در سکوت منتظر هستیم، پیوند ما از هر واژه‌ای فراتر می‌رود... وزارت خارجه آلمان و آمریکا به زودی با من صحبت خواهند کرد و من خواهم فهمید که آیا مدرکی دارند که نشان دهد جهادگران بزدل رژیم اشغالگر اسلامی از ترس وجودت، تو را به قتل رسانده‌اند؟»

غزاله شارمهد با طرح پرسش‌هایی انتقادی از دولت‌های آلمان و آمریکا ادامه داد: «در طول چهار سال گذشته این دو کشور [آمریکا و آلمان] برای یک شهروند آمریکایی-آلمانی که در دوی بی‌ربوده و به زور به ایران منتقل شد، چه کرده‌اند و بجز فراموش کردن او در هر مذاکره گروگانگیری، چه دستاورد دیگری دارند؟»

اعدام شارمهد در بین مخالفان حکومت نیز با واکنش‌های زیادی روبرو شد. شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به اعدام شارمهد در «ایکس» نوشت، «رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و رهبر حقیر آن، علی خامنه‌ای، با اعدام جمشید شارمهد، پرونده جنایات خود را سنگین‌تر کردند.»

در این متن آمده «از لحظه ربوده‌شدن در کشور ثالث تا لحظه قتل، شارمهد تحت شکنجه‌های مداوم بود و هرگز از حقوق اولیه انسانی و محاکمه‌ای عادلانه بهره‌مند نشد. حقیقت تلخ دیگر این است که با وجود شهروندی آلمان و اقامت دائم در آمریکا، او هرگز حمایت کافی از سوی دولت‌های آلمان و آمریکا دریافت نکرد و این دولت‌ها از اهرم‌های فشار خود بر جمهوری اسلامی برای آزادی یا دست‌کم نجات جان وی استفاده نکردند.»

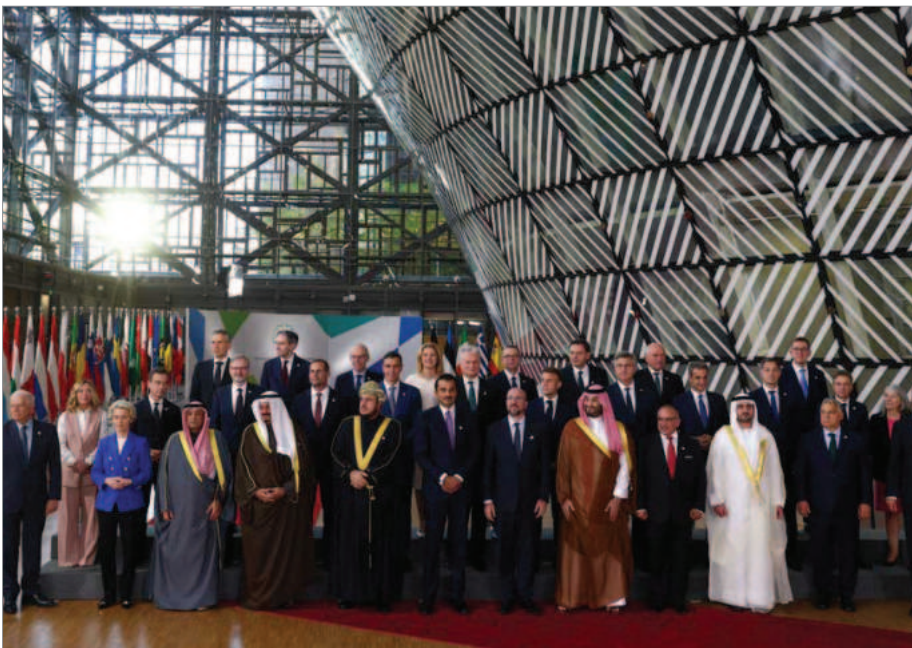
به گفته شاهزاده رضا پهلوی «این جنایت همچنین تأیید دیگری است بر اینکه اصلاح‌طلبان به اصطلاح میانه‌رو، همواره نقابی فریبنده بر چهره این رژیم اهریمنی بوده‌اند تا در سایه سکوت و مماشات جامعه جهانی به سرکوب و اعدام ادامه دهد.»

وی همچنین ضمن ابراز همدردی عمیق با خانواده شارمهد، به آنان اطمینان داد «تا تحقق عدالت و مجازات آمران و عاملان این جنایت از پای نخواهیم نشست.»

اعدام شارمهد تنها دو روز پس از آن صورت گرفت که اسرائیل به تأسیسات نظامی در ایران حمله کرد. در شرایطی که مقامات حکومت بطور مستقیم اعدام وی را با این حمله مرتبط ندانستند، اما قوه قضائیه او را متهم کرد که طراحی عملیات خرابکاری در ایران را «به دستور اربابان خود یعنی سازمان‌های اطلاعاتی غربی، ایالات متحده و رژیم کودک‌کش صهیونیستی» انجام داده است. جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۷ شارمهد را به «افشای اطلاعات طبقه بندی شده» در مورد سایت‌های موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متهم کرد.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد، بدون شک وعده الهی در مورد حامیان تروریسم محقق خواهد شد و این یک وعده قطعی است.

ادعای «اشغال» جزایر سه گانه در خلیج فارس؛ نقض حاکمیت ملی ایران



نشست مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس / بروکسل / بلژیک / ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ / رویترز

حقایق تاریخی را که توسط کارشناسان سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است تضعیف کند. این تلاش‌های بیهوده، نقض قاعده الزام آور حقوق بین‌الملل برای احترام به تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها بر اساس بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد است. از این رو، چنین اقدامات نادرست بین‌المللی، مطابق ماده ۳۱ قوانین مربوط به مسئولیت بین‌المللی کشورها، موجب مسئولیت بین‌المللی می‌شود. «کشور مسئول متعهد به جبران کامل خسارات ناشی از عمل نادرست بین‌المللی است.»

وی همچنین تأکید می‌کند: «گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد با کنکاش عمیق در اسناد تاریخی معتبر موجود، به اتفاق آراء واژه «پارسی» را به عنوان نام تاریخی صحیح برای دریای مجاور جنوب ایران (یعنی خلیج فارس) تأیید و اعلام کردند. گروه مذکور در گزارش شماره ۶۱ سال ۲۰۰۶ تأکید کرد که این نام‌های باستانی، ذخایر ارزشمند دانش بشری هستند که در طول تاریخ توسط ملت‌های مختلف ایجاد شده‌اند. نام‌ها با هویت ملت‌ها مرتبط‌اند، از جمله خلیج فارس که نام باستانی آن «خلیج فارس» است.»

جزایر سه گانه

در ارتباط با موضوع دوم، یعنی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، دکتر مسائلی در نامه خود به رئیس شورای اروپا ابتدا به تشریح مفهوم حقوقی «کنترل مؤثر» پرداخته و نتیجه می‌گیرد چرا بر این اساس این جزایر بخشی از قلمرو و حاکمیت ایران محسوب می‌شوند:

«مفهوم «کنترل مؤثر» شایسته کاوش عمیق‌تر در حقیقت بومی بودن و تعلق این سه جزیره به ایران است. حقایق تاریخی همچنین می‌توانند terra nullius را به این جزایر در دوران باستانی ایران نسبت دهند. از آنجا که جزایر تحت کنترل ایران درآمدند، و ایران بدون هیچ مقاومتی از

آن شناخته می‌شود. تأکید بر حسن نیت در منشور ملل متحد به دلیل رعایت قوانین تعیین‌شده توسط این سازمان است.

در استدلال حقوقی دکتر مسائلی آمده است: «باید یادآوری کرد که بخش کنترل تحریریه سازمان ملل متحد در الحاقیه مورخ ۱۸ آگوست سال ۱۹۹۴، به صورت مستقیم و صریح از «دقت و مراقبت لازم» کشورهای عضو برای اطمینان از استفاده مناسب واژه «خلیج فارس» در اسناد، نشریات و بیانیه‌های تهیه‌شده، تأکید نمود.»

او بر این اساس این پرسش را مطرح می‌کند: «اگر این نظریه کارشناسی ملل متحد به عنوان ارجاعی قانونی به مفاد حقوق بین‌المللی به حساب می‌آید، بیانیه مشترک یاد شده بالا، قاعده حسن نیت را بطور کامل زیر پا گذاشته و قداست معاهدات بین‌المللی را آگاهانه نادیده گرفته است. آیا تحریف آگاهانه و هدفمند یک نام تاریخی غیرقابل انکار، نشانه حسن نیت است یا نقض تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگران؟ آیا این یک قصد عمدی برای حذف واژه «فارس» از خلیج فارس، نقض قوانین بین‌المللی نیست؟»

دکتر مسائلی خود پاسخ می‌دهد: «به نظر می‌رسد که این اقدام هدفمند، نقض «قواعد آمره» حقوق بین‌الملل عمومی (jus cogens) است، زیرا با ایجاد زمینه‌های تنش و بی‌ثباتی، صلح بین‌المللی را به خطر می‌اندازد... متأسفانه، اتحادیه اروپا به کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس پیوسته است و آشکارا یک ادعای تحریک‌آمیز و اشتباه بزرگ انجام داده است.»

محمود مسائلی استاد حقوق بین‌الملل در پایان استدلال اول خود در ارتباط با نام خلیج فارس خطاب به رئیس شورای اروپا، هشدار می‌دهد: تغییر نام خلیج فارس نقض حق حاکمیت ایران محسوب می‌شود:

«در تلاشی بی‌فایده برای نادیده گرفتن نام «تاریخی فارس» برای «خلیج فارس»، بیانیه مشترک سعی می‌کند

● اتحادیه اروپا که هنوز منافع تجاری خودش را با حکومت آخوند- پاسدار حاکم بر ایران دنبال کرده و از قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی طفره می‌رود، با شیوخ عرب منطقه همسو شده و حتی فراتر از روسیه و چین، حق حاکمیت ملی ایران را نشانه گرفته است. حتی چین و روسیه نیز در حمایت از کشورهای شورای همکاری خلیج تا این حد بی‌شماره عمل نکرده و در ارتباط با جزایر سه گانه از «ارجاع اختلافات به مراجع حقوقی بین‌المللی» صحبت کرده بودند، حال آنکه اتحادیه اروپا از عبارت «اشغال» استفاده کرده است.

حنیف حیدرئزاد - اتحادیه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روز چهارشنبه ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ (۲۵ مهر ۱۴۰۳) در بیانیه پایانی نشست مشترک خود از ایران خواسته‌اند به «اشغال» جزایر سه گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی پایان دهد. این اولین بار است که در رابطه با جزایر سه گانه، دولت‌های اروپایی و شورای همکاری خلیج فارس از واژه «اشغال» استفاده می‌کنند. استفاده از واژه «اشغال» نقض صریح حاکمیت ملی ایران بر این جزایر بوده و از این نظر باید به این دخالت آشکار به نحو کاملاً جدی و موثر واکنش نشان داد.

دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل از دانشگاه‌های آتاون و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد با درک اهمیت و حساسیت این بیانیه مشترک، یک نامه سرگشاده برای شارل میشل، رئیس شورای اروپا فرستاده است. این نامه در اساس یک سند تاریخی است که بی‌اساس بودن ادعای مطرح شده را مورد بررسی قرار داده است. (متن فارسی و انگلیسی نامه سرگشاده دکتر محمود مسائلی به رئیس شورای اتحادیه اروپا)

وی خطاب به شارل میشل، رئیس شورای اروپا می‌نویسد: «سران کشورها و دولت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) اولین اجلاس سران خود را در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ در بروکسل، بلژیک، تحت عنوان «مشارکت استراتژیک برای صلح و رفاه» و مشارکت عمیق بین دو بلوک برگزار کردند.»

وی ادامه می‌دهد: بخش D-46 بیانیه مشترک، منعکس کننده یک اشتباه غیرقانونی علیه قواعد حقوقی بین‌الملل است. در بیانیه مشترک آمده است: «ما از ایران می‌خواهیم به اشغال سه جزیره متعلق به امارات متحده عربی (یعنی) تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات و اصول منشور سازمان ملل است پایان دهد.»

دکتر مسائلی در این مورد با طرح دو استدلال، غیرقانونی بودن دو موضوع در این بیانیه را به چالش می‌کشد. استدلال اول: نام آبراه واقع در جنوب ایران «خلیج فارس» است و نه «خلیج».

استدلال دوم: حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی موضوعی اثبات شده است.

«خلیج فارس»، نامی باستانی

در ارتباط با نام خلیج فارس در نامه سرگشاده دکتر مسائلی آمده است که منشور ملل متحد مهم‌ترین معاهده بین‌المللی است و سازمان ملل متحد به عنوان تبلور و مفسر

سوی دیگران، حاکمیت خود را بر آنها اعمال کرد. این بدان معناست که جزایر خلیج فارس مستعد کنترل قدرت و حاکمیت ایران بوده‌اند. به این ترتیب، جزایر در طول تاریخ، بدون ادعای رقیب دیگر کشورها، تحت کنترل ایران، در معرض فعالیت‌های منظم انسانی قرار گرفته‌اند. در آن زمان هیچ کشور دیگری در جنوب خلیج فارس وجود نداشت.

در ادامه این نامه، با ذکر نمونه‌هایی در دوره معاصر از روندهای حقوقی و اختلاف بر سر حاکمیت یک جزیره بین دو کشور مختلف، نتیجه‌گیری می‌شود:

«همه شواهد تاریخی، مفهوم «کنترل مؤثر» ایران بر سه جزیره مذکور را اثبات می‌کنند. در حقوق بین‌الملل، مفهوم «کنترل مؤثر» توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری در فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوئه و علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا) در ۱۹۸۶، ذکر شده است. ممکن است در مورد اشاره به «کنترل مؤثر» در این موضع، دادگاه در رابطه با جزایر ایرانی در خلیج فارس کسانی شُبّه ایجاد کنند. اما حقایق تاریخی تعلق جزایر سه گانه به ایران را تأیید می‌کند.»

دکتر مسائلی سپس این پرسش را مطرح می‌کند: «اتحادیه اروپا بر اساس کدام مبانی حقوقی و قواعد حقوق بین‌الملل از اصطلاح جعلی «اشغال» در باره حاکمیت ایران استفاده می‌کند؟»

محمود مسائلی استاد روابط و حقوق بین‌الملل در ادامه نامه سرگشاده خود با صراحت به رئیس شورای اروپا تذکر داده و به او نسبت به عواقب چنین «موضع سیاسی خطرناک» هشدار می‌دهد:

«استفاده از [عبارت] «اشغال جزایر سه‌گانه...» در بیانیه مشترک از نظر قانونی بی‌اساس است، زیرا این بی‌اساس بودن توسط حقایق تاریخی و همچنین داوری‌های بین‌المللی و رسیدگی‌های قضایی ثابت شده است. از نظر سیاسی، این یک اتهام جدی است که مسئولیت بین‌المللی شورای اروپا را به دنبال می‌آورد. این موضع سیاسی خطرناک، تحت عنوان استدلال قانونی توسط شورای اروپا مطرح شده است: «... نقض حاکمیت امارات متحده عربی و اصول منشور سازمان ملل است». تلاش شورا برای توجیه انگیزه‌های سیاسی تحت شرایط قانع کننده حقوق بین‌الملل، اشتباه فاحشی است. «نقض حاکمیت» و «اصول منشور سازمان ملل». شورا بر پایبندی به حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند، اما خود قواعد حقوق بین‌الملل را آشکارا نقض می‌کند. آیا تناقض ذاتی در بیانیه وجود ندارد؟»

محمود مسائلی در پایان نامه سرگشاده به رئیس شورای اروپا تأکید می‌کند: «حقایق تاریخی و قانون در هم تنیده شده‌اند. استفاده از ادعای بی‌اساس در بیانیه مشترک به این عنوان که «ما از ایران می‌خواهیم به اشغال سه جزیره امارات متحده عربی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات و امارات است، پایان دهد»، در تضاد با اصول منشور سازمان ملل متحد بوده، و فاقد مبنای تاریخی و قانونی است. اصطلاح «اشغال» یک ادعای خطرناک در بیانیه است زیرا هرگز نمی‌تواند با قواعد حقوق بین‌الملل مطابقت داشته باشد.»

ضرورت هوشیاری ملی در دوره ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی

حکومت جمهوری اسلامی در چهل و ششمین سال حیات خود بیش از هر زمان دیگری منزوی است. این حکومت هم از سوی مردم ایران رد می‌شود و هم به خاطر سیاست‌های جنگ‌افروزانه، توسعه‌طلبانه و تروریستی‌اش در منطقه و جهان در انزوای کامل قرار گرفته است. در چنین شرایطی،

همچون بسیاری نمونه‌های تلخ تاریخی در گذشته، فرصت‌طلبان و دشمنان ایران به دنبال جدا کردن تکه‌ای از خاک ایران به کمین نشسته‌اند.

اتحادیه اروپا که هنوز منافع تجاری خودش را با حکومت آخوند- پاسدار حاکم بر ایران دنبال کرده و از قرار دادن نام سپاه پاسداران در لیست تروریستی طفره می‌رود، با شیوخ عرب منطقه همسو شده و حتی فراتر از روسیه و چین، حق حاکمیت ملی ایران را نشانه گرفته است. حتی چین و روسیه نیز در حمایت از کشورهای شورای همکاری خلیج تا این حد بی‌شماره عمل نکرده و در ارتباط با جزایر سه گانه از «ارجاع اختلافات به مراجع حقوقی بین‌المللی» صحبت کرده بودند، حال آنکه اتحادیه اروپا از عبارت «اشغال» استفاده کرده است.

بیانیه مشترک اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هشدار می‌دهد که همه ایرانیان وطن‌دوست است که فراتر از اختلافات سیاسی خود به تمامیت ارضی و حفظ حق حاکمیت ملی کشور حساسیت داشته و اجازه ندهند به دلیل سایه جنگ بر سر کشور و به دلیل ضعف و بی‌تدبیری حکومت جمهوری اسلامی، منافع ملی به خطر بیافتند.

استدلال‌های حقوقی دکتر محمود مسائلی نمونه بسیار گویائی است که فراتر از ابراز تاسف یا اطلاعیه دادن، باید از ابزار و راهکارهای حقوق بین‌الملل برای به چالش کشیدن هر کشور یا قدرتی که بخواهد تمامیت ارضی ایران را مورد دست‌درازی قرار دهد، استفاده کرد.

یک وظیفه ملی

وظیفه ما، ما ایرانیان و میهن‌دوستان است تا از کنار چنین خبرهائی به سادگی عبور نکرده، بلکه با هوشیاری، حساسیت اجتماعی را برانگیخته و از همگان بخواهیم که از تماشا کردن فاصله گرفته و بطور فعال در دفاع از ایران اقدام کنند.

بهترین اقدام در این زمینه در قدم اول این است که در این زمینه اطلاع‌رسانی کرده و خواهان هوشیاری و حساسیت هموطنان شویم. در قدم دوم هر فردی در هر حدی که در توان دارد می‌تواند علیه این موضع‌گیری اتحادیه اروپا اقدام کند. قدم سوم می‌تواند حمایت از نامه سرگشاده دکتر محمود مسائلی باشد. ایشان این نامه را به رئیس شورای اروپا ارسال کرده، اما ضروری است تا در یک کارزار ملی از طریق طومار و جمع‌آوری امضا در وسیع‌ترین شکل ممکن و فارغ از گرایش‌ها و اختلافات سیاسی با امضای خود از این نامه سرگشاده و استدلال‌های حقوقی آمده در آن حمایت کنیم.

هم باید مردم ایران را در مورد چنین طرح‌های شوم آگاه کرد و هم باید صریح و قاطع به اتحادیه اروپا و کشورهای عربی خلیج فارس اعتراض کرده و نسبت به پیامدهای پیش بینی نشده چنین سیاست‌هایی در آینده بعد از جمهوری اسلامی هشدار داد.

این وظیفه ملی به ویژه متوجه شخصیت‌های سیاسی برجسته و تاثیرگذار همچون رضا پهلوی است. همچنین همه برنامه‌سازان رسانه‌های فارسی‌زبان اعم از رسانه‌های بزرگ یا رسانه‌هایی که بازدیدکننده کمتری دارند، و نیز هنرمندان، ورزشکاران و همه آنانی که در ابعاد گسترده می‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند، وظیفه دارند تا در این مورد آگاهی رسانی کرده و صدای اعتراض خود را خطاب به اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بلند کنند.

نباید اجازه داد شرایط جنگی و انزوای بین‌المللی و ضعف حکومت در ایران، موجب نقض حاکمیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران شود.

پیشینه موضوع

ادعای امارات متحده عربی در رابطه با جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در خلیج فارس به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد.

پیشینه تاریخی جزایر

جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک همواره بخشی از قلمرو ایران بوده‌اند. در طول تاریخ، منابع مختلف و مدارک تاریخی نشان می‌دهند که این جزایر در حاکمیت ایران بوده‌اند، اما در دوره‌هایی، به دلیل ضعف دولت مرکزی ایران و همچنین نفوذ قدرت‌های خارجی مانند بریتانیا در منطقه، این جزایر گاهی تحت اشغال یا تحت تأثیر نیروهای خارجی قرار می‌گرفتند.

دخالت بریتانیا

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با گسترش نفوذ استعماری بریتانیا در منطقه خلیج فارس، این کشور در امور مرزی و جغرافیایی کشورهای منطقه دخالت می‌کرد. در اواخر قرن نوزدهم، بریتانیا کنترل این جزایر را برای مدتی به دست گرفت، اما این به معنای انتقال مالکیت رسمی به هیچ کشور دیگری نبود.

استقلال امارات و ادعاهای

زمانی که امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ استقلال یافت، این کشور به عنوان یک کشور جدید در منطقه خلیج فارس تشکیل شد. در همان سال، قبل از خروج بریتانیا از خلیج فارس، ایران تصمیم به پس گرفتن این جزایر گرفت. در نوامبر ۱۹۷۱، نیروهای ایرانی وارد جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک شدند و کنترل آنها را بطور رسمی به دست گرفتند. این اقدام بر اساس توافقات غیررسمی با بریتانیا و همزمان با پایان دادن به نفوذ بریتانیا در خلیج فارس انجام شد. در آن زمان، شیخ‌نشین رأس‌الخیمه (یکی از امارات امارات متحده عربی) مدعی مالکیت جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک بود، در حالی که امارت شارجه (یکی دیگر از امارات) ادعای مالکیت ابوموسی را داشت.

ادعای امارات متحده عربی

با گذشت زمان، امارات متحده عربی که خود به تازگی شکل گرفته بود، به ادعای مالکیت بر این جزایر ادامه داد و خواستار بازگشت این جزایر به حاکمیت این کشور شد. امارات متحده عربی ادعا می‌کند که این جزایر در زمان تحت‌الحمایگی بریتانیا، تحت کنترل امارت‌های شارجه و رأس‌الخیمه بوده‌اند و به همین دلیل باید بخشی از امارات باشند.

موقعیت استراتژیک جزایر

جزایر سه‌گانه به دلیل موقعیت استراتژیک خود در نزدیکی تنگه هرمز و مسیرهای مهم کشتیرانی در خلیج فارس از اهمیت بالایی برخوردارند. این امر به نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی درباره این جزایر دامن زده است.

روابط ایران و امارات

اختلافات بر سر این جزایر یکی از مسائل مهم در روابط ایران و امارات متحده عربی است. ایران همواره تأکید کرده است که مالکیت این جزایر تاریخی بوده و این جزایر بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک ایران هستند و آماده حل و فصل این مسئله از طریق مذاکره نبوده است، چرا که موضوع حاکمیتی است و قابل مذاکره نیست.

امارات متحده عربی از زمان مطرح کردن ادعای



خود درباره جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک اقدامات مختلف سیاسی و حقوقی را با پشتیبانی برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در این رابطه انجام داده است. این اقدامات در زمینه‌های دیپلماتیک، حقوقی و بین‌المللی بوده، اما تا کنون نتیجه‌ای که به نفع ادعای امارات باشد حاصل نشده است. در زیر به برخی از این اقدامات و نتایج آنها اشاره می‌شود:

۱. اقدامات دیپلماتیک

امارات متحده عربی بطور مداوم در جلسات و نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، موضوع ادعای خود بر جزایر سه‌گانه را مطرح کرده است. برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مانند عربستان سعودی و بحرین، حمایت‌های سیاسی و بیانیه‌های مشترکی در تأیید ادعای امارات صادر کرده‌اند.

در این راستا، شورای همکاری خلیج فارس نیز بارها در بیانیه‌های پایانی نشست‌های خود از ایران خواسته است که این مسئله را از طریق گفتگوهای دوجانبه یا داوری بین‌المللی حل کند. امارات و کشورهای حامی آن خواستار این هستند که این مناقشه به «دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)» ارجاع داده شود.

۲. ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری

یکی از اقدامات حقوقی امارات این بوده که بارها پیشنهاد ارجاع مسئله به دیوان بین‌المللی دادگستری را مطرح کرده است. امارات خواسته که این موضوع به‌عنوان یک اختلاف حقوقی در دیوان بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. با این حال، ایران این پیشنهاد را رد کرده است. موضع رسمی ایران این است که «مالکیت ایران بر جزایر سه‌گانه تاریخی و غیرقابل مذاکره است» و این موضوع بخشی از حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود، بنابراین نیازی به ارجاع به نهادهای بین‌المللی نیست.

۳. حمایت شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس در جلسات خود، به ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بارها بیانیه‌هایی در حمایت از ادعای امارات صادر کرده است. در این بیانیه‌ها، این شورا از ایران خواسته که این مسئله را از طریق گفتگوی مستقیم یا داوری بین‌المللی حل کند. در برخی موارد، شورای همکاری از جامعه بین‌المللی نیز خواسته است که به حل این مناقشه کمک کنند.

با این حال، با وجود حمایت سیاسی شورای همکاری از امارات، این شورا نتوانسته ایران را به تغییر موضع خود ترغیب کند، و بسیاری از کشورها نیز بطور رسمی از ادعای امارات حمایت نکرده‌اند.

۴. اقدامات بین‌المللی

امارات در سطح بین‌المللی نیز تلاش کرده است با جلب حمایت سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی، ایران را تحت فشار قرار دهد. برای مثال، این کشور در سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی بطور منظم ادعای خود را مطرح کرده و از این سازمان‌ها خواسته تا به این مسئله بپردازند. با این حال، جامعه بین‌المللی از آنجا که مالکیت ایران بر این جزایر را بطور گسترده به عنوان یک واقعیت تاریخی پذیرفته، بطور رسمی از ادعای امارات حمایت نکرده است. سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی بیشتر بر حل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید داشته‌اند.

نگاهی به تجارب تلخ تاریخی

برای اهمیت ادعاهای مطرح شده در رابطه با جزایر سه‌گانه، به ویژه در شرایط جنگی و ضعف و ایزوله بودن حکومت مرکزی، مهم است به گذشته ایران نظر بیاندازیم تا بهتر درک شود که در صورت عدم حساسیت چه خطری در کمین است.

یکی از تلخ‌ترین رویدادهای تاریخ ایران، جدا کردن بخش‌های مختلف از خاک کشور توسط دشمنان ایرانزمین است. این جدا کردن‌ها حاصل ضعف و بی‌تدبیری حکومت‌های وقت در ایران بوده که در جنگ با همسایگان یا قدرت‌های استعماری ناچار شدند پس از جنگ و درگیری‌های طولانی، بر اساس قراردادهای، بخش‌هایی از خاک کشور را به دشمن واگذار کنند. مهمترین موارد از بعد از حکومت عثمانی به این طرف عبارتند از:

- عهدنامه زهاب یا عهدنامه قصرشیرین توافقی است که میان صفویان ایران و امپراتوری عثمانی در ۱۷ مه ۱۶۳۹ میلادی در شهر قصر شیرین امضا شد. این پیمان در واقع به جنگی که از سال ۱۶۲۳ آغاز شده بود و همچنین به مبارزات ۱۵۰ ساله دو کشور که بیشتر بر سر اختلافات ارضی صورت می‌گرفت، پایان داد. این پیمان با شرط پیوستن ایروان در قفقاز جنوبی به ایران و پیوستن تمام سرزمین‌های پین‌آلتهرین (دربرگیرنده رودهای دجله و فرات و اروندرود) به عثمانی انجام گرفت.

- عهدنامه گلستان پیمانی است که در اکتبر ۱۸۱۳ میلادی در پی جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار میان این دو کشور در روستای گلستان امضا شد. به دنبال این قرارداد، حاکمیت بر بخش‌هایی از شمال ایران شامل قفقاز، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان در ساحل دریای سیاه و محال گروزیه (کورنه) شامل چین و اینگوش امروزی از ایران سلب شده و به امپراتوری روسیه واگذار شد. طی این قرارداد در مجموع ۱۴ ولایت قفقازی ایران به همراه بخشی از خانات تالش و سواحل ارزنمنند دریای کاسپین از دست ایران خارج شد و حاکمیت بی چون و چرای ایران بر این بزرگترین دریاچه جهان، خدشه‌دار گردید. بنابراین با این پیمان منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۲۲۰ هزار کیلومترمربع خاکی و ۱۲۰ هزار کیلومترمربع آبی (از مساحت دریای کاسپین) به روسیه واگذار شد.

- عهدنامه‌های ارزروم به دو عهدنامه منعقد شده در سال‌های ۱۸۲۳ و ۱۸۴۷ میان ایران و امپراتوری عثمانی گفته می‌شود. طبق این عهدنامه، مناطق مورد اختلاف میان دو دولت میان آنها تقسیم شد. اما به دلیل غیردقیق بودن، انجام این اقدام تا سال ۱۹۱۴ به طول انجامید. به موجب عهدنامه دوم ارزروم، دولت ایران پذیرفت که از ادعای خود در رابطه با مناطق غربی زهاب (مندلی، نفتخانه و خانقین) دست برداشته و نیز حاکمیت عثمانی را بر سلیمانیه به رسمیت بشناسد و نسبت به آن ادعایی نداشته باشد.

- عهدنامه ترکمنچای، پیمانی است که در فوریه ۱۸۲۸ میلادی در پی جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار بین این دو کشور در قریه ترکمنچای امضا شد. برپایه این قرارداد، سه ایالت دیگر قفقاز، یعنی ایروان، نخجوان و بخش‌های دیگری از تالش زیر سلطه روس‌ها قرار گرفت، حاکمیت ایران بر دریای کاسپین محدودتر شد و مردم ایران ناچار از پذیرش کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) گردیدند. در عهدنامه ترکمنچای در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومترمربع شامل حدود ۲۰ هزار کیلومترمربع از ارمنستان امروزی، حدود ۵ هزار کیلومترمربع از ترکیه امروزی شامل کوه‌های آرارات و شهر ایغدیر که در آن زمان بخشی از

خانات ایروان بود و حدود ۵ هزار کیلومترمربع از جمهوری آذربایجان امروزی «شامل تالش شمالی یعنی شهرستان لریک و نخجوان» از ایران جدا شدند.

- پیمان آخال معاهده‌ای میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار بود که سپتامبر ۱۸۸۱ میلادی برای تعیین مرزهای دو کشور در سمت شرق دریای آخال (دریاچه آرال) بسته شد که از نظر مساحت رکورددار قراردادهای جدایی از ایران است. در پی انعقاد این پیمان، آسیای میانه، خوارزم، خیوه، شرق مازندران و مرو، سمرقند و بخارا از خاک ایران جدا و جزئی از کشور روسیه تزاری شد. این زمین‌ها شامل سرزمین ترکمنستان و بخش‌های بزرگی از تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان امروزی است و در مجموع بیش از ۱ میلیون و ۲۲۶ هزار کیلومترمربع مساحت دارد. (تقریباً برابر مساحت ایران کنونی)

- پیمان پاریس و جدائی هرات از ایران: در ۴ مارس ۱۸۵۷ میلادی پس از دومین نبرد انگلیس با حکومت قاجار بر سر مسئله هرات، جهت صلح بین دو کشور، پیمانی در پاریس منعقد گردید. بر اساس این معاهده ایران توافق کرد که سپاه خود را از هرات خارج کرده و استقلال افغانستان را به رسمیت بشناسد.

- قرارداد گلداسمیت یا قرارداد گلداسمید، قراردادی است که در سال ۱۸۷۲ میلادی بین ایران و بریتانیا به امضا رسید. این قرارداد برای تعیین مرزهای شرقی ایران و افغانستان (که در آن زمان تحت نفوذ بریتانیا بود) منعقد شد. این قرارداد منجر به جدایی مکران و بلوچستان از ایران و واگذاری آنها به امپراتوری بریتانیا شد. این مناطق امروزه شامل ایالت‌های بلوچستان و خیبر پختونخوا پاکستان می‌شود. قرارداد دوم در سال ۱۸۷۵ صورت گرفت، که منجر به جدایی بخش‌هایی از سیستان، و واگذاری آن به افغانستان شد.

- استقلال بحرین: جزیره بحرین که از دیرباز جزو ایران بوده، از حدود سال ۱۷۸۲ یا ۱۷۸۳ به اشغال آل خلیفه درآمد که پس از آن با اشغال مسقط توسط بریتانیا و پیوستن عمان به بریتانیا کبیر در سال ۱۸۹۲ یا ۱۸۹۳ در زمان قاجار، تحت سلطه بریتانیا قرار گرفت. اگرچه در طول این سال‌ها بحرین در عمل از حاکمیت ایران خارج شده بود، اما ایران هیچگاه حاضر نشد اشغال بحرین را به رسمیت بشناسد. با خروج نیروهای امپراتوری بریتانیا و در سال ۱۹۷۱ میلادی، اشغال بحرین به پایان رسید.

در همان سال حکومت محمدرضا شاه پهلوی نیز پس از اعلام این خبر، از خروج این نیروها استقبال کرد و اعلام کرد که از حق حاکمیت کشورش بر این سرزمین منصرف نشده است. سپس، قرار شد با معرفی طرحی (با هدایت بریتانیا) فدراسیونی شامل ۹ شیخ‌نشین جنوب خلیج فارس از جمله بحرین، در قالب یک کشور واحد تشکیل شود. در پاسخ به این طرح، حکومت محلی آل خلیفه بر بحرین، خروج بریتانیا و حضور نظامی ایران را به مثابه خطری برای خود دانست و خواستار پیوستن بحرین به این فدراسیون شد. حکومت ایران بلافاصله پس از شنیدن این خبر شدیداً با این درخواست مخالفت کرد.

پس از مذاکرات پنهانی بین ایران، اعراب، بریتانیا و آمریکا، ایران حاضر شد در قبال پس گرفتن حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه، با استقلال بحرین موافقت کند. شاه با این شرط حاضر به سازش شد که مردم بحرین در یک همه‌پرسی اعلام کنند که نمی‌خواهند به ایران برگردند. او اعلام کرد که اگر مردم بحرین خواهان بازگشت به ایران نباشند از ادعای سرزمینی خود بر بحرین دست خواهد کشید. شاه تأکید داشت که ایران به دنبال استفاده از زور برای الحاق بحرین نیست.

از فتح قدس تا فرار از جنگ: فروپاشی سیاست‌های جمهوری اسلامی



قدس پلاستیکی؛ رزمایش سپاه پاسداران برای آزادسازی نمادین قدس / آبان ۱۳۹۴

وضعیت نامطلوبی قرار دارد. سفر اخیر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به بحرین، کشوری که هیچ رابطه سیاسی با تهران ندارد، نمادی از این انزوای منطقه‌ای و تلاش‌های نافرجام نظام برای کسب حمایت‌های منطقه‌ای است. بحرین و دیگر کشورهای منطقه که همواره نگران جاه‌طلبی‌های جمهوری اسلامی بوده‌اند، به تلاش‌های دیپلماتیک آن پاسخ مثبت نداده‌اند و این سفر به خوبی نشان‌دهنده ضعف و ذلت جمهوری اسلامی در جلب حمایت کشورهای منطقه است.

با توجه به همه این شکست‌ها، می‌توان گفت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به پایان خود نزدیک شده است. نیروهای نیابتی که روزگاری یکی از ابزارهای اصلی جمهوری اسلامی برای اعمال نفوذ در منطقه بودند، اکنون با مشکلات جدی مواجه‌اند و توان عملیاتی آنها به شدت کاهش یافته است. علاوه بر این، اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد و رژیم به دلیل نارضایتی‌های مردمی و اعتراضات داخلی، قادر به ادامه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی خود نیست. در نهایت، انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز باعث شده که این رژیم به دیپلماسی روی آورد و به دنبال کاهش تنش‌ها و جلوگیری از یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل باشد.

شاید بتوان گفت که جمهوری اسلامی امروز در نقطه‌ای قرار گرفته است که علی‌خامنه‌ای هرگز تصور آن را نمی‌کرد. سیاست «نه جنگ، نه مذاکره» که از سوی رهبر جمهوری اسلامی به عنوان یک راهبرد قاطع اعلام شده بود، اکنون به نقطه‌ای رسیده که جنگ در منطقه جریان دارد و جمهوری اسلامی مجبور به درخواست مذاکره شده است. تقاضای مذاکره اینبار نه از سوی کشورهای غربی، بلکه از سوی جمهوری اسلامی مطرح شده است. رژیم که روزی به دنبال نابودی اسرائیل و فتح قدس بود، اکنون در تلاش است تا از جنگ فرار کند و خود را از بحران‌هایی که با سیاست‌های خود ساخته، نجات دهد.

*مرتی‌انوار؛ تحلیلگر مسائل بین‌الملل

حملات مکرر اسرائیل به مسیرهای انتقال سلاح از عراق و سوریه به لبنان، باعث شده که جریان تأمین تسلیحاتی حزب‌الله به شدت مختل شود و این گروه با مشکلات زیادی در زمینه تجهیز نیروهای خود مواجه باشد. علاوه بر این، اسرائیل اخیراً ضربه مهمی به نظام مالی حزب‌الله وارد کرده است. بانک «قرض‌الحسن» که به عنوان مرکز پولشویی و تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی حزب‌الله شناخته می‌شود و تحت تحریم‌های غرب قرار داشت، هدف حملات اسرائیل قرار گرفت و زیرساخت‌های آن نابود شد. این اقدام علاوه بر کاهش توانایی حزب‌الله در تأمین مالی فعالیت‌های نظامی خود، نشان‌دهنده فروپاشی اقتصادی این گروه است که روزگاری به عنوان یکی از قوی‌ترین نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی شناخته می‌شد.

در کنار شکست‌های نظامی و مالی حزب‌الله، اقتصاد جمهوری اسلامی نیز در وضعیت بحرانی قرار دارد. تحریم‌های بین‌المللی گسترده، سوءمدیریت داخلی، و فساد ساختاری، همگی دست به دست هم داده‌اند تا اقتصاد ایران را به آستانه فروپاشی برسانند. منابع مالی‌ای که پیشتر به گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه اختصاص می‌یافت، اکنون به دلیل فشارهای داخلی و نیازهای اقتصادی مردم ایران به شدت کاهش یافته است.

این کاهش منابع نه تنها باعث تضعیف نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی شده، بلکه از دست رفتن حمایت‌های مردمی در داخل کشور را نیز به دنبال داشته است. اعتراضات گسترده در سال‌های اخیر، به ویژه در شهرهای کوچک و مناطق محروم، نشان‌دهنده نارضایتی عمیق مردم از سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی است. رژیم که روزی با شعارهای انقلابی خود را قهرمان منطقه می‌دانست، اکنون با بحران‌های داخلی و نارضایتی عمومی دست و پنجه نرم می‌کند و در تلاش است تا از این بحران‌ها نجات یابد.

در عرصه سیاست خارجی نیز، جمهوری اسلامی به شدت در انزوا قرار گرفته است. روابط ایران با بسیاری از کشورهای همسایه، به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، در

● سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس بر مبنای دشمنی با اسرائیل و ایجاد گروه‌های نیابتی در منطقه شکل گرفت. این سیاست که با شعارهایی نظیر «نابودی اسرائیل» و «فتح قدس» همراه بود در عمل طی چهار دهه به یکی از محورهای اصلی استراتژی‌های منطقه‌ای نظام تبدیل شد.

● در کنار شکست‌های نظامی و مالی حزب‌الله، اقتصاد جمهوری اسلامی نیز در وضعیت بحرانی قرار دارد. تحریم‌های بین‌المللی گسترده، سوءمدیریت داخلی و فساد ساختاری، همگی دست به دست هم داده‌اند تا اقتصاد ایران را به آستانه فروپاشی برسانند.

● در عرصه سیاست خارجی نیز جمهوری اسلامی به شدت در انزوا قرار گرفته است. روابط ایران با بسیاری از کشورهای همسایه، به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

● علاوه بر این، اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی نیز تحت فشارهای شدید قرار دارد و رژیم به دلیل نارضایتی‌های مردمی و اعتراضات داخلی، قادر به ادامه حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از نیروهای نیابتی خود نیست.

● در نهایت، انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز باعث شده که این رژیم به دیپلماسی روی آورد و به دنبال کاهش تنش‌ها و جلوگیری از یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل باشد.

مرتی‌انوار؛ - سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بدو تأسیس بر مبنای دشمنی با اسرائیل و ایجاد گروه‌های نیابتی در منطقه شکل گرفت. این سیاست که با شعارهایی نظیر «نابودی اسرائیل» و «فتح قدس» همراه بود در عمل طی چهار دهه به یکی از محورهای اصلی استراتژی‌های منطقه‌ای نظام تبدیل شد.

میلیاردها دلار از منابع ملی ایران بجای سرمایه‌گذاری در کشور، به گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان و حماس در غزه اختصاص یافت تا از طریق تأمین مالی و تسلیحاتی آنها، نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه گسترش یابد و از طریق این نیروهای نیابتی، اسرائیل تحت فشار قرار گیرد.

علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها در سخنرانی‌های خود اعلام کرده که ایران هرگز با آمریکا مذاکره نخواهد کرد و سیاست «نه جنگ، نه مذاکره» را به عنوان رویکرد اصلی جمهوری اسلامی اعلام کرده است. در جریان مذاکرات هسته‌ای برجام نیز از مذاکره مستقیم با آمریکا خودداری کرد و واسطه‌گری روسیه را برای انتقال پیام‌های خود به کار گرفت. اما این سیاست که در سال‌های اولیه انقلاب ممکن بود موفقیت‌هایی به همراه داشته باشد، امروز به بن‌بست رسیده است.

نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی که روزگاری به عنوان ابزار اصلی اعمال قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه شناخته می‌شدند، اکنون یکی پس از دیگری در حال فروپاشی هستند و خود نظام در ایران نیز در مسیر انزوا و ضعف بیشتر قرار گرفته است.

یکی از بارزترین نمادهای شکست سیاست نیابتی جمهوری اسلامی، وضعیت کنونی حزب‌الله لبنان است. حزب‌الله که به عنوان نیروی نیابتی اصلی جمهوری اسلامی در لبنان و خط مقدم مقابله با اسرائیل مطرح بود، طی سال‌های اخیر توان نظامی و عملیاتی خود را بطور قابل توجهی از دست داده است.

واکنش علی خامنه‌ای به حمله اسرائیل؛ باید «خطای محاسباتی صهیونیست‌ها» بهم بخورد!



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی

عباس عراقچی: اسرائیل از آسمان چند کشور در حمله به مراکز نظامی ایران استفاده کرد

● عباس عراقچی، چهارشنبه نهم آبان در حاشیه نشست هیات دولت در جمع خبرنگاران تأکید کرد «حضور و توان نظامی آمریکا یک واقعیت است» و «جنگنده‌های صهیونیستی» از کانالی که آمریکا درست کرده بود این حمله را انجام دادند.

● وی همچنین گفت اسرائیل «علاوه بر عراق از آسمان کشورهای دیگر هم در حمله استفاده کرده است که با آنها هم در تماس هستیم». عراقچی اما به نام هیچ کشوری اشاره نکرد.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره مذاکره با عراقی‌ها در مورد استفاده اسرائیل از حریم هوایی آن کشور گفت، «عراقی‌ها در مورد استفاده از حریم هوایی آن کشور در بالاترین سطوح به ما اطمینان خاطر دادند ولی گزارش‌هایی وجود دارد که از فضای عراق استفاده شده».

● وی همچنین گفت، «در طول یک ماه گذشته سیاست خارجی کشور درگیر تعاملات و رایزنی‌های فشرده هم در سطح رئیس‌جمهور در سفرها و ملاقات‌هایی که با سران کشورهای مختلف انجام دادند و هم سفرهایی که بنده انجام دادم و البته تماس‌هایی که با وزرای خارجه کشورهای منطقه انجام شد بود.» به نظر می‌رسد اشاره عراقچی مربوط به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای عدم استفاده اسرائیل از آسمان سایر کشورهای منطقه بود که حالا بر اساس گفته‌های خودش معلوم می‌شود بی‌نتیجه بوده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید اسرائیل برای حمله به تأسیسات نظامی در ایران از آسمان چندین کشور استفاده کرده است.

عباس عراقچی، چهارشنبه نهم آبان در حاشیه نشست هیات دولت در جمع خبرنگاران تأکید کرد «حضور و توان نظامی آمریکا یک واقعیت است» و «جنگنده‌های صهیونیستی» از کانالی که آمریکا درست کرده بود این حمله را انجام دادند.

وی همچنین گفت اسرائیل «علاوه بر عراق از آسمان کشورهای دیگر هم در حمله استفاده کرده است که با آنها هم در تماس هستیم». عراقچی اما به نام هیچ کشوری اشاره نکرد.

وزیر خارجه دولت پزشکیان تأکید کرد، «ما هم شکایت خود را به سازمان ملل و دیگر مراجع بین‌المللی اعلام

در مورد انواع «شرارت» بود. او گفت، «هر جا امنیت و حافظان امنیت نباشند؛ شرارت هست، این قاعده‌ی کلی است.» رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرد، «یک نفر در مرز شرارت می‌کند، یکی در داخل خیابان شرارت می‌کند، یکی راهزنی در خانه و مغازه‌ی این و آن شرارت می‌کند، یکی با شایعه‌پراکنی شرارت می‌کند، یکی با ارتکاب قتل شرارت می‌کند، یکی با قاچاق مواد مخدر شرارت می‌کند، با قاچاق سلاح شرارت می‌کند، اینها همه شرارت است.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از صحبت‌هایش به توجیه ضرورت در اختیار داشتن موشک‌های دوربرد پرداخت و آنهایی را که نسبت به موشک‌پرانی‌ها و تهدیدات نظام هشدار می‌دهند به یاد انتقاد گرفت و گفت: «بعضی‌ها در تحلیل‌های گوناگون تصور می‌کنند اگر بخواهیم کشور در امنیت باشد، بایستی سراغ ابزارهای حساس‌کننده‌ی قدرت‌ها نرویم؛ مثلاً چه لزومی دارد حالا ما موشک با فلان برد را داشته باشیم که حساس بشوند، خیال می‌کنند اینجوری، این شکلی می‌توانند امنیت کشور را تأمین کنند یعنی در واقع اگر می‌خواهید کشور امن باشد، ضعیف باشید، ابزارهای قدرت را برای خودتان فراهم نکنید، بعضی اینجور فکر می‌کنند، اینجور قضاوت می‌کنند، این غلط است.»

همزمان شماری از مقامات ارشد نظام علنی و با صراحت بر ضرورت گرفتن انتقام از اسرائیل تأکید کردند. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تهدید کرد «پاسخ به تجاوزگری» اسرائیل قطعی است. محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان نیز پیشتر گفته بود: «متناسب با شیطنت متجاوز در زمان و شرایط مقتضی پاسخ خواهیم داد».

مواضع جنگ‌طلبانه خامنه‌ای و سایر مقامات نظام با واکنش‌های زیادی روبرو شده است. شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند علی خامنه‌ای با جنگ قصد کرده تا ایران را ویران‌تر کند. اسرائیل بامداد شنبه پنجم آبان‌ماه حدود ۲۳ سه نقطه مرتبط با تأسیسات و زیرساخت‌های نظامی جمهوری اسلامی را هدف قرار داد. در این حملات شماری از پرسنل نظامی کشته و زخمی شدند. ارتش تا کنون تعداد چهار کشته را تأیید کرده است.

● رهبر جمهوری اسلامی در اولین واکنش به حمله اسرائیل به مراکز نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موسوم به «روزهای پاسخ» عنوان کرد: «شرارت دو شب پیش رژیم صهیونیستی نه باید بزرگنمایی شود و نه کوچک‌انگاری. باید خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی بهم بخورد. باید قدرت و اراده و ابتکار ملت ایران و جوانان کشور را به آنان فهماند.»

● خامنه‌ای نحوه پاسخ به اسرائیل را به مقامات مسئول واگذار کرد و گفت: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

● مواضع جنگ‌طلبانه خامنه‌ای و سایر مقامات نظام با واکنش‌های زیادی روبرو شده است. شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند علی خامنه‌ای با جنگ قصد کرده تا ایران را ویران‌تر کند.

رهبر جمهوری اسلامی در اولین واکنش به حمله تلافی‌جویانه اسرائیل به مراکز نظامی در ایران، تهدید کرد که «باید قدرت ایران به رژیم صهیونیستی فهمانده شود». کاربران در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند علی خامنه‌ای با جنگ قصد کرده تا ایران را ویران‌تر کند.

خانواده شماری از کشته‌شدگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تحت عنوان «شهدای امنیت» یکشنبه ششم آبان‌ماه با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دیدار کردند.

او در این دیدار با اشاره به حمله اسرائیل به مراکز نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موسوم به «روزهای پاسخ» عنوان کرد: «شرارت دو شب پیش رژیم صهیونیستی نه باید بزرگنمایی شود و نه کوچک‌انگاری. باید خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی بهم بخورد. باید قدرت و اراده و ابتکار ملت ایران و جوانان کشور را به آنان فهماند.»

خامنه‌ای نحوه پاسخ به اسرائیل را به مقامات مسئول واگذار کرد و گفت: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

بخشی از صحبت‌های خامنه‌ای در ارتباط با بیان دیدگاه‌هایش

→ کرده‌ایم.

جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، میراث کوروش و تاریخ پرافتخار ایران را به جهان معرفی کرد



جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

شدند. پادشاهان پهلوی با احیای هویت ایرانی و بهبود زیرساخت‌های کشور، توسعه فرهنگی و علمی را در مسیر ارزش‌های تاریخی و ملی ایران بازسازی کردند. محمدرضا شاه پهلوی با برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، میراث کوروش و تاریخ پرافتخار ایران را به جهان معرفی کرد و افتخار ملی ایرانیان را زنده ساخت. در دوران پهلوی، اصولی نظیر احترام به هویت ملی، تلاش برای تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی، و ایجاد رفاه اجتماعی برای مردم، تجلی مجددی از ارزش‌های حکمرانی کوروش بزرگ را به نمایش گذاشت. اما با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، این مسیر به انحراف کشیده شد و بجای حفظ و گسترش هویت ایرانی، با سیاست‌های سرکوبگر و حذف فرهنگی، به تخریب بنیادهای تاریخی و فرهنگی کشور پرداختند. بجای پاسداشت شخصیت‌های تاریخی و نمادهای ملی، این رژیم سعی کرد با تحریف و سرکوب تاریخ، نسل جوان را از گذشته و هویت فرهنگی خود جدا کند. در حالی که دیگر ملت‌ها از تاریخ و قهرمانان خود به عنوان منبع افتخار و اتحاد یاد می‌کنند، در ایران شخصیت‌هایی که نماد سربلندی و انسانیت هستند، نادیده گرفته می‌شوند.

این سیاست‌های تخریبی در نهایت موجب شده است که نسلی از ایرانیان از تاریخ و میراث غنی خود بی‌خبر بماند. در چنین شرایطی، یادآوری اصول و ارزش‌های کوروش می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازسازی هویت ملی عمل کند. در حالی که جمهوری اسلامی تلاش دارد تا مرزهای قومی و مذهبی را پررنگ‌تر کند، کوروش به ما آموخت که همزیستی، مدارا، و احترام به انسانیت باید زیربنای یک جامعه پویا باشد.

این روز، روز کوروش بزرگ، باید نقطه عطفی در تجدید عزم و اراده ملی باشد؛ فرصتی برای بازگشت به اصول کوروش و احیای ارزش‌های انسانی و اخلاقی او. ایرانیان باید با تکیه بر اصول عدالت، آزادی و حقوق بشر، یاد کوروش را زنده نگه دارند. پایان حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها به سود مردم ایران، بلکه به نفع خاورمیانه و حتی جهان خواهد بود.

● کوروش بزرگ با رویکرد عقلانی و سیاست مدارامحور خود، به ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون احترام گذاشت و در قلمرو خود همزیستی مسالمت‌آمیز را پایه‌گذاری کرد.

● محمدرضا شاه پهلوی با برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، میراث کوروش و تاریخ پرافتخار ایران را به جهان معرفی کرد و افتخار ملی ایرانیان را زنده ساخت. در دوران پهلوی، اصولی نظیر احترام به هویت ملی، تلاش برای تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی، و ایجاد رفاه اجتماعی برای مردم، تجلی مجددی از ارزش‌های حکمرانی کوروش بزرگ را به نمایش گذاشت.

● روز کوروش بزرگ، باید نقطه عطفی در تجدید عزم و اراده ملی باشد؛ فرصتی برای بازگشت به اصول کوروش و احیای ارزش‌های انسانی و اخلاقی او. ایرانیان باید با تکیه بر اصول عدالت، آزادی و حقوق بشر، یاد کوروش را زنده نگه دارند. پایان حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها به سود مردم ایران، بلکه به نفع خاورمیانه و حتی جهان خواهد بود.

محمد خوش بیان - در تاریخ پرشکوه ایران، نام کوروش بزرگ همچون ستاره‌ای درخشان در آسمان بشریت می‌درخشد؛ او تنها بنیانگذار امپراتوری هخامنشی و پیشگام دوران باستان نبود، بلکه با اصول انسانی و عدالت اجتماعی‌اش، نمادی بی‌نظیر از آزادی و انسانیت است. بسیاری از تاریخ‌نگاران منشور او را نخستین سند حقوق بشر می‌دانند. این منشور، که بیش از ۲۵۰۰ سال پیش نوشته شد، اصولی را به نمایش می‌گذارد که امروزه نیز به عنوان استانداردهای حقوق بشر مورد توجه جهانیان است.

کوروش بزرگ با رویکرد عقلانی و سیاست مدارامحور خود، به ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون احترام گذاشت و در قلمرو خود همزیستی مسالمت‌آمیز را پایه‌گذاری کرد. او نه تنها فرمانروایی قدرتمند، بلکه مردی از آرمان‌های انسان‌دوستانه و همواره در پی برقراری صلح و آرامش بود. این ویژگی‌ها او را به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ تبدیل کرد و میراثی گرانبها برای آیندگان برجای گذاشت. در دوران پهلوی، این ارزش‌های اساسی کوروش با شکلی مدرن و منطبق بر نیازهای جامعه نوین ایرانی احیا

وی همچنین گفت، «در طول یک ماه گذشته سیاست خارجی کشور درگیر تعاملات و رایزنی‌های فشرده هم در سطح رئیس‌جمهور در سفرها و ملاقات‌هایی که با سران کشورهای مختلف انجام دادند و هم سفرهایی که بنده انجام دادم و البته تماس‌هایی که با وزرای خارجه کشورهای



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی

منطقه انجام شد بود.

به نظر می‌رسد اشاره عراقچی مربوط به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای عدم استفاده اسرائیل از آسمان سایر کشورهای منطقه بود که حالا بر اساس گفته‌های خودش معلوم می‌شود بی‌نتیجه بوده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره مذاکره با عراقی‌ها در مورد استفاده اسرائیل از حریم هوایی آن کشور توضیح داد، «من قبل از حمله سفری را به عراق داشتم و مقامات عراقی در بالاترین سطح به ما اطمینان خاطر دادند ولی گزارش‌هایی وجود دارد که از فضای عراق استفاده شده و رایزنی‌ها با طرف عراقی برای شکایت عراق از اسرائیل در سطح بین‌المللی در حال پیگیری است.»

دولت‌های منطقه پیش از این به جمهوری اسلامی اطمینان داده بودند که از خاک یا فضای آنها علیه جمهوری اسلامی استفاده نمی‌شود اما به نظر می‌رسد که تعدادی از آنها در این زمینه با اسرائیل کنار آمدند.

بر اساس گزارش منابع رسانه‌ای بین‌المللی در حمله تلافی‌جویانه اسرائیل، بین ۱۹ تا ۲۴ هدف در داخل ایران مورد اصابت قرار گرفت. تمرکز این حملات در استان‌های خوزستان، ایلام و تهران بود اما انفجارهایی در بجنورد، مشهد و شاهرود در شمال شرقی ایران نیز گزارش شد.

یک شب پیش از حمله هوایی اسرائیل که پنجم آبان (۲۶ اکتبر) انجام شد، سازمان هواپیمایی کشوری جمهوری اسلامی با صدور بخشنامه‌ای پرواز پهباد و ریزپرنده را در آسمان ایران ممنوع کرد اعلام کرد.

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای که پنجم آبان ۱۴۰۳ صادر شد اعلام کرد هواپیمای اسرائیل «با استفاده از فضای در اختیار ارتش آمریکا در عراق در یکصد کیلومتری مرزهای ایران و از راه دور، تعدادی موشک دوربرد هواپایه به سمت برخی از رادارهای مرزی در استان‌های ایلام، خوزستان و اطراف استان تهران پرتاب کردند.»

در حمله به مراکز نظامی جمهوری اسلامی چند فروند جت اسرائیل وارد آسمان ایران شدند

ارتش جمهوری اسلامی تلفات در حمله اسرائیل را تأیید کرد؛ مقامات اسرائیل: تمرکز فقط مراکز نظامی بود

● در حمله تلافی‌جویانه اسرائیل به مراکز نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بامداد شنبه پنجم آبان ۱۴۰۳ انجام شد تعدادی از پرسنل نظامی کشته و زخمی شدند. منابع اسرائیلی اعلام کردند، بیش از ۱۰۰ فروند هواپیمای رادارگریز «F-35» در این حمله مأموریت داشتند که تقریباً دوهزار کیلومتر بُرد پرواز آنها بود.

● اصابت موشک‌های نقطه‌زن به مراکز نظامی در ایران تلفات داشت. هرچند آمار دقیق کشته و زخمی‌ها اعلام نشد اما ارتش جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای کشته شدن دو نفر از پرسنل نظامی را تأیید کرد.

● همچنین منابع داخلی اعلام نکردند که چه مراکزی هدف قرار گرفت و تنها ادعا شد «سه مرکز» در تهران و اطراف آن مورد اصابت قرار گرفت. در مورد شنیده شدن انفجارهای مهیب در سایر شهرها نیز اطلاع‌رسانی نشده است.

● ارتش اسرائیل تأیید کرد که این عملیات به طور خاص بر اهداف نظامی متمرکز شد و تأسیسات هسته‌ای و نفتی برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها هدف قرار داده نشد.

● حسام‌الدین آشنا از چهره‌های امنیتی نظام، در «ایکس» خطاب به مقامات اسرائیل نوشت: «با دم شیر بازی کردید. این‌جا نه فلسطین است. نه لبنان است. نه عراق است. نه افغانستان است. نه یمن است. اینجا ایران است.»

در حمله تلافی‌جویانه اسرائیل به مراکز نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بامداد شنبه پنجم آبان ۱۴۰۳ انجام شد تعدادی از پرسنل نظامی کشته و زخمی شدند. منابع اسرائیلی اعلام کردند، بیش از ۱۰۰ فروند هواپیمای رادارگریز «F-35» در این حمله مأموریت داشتند که تقریباً دوهزار کیلومتر بُرد پرواز آنها بود.

اصابت موشک‌های نقطه‌زن به مراکز نظامی در ایران تلفات داشت. هرچند آمار دقیق کشته و زخمی‌ها هنوز اعلام نشده اما ارتش جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای کشته شدن دو نفر از پرسنل نظامی را تأیید کرد.

در این بیانیه کوتاه آمده این پرسنل در راستای «دفاع از حریم امنیت ایران زمین و جلوگیری از آسیب به ملت و منافع ایران» کشته شدند اما اشاره نشده تلفات مربوط به کدام پایگاه یا سایت پدافندی است.

همچنین منابع داخلی اعلام نکردند که چه مراکزی هدف قرار گرفت و تنها ادعا شد «سه مرکز» در تهران و اطراف آن مورد اصابت قرار گرفت. در مورد شنیده شدن



اصابت موشک‌های اسرائیلی به مراکز نظامی تهران / پنجم آبان ۱۴۰۳

سنگین‌تر است.

در همین حملات شماری از پرسنل نظامی مستقر در پایگاه‌ها و مراکز موشکی و پدافندی کشته و زخمی شدند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ابتدا کشته شدن دو نفر، سپس چهار نفر ارتشی را تأیید کردند. سپس اعلام شد که غیرنظامی که نگیهان یکی از همین مراکز بوده نیز کشته شده است. منابع غیررسمی اعلام کردند فرد مورد اشاره سپاهی بوده است. بعضی منابع تعداد کشته‌ها را بیش از ۱۰ نفر اعلام کرده‌اند.

در موج اول واکنش‌ها، طرفداران نظام کارزاری برای خفیف جلوه دادن پاسخ اسرائیل به راه انداختند اما در ادامه پس از روشن‌تر شدن خسارات، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ششم آبان‌ماه در یک سخنرانی گفت «شرارت رژیم صهیونیستی نه باید بزرگنمایی شود و نه کوچک‌انگاری». وی خواستار پاسخ به «غلط محاسباتی» اسرائیل شد آنچه توسط «مستولان» شد در حالی که خودش «فرمانده کل قوا»ی مسلح جمهوری اسلامی است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۷ اکتبر (ششم آبان) آمریکا را به «مشارکت در عملیات اسرائیل علیه ایران» متهم کرد و گفت که دولت تهران خواستار برگزاری نشست فوری شورای امنیت شده است.

وی همچنین گفت: «مشارکت آمریکایی‌ها در عملیات اسرائیل علیه ایران کاملاً برای ما روشن است و حداقل آن این است که واشنگتن یک کریدور فضایی در اختیار نیروی هوایی این رژیم قرار داد و تجهیزات دفاعی که از قبل برای این رژیم فرستاده بودند، برای مشارکت در این عملیات بوده است.»

یوآو گالاتن وزیر دفاع اسرائیل پیش از عملیات «روزهای پاسخ» در بازدید از یک پایگاه هوایی گفته بود، «همه بعد از اینکه به ایران حمله کنیم، قدرت نیروی هوایی ما را درک خواهند کرد.»

● یکی از مقامات سابق و یک مقام فعلی اسرائیل، به سی‌ان‌ان گفتند که در بخشی از حملات هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران با عنوان عملیات «روزهای پاسخ»، تعدادی از هواپیماهای جنگی اسرائیل وارد آسمان ایران شدند که نشان دهنده توانایی نظامی قابل توجه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است.

● سی‌ان‌ان یکشنبه ۲۷ اکتبر (ششم آبان‌ماه) گزارش داد بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما در این عملیات مشارکت داشتند، اگرچه فقط بعضی از آنها وارد آسمان ایران شدند. ● مقامات نظامی جمهوری اسلامی ورود هواپیماهای «F-35» به آسمان ایران را انکار می‌کنند زیرا اعتراف به ضعف بزرگ پدافند آنهاست. با اینهمه اما همزمان با حمله هوایی اسرائیل، در بعضی شهرها مردم صدای پرواز هواپیماها را شنیده بودند.

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، آمریکا را به مشارکت در حمله اسرائیل به ایران متهم کرد و گفت: «مشارکت آمریکایی‌ها در عملیات اسرائیل علیه ایران کاملاً برای ما روشن است و حداقل آن این است که واشنگتن یک کریدور فضایی در اختیار نیروی هوایی این رژیم قرار داد.»

یکی از مقامات سابق و یک مقام فعلی اسرائیل، به سی‌ان‌ان گفتند که در بخشی از حملات هوایی اسرائیل به مراکز نظامی در ایران با عنوان عملیات «روزهای پاسخ»، تعدادی از هواپیماهای جنگی اسرائیل وارد آسمان ایران شدند که نشان‌دهنده توانایی نظامی قابل توجه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است.

سی‌ان‌ان یکشنبه ۲۷ اکتبر (ششم آبان‌ماه) گزارش داد بیش از ۱۰۰ فروند هواپیما در این عملیات مشارکت داشتند، اگرچه فقط بعضی از آنها وارد آسمان ایران شدند.

ارتش اسرائیل اعلام کرد که سایت‌های تولید موشک و سامانه‌های دفاع هوایی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است که به نظر می‌رسد پاسخی بسیار حساب شده است اگرچه از هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی انرژی مانند میادین نفتی و تأسیسات هسته‌ای اجتناب شد.

مقامات نظامی جمهوری اسلامی ورود هواپیماهای «F-35» به آسمان ایران را انکار می‌کنند زیرا اعتراف به ضعف بزرگ پدافند آنهاست با اینهمه اما همزمان با حمله هوایی اسرائیل، در بعضی شهرها مردم صدای پرواز هواپیماها را شنیده بودند.

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای که پنجم آبان ۱۴۰۳ صادر شد اعلام کرد هواپیماهای اسرائیل «با استفاده از فضای در اختیار ارتش آمریکا در عراق در یکصد کیلومتری مرزهای ایران و از راه دور، تعدادی موشک دور برد هواپایه به سمت برخی از رادارهای مرزی در استان‌های ایلام، خوزستان و اطراف استان تهران پرتاب کردند.»

در این اطلاعیه ادعا شد، خسارت حمله «محدود و کم اثر» بود و چند سامانه راداری آسیب دید که تعدادی بلافاصله ترمیم و برخی نیز در حال ترمیم هستند اما به نظر می‌رسد خسارات از آنچه جمهوری اسلامی اعلام می‌کند

بیانیه ستادکل نیروهای مسلح درباره حمله اسرائیل؛ «خسارات محدود و کم اثر بود»



انفجار در پادگان‌ها و مراکز نظامی اطراف تهران / پنجم آبان ۱۴۰۳

این حملات «خسارت محدود و کم اثری وارد شده و چند سامانه راداری آسیب دیده که تعدادی بلافاصله ترمیم و برخی نیز در حال ترمیم هستند».

در این اطلاعیه تأکید شد ایران حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند. همچنین به آمریکا هشدار داده شد «برای جلوگیری از گسترش درگیری و ناامنی در منطقه اسرائیل را «مهار» کند. ستادکل نیروهای مسلح اشاره‌ای به کشته شدن چهار ارتشی در حملات اسرائیل نکرده است.

در مقابل اما ارتش اسرائیل می‌گوید حمله به مراکز نظامی در ایران «دقیق و هدفمند» بود که توان تهاجمی اسرائیل را نشان داد هرچند جمهوری اسلامی مدعی است پدافند هوایی اغلب موشک‌ها را در آسمان رهگیری و سرنگون کرد و خسارات محدود بود.

سی‌ان‌ان در گزارشی می‌نویسد، هنوز مشخص نیست که اسرائیل چقدر ضربه سختی وارد کرده است، زیرا هیچ کدام از طرفین ارزیابی دقیقی از سطح تخریب ارائه نکردند. منابع نظامی در نیروی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد در این حملات پایگاه‌های نظامی در استان‌های ایلام، خوزستان و تهران هدف قرار داده شد اما به نظر می‌رسد وسعت حملات از آنچه منابع حکومتی ادعا می‌کنند وسیع‌تر باشد.

برخی تحلیلگران معتقدند از آنجا که اسرائیل تأسیسات نفتی یا اتمی جمهوری اسلامی را هدف قرار نداد پیش‌بینی می‌شود مقامات تهران برای واکنش در سطح بالا ضرورت نداشته باشد به ویژه آنکه تلاش می‌شود حملات اسرائیل را خفیف جلوه دهند.

یونل گوزانسکی، محقق ارشد موسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) مستقر در تل‌آویو می‌گوید، حملات اسرائیل با هدف جلوگیری از تجاوزات آینده بود تا نشان دهد که نسبت به حملات مشابه تماشاگر نخواهد بود با این همه این حملات را به گونه‌ای انجام داد که ضربه حیثیتی برای جمهوری اسلامی به حداقل برسد.

● ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای که پنجم آبان ۱۴۰۳ صادر شد اعلام کرد هواپیماهای اسرائیل «با استفاده از فضای در اختیار ارتش آمریکا در عراق در یکصد کیلومتری مرزهای ایران و از راه دور، تعدادی موشک دور برد هواپایه به سمت برخی از رادارهای مرزی در استان‌های ایلام، خوزستان و اطراف استان تهران پرتاب کردند».

● در این اطلاعیه آمده خسارت حمله «محدود و کم اثر» بود و چند سامانه راداری آسیب دید که تعدادی بلافاصله ترمیم و برخی نیز در حال ترمیم هستند.

● ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کرد «جمهوری اسلامی حق پاسخ را برای خود محفوظ می‌داند». همچنین به آمریکا هشدار داده شده برای جلوگیری از گسترش درگیری و ناامنی در منطقه اسرائیل را «مهار» کند.

● این اطلاعیه اشاره‌ای به کشته شدن چهار ارتشی در حملات اسرائیل نمی‌کند.

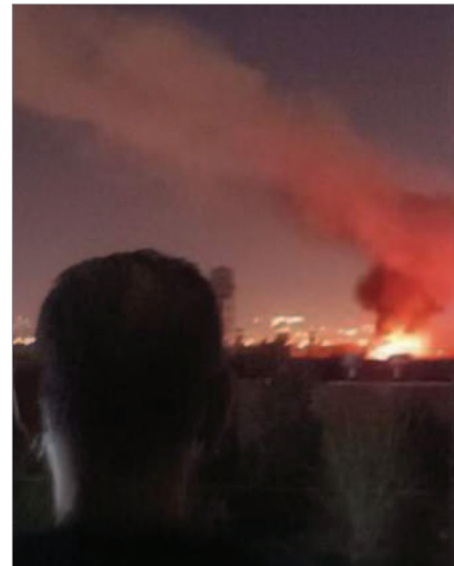
● برخی تحلیلگران می‌گویند از آنجا که اسرائیل تأسیسات نفتی یا اتمی جمهوری اسلامی را هدف قرار نداد پیش‌بینی می‌شود مقامات تهران برای واکنش در سطح بالا ضرورت نداشته باشد به ویژه آنکه تلاش می‌شود حملات اسرائیل را خفیف جلوه دهند.

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد، «تعداد قابل توجهی از موشک‌های اسرائیل ردگیری و رهگیری شده و از ورود هواپیماهای دشمن به حریم هوایی ایران» جلوگیری به عمل آمده است. در این اطلاعیه اعلام شد، شنبه پنجم آبان ۱۴۰۳ هواپیماهای اسرائیل «با استفاده از فضای در اختیار ارتش آمریکا در عراق در یکصد کیلومتری مرزهای ایران و از راه دور، تعدادی موشک دور برد هواپایه که دارای سر جنگی بسیار سبک در حدود یک پنجم کلاهک موشک‌های بالستیک ایرانی می‌باشد به سمت برخی از رادارهای مرزی در استان‌های ایلام، خوزستان و اطراف استان تهران پرتاب نمودند».

ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مدعی شد در

انفجارهای مهیب در سایر شهرها نیز اطلاع‌رسانی نشده است.

روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد، اسرائیل در حمله اولیه سایت‌های راداری در سوریه را هدف قرار داد که هدف از آن کور کردن توانمندی‌های جمهوری اسلامی بود، سپس به سرعت تبدیل به حمله‌ای شد که تأسیسات



اصابت موشک‌های اسرائیل به مراکز نظامی در تهران / پنجم آبان ۱۴۰۳

استراتژیک در تهران و کرج هدف قرار گرفته شد. ارتش اسرائیل تأیید کرد که این عملیات بطور خاص بر اهداف نظامی متمرکز شد و تأسیسات هسته‌ای و نفتی برای جلوگیری از تشدید درگیری‌ها هدف قرار داده نشد. موج اولیه حملات شامل هدفگیری رادارها بود و سپس مراکز اصلی پدافندی هدف قرار گرفت تا هواپیماها امن‌تر به آسمان ایران نزدیک شوند.

هنوز بطور دقیق مشخص نیست که هواپیماهای اسرائیلی تا چه عمقی وارد آسمان ایران شدند اما اغلب موشک‌هایی که پرتاب شده «هواپایه» و از مسافت دور بود که به نظر می‌رسد با دقت بالایی عمل کرده‌اند..

منابع نظامی اسرائیل اعلام کردند آماده استفاده از مهمات سنگین‌تر نیز برای اهداف احتمالی آینده هستند.

روزنامه «اورشلیم پست» نوشت ارتش اسرائیل اکنون به دقت پاسخ‌های احتمالی جمهوری اسلامی از جمله از طریق عراق، یمن، سوریه و لبنان را زیر نظر دارد و برای طیفی از اقدامات تلافی جویانه احتمالی آماده می‌شود.

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل توضیح داد که نیروهای مسلح آن کشور برای هرگونه مأموریت تهاجمی و تدافعی کاملاً آماده هستند و جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن را از نزدیک زیر نظر دارد.

کاخ سفید با حمایت از اقدامات اسرائیل اعلام کرد: «حمله دقیق به مراکز نظامی در ایران با حق اسرائیل برای دفاع از خود و پاسخ به حمله موشکی ایران در اول اکتبر (دهم مهرماه) مطابقت داشت.» مقامات ایالات متحده تأیید کردند که اسرائیل چند ساعت قبل از عملیات، اطلاعیه زمان بندی شده را ارائه کرده است.

حسام‌الدین آشنا از چهره‌های امنیتی نظام، در «ایکس» خطاب به مقامات اسرائیل نوشت: «با دم شیر بازی کردید. این‌جا نه فلسطین است. نه لبنان است. نه عراق است. نه افغانستان است. نه یمن است. اینجا ایران است.»

برجسته شدن پرونده قرارداد یورویی زاگانی با چین پس از تصادف مرگبار اتوبوس در پایتخت



تصادف در پایتخت اما بار دیگر موضوع واردات اتوبوس را که در قرارداد مبهم ۲/۷ میلیارد یورویی توسط علیرضا زاگانی شهردار تهران با یک شرکت «ساختمانی» چینی بسته شده برجسته کرده است.

در جلسه روز گذشته شورای اسلامی شهر تهران نیز این موضوع مطرح شد و مهدی بابایی عضو دیگر این شورا در واکنش به سخنان جعفر هاشمی تشکری و در دفاع از زاگانی و با لحنی تند گفت: «کسانی که قرارداد چین را به سازمان بازرسی کشاندند مسئول این حادثه هستند.»

این ادعا سبب تنش در جلسه و قهر جعفر تشکر هاشمی از جلسه شد اما پیامدهای این تنش امروز در برخی رسانه‌ها بازتاب داشته است. از جمله وبسایت «امتداد» نوشته آنطور که جعفر تشکر هاشمی رئیس کمیته حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید تهران به هفت هزار دستگاه اتوبوس نیاز دارد اما شهرداری تهران دلش را به قرارداد با چین خوش کرده که به گفته جعفر تشکر هاشمی «هیچ چیزش معلوم نیست».

«امتداد» در ادامه نوشته «از آن مهمتر در حالی که روز گذشته اتوبوس «زوار درفته» [زهوار درفته] شهرداری در میدان شهدای تهران حادثه آفرید و جان شهروندی را گرفت و عده ای را مجروح کرد، شهرداری هر روز بیلپوردهای تبلیغاتی شهر را عوض می‌کند.»

جعفر تشکر هاشمی در ادامه گفته که «۱۰ هزار میلیارد تومان بودجه مازاد برای حل مشکل حمل و نقل تهران اختصاص داده شده» اما «بخش اندکی از این بودجه‌ها صرف بهبود ناوگان و توسعه آن شده است.»

«امتداد» با اشاره به تنش جلسه روز گذشته شورای اسلامی شهر تهران به سرنوشت بودجه‌های شهرداری اشاره کرده و نوشته «در سال گذشته بیش از ۱۳۰۰ میلیارد تومان

راهور تهران بزرگ درباره علت این حادثه موضوع «وقوع نقص فنی» اتوبوس را مطرح کرده است.

جعفر تشکر هاشمی رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران در نشست روز گذشته شورا در تذکری اعلام کرده که تصادف دو روز پیش میدان «شهدا» یک تصادف عادی نبوده و اعضای شورا باید آن را ریشه‌یابی کنند.

این عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته «سال ساخت اتوبوسی که تصادف کرد ۱۳۸۶ بوده یعنی ۱۷ سال در تهران کار کرده و مسافر جابجا می‌کند. مطابق مصوبه ۱۷ دی سال ۱۴۰۲ دولت، میزان کارکرد اتوبوس‌ها ۱۰ سال است و گفته شده اگر اتوبوسی اورهال شود ۵ سال به عمر آن اضافه می‌شود یعنی حتی اگر این اتوبوس اورهال هم می‌شد که نشده بود، حداکثر عمر مفید آن باید ۱۵ سال می‌بود اما شاهد هستیم که این اتوبوس ۱۷ سال کار کرده و همچنان در شهر تردد می‌کند.»

جعفر تشکر هاشمی تأکید کرده که «طول سه سال گذشته بارها و بارها گفته‌ایم که ناوگان اتوبوسرانی تهران فرسوده و زوار [زهوار] دررفته است این اتوبوس‌ها دیگر قادر به ارائه خدمات به شهروندان نیستند مردم ما با رنج و مصیبت بسیار از اتوبوس‌ها استفاده می‌کنند.»

همانطور که رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران اشاره کرده ناوگان حمل و نقل عمومی پایتخت و بسیاری از دیگر شهرهای ایران دچار فرسودگی است و شهرداری‌ها نیز تلاشی برای حل این بحران انجام نداده‌اند. آلودگی شدید هوا و تصادف‌هایی مانند تصادف مرگبار دو روز پیش در تهران از پیامدهای سیستم حمل و نقل عمومی فرسوده و به قول جعفر تشکر هاشمی «زوار دررفته» [زهوار درفته] است.

● یک تصادف منجر به مرگ در پایتخت بار دیگر موضوع واردات اتوبوس را که در قرارداد مبهم ۲/۷ میلیارد یورویی توسط علیرضا زاگانی شهردار تهران با یک شرکت «ساختمانی» چینی بسته شده برجسته کرده است.

● «امتداد» نوشته آنطور که رئیس کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید پایتخت به هفت هزار دستگاه اتوبوس نیاز دارد اما شهرداری تهران دلش را به قرارداد با چین خوش کرده که «هیچ چیزش معلوم نیست!»

● قرارداد مبهم زاگانی با شرکت «ساختمانی» چینی برای واردات اتوبوس برقی و تجهیزاتی چون دوربین‌های مداربسته اسفندماه ۱۴۰۲ بسته شد اما با چراغ سبز نهادهای امنیتی جزئیات آن از سوی شهردار اعلام نشد.

● علیرضا زاگانی شهردار متخلف تهران از سوی شورای نگهبان برای انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۴۰۳ نیز تأیید صلاحیت شد و جزو شش نامزد «خودی» مورد اعتماد علی خامنه‌ای بود.

تصادف مرگبار یکی از اتوبوس‌های درون‌شهری تهران با سه دستگاه اتومبیل و سه دستگاه موتور سیکلت بار دیگر موضوع قرارداد مبهم شهرداری تهران با جمهوری خلق چین برای واردات اتوبوس به ارزش ۲/۷ میلیارد یورو را برجسته کرده است.

دو روز پیش تصادف مرگباری در میدان «شهدا» (میدان ژاله) تهران سبب مرگ یک شهروند و مجروح شدن هشت تن دیگر شد. علت این تصادف نقص فنی در اتوبوس شهری اعلام شد.

این اتوبوس متعلق به شرکت «سیر و رفاه کاسپین» که از شرکت‌های خصوصی دارای مجوز و همکار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

سرهنگ احسان مؤمنی معاون عملیات ترافیکی پلیس

نمایشگاه کاریکاتورهای کیانوش رضانی در پاریس



این کاریکاتوریست ایرانی اهدا شد. در سال ۲۰۲۳ نیز مجموعه‌ای از کارهای او با عنوان «یادداشت‌های روزانه زمین» به زبان فرانسه منتشر گشت. در این روزهای نمایشگاهی از کارهای کیانوش رضانی در پاریس در جریان است. احمد رأفت با این هنرمند گفتگویی انجام داده است.

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر پایتخت افزوده که «هر چند این لایحه در شورا رأی آورده اما شنیده‌ها حکایت از این دارد که هنوز فرمانداری لایحه را تأیید نکرده و ایراداتی به آن وارد کرده؛ بنابراین هنوز قابلیت اجرایی ندارد!»

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای اسلامی شهر تهران همچنین گفته بود این قرارداد امکان اجرایی شدن ندارد: «قاعدتا تا لایحه قطعیت پیدا نکرده باشد اجرای آن هم امکان‌پذیر نیست. من هنوز نامه فرماندار را ندیده‌ام و دقیقاً اطلاع ندارم. ممکن است ایرادات قابل رفع باشد یا حتی قابل رفع هم نباشد؛ بنابراین اطلاعی ندارم.»

جعفر تشکری هاشمی تأکید کرده بود که «حتی اگر لایحه به تصویب نهایی برسد، بنابر همین لایحه، شهرداری موظف است قراردادهايش را به شورا ارائه دهد اما تا به امروز به جز یک قرارداد یا به تعبیری یک تفاهتنامه با یک شرکت چینی که آن هم از طریق فضای مجازی دیدیم هنوز قراردادی مربوط به خرید اتوبوس، تاکسی، موتور و تجهیزات هوشمند به رویت اعضای شورای شهر تهران نرسیده است. اگر قرار باشد طبق همان لایحه قراردادی ببندند باید آن را در اختیار شورا بگذارند و تأییدیه لازم را بگیرند اما متأسفانه تا امروز چنین اتفاقی نیفتاده است.» قابل توجه اینکه علیرضا زاکانی شهردار متخلف تهران از سوی شورای نگهبان برای انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۴۰۳ نیز تأیید صلاحیت شد و جزو شش نامزد «خودی» مورد اعتماد علی خامنه‌ای بود.

کیانوش رضانی یکی از کارتونیست‌های موفق ایرانی است. کاریکاتورهای او روزانه در رسانه‌های فرانسوی منتشر می‌شوند. کیانوش رضانی که در پی اعتراضات سال ۱۳۸۸ مجبور به ترک ایران شد، از آن زمان در فرانسه زندگی می‌کند. در ماه ژانویه ۲۰۲۴ در جریان جشنواره داستان‌های مصور آنگولم در فرانسه جایزه «شجاعت هنری» به

وجود مصوبه‌ای سَری در شورای عالی امنیت ملی برزند. این قرارداد اواخر اسفندماه سال ۱۴۰۲ امضاء شده اما علیرضا زاکانی شهردار تهران با چراغ سبز نهادهای امنیتی از ارائه جزئیات آن خودداری کرد.

به گفته منابع غیررسمی عوامل و دلایل وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت این قرارداد هستند. اعضای شورای اسلامی شهر نیز علنی عنوان می‌کنند این قرارداد شفاف نیست و شهرداری از ارائه اطلاعات دقیق درباره آن خودداری کرد.

با اینهمه اواخر اردیبهشت‌ماه جزئیاتی از این قرارداد افشا شد که نشان می‌داد تخلفاتی در روند تنظیم و امضای آن از سوی علیرضا زاکانی صورت گرفته است.

جعفر تشکری هاشمی رئیس کمیسیون عمران شورای شهر تهران اعلام کرده در یک قانون‌شکنی از سوی شهردار تهران، این قرارداد پیش از تأیید فرمانداری امضا و قطعی شده است. جعفر تشکری هاشمی توضیح داده بود که «۱۵ اسفندماه سال گذشته بود که پس از دو مرتبه سفر شهردار و تیم مدیریت شهری تهران به چین و حضور مسوولان شرکت‌های چینی در ایران، شورای شهر با تصویب لایحه‌ای یک‌فوریتی به شهرداری مجوز داد که با هدف توسعه، نوسازی و برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی تهران به میزان ۲ میلیارد و ۶۸۱ میلیون یورو خرید خارجی داشته باشد. با وجود اینکه هنوز این لایحه به تأیید فرمانداری نرسیده، شهردار تهران می‌گوید که قراردادهای شهرداری با چینی‌ها منعقد شده است.»

برای نوسازی و بازسازی ناوگان اتوبوسرانی بودجه تعیین شده بود، بر اساس گزارش‌ها حدود ۴۰۰ میلیارد تومان برای این کار اختصاص داده شد. همچنین افزوده شده که از ۱۵۰۰ میلیارد تومان بودجه سال گذشته مترو، تنها ۲۶۰ میلیارد تومان هزینه قطعی صورت گرفته است.

«امتداد» افزوده سازمان بازرسی و وزارت کشور بر روی پرونده خرید دو میلیارد یورو اتوبوس از چین دست گذاشته و آن را مغایر قانون تشخیص داده است و به اعتقاد این سازمان قرار داد با «ترک تشریفات» انجام شده و «آیین‌نامه معاملات شهرداری» رعایت نشده است.

بر اساس گفته‌های جعفر تشکر هاشمی مشکل بعدی این قراردادها این است که شهرداری تهران «به جای آنکه نقش مدیریتی و نظارت داشته باشد وارد تجارت خودرو، موتورسیکلت و اتوبوس شده و مشخص نیست که کدام شرکت ایرانی قرار است خدمات پس از فروش تحت عنوان گارانتی را ارائه دهد»

«امتداد» با اشاره به این قرارداد و نظر منفی سازمان بازرسی و وزارت کشور بر این پرونده نوشته مجموعه این موارد در حالی اتفاق می‌افتد که جریان حامی علیرضا زاکانی در شورای شهر تهران تلاش می‌کند از ترس اخراج از شهرداری، دوره ریاست خود را بر شهرداری به جای ۴ سال به ۷ سال افزایش دهد. آنهم با چنین کارنامه درخشانی که مشخص نیست بعد از ۷ سال آیا چیزی از شهر باقی خواهد ماند یا نه!

قرارداد ۲/۷ میلیارد یورویی شهرداری تهران با یک «شرکت ساختمانی» چینی برای واردات اتوبوس برقی و تجهیزات شهری از جمله دوربین‌های مداربسته، پیشتر نیز سبب اختلافاتی میان حکومتی‌ها شده بود.

برای نمونه در اردیبهشت امسال و در پی بالا گرفتن اعتراضات به علیرضا زاکانی درباره این قرارداد، مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی که از حامیان شهردار تهران و از ارادتمندان علی خامنه‌ای و قاسم سلیمانی است، در واکنش به اعتراض‌ها علیه زاکانی در توییتی نوشت که «این قرارداد با مصوبه شورای عالی امنیت ملی انجام شده» است. وی به صورت تلویحی، دلیل آن را دور زدن تحریم‌ها عنوان کرد.

شریعتی این موضوع را در واکنش به کنایه‌های محمدجواد آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات جمهوری اسلامی و از کارمندان وزارت اطلاعات بیان کرد. آذری جهرمی در کانال تلگرامی خود نوشته بود: «اگر گفتید محصول نهایی شرکت ساختمان‌سازی چیست؟ آفرین، اتوبوس برقی!»

در واکنش به این پست، مالک شریعتی نماینده مجلس شورای اسلامی و سخنگوی ستاد انتخاباتی زاکانی در سال ۱۴۰۰، به آذری جهرمی حمله کرد و در «ایکس» نوشت: «در شرایط تحریم نفت، شرکت تراستی [کسب و کار] با تأیید کمیته ضدتحریم دبیرخانه شحام [شورای عالی امنیت ملی]، تأمین‌کننده منابع ارزی در قرارداد واردات کالاهای اساسی، دارو و سایر نیازها از جمله واگن اتوبوس و... می‌شود. مصوبه کمیته مذکور سَری، افشایش خیانت و مطالبه شفاف شدنش حماقت است. موضع این طناز امنیتی کدام است؟»

آذری جهرمی هم در واکنش به این پست در «ایکس» نوشت: «بابک زنجانی هم یک تراستی بود... کینه‌ی امثال آقای شریعتی از امنیتی‌ها قابل درک است، اما یک جمله درسته [سربسته] عرض می‌کنم و می‌گذرم تا نگران آبرویشان نباشند، امنیتی‌ها مثل شما دهن‌لق نیستند که برای توجیه عملکرد اربابشان در شهرداری، دست به افشای

حمله مسلحانه به مأموران نیروی انتظامی در «گوهر کوه» سیستان و بلوچستان دست کم ۱۰ کشته برجا گذاشت



محل درگیری مأموران نیروی انتظامی و افراد مسلح حوالی تفتان

مسلح به دو ماشین نظامی از جمله یک تویوتا هایلوکس نیروهای انتظامی پاسگاه این شهر حمله کردند. برخی کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گویند عامل این حمله «جیش العدل» است، برخی دیگر از منابع عامل حمله را داعش دانستند.

گوهر کوه خاش برای جمع آوری اتباع افغان استفاده می‌شد. پایگاه خبری «حال و ش» ویدیویی از حضور مردم اطراف ماشین‌های نیروی انتظامی پس از حمله افراد مسلح منتشر کرد. به گفته منابع حال و ش «در ورودی شهر گوهرکوه افراد

اسکندر مؤمنی وزیر کشور جمهوری اسلامی شنبه پنجم آبان‌ماه اعلام کرد مأموران نیروی انتظامی در محور «گوهرکوه» شهرستان تفتان در حال گشت‌زنی بودند که مورد حمله قرار گرفتند. تیمی متشکل از فرماندهان انتظامی و مقامات وزارت مأمور بررسی ابعاد این حمله شدند.

پایگاه اطلاع رسانی پلیس سیستان و بلوچستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، «اشرار مسلح» با گشت انتظامی پلیس در گوهرکوه شهرستان تفتان درگیر شدند.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله را عهده نگرفته است اما یک «منبع آگاه» به کیهان لندن می‌گوید، پاسگاه گوهر کوه خاش برای جمع آوری اتباع افغان استفاده می‌شد.

در پی حمله مسلحانه به ماشین گشت نیروی انتظامی در شهرستان تفتان در استان سیستان و بلوچستان ۱۰ مأمور کشته شدند.

اسکندر مؤمنی وزیر کشور جمهوری اسلامی شنبه پنجم آبان‌ماه اعلام کرد مأموران نیروی انتظامی در محور «گوهرکوه» شهرستان تفتان در حال گشت‌زنی بودند که مورد حمله قرار گرفتند. تیمی متشکل از فرماندهان انتظامی و مقامات وزارت مأمور بررسی ابعاد این حمله شدند.

پایگاه اطلاع رسانی پلیس سیستان و بلوچستان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، «اشرار مسلح» با گشت انتظامی پلیس در گوهرکوه شهرستان تفتان درگیر شدند.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله را عهده نگرفته است اما یک «منبع آگاه» به کیهان لندن می‌گوید، پاسگاه

قتل امام جمعه کازرون بعد از نماز؛ ضارب یک «جانباز» بود و خودکشی کرد



محمد صباحی امام جمعه کازرون

فردی که صباحی را به قتل رساند جانباز بوده است. انگیزه این قتل هنوز مشخص نشده اما محمدعلی بخرد فرماندار شهرستان کازرون می‌گوید احتمال خصومت شخصی در این حادثه وجود دارد.

محمد صباحی از آبان سال ۱۳۹۸ پس از قتل محمد خرسند، امام جمعه پیشین کازرون به این سمت منصوب شده بود. محمد خرسند نیز خرداد سال ۱۳۹۸ هنگام بازگشت از مراسم «شب قدر» با ضربات چاقو به قتل رسید.

قتل امامان جمعه در کازرون سابقه طولانی دارد. سال ۱۳۶۰ عبدالرحیم دانشجو، امام جمعه وقت کازرون نیز در یک تیراندازی کشته شد.

برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند قتل یک امام جمعه توسط یک جانباز برای نظام پیام مستقیم دارد و نشان می‌دهد عمق نارضایتی‌ها چقدر زیاد شده است. مشخص نیست ضارب چطور اسلحه را وارد محوطه نماز کرده است زیرا محوطه نماز در تمام شهرها توسط نیروهای تأمین حفاظت می‌شود.

محمد صباحی، امام جمعه کازرون در استان فارس چهارم آبان ۱۴۰۳ پس از نماز جمعه هدف تیراندازی قرار گرفت و کشته شد.

محمدعلی بخرد فرماندار کازرون گفت ضارب بعد از قتل امام جمعه «خودکشی» کرد. برخی منابع مدعی شدند فردی که صباحی را به قتل رساند جانباز بوده است.

انگیزه این قتل هنوز مشخص نشده اما محمدعلی بخرد فرماندار شهرستان کازرون می‌گوید احتمال خصومت شخصی در این حادثه وجود دارد.

برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند قتل یک امام جمعه توسط یک جانباز برای نظام پیام مستقیم دارد و نشان می‌دهد عمق نارضایتی‌ها چقدر زیاد شده است.

محمد صباحی، امام جمعه کازرون در استان فارس چهارم آبان ۱۴۰۳ پس از نماز جمعه هدف تیراندازی قرار گرفت و کشته شد.

محمدعلی بخرد فرماندار کازرون گفت ضارب بعد از قتل امام جمعه «خودکشی» کرد. برخی منابع مدعی شدند

محرومیت زهرا قنبری فوتبالیست تیم ملی به دلیل خوشحالی بدون حجاب اجباری



زهرا قنبری

بهترین غماش ممکن را ارائه دادیم. در هر ۳ بازی نهایت تلاشمان را کردیم و خدا را شکر توانستیم سربلند از گروه خارج شویم.»

پس از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد اسلامی و سپس آغاز خیزش ملی ایرانیان در پاییز ۱۴۰۱ علیه نظام جمهوری اسلامی، ده‌ها زن ورزشکار ایرانی به دلیل مخالفت با حجاب اجباری و عدم حفظ حجاب در مسابقات ورزشی، با احضارهای قضایی، تهدیدهای امنیتی و ممنوعیت کاری مواجه شدند.

اما اکنون محرومیت زهرا قنبری از همراهی تیم خود در لیگ برتر فوتبال زنان، در شرایطی رخ داده که یکی از شعارهای اصلی ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان رئیس جمهوری اسلامی، مخالفت با سرکوب علیه زنان مخالف حجاب و جمع‌آوری نیروهای گشت ارشاد از خیابان‌های ایران بود. وعده‌ای که عملی نشده است.

از سوی دیگر با وجود تاکید فدراسیون جهانی فوتبال، همچنان نیروهای حکومتی به دستور مقامات ارشد جمهوری اسلامی، مانع از حضور زنان هوادار فوتبال در ورزشگاه‌های چندین شهر برای تماشای مسابقات فوتبال مردان می‌شوند. زهرا قنبری زاده ۱۴ اسفند ۱۳۷۰ در کنگاور کرمانشاه است. پست اصلی او در زمین فوتبال، هافبک وسط است. وی در پست‌های دیگری چون مهاجم و دفاع نیز برای تیم ملی بازی کرده است.

او در سال ۱۳۸۵ به عضویت تیم ملی در آمد و در پایان فصل ۹۳-۹۴ به عنوان برترین بازیکن لیگ برتر فوتبال بانوان انتخاب شد.

زهرا قنبری همچنین به عنوان نخستین لژیونر فوتبال بانوان ایران شناخته می‌شود و سابقه حضور در لیگ عراق و بازی در تیم گاز شمال کرکوک عراق را در کارنامه خود دارد.

باید انتقادات زیادی را در خصوص محدودیت‌ها علیه زنان از جمله ورزشکاران زن در ایران به همراه داشته است.

پس از این مسابقه، شماری از چهره‌ها و نهادهای وابسته به دستگاه‌های حکومتی در ایران، با انتقاد و حمله به زهرا قنبری، علیه او و باشگاه خاتون بم دست به پرونده‌سازی زدند. حملاتی که مدیران باشگاه را مجبور کرده تا با انتشار بیانه‌ای بابت افتادن حجاب اجباری کاپیتان خود عذرخواهی کرده، آن را حاصل «یک اتفاق طبیعی فوتبالی» بدانند و مدعی شوند که بازیکنان و کادر فنی این تیم مقید به رعایت «موازین اسلامی و چارچوب‌های قانونی جمهوری اسلامی» هستند.

اما با اینهمه حالا به نظر می‌رسد که عصبانیت نیروهای امنیتی حاضر در فدراسیون فوتبال و ورزش ایران از مخالفت زهرا قنبری با حجاب اجباری و همراهی او با میلیون‌ها زن مخالف این تبعیض حکومتی، همچنان ادامه دارد.

فوتبال ۳۶۰ نوشته، مدیران باشگاه خاتون پیگیر رفع مشکل کاپیتان تیم ملی فوتبال زنان هستند: «رایزنی‌هایی هم برای رفع مانع به وجود آمده برای زهرا قنبری انجام شده، اما فعلا برطرف نشده است. این ستاره امیدوار است که مشکل فعلی در هفته پیش رو برطرف شود.»

زهرا قنبری ماه گذشته در گفتگویی رسانه‌ای به وجود محدودیت‌های حکومتی علیه زنان فوتبالیست اشاره کرده و گفته بود: «با همه محدودیت‌ها، دختر ایرانی همیشه سرش بالا است.»

او افزود: «این تورنمنت آسیایی هم برای ما موفقیت‌آمیز بود، چون تیم‌های رقیب فوق‌العاده عمل کردند و جزو برترین‌های آسیا بودند. در بازی اول کمی سردرگم بودیم، اما در دومین بازی خودمان را پیدا کردیم و در سومین بازی

«با همه محدودیت‌ها، دختر ایرانی همیشه سرش بالاست.»

رسانه‌های ورزشی در ایران، روز شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳ خبر دادند که زهرا قنبری کاپیتان تیم ملی فوتبال بانوان ایران و عضو باشگاه خاتون بم، برای شادی پس از گل بدون حجاب اجباری، از حضور در بازی‌های لیگ برتر زنان ایران منع شده است.

زهرا قنبری ستاره تیم فوتبال خاتون بم که حدود دو هفته قبل با گل سرنوشت‌ساز خود در لیگ قهرمانان آسیا توانسته بود مجوز صعود تیم‌اش به مرحله یک چهارم نهایی این مسابقات را بگیرد به خاطر شادی همان گل با دردسر روبرو شده است.

بازیکن با تجربه شماره ۹، مهرماه امسال در آخرین بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان زنان آسیا توانسته بود در لحظات پایانی مسابقه گل پیروزی تیم‌اش را وارد دروازه کالج اسکالرز تایلند کند. در شادی پس از گل، مقنعه این بازیکن از سرش افتاد و ظاهراً همین مسئله او را از بازی‌های بعدی برای تیم محبوب‌اش محروم کرده است.

وبسایت فوتبال ۳۶۰ متعلق به عادل فردوسی‌پور مجری سابق برنامه ۹۰ نوشته: «زهرا قنبری در شرایطی در اولین بازی خاتون در فصل جدید لیگ برتر فوتبال زنان برابر نماینده اصفهان به میدان نرفت که پیگیری‌های بیشتر از سازمان لیگ، حکایت از آن دارد که کارت بازی قنبری برای حضور در لیست خاتون در فصل جدید لیگ برتر فوتبال زنان صادر شده بود، اما با این وجود ستاره این باشگاه برای حضور در ترکیب تیمش با مانعی روبرو بوده است. مانعی که شنیده می‌شود مرتبط با اتفاقات بازی خاتون در آسیا است.»

این اتفاق در حالی روی داده که قنبری عنوان برترین گلزن تاریخ فوتبال باشگاهی و ملی زنان در ایران را در اختیار دارد و در فصل گذشته هم عنوان خانم گل رقابت‌های لیگ برتر ایران را از آن خود کرده بود.

دختران در فوتبال ایران مجبورند با حجاب اجباری به میدان بروند و لباس‌های آستین بلند به تن و جوراب‌های بلند به پا داشته باشند. ضمن اینکه مجبورند موهای خود را بطور کامل بپوشانند تا از سوی مقامات مسئول جمهوری اسلامی اجازه حضور در میداين ورزشی را پیدا کنند. این لباس شرایط نابرابری را در برابر تیم‌های خارجی که با لباس سبک حرکت می‌کنند، بر آنها تحمیل می‌کند.

باشگاه خاتون بم پس از به ثمر رسیدن گل قنبری در مقابل نماینده تایلند و پایین افتادن غیرارادی مقنعه این فوتبالیست در بیانه‌ای بابت «اتفاق رخ داده در شادی بعد از گل» عذرخواهی کرد. اما این رویداد با ستایش و تمجید شمار زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران مواجه شده است.

هنوز مشخص نیست که وضعیت این گلزن قهار فوتبال زنان چه خواهد شد و در چه زمانی بار دیگر مجوز بازگشت به زمین مسابقه را پیدا خواهد کرد اما محروم شدن او در شرایطی که باعث شده تیم‌اش برای نخستین بار به مرحله یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا راه

سی‌ان‌ان: حمله اسرائیل به مراکز نظامی در ایران تابوی ۴۰ ساله را شکست



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه دستاوردهای هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آبان ۱۴۰۲

به شدت آسیب دیده است. سی‌ان‌ان تأکید کرده نمی‌تواند به طور مستقل این ادعاها را تأیید کند.

مقامات ایرانی می‌گویند که برخی از سایت‌های نظامی «خسارت جزئی» دیده‌اند که «به سرعت تعمیر شده‌اند یا در حال تعمیر هستند». با اینهمه پنج نفر از جمله چهار ارتشی در این حملات کشته شدند.

کارشناسان اما می‌گویند که خسارات وارده بیشتر از آن چیزی است که تهران اعتراف کرده است.

نیکول گراژوسکی عضو برنامه سیاست هسته‌ای در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی می‌گوید: «این [حمله] بسیار آسیب‌رسان‌تر از آن چیزی بود که مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند... پدافند هوایی ایران و برخی از رادارهایی که برای شناسایی موشک‌های وارده حیاتی هستند، به نظر می‌رسد منهدم شدند.»

ترتیا پارسی در گفتگو با سی‌ان‌ان به برجسته ساختن مواضع جریانی می‌پردازد که موافق دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی هستند. او می‌گوید: «با ادامه ضربه زدن به توان بازدارندگی [رژیم] ایران توسط اسرائیل، صدای آن گروه اقلیت در جمهوری اسلامی طرفدار تسلیحاتی شدن برنامه هسته‌ای هستند قوی‌تر می‌شود. مسیر و حرکت با کسانی خواهد بود که می‌گویند اگر [رژیم] ایران واقعاً بازدارنده هسته‌ای می‌داشت، این اتفاق نمی‌افتاد.»

وی همچنین گفته «اگر اسرائیلی‌ها به تأسیسات هسته‌ای ایران ضربه بزنند، صرف نظر از اینکه جمهوری اسلامی می‌تواند به سرعت به پمپ برسد یا نه، تهران به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای خواهد بود.»

پارسی در ادامه عنوان می‌کند، «حتی رؤسای جمهور تندروتر آمریکا نیز از حمله نظامی حمایت نکرده‌اند، زیرا محتمل‌ترین نتیجه این است که در مقطعی ایران را هسته‌ای خواهد کرد.» گراژوسکی نیز عنوان می‌کند که گزینه حرکت به سمت سلاح هسته‌ای «اکنون بسیار علنی‌تر» است و «در گفتگوها عادی شده است»، اما اسرائیل در گذشته توانسته برنامه هسته‌ای ایران را از مسیر خارج کند و احتمال دارد باز هم این کار را انجام دهد.

نظام حمله اسرائیل را در تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی مورد تمسخر قرار دادند اما به تدریج وضعیت تغییر کرد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در اولین واکنش به این حملات، تعیین نحوه پاسخ به اسرائیل را بر عهده مقامات تهران گذاشت. وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که تهران حق پاسخ به اسرائیل را برای خود محفوظ می‌داند. در مقابل اما هرتزی هالوی رئیس ستاد ارتش اسرائیل هشدار داد که اگر حکومت ایران دوباره با موشک‌های بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کند، ارتش این کشور با استفاده از توانایی‌هایی که در حملات اخیر به جمهوری اسلامی از آنها استفاده نکرد، پاسخ خواهد داد.

رهبر جمهوری اسلامی در اولین واکنش به حمله اسرائیل به مراکز نظامی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام «روزهای پاسخ» عنوان کرد: «شرارت دو شب پیش رژیم صهیونیستی نه باید بزرگنمایی شود و نه کوچک‌انگاری. باید خطای محاسباتی رژیم صهیونیستی بهم بخورد. باید قدرت و اراده و ابتکار ملت ایران و جوانان کشور را به آنان فهماند.»

خامنه‌ای نحوه پاسخ به اسرائیل را به مقامات مسئول واگذار کرد و گفت: «کیفیت فهماندن قدرت و اراده ملت ایران به رژیم صهیونیستی را باید مسئولان تشخیص دهند و آنچه را که صلاح این ملت و کشور است انجام گیرد.»

اما موج اولیه به واکنش‌ها که شامل کم‌اهمیت جلوه دادن حملات اسرائیل بود از بین رفت و صحبت از انتقام و تلافی این حملات و همچنین انجام عملیات «وعده صادق ۳» شد.

ترتیا پارسی، معاون اجرایی «موسسه کوئینسی» که سال‌هاست مخالفان جمهوری اسلامی وی را متهم به لابیگری برای جمهوری اسلامی می‌کند به سی‌ان‌ان می‌گوید، «احساس [مقام‌های جمهوری اسلامی] این است که اگر آنها پاسخ ندهند، این ایده را عادی می‌کنند که اسرائیل می‌تواند بدون دریافت پاسخ به تهران حمله کند... آنها می‌ترسند که اگر اکنون کاری انجام ندهند، اسرائیل با ایران مانند سوریه رفتار کند، یعنی هرچند وقت یکبار ضربه بزنند.»

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید، سیستم‌های دفاعی جمهوری اسلامی و توانایی آن برای صادرات موشک

یک منبع بلندپایه ناشناس می‌گوید که جمهوری اسلامی احتمالاً پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پنجم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) به اسرائیل حمله می‌کند. همین منبع مدعی شد که رژیم ایران به حملات اخیر اسرائیل «پاسخی قاطع و دردناک» خواهد داد.

سی‌ان‌ان در یک گزارش که ۳۰ اکتبر (نهم آبان‌ماه) منتشر شد اشاره می‌کند که رژیم ایران در وهله اول شتابزده تلاش کرد تا تأثیر حملات اسرائیل به خاک خود را کم‌اهمیت جلوه دهد. این موضوع ظاهراً نشان می‌داد که برای جلوگیری از یک جنگ گسترده‌تر به دنبال افزایش سطح درگیری نیست اما پس از مدتی لحن و مواضع مقامات تهران تغییر کرد.

موج اولیه به واکنش‌ها که شامل کم‌اهمیت جلوه دادن حملات اسرائیل بود از بین رفت و صحبت از انتقام و تلافی این حملات و همچنین انجام عملیات «وعده صادق ۳» شد.

ترتیا پارسی، معاون اجرایی «موسسه کوئینسی» که سال‌هاست مخالفان جمهوری اسلامی وی را متهم به لابیگری برای جمهوری اسلامی می‌کند، به سی‌ان‌ان می‌گوید، «احساس [مقام‌های جمهوری اسلامی] این است که اگر آنها پاسخ ندهند، این ایده را عادی می‌کنند که اسرائیل می‌تواند بدون دریافت پاسخ به تهران حمله کند.»

یک منبع بلندپایه ناشناس می‌گوید که جمهوری اسلامی احتمالاً پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پنجم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) به اسرائیل حمله می‌کند. همین منبع مدعی شد که رژیم ایران به حملات اخیر اسرائیل «پاسخی قاطع و دردناک» خواهد داد. سی‌ان‌ان در یک گزارش که ۳۰ اکتبر (نهم آبان‌ماه) منتشر شد اشاره می‌کند که رژیم ایران در وهله اول شتابزده تلاش کرد تا تأثیر حملات اسرائیل به نقاطی در کشور را کم‌اهمیت جلوه دهد. این موضوع ظاهراً نشان می‌داد که برای جلوگیری از یک جنگ گسترده‌تر به دنبال افزایش سطح درگیری نیست اما پس از مدتی لحن و مواضع مقامات تهران تغییر کرد.

سیاست جمهوری اسلامی و اسرائیل چندین دهه اجتناب از درگیری مستقیم بود و بجای آن تصمیم گرفتند در یک «جنگ سایه» با هم درگیر شوند. در حالی که حکومت ایران به فعال کردن شبه‌نظامیان نیابتی عرب خود برای حمله به کشور یهودی ادامه می‌داد، اسرائیل از عملیات‌های مخفی برای ترور شخصیت‌های کلیدی جمهوری اسلامی و انجام حملات سایبری به تأسیسات استراتژیک آن استفاده کرد.

اسرائیل در واکنش به دو مرحله حمله موشکی جمهوری اسلامی، با حمله به مراکز نظامی داخل ایران، تابوی ۴۰ ساله را شکست و مسئولیت آن را بر عهده گرفت. این حمله متفاوت بود زیرا اهداف نظامی در ایران مستقیم مورد حمله قرار گرفتند.

دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل با اشاره به دستاوردهای این حمله گفت: «اسرائیل اکنون آزادی عملیات هوایی گسترده‌تری در ایران دارد.»

اندکی پس از حمله ۲۶ اکتبر (پنجم آبان)، رسانه‌های حکومتی در ایران تصاویری را منتشر کردند که نشان می‌داد زندگی روزمره طبق روال گذشته در شهرهای این کشور ادامه دارد. مدارس به کار خود ادامه دادند و خیابان‌های تهران با ترافیک قفل شده است. تحلیلگران حکومت و طرفداران

پسر علی شمخانی شرکت «اوشن لئونید» در لندن با صدها میلیون دلار درآمد حاصل از فروش نفت، زغال سنگ و بیت کوین را هدایت می کند



حسین شمخانی پسر علی شمخانی مشهور به «هکتور» دلال نفت ایران

سوابق ثبت شرکت‌های بریتانیا نشان می‌دهد یک شهروند ایتالیایی با نام «لوئیجی اسپینا» از زمان تأسیس اوشن لئونید، در شعبه لندن این شرکت به‌عنوان مدیر مشغول به کار بوده است. نام این شهروند ایتالیایی همچنین به‌عنوان یکی از مدیران شرکت «میلانوس» (Milavous Group) به ثبت رسیده است.

در بخش دیگری از گزارش بلومبرگ آمده، دارایی‌های تحت مدیریت این شرکت به لطف سرمایه‌گذاری‌های به‌موقع روی نفت، زغال سنگ و بیت کوین افزایش یافت، اما به گفته افرادی که مستقیماً از این موضوع مطلع هستند، در زمان‌هایی که شمخانی سرمایه‌ها را برداشت می‌کرد، ارزش آنها به شدت کاهش یافته است. گفته می‌شود در دو سال تقویمی گذشته، این صندوق بازدهی دو رقمی داشته و در سال ۲۰۲۲ به بالای ۳۰ درصد رسیده است.

سخنگوی اوشن لئونید گزارش‌ها در خصوص دخالت حسین شمخانی در امور این شرکت یا نظارت بر آن را مطلقاً رد کرد. وی توضیح داد، مالکیت تمام نهادهای مرتبط با اوشن لئونید از طریق صندوق ISFAD مستقر در مرکز بین‌المللی مالی دوبی مدیریت می‌شود.

یکی دیگر از مدیران برجسته اوشن لئونید، «مهدیار زارع مجتهدی» نام دارد که در میان همکارانش با نام «لیام» هم شناخته می‌شود. زارع مجتهدی تابعیت دومینیکن را دارد و از زمان تأسیس اوشن لئونید تا نوامبر سال ۲۰۲۳، مسئولیت آن را بر عهده داشت. بلومبرگ به نقل از منابع آگاه گزارش داد مجتهدی هنوز هم نقشی مهم در این صندوق سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند.

مهدیار زارع مجتهدی پیش از این مدیرعامل یک شرکت پتروشیمی دولتی تحت کنترل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بوده است.

شمخانی و اسپینا به درخواست‌ها برای اظهار نظر پاسخ ندادند. وکیل شمخانی بارها به بلومبرگ گفت که موکلش در حال تشکیل تیمی برای ارائه پاسخ درباره اوشن لئونید بود اما در نهایت هرگز چیزی را به اشتراک نگذاشت.

مبنی بر اینکه اوشن لئونید قوانین را نقض کرده یا تخلف کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، با در نظر گرفتن حساسیت بریتانیا و آمریکا به صادرات نفت تحریمی به طور کلی و شخص حسین شمخانی، به طور خاص، حضور این شرکت در لندن حائز اهمیت است.

بلومبرگ می‌نویسد، صندوق اوشن لئونید به نمایندگی از شمخانی، سبد سهامی به ارزش صدها میلیون دلار را مدیریت می‌کند. چهار «منبع آگاه» می‌گویند اولویت اوشن لئونید سرمایه‌گذاری بر روی طیف وسیعی از اوراق بهادار، از جمله در حوزه نفت، گاز و فلزات است. این منابع به دلیل نگرانی از تلافی‌جویی خواستند هویتشان پنهان بماند. این منابع همچنین گفتند: «این صندوق، سرمایه خود را از طریق شرکت‌های نفتی تحت نظارت شمخانی دریافت می‌کند. این شرکت‌ها پول را از طریق تعدادی شرکت صوری جابه‌جا و به حساب‌هایی واریز می‌کنند که اوشن لئونید به آنها دسترسی دارد.» همین منابع افشا کردند، شمخانی رسماً نقشی در این شرکت ندارد، اما بالاترین مقام‌های ثبت شده در اسناد اوشن لئونید، به‌طور منظم راهبرد معاملاتی این شرکت را با او مطرح می‌کنند.

حمایت وام‌دهندگان غربی

بلومبرگ در گزارش خود همچنین از نقش وام‌دهندگان غربی در حمایت از این شرکت پرده برداشت. «جی‌پی مورگان چیس» (JPMorgan Chase & Co)، «ای‌بی‌ان آمو» (ABN Amro Bank NV) و «گروه مارکس» (Marex Group Plc) از جمله شرکت‌هایی هستند که به اوشن لئونید خدمات مالی ارائه داده‌اند.

نمایندگان این سه شرکت ارائه دهنده خدمات مالی به اوشن لئونید از پاسخ به پرسشی درباره ارتباط خود با صندوق سرمایه‌گذاری وابسته به شمخانی خودداری کردند. اوشن لئونید در واقع در پوشش یک «شرکت خانوادگی» فعال است و به شمخانی اجازه می‌دهد منابع مالی به دست آمده را به راحتی در سراسر اروپا و سایر نقاط جهان به کار بگیرد.

● پایگاه خبری «بلومبرگ» گزارش داد صندوق سرمایه‌گذاری «اوشن لئونید» که دفتر آن در لندن مستقر است، نقش مهمی در امپراتوری فروش نفت ایران و روسیه ایفا می‌کند. این شرکت دفاتری در ژنو، دبی و سنگاپور دارد و تقریباً خانوادگی اداره می‌شود.

● در وبسایت این شرکت در باره حوزه فعالیت آن آمده که براساس «پلتفرم با استراتژی چندگانه» در حوزه‌ای گسترده فعال است هرچند هویت حامیان یا مالکان آن پنهان نگه داشته شده است.

● «این صندوق، سرمایه خود را از طریق شرکت‌های نفتی تحت نظارت شمخانی دریافت می‌کند. این شرکت‌ها پول را از طریق تعدادی شرکت صوری جابه‌جا و به حساب‌هایی واریز می‌کنند که اوشن لئونید به آنها دسترسی دارد.»

● «دارایی‌های تحت مدیریت این شرکت به لطف سرمایه‌گذاری‌های به‌موقع روی نفت، زغال سنگ و بیت کوین افزایش یافت، اما به گفته افرادی که مستقیماً از این موضوع مطلع هستند، در زمان‌هایی که شمخانی سرمایه‌ها را برداشت می‌کرد، ارزش آنها به شدت کاهش یافته است. گفته می‌شود در دو سال تقویمی گذشته، این صندوق بازدهی دو رقمی داشته و در سال ۲۰۲۲ به بالای ۳۰ درصد رسیده است.»

پایگاه خبری «بلومبرگ» گزارش داد صندوق سرمایه‌گذاری «اوشن لئونید» که دفتر آن در لندن مستقر است، نقش مهمی در امپراتوری فروش نفت ایران و روسیه که توسط حسین شمخانی، پسر علی شمخانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی هدایت می‌شود، ایفا می‌کند. پسر شمخانی که بین دلال‌های نفتی به «هکتور» مشهور است یکی از چهره‌های مؤثر در دور زدن تحریم‌ها برای فروش نفت ایران و روسیه است.

خبرگزاری «بلومبرگ» پنجشنبه ۲۴ اکتبر (سوم آبان) براساس اظهارات بیش از ۱۲ «منبع آگاه» و همچنین مدارکی که گفته شد مورد بازبینی این رسانه قرار گرفته، نوشت شرکت «اوشن لئونید» که در ژوئن سال ۲۰۲۲ در بریتانیا به ثبت رسید، تحت نظارت حسین شمخانی فعالیت می‌کند.

این صندوق سرمایه‌گذاری که به‌عنوان یک شرکت خصوصی فعال در حوزه انرژی شناخته می‌شود، دفاتری در ژنو، دبی و سنگاپور دارد.

صندوق «اوشن لئونید» در سال‌های اخیر تعدادی از فعالان با سابقه عرصه تجارت کالا را به استخدام خود درآورده که در میان آنان، اعضای پیشین شرکت‌هایی مانند «گانور»، «صنایع کوک» و «سیتادل» حضور دارند.

در وبسایت این شرکت در باره حوزه فعالیت آن آمده که براساس «پلتفرم با استراتژی چندگانه» در حوزه‌ای گسترده فعال است هرچند هویت حامیان یا مالکان آن پنهان نگه داشته شده است.

نقش این صندوق در امپراتوری شمخانی آخرین قسمت از تحقیقات یک ساله بلومبرگ است که شامل مصاحبه با ده‌ها نفر از افراد آشنا با شرکت‌های موجود متصل به او و همچنین بررسی اسناد محرمانه و سوابق شرکت است.

بلومبرگ در بخشی از این گزارش نوشت: «هیچ نشانه‌ای

جنگ بزرگ در انتظار مداخله‌ی «شیطان بزرگ»



در اولین ساعات «توفان الاقصی»، اسرائیل ضعیف، شکننده و از نظر اعتبار و حیثیت و ابهت آسیب دیده به نظر می‌رسید. پس تشکیلات نظامی این کشور تصمیم گرفت انتقام چنین سهل‌انگاری مرگباری را بگیرد.

نتانیا هو برای جبران این شکست امنیتی که برای دولت‌اش پیش آمده بود، تصمیم گرفت یک فاجعه کامل در نوار غزه به بار آورد. او نه تنها حماس را مجازات کرد، بلکه سخت‌ترین مجازات را برای محیطی که حماس را پوشش می‌داد یعنی غیرنظامیانی هوادار حماس اعمال کرد. نتانیا هو در دوره اول درگیری وانمود کرد که کاهش رویارویی با حزب‌الله را زیر چتر «قوانین توافق محدود» یعنی درگیری کنترل شده می‌پذیرد. نتانیا هو وقتی از غزه تقریباً فارغ شد و همه غزه و حتی مرز ورودی با مصر را هم گرفت به سراغ لبنان رفت.

او در حالی که منتظر انتقال بار سنگین جنگ به جبهه لبنان و زمان برگزاری انتخابات آمریکا بود، دست به تغییری خطرناک زد که نمایانگر گشایش فصلی از درگیری مستقیم با رژیم ایران است.

اغراق نیست اگر بگوییم نتانیا هو در غزه و لبنان طوری رفتار کرد که گویی می‌خواهد جمهوری اسلامی ایران را که موفق شده بود در نزدیکی مرزهایش مستقر شود، از مرزهای خود بسیار دور کند. اسرائیل ضربه سختی به حماس وارد کرد و ضربه مشابهی نیز به حزب‌الله وارد آورد. اسماعیل هنیه، حسن نصرالله و هاشم صافی الدین را با طرح‌های دقیق و حساب‌شده ترور کرد و سپس بر حسب اتفاق یحیی سنوار را به قتل رساند.

امروز نتانیا هو با دستی پر درباره بازگرداندن گروگان‌های اسرائیلی از دست حماس صحبت می‌کند. او همچنین از بازگرداندن ساکنان اسرائیلی در شمال این کشور که در اثر موشک‌ها و پهپادهای حزب‌الله آواره شده‌اند، صحبت می‌کند.

احساس برتری ماشین جنگی اسرائیل او را به اغراق

م تفاوت است. نتانیا هو توانست رژیم ایران را فریب دهد و از دایره محدود درگیری با نیروهای نیابتی خارج و وارد رویارویی مستقیم در عرصه کل‌خاورمیانه کند.

این جنگی است که ایالات متحده نمی‌تواند از آن دور بماند به همین دلیل رژیم ایران مدت‌هاست در تلاش است تا از آن اجتناب کند. رژیم تهران فکر می‌کرد که بدون لغزش در خطر درگیری مستقیم با آمریکا به بافتن فرش کودتای بزرگ خود به وسیله شبه‌نظامیان نیابتی در منطقه ادامه خواهد داد.

قبل از حمله هفتم اکتبر «توفان الاقصی» یحیی سنوار شخصی را فرستاد تا به حزب‌الله و رژیم ایران اطلاع دهد که «ممکن است در همین روزها اتفاق بزرگی بیفتد». او خواستار همراهی ایران و حزب‌الله با این روند با گسترده‌ترین حمایت‌ها شد.

یحیی سنوار در خیالاتش تصور می‌کرد که جرقه «توفان الاقصی» آغاز حمله بزرگی باشد که سال‌ها درباره آن زمزمه می‌شد و بارانی از موشک‌ها و پهپادها از ایران گرفته تا یمن، عراق، لبنان و سوریه به سوی اسرائیل شلیک شود. سنوار وعده بیشترین پشتیبانی ممکن را از رژیم ایران و حزب‌الله دریافت کرد، اما هیچ تعهدی برای وارد کردن ضربه بزرگ و نهایی رژیم ایران به اسرائیل دریافت نکرد. به همین دلیل با اینکه نقشه را ریخته بود اما سال‌ها و ماه‌ها صبر کرد و در نهایت ترسید که اسرائیل متوجه شود که حمله‌ای در حال تدارک است و به همین دلیل برای انجام نقشه خود، با عجله حمله هفتم اکتبر را مرتکب شد. سنوار حمله ۷ اکتبر را انجام داد شاید به این دلیل که معتقد بود رژیم ایران و نیابتی‌های تهران در منطقه حتی اگر تردید کنند، ولی حتما در آن شرکت خواهند کرد. جمهوری اسلامی اما مستقیماً شرکت نکرد و حزب‌الله روز بعد به عنوان «جبهه پشتیبانی» وارد عمل شد. اما ورود حزب‌الله بر اساس «حفظ قاعده درگیری» به معنای درگیری کنترل شده بود.

غسان شریل (شرق الاوسط) - «این خطرناک‌ترین جنگ منطقه‌ای است؛ جنگی بزرگ و بسیار خطرناک؛ جنگی که نتایج آن مرزها، نقش‌ها، مکان‌ها و سرنوشت طرح‌ها و پایتخت‌ها را مشخص خواهد کرد. بنیامین نتانیا هو از توفان «یحیی السنوار» استفاده کرد و یک کودتای کامل علیه نتایج همه کودتاهای رژیم ایران در دهه‌های گذشته انجام داد. در این جنگ، نتانیا هو از حمایت آمریکا و درک غرب برای ضرورت مهار تسلیحات و شبه‌نظامیان موسوم به «محور مقاومت» وابسته به ایران برخوردار است. جنگی که آمریکا به تنهایی می‌تواند آن را در زمانی که مناسب بداند و پس از خسته شدن طرفین درگیر آن را متوقف کند». یک روزنامه‌نگار وقتی چنین صحبت‌هایی را از زبان مردی می‌شنود که نگران روند وقایع و پیامدهای آن است، احساس نگرانی و اضطراب می‌کند.

واضح است که خاورمیانه نفس خود را حبس کرده است زیرا روزهای پرتلاطم دیگری در انتظار آن نشسته است؛ بههم پیوستگی توفان‌های آتشین خبر از تبدیل آنها به توفانی بزرگتر می‌دهد. خاورمیانه هرگز چنین جنگ چندجانبه‌ای را تجربه نکرده بود. جنگی که پیامدهای آن فراتر از مرزهای بازی است و بدون هیچ نوع پلیس بین‌المللی در حال گسترش است. مردم منطقه خاورمیانه منتظر تاریخ حمله برنامه‌ریزی شده اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

تهران می‌گوید چاره‌ای جز پاسخ دادن به این حمله نخواهد داشت. تبادل ضربات مداوم و گذرا در سراسر منطقه باعث گسترش آتش‌سوزی می‌شود اما اینبار صحنه جدید است و بسیار خطرناک. اسرائیل امروزی شباهتی به آنچه قبل از شروع «توفان الاقصی» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بود، ندارد. نتانیا هو موفق شده جنگ را به یک «جنگ وجودی» تبدیل کند که اسرائیل پروایی ندارد که هزینه‌های انسانی و اقتصادی آن را بپردازد.

جمهوری اسلامی امروز نیز با قبل از «توفان الاقصی»

بازجویی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) از خدمه هواپیمایی «ماهان ایر» به ظن جاسوسی برای اسرائیل



هواپیمایی «ماهان ایر»

یکی برای مهمانداران زن و دیگری برای مهمانداران و خدمه مرد. ما را مجبور کردند وارد اتوبوس‌ها شویم. چمدان‌هایمان را هم آوردند، باز کردند و تک‌تک وسایل را بررسی کردند. سپس از ما خواستند که لباس‌هایمان را درآوریم و لباس‌ها، حتی لباس‌های زیرمان، را بازرسی کردند. کل این فرآیند ثبت شد.»

ادعا شده به دستور سرهنگ غلامرضا شمس نورایی، مدیر حراست «ماهان ایر» در جریان شروع تحقیقات صدها مهماندار و خدمه پروازی مرد و زن مورد بازرسی قرار گرفتند و تحقیقات و بازجویی اطلاعات سپاه از ۶۰ نفر از آن‌ها هنوز ادامه دارد. تأیید یا رد این ادعاها به صورت مستقل ممکن نیست اما ارتباط هواپیمایی ماهان با مأموریت‌های سپاه حتمی است.

گفته شد تعدادی از خدمه فعلاً ممنوع پرواز شدند. طبق این گزارش در یک جلسه توجیهی امنیتی برای خدمه پرواز، نمایندگان حراست این شرکت توضیح دادند که مهماندارانی که حق پرواز ندارند ممکن است با سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای دشمن، از جمله اسرائیل، همکاری کرده باشند.

شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انتقال نیرو و تسلیحات به کشورهای منطقه و فراتر از آن است.

لو رفتن زمان تردد و محل استقرار فرماندهان سپاه و اعضای جریان مقاومت، هدف قرار گرفتن محموله‌ها و لو رفتن سرتی‌ترین اطلاعات مرتبط به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نظام را نسبت به نزدیک‌ترین اعضا از حلقه‌های نزدیک به هسته‌ی اصلی قدرت بدبین کرده است.

اسرائیل هیوم نوشته هدف گرفته شدن نیروهای سپاه پاسداران و حزب‌الله در سوریه و لبنان نگرانی زیادی در ایران ایجاد کرده و به نظر می‌رسد این نگرانی به نوعی از پارانوایا تبدیل شده است.

● برخی منابع به نقل از وبسایت «اسرائیل هیوم» گزارش دادند خدمه پروازهای خارجی هواپیمایی «ماهان ایر» به ظن جاسوسی برای اسرائیل تحت بازجویی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) قرار گرفتند.

● به گفته یکی از مهمانداران ماهان ایر، زمانی که پرواز آن‌ها از بانکوک بازگشت، مأموران امنیتی فرودگاه و حراست ماهان، «چمدان‌های ما را گرفتند، باز کردند و تک‌تک وسایل را بازرسی کردند. سپس از ما خواستند لباس‌هایمان را درآوریم و حتی لباس‌های زیرمان را بازرسی کردند.»

● شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انتقال نیرو و تسلیحات به کشورهای منطقه و فراتر از آن است.

● لو رفتن زمان تردد و محل استقرار فرماندهان سپاه و اعضای جریان مقاومت، هدف قرار گرفتن محموله‌ها و لو رفتن سرتی‌ترین اطلاعات مرتبط به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نظام را نسبت به نزدیک‌ترین اعضا از حلقه‌های نزدیک به هسته‌ی اصلی قدرت بدبین کرده است.

برخی منابع به نقل از وبسایت «اسرائیل هیوم» گزارش دادند خدمه پروازهای خارجی هواپیمایی «ماهان ایر» به ظن جاسوسی برای اسرائیل تحت بازجویی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) قرار گرفتند.

در این گزارش که سوم آبان‌ماه منتشر شد دستور این بازرسی‌ها پس از شناسایی محل حضور و کشته شدن شماری از فرماندهان و افسران «سپاه قدس» و اعضای حزب‌الله در سوریه و لبنان صادر شده است.

بر اساس همین گزارش، یکی از مهمانداران که از بانکوک بازگشته بود، گفت: «آنها برای این کار دو اتوبوس آوردند،

→ در گسترش دایره اهداف خود سوق داده است. او گفت که می‌خواهد تغییرات اساسی در وضعیت امنیتی پیرامون اسرائیل ایجاد کند که آثاری مثبت برای نسل‌های آینده اسرائیل باقی بگذارد. او تا آنجا پیش رفته که درباره خاورمیانه جدید صحبت می‌کند. این به سادگی به این معناست که او به دنبال دور کردن و محو دائمی حضور رژیم ایران در مرزهای اسرائیل است و برای رسیدن به این هدف، جبهه‌های «مقاومت» در غزه و لبنان باید از طریق ایجاد کمربندهای امنیتی و اعمال محدودیت‌های شدید برای مرحله پس از آتش‌بس، کاملاً از معادله قدرت و درگیری مجدد خارج شوند.

این وضعیت در میان صحنه‌های وحشتناکی که ماشین نظامی اسرائیل به نمایش می‌گذارد، از طریق بمباران‌ها و فرو ریختن آوارها روی می‌دهد. ویژگی‌های این کودتای خشونت‌بار در حقیقت واکنشی تند علیه نتایج کودتای رژیم ایران در بیروت، دمشق، بغداد و صنعاست.

این جنگ در حقیقت نبردی برای شکست استخوان‌های جمهوری اسلامی، تغییر ویژگی‌ها و تعادل در منطقه است و برای علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بسیار سخت است که اکنون به پایان سلطه‌ی خود و افول نقش منطقه‌ای و نفوذی که طی دهه‌ها ساخته بود، اعتراف کند.

سنوار بدون اینکه قصدی داشته باشد، «محور مقاومت» را به آزمونی دشوار سوق داد. لبنان در آتش و آوار غرق شد، سوریه سعی می‌کند از این درگیری فاصله بگیرد، عراق تلاش می‌کند از اصابت ترکش پاسخ‌های اسرائیل یا آمریکا به پهبادهای نیابتی‌های شیعه در آن کشور اجتناب کند.

صحبت درباره نبرد بر روی نقش‌ها مرا به یاد چیزهایی انداخت که سال‌ها پیش در وین شنیدم. در سال ۲۰۰۸، محمد البرادعی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران سفر کرد و با خامنه‌ای، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری اسلامی وقت و علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرد.

از البرادعی پرسیدم شما از خواسته رژیم ایران و موضع آن چه چیزی فهمیدید؟ البرادعی این موضع را در عبارتی خلاصه کرد و گفت آنها گفتند: «می‌خواهیم به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای شناخته شویم.»

پچالبرادعی توضیح داد که جمهوری اسلامی «اختلاف اساسی خود را با آمریکا می‌بیند» و احمدی‌نژاد می‌خواهد این اختلافات را حل کند و هدف و آرزوی این است که این معامله بزرگ را به سرانجام برساند چرا که معتقد است در صورت رسیدن به این هدف، قهرمان ملی خواهد شد، به‌خصوص که حدود ۸۰ یا ۹۰ درصد مردم ایران عادی شدن روابط با آمریکا را می‌خواهند.

البرادعی گفت که احمدی‌نژاد در سال آخر قبل از خروج از آژانس به معنای واقعی کلمه به من گفت: «من فقط می‌خواهم مستقیم با آمریکا مذاکره کنم و روسیه و چین را نمی‌خواهم.»

این جنگی است درباره نقش‌ها، مرزها و اندازه‌ها که تنها «شیطان بزرگ» است که می‌تواند برای توقف کودتای بنیامین نتانیاهو علیه بازوهای کودتای رژیم ایران در منطقه مداخله کند. اما با درگیری‌هایی که منتظر ساعت مداخله قاطع آمریکا هستند تا آن موقع چه باید کرد؟ اگر رژیم ایران اینبار به کاخ سفید رجوع کند و مردی را به نام دونالد ترامپ در آنجا بیاید که یادآور فشارهای بسیار علیه جمهوری اسلامی است، چه خواهد شد؟

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط

*نویسنده: غسان شریل مدیرمسئول روزنامه الشرق الاوسط
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

انگاره‌های احساسی و حقایق تاریخی؛ درباره چند افسانه رایج در مورد «فلسطین»



دراز آن را به خوبی بشناسد و آن را به دقت تحلیل کند بدون اینکه تصویری نادرست از واقعیت‌ها ارائه دهد.

پس از فتح اورشلیم توسط اعراب مسلمان شده در سال ۶۳۸ میلادی بود که مسلمانان با غصب آنجا «قبه الصخره» را تازه در سال ۶۹۰ میلادی ساختند؛ محلی که بعدها به همراه مصلاى مروانى و مسجد جامع القبلى توسط مسلمانان به «مسجدالاقصى» یا «حرم شریف» نامیده شد

اصطلاح «فلسطین» اعتبار تاریخی دقیقی ندارد. پس از آنکه ارتش هادریان امپراتور روم قیام یهودیان در یهودیه را سرکوب کرد، در سال ۱۳۵ میلادی نام این منطقه را به «فلسطین» تغییر داد. هدف او این بود که هر نشانی از یهودیت را از بین برد. او می‌خواست «فلسطین» به عنوان نمادی از ضدیت با یهودیت در اذهان باقی بماند: «سرزمین فیلیسترها»، زیرا فیلیسترها در گذشته دشمنان دیرینه یهودیان یهودیه محسوب می‌شدند. اشاره‌ای به داود کوتاه‌قد، پادشاه داود و جالوت، غول فلسطینی، کافی است.

پرچم سیاه، سفید، سبز و قرمز فلسطین نیز اعتبار زیادی ندارد و حتی می‌شود گفت که یک نوع مازوخسیم تاریخی محسوب می‌شود. در واقع، این پرچم توسط مارک سایکس، دیپلمات بریتانیایی، برای پادشاهی هاشمی طراحی شده بود که تا سال ۱۹۲۶ وجود داشت و سپس در سال ۱۹۳۲ به پادشاهی عربستان سعودی تبدیل شد. این دیگر نهایت سیاست استعماری است زیرا همان مارک سایکس به همراه همتای فرانسوی خود، فرانسوا ژرژ-پیکو، در سال ۱۹۱۶ غنیمت میراث امپراتوری عثمانی، از جمله فلسطین، را به شیوه بسیار امپریالیستی تقسیم کردند، یا دقیق‌تر بگوییم: قصد داشتند آن را تقسیم کنند.

نادان‌ها ادعا می‌کنند که فلسطینی‌های امروزی بازماندگان همان فلسطینیانی هستند که روزگاری در سواحل شرقی دریای مدیترانه و منطقه بزرگ غزه ساکن بودند. اما این ←

رویکرد ضدیهودی خود را لاپوشانی کنند.

● پیشنهاد نخست وزیر وقت اهود باراک در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ این بود: نوار غزه و ۹۷ درصد از کرانه باختری به عنوان کشور فلسطین با اورشلیم شرقی به عنوان پایتخت. سازمان آزادیبخش فلسطین این پیشنهاد را رد و انتفاضه دوم را آغاز کرد که نتیجه‌ی آن شکست نظامی بود. ● با این حال تخلیه کامل نوار غزه توسط اسرائیل در ژوئیه ۲۰۰۵ تحت هدایت نخست وزیر آریل شارون انجام شد. از سال ۲۰۰۷ به بعد اما حماس موشک‌پرانی به سوی اسرائیل را آغاز کرد. ولی نخست وزیر اسرائیل، اولمرت، همان پیشنهاد اهود باراک در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ را تکرار کرد. پاسخ تشکیلات خودگردان فلسطین باز هم «نه» بود و پس از آن، حماس موشک‌های بیشتری به سمت اسرائیل پرتاب کرد. واکنش اسرائیل عبارت بود از عملیات‌های نظامی محدود و «متناسب». حرکت بعدی حماس چه بود؟ حمله تروریستی گسترده در ۷ اکتبر ۲۰۲۳! واکنش اسرائیل اما اینبار جنگ غزه بود که در آن حماس از نظر نظامی به سرعت شکست خورد، ولی بطور غیرمنطقی بر ادامه آن اصرار ورزید و هزاران نفر از مردم غیرنظامی را برای تبلیغات به سود خود قربانی کرد.

● این وضعیت نه تنها برای ملت فلسطین، بلکه برای کل جهان، یک تراژدی بی‌پایان است. و همه این چیزها به دلیل عملکرد رهبری مردم فلسطین و سیاست‌های نادرست و گمراه کننده جامعه بین‌المللی، به رهبری سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا است.

میشائیل وولفرُن (نویه زورشترسایتونگ) - مواضع افکار عمومی جهان درباره جنگ غزه به شکل بی‌سابقه‌ای دچار چند دستگی شده است. هر کسی که بخواهد درکی منطقی از این درگیری ظاهراً حل‌نشده به دست آورد، باید تاریخ

● اصطلاح «فلسطین» اعتبار تاریخی دقیقی ندارد. زیرا این هادریان امپراتور روم بود که پس از سرکوب قیام یهودیان در یهودیه، در سال ۱۳۵ میلادی نام این منطقه را به «فلسطین» تغییر داد. هدف او این بود که هر نشانی از یهودیت را از بین برد. او می‌خواست «فلسطین» به عنوان نمادی از ضدیت با یهودیت در اذهان باقی بماند: «سرزمین فیلیسترها»! زیرا فیلیسترها در گذشته دشمنان دیرینه یهودیان یهودیه محسوب می‌شدند.

● پرچم سیاه، سفید، سبز و قرمز فلسطین نیز اعتبار زیادی ندارد و حتی می‌شود گفت که یک نوع مازوخسیم تاریخی محسوب می‌شود. در واقع، این پرچم توسط مارک سایکس، دیپلمات بریتانیایی، برای پادشاهی هاشمی طراحی شده بود که تا سال ۱۹۲۶ وجود داشت و سپس در سال ۱۹۳۲ به پادشاهی عربستان سعودی تبدیل شد.

● نادان‌ها ادعا می‌کنند که فلسطینی‌های امروزی بازماندگان همان فلسطینیانی هستند که روزگاری در سواحل شرقی دریای مدیترانه و منطقه بزرگ غزه ساکن بودند. اما این نظریه یک ایراد اساسی دارد: فیلیسترها از شبه‌جزیره عربستان می‌آیند، بلکه از شبه‌جزیره بالکان می‌آیند. بنابراین آنها عرب نبودند! در حدود قرن دوازدهم قبل از میلاد، فلسطینیان یا همان «اقوام دریایی» به عنوان مهاجم به خاورمیانه حمله کردند. آنها به سمت شرق پیشروی کرده و با جوامع پیشاپهودی و یهودیان اولیه که در تپه‌های کرانه باختری رود اردن زندگی می‌کردند، درگیر شدند.

● چرا باید بیش از سه هزار سال به گذشته بازگردیم؟ زیرا خود عنوان امروزی فلسطینی‌ها به عنوان «فلسطینی» یک تحریف عمده تاریخ است. با اینهمه (و یا شاید دقیقاً به همین دلیل)، حکایت فیلیسترها یا فلسطینی‌ها امروز به ابزاری تبدیل شده که واقعیت‌ها را تحریف می‌کند و در نهایت به دستاویزی برای مخالفان اسرائیل بدل شده تا

و پاکستان به رسمیت شناخته شد، اردن در دسامبر ۱۹۵۵ بدون هیچ قید و شرطی به عضویت سازمان ملل درآمد. طبق معمول جنگ چنین سرنوشت‌هایی را به همراه دارد. کسانی که جنگ را آغاز می‌کنند و بعد آن را می‌بازند، اراضی خود را از دست می‌دهند و باید انتظار داشته باشند که مردم آن مناطق یا فرار کنند یا تبعید شوند. می‌توان به آلمانی فکر کرد که بطور کامل توسط متفقین شکست خورد. آلمان در سال ۱۹۳۹ جنگ را آغاز کرد و در سال ۱۹۴۵ با شکست کامل از متفقین مواجه و به دو کشور تقسیم شد.

رهبران فلسطینی خود باعث سرنوشتی مشابه سرنوشت آلمانی‌ها شدند. حدود ۷۵۰ هزار فلسطینی یا فرار کردند یا توسط اسرائیلی‌ها تبعید شدند. برخلاف پناهندگان و آوارگان آلمانی، آنها به دستور رهبران خود از یکسو حاضر نبودند در مکان‌هایی که به آنها گریخته بودند، ادغام شوند و از خشونت دست بکشند، و از سوی دیگر، کشورهای عربی میزبان نیز از پذیرش و ادغام آنها خودداری می‌کردند.

غرب بی تفاوت است

جمعیت فلسطین به مقاومت پرداخت. اوضاع در داخل اردن، به ویژه در کرانه باختری، ناآرام بود. در سال ۱۹۵۱، ملک عبدالله اول توسط یک فلسطینی ترور شد. برخلاف خواست پادشاه و جانشین وی، ملک حسین اول، "آزادیخواهان" فلسطینی از کرانه باختری به اسرائیل حمله می‌کردند و همزمان ناآرامی‌های سیاسی داخلی را تشدید می‌کردند. اوج این ناآرامی‌ها در سال‌های ۱۹۵۷/۱۹۵۸ بود و تلاش‌های فلسطینی‌ها برای کودتا را به نمایش گذاشت. کانون تمرکز این ناآرامی‌ها کرانه باختری بود. تنها سربازان بریتانیایی در سال ۱۹۵۸ توانستند تاج و تخت را برای پادشاه اردن حفظ کنند. پس از آن، او نیروهای نظامی خود را "پاکسازی" کرد و تقریباً هیچ فلسطینی در آن ارتش باقی نماند. ستون اصلی این نیروها بادیه‌نشینان مطیع بودند که از دیرباز از فلسطینیان عمدتاً شهرنشین ناخشنود بودند. این وضعیت، نوعی از رویارویی تاریخی میان شهرنشینان و کوچ‌نشینان بود.

در جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷، اسرائیل علاوه بر بلندی‌های جولان که متعلق به سوریه بود، نوار غزه، شرق اورشلیم و کرانه باختری را نیز تصرف کرد. سپس تلاش کرد تا یک خودگردانی محلی با انتخابات آزاد ایجاد کند، اما این تلاش ناکام ماند، زیرا جنبش ملی فلسطین به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO)، که در سال ۱۹۶۴ در شرق اورشلیم تأسیس شده بود، در داخل و خارج از اردن به افراط سوق پیدا کرده بود. در سپتامبر ۱۹۷۰، PLO به تصرف خشونت‌آمیز قدرت در پادشاهی اردن نزدیک شده بود، اما ارتش بادیه‌نشین وفادار به ملک حسین پیروز شد. فلسطینی‌ها این رویداد را "سپتامبر سیاه" می‌نامند که اثرات آن تا امروز نیز باقی مانده و از آن زمان تا کنون هیچ قیام فلسطینی در اردن رخ نداده است.

در سال ۱۹۷۰، توده‌های مردم غرب شاهد این وقایع نیز بودند اما در عوض علیه جنگ ویتنام که توسط ایالات متحده، قدرت اصلی غرب، رهبری می‌شد، اعتراض می‌کردند. در آن زمان، هیچ تظاهراتی در حمایت از فلسطینی‌ها برگزار نشد که حتی به ابعاد اعتراضات سال‌های ۲۰۲۳/۲۰۲۴ و واکنش به ادعای "نسل‌کشی" اسرائیل علیه "فلسطینی‌ها" نزدیک باشد. با این حال، سه قیام بزرگ فلسطینی که تقریباً به جنگ تبدیل شدند، در کرانه باختری و نوار غزه رخ دادند. انتفاضه اول از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳، انتفاضه دوم از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، و در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ جنگ غزه که توسط حماس آغاز شد و به جنگ آنها در کرانه باختری نیز تبدیل گردید. ←

فلسطین به میهن یهودیان تبدیل شود. همچنین قرار شده بود که هیچ اقدامی نباید حقوق مدنی و مذهبی جمعیت غیریهودی را محدود کند. این هدف در ظاهر فوق‌العاده انسانی و صلح‌آمیز به نظر می‌رسید. اما چگونه می‌توان این هدف را با وجود اختلافات از هر دو طرف به تحقق رساند؟ با وجود ناامیدی، تحریکات و خشونت‌های گسترده از سوی یهودیان صهیونیست و به ویژه فلسطینی‌ها، مسئولین قیومیت بریتانیا بدون تزلزل مسیر خود را ادامه دادند و همچون یک نیروی استعمارگر عمل کردند. آنها چنین تقسیم‌بندی کردند: در سال ۱۹۲۳ اراضی شرقی اردن از فلسطین (اردن امروزی) را به هاشمی‌ها واگذار کردند که در زمان اعطای قیومیت فریب خورده بودند. جامعه ملل این خیانت را در سال ۱۹۲۴ از منظر حقوق بین‌الملل تأیید کرد. این فقط یک قانون بود و نه اجرای عدالت - در واقع استعمارگرایی درون خود اعراب بود.

غرغره‌های دوگانه

یهودیان با اسانامه قیومیت موافقت کردند، اما غرغرنگان. آنها نسبت به عبارت "در فلسطین" اعتراض داشتند. اعراب بومی در دیگر مناطق فلسطین نیز غرغر می‌کردند، زیرا با وجود اکثریت جمعیتی، به آنها استقلال سیاسی وعده داده نشده بود. آنها نادیده گرفتند (یا نمی‌خواستند ببینند) که در متن اسانامه، محدوده دقیق میهن یهودی - صهیونیستی مشخص نشده است. آن قید «در» می‌توانست به منطقه‌ای کوچک یا حتی بزرگ اشاره داشته باشد. همچنین هیچ اشاره‌ای به اینکه با یهودیان در "فلسطین" چگونه برخورد شود، نشده بود. بجای بهره‌برداری سیاسی از این کمبود برای به دست آوردن تقریباً کل فلسطین، رهبری فلسطین از همان ابتدا هرگونه ادعای یهودی - صهیونیستی را بطور کامل و با خشونت رد کرد. این امر البته دو معنی دارد: اولاً، از نظر تاریخی و جمعیتی، اردن همان فلسطین شرقی است. ثانیاً، به لحاظ تحلیلی، این به معنای آن است که اجرای حقوق بین‌الملل به نفع هاشمی‌ها و خوش‌خدمتان وابسته به آنها بوده و عملاً علیه حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها عمل کرده است. در اینجا فاصله زیادی بین قانون، حقوق بین‌الملل و عدالت وجود دارد. بریتانیا در سال ۱۹۴۶ فلسطین شرقی را به عنوان پادشاهی ماوراء اردن به "استقلال" رساند، هرچند که از لحاظ نظامی همچنان وابسته به لندن بود.

نقطه عطف بعدی طرح تقسیم سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ بود. قرار شد که باقی سرزمین‌های فلسطین از سال ۱۹۴۸ به دو کشور یهودی و عرب - فلسطینی تقسیم شود. این طرح به پذیرش متقابل نیاز داشت، به این معنا که هر یک از طرفین باید دیگری را به عنوان اقلیت قانونی بپذیرد و از لحاظ احساسی و درونی نیز تحمل و قبول کند.

روز پس از رأی‌گیری سازمان ملل، رهبری فلسطین جنگ داخلی علیه اسرائیل، کشوری را که به تازگی تأسیس شده بود، آغاز کرد. فلسطینی‌ها در آوریل ۱۹۴۸ شکست خوردند و پس از اعلام استقلال اسرائیل در ۱۴ مه، از برادران عرب خود، به ویژه از مصر و ماوراء اردن، درخواست کمک کردند. آنها آمدند و سرزمین‌ها را تصرف کردند. مصر شروع به اداره نوار غزه‌ای که تصرف کرده بود نمود و ماوراء اردن که تا آن زمان به نام اردن شرقی شناخته می‌شد، در سال ۱۹۴۸ عملاً و در سال ۱۹۵۰ رسماً به اردن تبدیل شد و شرق اورشلیم و کرانه باختری را تصرف کرد. این اقدام با کمک فعال بریتانیا انجام شد، زیرا ارتش ملک عبدالله در ابتدا توسط فرمانده کل ارتش بریتانیا، گلوب پاشا، هدایت می‌شد. اگرچه الحاق این اراضی طبق قوانین بین‌الملل تنها توسط بریتانیا

→ نظریه یک ایراد اساسی دارد: فلیس‌تورها از شبه جزیره عربستان نمی‌آیند، بلکه از شبه جزیره بالکان می‌آیند. بنابراین آنها عرب نبودند! در حدود قرن دوازدهم قبل از میلاد، فلسطینیان یا همان «اقوام دریایی» به عنوان مهاجم به خاورمیانه حمله کردند. آنها به سمت شرق پیشروی کرده و با جوامع پیشاپهودی و یهودیان اولیه که در تپه‌های کرانه باختری رود اردن زندگی می‌کردند، درگیر شدند.

ادعای انحصارطلبانه

چرا باید بیش از سه هزار سال به گذشته بازگردیم؟ زیرا خود عنوان امروزی فلسطینی‌ها به عنوان «فلسطینی» یک تحریف عمدی تاریخ است. با اینهمه (و یا شاید دقیقاً به همین دلیل)، حکایت فلیس‌تورها یا فلسطینی‌ها امروز به ابزاری تبدیل شده که واقعیت‌ها را تحریف می‌کند و در نهایت به دستاویزی برای مخالفان اسرائیل بدل شده تا رویکرد صهیودی خود را لاپوشانی کنند.

یکی از این ابزارها، ادعاهای انحصارطلبانه اسلامی بر کوه معبد اورشلیم است. در این رابطه جامعه بین‌المللی چندین بار، و آخرین بار در اکتبر ۲۰۱۶، در چارچوب فعالیت‌های سازمان ملل و یونسکو به عنوان دستیار داوطلب یا «ابله مفید» عمل و خدمت کرده است.

واقعیت اول اینکه، بر روی آن تپه - که کوه نیست - از اواسط قرن دهم پیش از میلاد تا سال ۵۸۶ پیش از میلاد اولین معبد (معبد سلیمان) و از سال ۵۱۵ پیش از میلاد تا سال ۷۰ میلادی دومین معبد یهودی قرار داشت. قبل از اینکه این «کوه» به مکان مقدس یهودیان تبدیل شود، محل عبادت یبوسی‌ها بود. پس از فتح اورشلیم توسط مسلمانان و اعراب در سال ۶۳۸ میلادی، مسلمانان در سال ۶۹۰ قبه الصخره را ساختند. مسجد الاقصی تازه در سال ۷۱۲ ساخته شد. بنابراین، از نظر تاریخی دو ادعای مهم بر این مکان وجود دارد، در حالی که دو دوره چند خدایی و دوره ییزانسی - مسیحی، که به نوعی میان‌برده پیش از اسلام بودند، نادیده گرفته می‌شوند.

عنوان امروزی فلسطینی‌ها به عنوان «فلسطینی» خود یک تحریف عمدی تاریخی است. ما قرن‌هایی را که اقوام مختلف به «فلسطین» آمدند و رفتند، پشت سر می‌گذاریم. با این حال، این سرزمین و ساکنان آن، که عمدتاً عرب‌های مسلمان و تعداد کمی یهودی بودند، هرگز با نام «فلسطین» یا «فلسطینی‌ها» شناخته نمی‌شدند. بازگشت به این نام که نزدیک به دو هزار سال قدمت دارد و در اصل به شدت ضد یهودی بوده و اعراب و عربستان را هم نادیده می‌گرفته، تنها در اواخر قرن نوزدهم در عرصه سیاست بین‌المللی دوباره مطرح شد - حتی در صهیونیسم!

در آن زمان، بطور دقیق‌تر از سال ۱۵۱۷ به بعد، فلسطین (که هنوز رسماً به این نام شناخته نمی‌شد) بخشی از امپراتوری عثمانی بود. از نظر قانونی، جامعه ملل در سال ۱۹۲۲ فلسطین را تحت قیومیت بریتانیا قرار داد، هرچند این قیومیت به افرادی سپرده شد که قابل اعتماد نبودند. خیانت برنامه‌ریزی‌شده بریتانیا به راحتی قابل اثبات است. بریتانیا در جریان جنگ جهانی اول، میراث عثمانی را چندین بار تقسیم کرد: در سال ۱۹۱۵ میان سلسله هاشمی عرب از حجاز (امروزه عربستان سعودی)، در سال ۱۹۱۶ میان خود، فرانسه، ایتالیا و روسیه، و در سال ۱۹۱۷ میان یهودیان صهیونیست.

قلمرو تحت قیومیت بریتانیا در فلسطین شامل چه مناطقی بود؟ کرانه باختری اردن از جمله اورشلیم، اراضی شرق اردن (امروزه اردن)، اسرائیل امروزی و نوار غزه. هدف قیومیت بریتانیا روی کاغذ "ایجاد یک میهن ملی برای یهودیان در فلسطین" بود، اما نه به این معنا که کل

گفتگو با مردی که شصت سال پیش در نوجوانی با دوستانش از نیشابور تا تهران رکاب زد



عکسی از همان دوران

عبدالله و عیسی امیدوار دو برادر پژوهشگر و مستندساز ایرانی بودند که در پاییز ۱۳۳۳ دور دنیا را با موتورسیکلت طی کردند. آنها در طول ۱۰ سال توانستند از قطب شمال به قطب جنوب سفر کنند؛ از آنجا به سمت استرالیا و آفریقا حرکت کرده و اروپا را گز کردند، بر تبت قدم زدند، فیلم ساختند، عکس گرفتند و موسیقی غریب ملل دورافتاده را ثبت کرده و به شهرتی جهانی رسیدند.

این سه جوان نیشابوری هم تا گرگان جاده شنی را پیمودند. در این راه طولانی، احمد مسئول برطرف کردن عیب‌های دوچرخه‌ها بود؛ فرید با دوربین عکاسی، سوژه‌ها را انتخاب می‌کرد و حمید هم گزارشگر سفر بود.

این دوچرخه‌سواران جوان معرفی‌نامه‌ای از تربیت‌بدنی مشهد داشتند که به هر شهری وارد می‌شدند اداره تربیت‌بدنی آن شهر به آنها جا می‌داد. پول توجیبی آنها نیز از دفترچه حساب در گردش بانک صادرات تامین می‌شد که همه جا حتی در روستاها شعبه داشت.

توریست‌های جوان رکاب‌زن برای نخستین بار با دوچرخه از کنار دریای مازندران، پلاژها و شهرهای ساحلی شمال ایران گذشتند و در نهایت به تهران و ساختمان تلویزیون رفتند. اما رسیدن این سه دوست دوچرخه‌سوار به تهران، همزمان بود با همه‌گیر شدن بیماری وبا که آنها را از ادامه این سفر باز داشت. با اینهمه کوشش دوچرخه‌سواران جوان نیشابوری، تاثیر مستقیم بر آینده‌ی شغلی آنها گذاشت. از میان آنها حمید بزرگمهر که فوتبالیست، ژیمناست و اهل ورزش بود به دانشسرای عالی تربیت‌بدنی رفت و به مدت ۳۰ سال در اهواز و تهران تدریس کرد.

کیهان لندن با این آموزگار بازنشسته که مدتی است مشغول نوشتن خاطرات خود و نگارش مطالبی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

● آقای بزرگمهر، ایده‌ی سفر شما با دوچرخه به همراه دوستان نوجوان چگونه شکل گرفت؟

-نیشابور شهر محل زندگی و تحصیل ما محیط بسیار سالمی از نظر اخلاقی و اجتماعی بود؛ یا مشغول

● سال ۱۳۴۴ است؛ حمید بزرگمهر ۱۹ ساله، احمد عابدین‌زاده ۱۸ ساله و فرید بزرگمهر ۱۶ ساله سه دوست جوان نیشابوری دو هزار کیلومتر را از نیشابور به مشهد، قوچان، بجنورد، جنگل گلستان و خط کناره شمال تا رشت و بندر پهلوی رکاب زدند و در ادامه راه، از رشت، رودبار، قزوین، آبیک، هشتگرد و کرج گذشتند تا به تهران رسیدند.

● دوچرخه‌سواران جوان معرفی‌نامه‌ای از تربیت‌بدنی مشهد داشتند که به هر شهری وارد می‌شدند، اداره تربیت‌بدنی آن شهر به آنها جا برای اقامت می‌داد. پول توجیبی آنها از دفترچه حساب در گردش بانک صادرات تامین می‌شد که همه جا حتی در روستاها شعبه داشت.

● حمید بزرگمهر: جوانی و قدرت بدنی از یکطرف و مطالعه کتاب «سفرنامه برادران امیدوار» از سوی دیگر، انگیزه مسافرت دور شمال ما با دوچرخه شد.

● «یک شب دیروقت به بهشهر رسیدیم؛ از فرط گرسنگی و خستگی کنار کوچه‌ای نشسته بودیم و دنبال مغازه‌ای برای رفع گرسنگی بودیم. یکوه خانم خانه‌داری در منزل‌اش را باز کرد و از حال و روز ما پرسید. وقتی جریان سفرمان را به او گفتیم، ما را به خانه‌اش دعوت کرد و با رسیدن همسرش، برای ما شام تهیه کرد و وسایل خواب‌مان را هم فراهم کردند.»

فیروزه نوردستروم- گزارشی که در ادامه می‌خوانید سرگذشت سه توریست دوچرخه‌سوار ایرانی است که در ۴ تیرماه ۱۳۴۴ دست به ابتکاری بزرگ زدند؛ آنها تصمیم گرفتند محدوده شمالی ایران را با دوچرخه رکاب بزنند، کاری که تا آن زمان سابقه نداشت.

حمید بزرگمهر ۱۹ ساله، احمد عابدین‌زاده ۱۸ ساله و فرید بزرگمهر ۱۶ ساله سه دوست جوان نیشابوری دو هزار کیلومتر را از نیشابور به مشهد، قوچان، بجنورد، جنگل گلستان و خط کناره شمال (کنار دریا) تا رشت و بندر پهلوی رکاب زدند و در ادامه راه از رشت، رودبار، قزوین، آبیک، هشتگرد و کرج گذشتند تا به تهران رسیدند.

کتاب «سفرنامه» برادران امیدوار انگیزه این دوستان ماجراجو برای شروع این سفر هیجان‌انگیز بود.

→ تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان طرفدار رژیم ایران از سوریه و عراق به این جنگ پیوستند.

نتیجه‌ی نخست انتفاضه اول این بود که در ژوئیه ۱۹۸۸، ملک حسین به دلیل نگرانی از گسترش قیام فلسطینی‌ها از کرانه باختری به کرانه شرقی، تمامی پیوندهای اداری و حقوقی باقی‌مانده بین دو کرانه اردن را قطع کرد. از آن زمان به بعد، ظاهراً تنها اسرائیل، و نه اردن، به عنوان مانع اصلی بر سر راه تعیین سرنوشت فلسطینیان شناخته شد. جهان همچنان تا امروز این واقعیت را به سادگی نادیده می‌گیرد. نتیجه دوم انتفاضه اول با کلمات نخست وزیر وقت، اسحاق رابین، چنین بود: پذیرش «ریسک صلح» و آغاز روند راه حل دو کشوری. این تلاش بی‌ثمر ماند، زیرا استراتژی دوگانه سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) شامل دیپلماسی و ترور همزمان بود، که از یکسو به سختگیری و موضع‌گیری محکم‌تر اسرائیل منجر شد و از سوی دیگر به این پیشنهاد نخست وزیر وقت اهود باراک در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ انجامید: نوار غزه و ۹۷ درصد از کرانه باختری به عنوان کشور فلسطین با اورشلیم شرقی به عنوان پایتخت. سازمان آزادیبخش فلسطین این پیشنهاد را رد کرد و انتفاضه دوم را آغاز کرد که نتیجه‌ی آن نیز شکست نظامی بود.

خیالبافی درباره «زمین در برابر صلح»

با این حال، تخلیه کامل نوار غزه توسط اسرائیل در ژوئیه ۲۰۰۵ تحت هدایت نخست وزیر آریل شارون انجام شد. بجای «زمین در برابر صلح» اما از سال ۲۰۰۷ به بعد، حماس به سوی اسرائیل موشک‌پرانی کرد. با اینهمه نخست وزیر اسرائیل، اولمرت، در سپتامبر همان پیشنهاد اهود باراک در سال ۲۰۰۱/۲۰۰۰ را تکرار کرد. پاسخ تشکیلات خودگردان فلسطین باز هم «نه» بود و پس از آن، حماس موشک‌های بیشتری به سمت اسرائیل پرتاب کرد. واکنش اسرائیل عبارت بود از عملیات‌های نظامی محدود و «متناسب». حرکت بعدی حماس چه بود؟ حمله تروریستی گسترده در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش اسرائیل اما اینبار جنگ غزه بود که در آن حماس از نظر نظامی به سرعت شکست خورد، ولی بطور غیرمنطقی بر ادامه آن اصرار ورزید و هزاران نفر از مردم غیرنظامی را برای تبلیغات به سود خود قربانی کرد.

در طول حدود ۱۴۰ سال درگیری و جنگ با اسرائیل، رهبری فلسطینی همواره دچار چندپارگی و شکاف بوده است و به ملت خود این «دستاوردها» را ارائه کرده است: به دلیل حاکمیت حماس و میلیاردها دلار کمک از خلیج فارس و غرب، نوار غزه از یکسو به یک دنیای زیرزمینی کاملاً نظامی تبدیل شده و از سوی دیگر، در روی زمین، جمعیتی را در خود جای داده که کاملاً در فقر، تحت فشار و رنج بسر می‌برند. دنیای روی زمین نوار غزه به خاک و خاکستر تبدیل شده است.

آیا به زودی نوبت کرانه باختری، لبنان، یمن و ایران می‌رسد؟ حماس با استفاده از یک استراتژی ترکیبی بی‌سابقه از جنگ چریکی و ترور، به عنوان نوعی جدید از جنگ، جهان را با این تاکتیک «غنی» کرده است. این استراتژی همزمان به عنوان یک کاتالیزور برای یک جنگ چندجانبه عمل می‌کند. این وضعیت نه تنها برای ملت فلسطین، بلکه برای کل جهان، یک تراژدی بی‌پایان است. و همه این چیزها به دلیل عملکرد رهبری مردم فلسطین و سیاست‌های نادرست و گمراه‌کننده جامعه بین‌المللی، به رهبری سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا است.

*منبع: روزنامه نوبه زورشر تساینتونگ

*نویسنده: پروفیسور میشائل وولفرژن

ترجمه و تنظیم: وحید وحدت حق



→ درس بودیم یا در میدان ورزش یا اینکه در سالن باغ ملی به بازی شطرنج می‌پرداختیم. من به مطالعه کتاب‌های داستان، رمان و پاورقی‌های مجلات معروف آن زمان مانند «روشنفکر» و «سپید و سیاه» و «اطلاعات هفتگی» علاقمند بودم و از بچگی عادت به مطالعه داشتم. به دلیل فضای فرهنگی حاکم بر خانواده این عادت در من بیشتر قوت گرفت. هر هفته تنها کتابفروش شهرمان «سخنور» یک کارتن کتاب با دوچرخه به منزل ما می‌آورد و هفته بعد، کتاب‌های انتخاب‌نشده را می‌برد.

در خلال این مطالعات تابستانی به کتاب «سفرنامه برادران امیدوار» برخوردیم و جذب آن شدم. این کتاب انگیزه سفر را در من برانگیخت. آنها خاطرات سفرشان را در مجله «اطلاعات هفتگی» می‌نوشتند که بعداً به صورت کتاب درآمد، با قلمی شیوا و تصاویر زیبا از نقاط مختلف جهان. انگیزه سفر با دوچرخه را با برادر کوچکترم فرید و دوست مشترکمان احمد عابدین‌زاده در میان گذاشتم. با موافقت آنها یک سال پول توجیبی‌مان را جمع کردیم، به مشهد رفتیم و سه دوچرخه دست دوم «پژو» فرانسوی خریدیم. در واقع جوانی و قدرت بدنی از یکطرف و مطالعه کتاب «سفرنامه برادران امیدوار» از سوی دیگر، انگیزه مسافرت دور شمال ما با دوچرخه شد.

● این سفر چه مدت طول کشید؟ چه مشکلات احتمالی داشتید و هزینه این سفر را چطور تامین کردید؟

-سفرمان یک ماه و ۱۰ روز طول کشید، هزینه سفر هم از پول توجیبی ما تامین شد که آن زمان، هشتصدتومان (۸۰۰۰ ریال بود) یعنی به یک هزار تومان هم نمی‌رسید. البته پول ایران در آن زمان جزو پول‌های قوی دنیا بود. ۸۰۰ تومان ما داخل دفترچه حساب در گردش بانک صادرات بود که به هر شهر یا آبادی می‌رسیدیم از شعبه صادرات آنجا هر چقدر لازم داشتیم می‌گرفتیم.

از مهمترین مشکلات این سفر این بود که خبر نداشتیم از مشهد تا گرگان، جاده خاکی و شنی است و گرفتار پنچری و خرابی دوچرخه‌ها می‌شدیم. از طرفی خبر نداشتیم که باید در تغذیه‌مان تعادل داشته باشیم و غذای ساده مصرف کنیم و از خوردن میوه‌های ملین خودداری کنیم. یک روز در میانه راه قوچان تا بجنورد از میوه‌فروش کنار جاده یک جعبه زردآلو خریدیم و از فرط گرسنگی همه را خوردیم! بعد که راه افتادیم تا بجنورد دنبال پل می‌گشتیم تا زیر پل، خودمان را راحت کنیم!

● فکر می‌کنید مشابه این سفر با دوچرخه در شرایط کنونی در کشور امکانپذیر است؟

-آن زمان در جاده‌های کشور، امنیت کامل جانی برقرار بود. رفت و آمد ماشین و کامیون و اتوبوس هم بسیار کمتر از حالا بود و احتمال خطر تصادف برای ما تقریباً صفر بود اما الان با توجه به اینکه نزدیک به ۶۰ سال از آن دوران گذشته، نه آن امنیت جانی وجود دارد و نه خبری از خلوتی جاده‌هاست.

-آن زمان که این سفر را شروع کردید، دوچرخه‌سواری در کشور چقدر رایج بود؟

-در سال‌های ۴۲ تا ۵۰ که یادم هست از طرف «کیهان ورزشی» با همکاری فدراسیون دوچرخه‌سواری هر سال، مسابقه دوچرخه‌سواری دور شمال برگزار می‌شد که دوچرخه‌سواران از سراسر کشور شرکت می‌کردند. ما که محصل بودیم با اشتیاق فراوان این مسابقات را دنبال می‌کردیم، تا حدی به این ورزش علاقه داشتیم که نام قهرمانان آن دوره‌ها هنوز در یادم مانده است، مانند ماشاءالله امین

-قصده داشتیم بعد از این سفر، با دوچرخه تا آلمان برویم که برادر بزرگترمان، ابراهیم، سال‌ها بود در آن کشور اقامت داشت اما شیوع بیماری وبا و قرنطینه در سراسر ایران در تابستان ۱۳۴۴ مانع این سفر شد.

سرور که شاطر بود یا هاشم راستی که دانشجوی دانشکده علوم تهران بود یا فرهاد کیهان حقیقی که از دانشگاه پهلوی شیراز شرکت کرده بود.

-در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟ آیا هنوز هم رابطه خوبی با دوچرخه دارید؟

-در حال حاضر بازنشسته آموزش و پرورش هستم. برادرم فرید، کارگردان سینما و تئاتر در آمریکا اقامت دارد و دوست مشترکمان احمد عابدین‌زاده هم بازنشسته آموزش و پرورش است. رابطه ما با دوچرخه تقریباً قطع شده اما گاهی در خیابان‌های پرتراфик تهران جوانان دوچرخه‌سواری را می‌بینم که دلم به حالشان می‌سوزد...!

-اگر خاطره جالبی از آن زمان دارید لطفاً تعریف کنید؛ به خصوص برخورد مردم و افراد محلی در شهرهای مسیر راه چطور بود؟

-یک شب دیروقت به بهشهر رسیدیم؛ از فرط گرسنگی و خستگی کنار کوچه‌ای نشسته بودیم و دنبال مغازه‌ای برای رفع گرسنگی بودیم. یکهو خانم خانه‌داری در منزل‌اش را باز کرد و از حال و روز ما پرسید. وقتی جریان سفرمان را به او گفتیم، ما را به خانه‌اش دعوت کرد و با رسیدن همسرش، برای ما شام تهیه کرد و وسایل خواب‌مان را هم فراهم کردند.

یکبار هم در دهی بین لاهیجان و لنگرود به نام «کورنده» وقتی اهالی روستا فهمیدند که ما برادر سپاهی دانش روستایشان هستیم، به مدت ۱۰ روز پذیرائی شایانی از ما کردند.

-آیا بعد از پایان آن سفر، خواستید دوباره آن سفر پر هیجان را تکرار کنید؟

...چرا؟
-چون امکانات ورزشی برای جوانان نسبت به زمان ما کمتر شده، از جهت خیابان و راه و جاده و استادیوم مخصوص دوچرخه‌سواری؛ از سوی دیگر گرانی دوچرخه‌ها و لوازم جانبی مانند کلاه، شورت، دستکش، کفش و جوراب، آنها را از دسترسی به این ورزش بسیار سالم محروم می‌کند.

حزب الله و افسانه «لبنان اسرائیلی»!



بازسازی برج دانشگاه آمریکایی بیروت / ۲۶ مارس ۱۹۹۸ / رویترز

دیدند.
آیا پروژه ملی الحریری متهم به یک پروژه ضمنی اسرائیلی از سوی همین حزب الله و هم‌پیمانانش نشده بود؟ آیا رفیق حریری پس از یکسری عملیات خیانتکارانه و منظم کشته نشد؟ حتی آشتی بین لبنانی‌ها و ایجاد فضایی برای خلق و خوی کثرت‌گرایانه و مدارا در «لبنان اسرائیلی» محتمل‌تر از «لبنان محور مقاومت» به نظر می‌رسد.
حزب الله به ما هشدار می‌دهد که هدف «لبنان اسرائیلی» خلع سلاح «مقاومت» است! اما آیا در هیچ کشوری، پایان دادن به ناهنجاری شبه‌نظامیان و تکمیل ساختن یک ارتش ملی قوی و متحد تحت اقتدار دولت، که حافظ حاکمیت ملی واقعی خواهد بود، امری بدیهی نیست؟
در ضمن، هیچ چیز مانع از پایبندی و سمپاتی لبنانی‌ها مانند همه مردم آزاد دنیا به حقوق مردم فلسطین نمی‌شود، اما این تعهد باید از راه‌های دیپلماتیک و بشردوستانه و بر اساس ارجاعات مشروعیت کشورهای عربی، سیاست بین‌المللی و فلسطینی و بر اساس تشکیل دو کشور اسرائیل و فلسطین و بدون قربانی کردن آینده لبنان انجام بگیرد.
آنچه حزب الله آن را «لبنان اسرائیلی» می‌نامد به این معنا نیست که لبنان صرفاً با اسرائیل به بهای باخت هویت یا منافع ملی متحد خواهد شد. در هیچ جناح سیاسی لبنانی، نه پنهانی و نه علنی، چنین عقاید و گرایش‌هایی وجود ندارد.

بهرتر بشناسیم.
اولین خرده و ایرادی که حزب الله در «لبنان اسرائیلی» می‌بیند، این است که لبنان در کوتاه‌مدت یا بلندمدت به بخشی از پروسه صلح در منطقه خاورمیانه تبدیل خواهد شد. آیا انتخاب لبنانی با صلح، آرامش و استقرار و ثبات بجای لبنان بحران‌زده و مدام درگیر جنگ، گزینه بدیست که باید با آن مبارزه کرد یا در حقیقت اتهامی واهی که باید از سوی همه لبنانی‌های آزاداندیش رد شود؟
آیا این به اصطلاح «لبنان اسرائیلی» نمی‌تواند منابع خود را برای ایجاد یک اقتصاد قوی، توسعه نهادهای مؤثر و پرورش یک جامعه مدنی پویا که در آن همه لبنانی‌ها بتوانند کشور خود را به مرکزی برای تجارت، نوآوری و سرمایه‌گذاری در منطقه تبدیل کنند، تخصیص دهد؟
آیا پیوستن به محور صلح با اسرائیل و همه کشورهای همسایه، فرصتی برای لبنان فراهم می‌کند که بجای تبدیل شدن به میدان نبرد قدرت‌های خارجی، بخشی از معادله ثبات در منطقه باشد؟
اجازه دهید در اینجا صریح باشیم و یادآوری کنیم که لبنانی‌ها پیشتر آنچه را حزب الله «لبنان اسرائیلی» می‌نامد، تجربه کرده‌اند. زمانی که رفیق حریری نخست‌وزیر فقید در یک پروژه ملی فرصتی برای احیاء و توسعه دولت فراهم کرد و یک رنسانس اقتصادی و فرهنگی با همه عناصر نوسازی راه‌اندازی کرد، نتایج مثبت آن را همه لبنانی‌ها به چشم

● حزب الله «لبنان اسرائیلی» را کشوری تحت انقیاد سیاسی و اقتصادی، عاری از ارزش‌ها و اخلاق و فرسوده از رنج فرسایش فرهنگی به نفع فرهنگ امپراتوری غربی معرفی می‌کند که ریشه و ارتباطی با «مسائل ارزشی ما» ندارد! لبنانی که یکبار محمد رعد نماینده حزب الله در پارلمان آن را چنین توصیف کرد: لبنانی با کاباره، رقص، بانک و امور مالی و خدمات بازرگانی!

● حال با توجه به فروپاشی هولناک اقتصادی که اکنون لبنان از آن رنج می‌برد، وخامت زیرساخت‌ها و فرسایش پایه‌های دولت، نهادها و قانون اساسی آن تحت فشار الگوی «لبنان مقاومت»، باید این سؤال را از خود پرسیم که اگر این به اصطلاح «لبنان اسرائیلی» واقعاً جایگزین وضعیت کنونی ما بشود آیا گزینه بهتری نیست؟!

● افسانه «لبنان اسرائیلی» ابزاری است که حزب الله برای گسترش ترس، برهم زدن بحث و سوق دادن لبنانی‌ها به گوشه‌ای از آن استفاده می‌کند. حزب الله با استفاده از این ابزار می‌خواهد به لبنانی‌ها بگوید مقاومت تنها گزینه آنهاست. اما حقیقت این است که تهدید واقعی برای آینده لبنان چیزی نیست که تحت عنوان «لبنان اسرائیلی» قرار می‌گیرد، بلکه ادامه الگوی مقاومت با همه پیامدهای ناگوار آن است که خطرناک‌ترین تهدید علیه موجودیت لبنان به شمار می‌رود.

● «لبنان اسرائیلی» که حزب الله درباره آن هشدار می‌دهد و ما را از آن می‌ترساند، یک لبنان طبیعی است و این دقیقاً همان چیزی است که لبنانی‌ها به آن نیاز دارند: کشوری که زندگی، رشد و فرصت‌ها را بجای مقاومت ابدی انتخاب کند؛ بگذار حزب الله این لبنان را هرچه می‌خواهد بنامد!

ندیم قطیش (شرق الاوسط) - حزب الله به صورت مبالغه‌آمیز مخالفان خود را به تلاش برای رسیدن به هدف خود یعنی یک «لبنان اسرائیلی» متهم می‌کند. این عنوان و این اتهام اغلب برای ترساندن لبنانی‌ها و سوق دادن آنها به دو گزینه مرگبار است که در آن انتخاب بین اسرائیل و دولت شبه‌نظامیان موسوم به «مقاومت» به کار می‌رود.

این چیزی است که شیخ نعیم قاسم سخنگوی جدید حزب الله نیز در جدیدترین سخنرانی خود مرتب تکرار می‌کند. قاسم هشدار می‌دهد که هدف جنگ جاری ایجاد یک «لبنان اسرائیلی» است که مشخصات آن را محمد رعد نماینده حزب الله در پارلمان یکبار توضیح داد و گفت لبنان اسرائیلی یعنی لبنانی با کاباره، رقص، بانک و امور مالی و خدمات بازرگانی!

حزب الله «لبنان اسرائیلی» را کشوری تحت انقیاد سیاسی و اقتصادی، عاری از ارزش‌ها و اخلاق و فرسوده از رنج فرسایش فرهنگی به نفع فرهنگ امپراتوری غربی معرفی می‌کند که ریشه و ارتباطی با «مسائل ارزشی ما» ندارد!

● حال با توجه به فروپاشی هولناک اقتصادی که اکنون لبنان از آن رنج می‌برد، وخامت زیرساخت‌ها و فرسایش پایه‌های دولت، نهادها و قانون اساسی آن تحت فشار الگوی «لبنان مقاومت»، باید این سؤال را از خود پرسیم که اگر این به اصطلاح «لبنان اسرائیلی» واقعاً جایگزین وضعیت کنونی ما بشود آیا گزینه بهتری نیست؟

اجازه دهید این «لبنان اسرائیلی» را که حزب الله آن را توصیف می‌کند پیش از آنکه از آن و ایده‌های آن بتسیم

برگزاری روز کوروش بزرگ در لندن



جمهوری اسلامی اعدام شدند و نیز عکس‌هایی از جوانان بی‌شماری که چشمان خود را در این خیزش از دست دادند، در معرض تماشای بازدید کنندگان قرار داشت. علاوه بر ایرانیان، تعداد قابل توجهی از شهروندان ملل دیگر در این جشن حضور داشتند.

سخنران این برنامه نازک توکلی از مدیران انجمن حقوق بشر ایرانیان و متحدانش بود. وی به انگلیسی در مورد کوروش و منشور او که اولین بیانیه حقوق بشر جهان به شمار می‌رود، ایراد کرد و دومین پادشاه فقید پهلوی را ادامه‌دهنده راستین راه کوروش معرفی کرد.

کیهان لندن گزارشی از این جشن تهیه کرده است.

روز شنبه ۵ آبان به مناسبت روز کوروش (۷ آبان) به دعوت سامانه پادشاهی‌خواهان لندن جشنواره‌ای در میدان معروف ترافالگار این شهر برگزار شد. در محدوده این جشنواره ماکتی از آرامگاه کوروش که یک نقاشی از چهره کوروش بزرگ بر آن نقش بسته بود و در کنار آن تصاویری از شهبانو فرح، رضاشاه، محمدرضاشاه و شاهزاده رضا پهلوی ولیعهد ایران به عنوان ادامه‌دهندگان راه کوروش بزرگ به چشم می‌خورد.

تعداد زیادی پرچم شیروخورشید در داخل محوطه جشنواره به اهتزاز درآمده بود. عکس‌هایی از جوانان برومندی که در جنبش ملی «زن، زندگی، آزادی» توسط



مردم و افکار عمومی به میراث فرهنگی و تاریخی کشور، پژوهش در این زمینه و به راه انداختن کمپین برای پیشگیری از تخریب و نابودی آثار ملی مختلف در سراسر ایران از فعالیت‌های این بنیاد، پیشنهاد روز هفتم آبان به عنوان روز کوروش بزرگ قرار دارد که بلافاصله با استقبال گسترده ایرانیان روبرو شد.

پس از ۷ آبان ۹۵ که گردهمایی بزرگ ایرانیان در کنار آرامگاه کوروش شکل گرفت، جمهوری اسلامی هر سال انواع محدودیت‌ها را برقرار می‌کند تا از جمع شدن مردم برای بزرگداشت این روز در پاسارگاد جلوگیری کند.

اختر قاسمی به مناسبت ۷ آبان با شکوه میرزادگی گفتگو کرده است.

هفتم آبان روز کوروش بزرگ در گفتگو با شکوه میرزادگی

شکوه میرزادگی نویسنده و فعال فرهنگی ساکن آمریکاست. او سال‌هاست که برای آگاهی‌رسانی و روشنگری درباره میراث ملی و فرهنگی ایران و حفاظت از آثار باستانی کشور تلاش می‌کند.

وی پس از تلاش برای جلوگیری از زیر آب رفتن آرامگاه کوروش و آثار ملی دیگر منطقه به دلیل ساختن سد «سیوند» در پاسارگاد تصمیم می‌گیرد تا بنیادی برای حفظ میراث فرهنگی و تاریخی ایران در خارج کشور به ثبت رساند. شکوه میرزادگی در اوایل سال ۲۰۰۵ با همکاری و همپاری شماری از ایرانیان موفق می‌شود «بنیاد میراث پاسارگاد» را تأسیس و ثبت کند.

در صدر تلاش‌های مداوم این بنیاد برای جلب توجه

هدف از طرح این عنوان گمراه کننده، جلوگیری از تشخیص این است که مسیری که حزب‌الله در پیش گرفته است، یعنی مسیر «مقاومت ابدی»، نظامی‌گری شبه‌نظامی‌گری و انزوا که اکنون لبنان را در مقابل چشمان ما ویران کرده و در آینده ویران‌تر نیز خواهد کرد.

خلاصه اینکه چشم‌انداز حزب‌الله طی دهه‌های گذشته برای لبنان تبدیل آن به مرکز درگیری‌ها (محور مقاومت)، هدر دادن منابع ملی، تضعیف دولت و نهادهای ملی از طریق کنترل بخشی از مرزها و گمرک و فرودگاه‌ها، نابودی پتانسیل سیاحت و گردشگری و در نهایت ازهم گسیختن بافت اجتماعی جامعه متنوع لبنان است.

پافشاری حزب‌الله بر جعل هویت از حفاظت و حاکمیت لبنان از طریق «مقاومت مسلحانه» و ترویج رویکرد شبه‌نظامی‌گری بجای پذیرش حاکمیت دولت مدنی، حاکمیت قانون و استراتژی توسعه اجتماعی لبنان را به کشوری شکست‌خورده و فشل تبدیل کرد.

در دوران «لبنان مقاومت»، اقتصاد دچار فروپاشی شد و کشور از محیط اطراف خود به ویژه کشورهای عربی کاملاً منزوی گشت و یک وقفه مطلق در گردشگری منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های خدماتی به لبنان رخ داد و شانس‌ها و احتمالات احیای مجدد آن را از بین برد. حتی حاکمیت لبنان که هدف تبلیغاتی حزب‌الله را توجیه می‌کرد در نتیجه کنترل بیش از حد شبه‌نظامیان بر دولت و تصمیم یکجانبه آن بین جنگ و صلح که منجر به ویرانی کشور شد، کاملاً از بین رفت.

در موضوعی خطرناک‌تر از همه این پیامدهای سلطه حزب‌الله که یادآوری کردیم، «مقاومت لبنان» پلورالیسم و گشودگی منحصر به فرد لبنان را که زمانی الگوی خاورمیانه بود خفه کرد، زیرا از نظر حزب‌الله هر چیزی یا هر کسی که مقاومت آن را تأیید نکند، لزوماً مقدمه‌ای برای اتهام او به گرایش به اسرائیل می‌شود. این امر درباره فرهنگ، آموزش، توسعه و اقتصاد صدق می‌کند و همه باید به در مقابل سلطه شبه‌نظامی‌گری حزب‌الله و «محور مقاومت» ضعیف و خاضع و ساکت باشند.

افسانه «لبنان اسرائیلی» ابزاری است که حزب‌الله برای گسترش ترس، برهم زدن بحث و سوق دادن لبنانی‌ها به گوشه‌ای از آن استفاده می‌کند. حزب‌الله با استفاده از این ابزار می‌خواهد به لبنانی‌ها بگوید مقاومت تنها گزینه آنهاست. اما حقیقت این است که تهدید واقعی برای آینده لبنان چیزی نیست که تحت عنوان «لبنان اسرائیلی» قرار می‌گیرد، بلکه ادامه الگوی مقاومت با همه پیامدهای ناگوار آن است که خطرناک‌ترین تهدید علیه موجودیت لبنان به شمار می‌رود.

«لبنان اسرائیلی» که حزب‌الله درباره آن هشدار می‌دهد و ما را از آن می‌ترساند، یک لبنان طبیعی است و این دقیقاً همان چیزی است که لبنانی‌ها به آن نیاز دارند: کشوری که زندگی، رشد و فرصت‌ها را بجای مقاومت ابدی انتخاب کند؛ بگذار حزب‌الله این لبنان را هرچه می‌خواهد بنامد!

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: ندیم قطیش روزنامه‌نگار و نویسنده سیاسی سرشناس لبنان، مجری برنامه طنز روزانه «DNA» که از شبکه‌های العربیه و المستقبل و اسکای نیوز پخش می‌شد. او در حال حاضر برنامه «امشب با ندیم» را در اسکای نیوز عربی ارائه می‌دهد که در آن طنز و تفسیر جدی سیاسی را با هم ترکیب می‌کند. ندیم قطیش اکنون مدیر اسکای نیوز عربی در ابوظبی است.

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

زنان «مگار» و «گشده» و «خیانتکار» در کلیپ‌هایی که طبق فرهنگ سنتی و زن‌ستیز تولید می‌شوند



بوده است. تعداد بسیار کمی از این کلیپ‌ها درباره رابطه والدین با فرزندانشان است.

اما در این نوشته ابتدا بطور خلاصه به جنبه‌های تکنیکی این کلیپ‌ها می‌پردازیم و سپس به نقطه محوری این می‌رسیم که بررسی نگرش سنتی و عقب‌مانده موجود در اکثریت مطلق این کلیپ‌ها نسبت به زنان است. یعنی در پس‌ظاهر آراسته و لباس‌های شیک بازیگران و چهره‌های به شدت مبالغه‌آمیز آرایش‌شده‌ی زنان آنهم در خانه و موقع خانه‌داری و همچنین اماکن مدرن (بیشتر در مغازه‌های لباس‌فروشی و کافی‌شاپ‌ها به قصد تبلیغ) که داستان‌ها در آنها روی می‌دهند و استفاده نسبتاً زیاد از کلمات انگلیسی که گویی نشان از مدرن و غرب‌گرا بودن دارد، نگاهی اساساً «ضد زن» در این کلیپ‌ها موج می‌زند.

مشغله ذهنی افراطی سازندگان این کلیپ‌ها با مسائل و معضلات رابطه بین زن و مرد و آنهم بیشتر با تمرکز بر خیانت زنان و در درجه بعدی- البته بسیار کمتر- بازیگوشی و هوس‌رانی جنسی مردها، خود موضوع جالبی است که احتیاج به بررسی جداگانه دارد. در اینجا بسنده کنیم به اینکه شاید دلیل شیفتگی به این موضوع آنست که به اینگونه مسائل در آثار سینمایی مجاز و سریال‌های تلویزیونی آنطور که باز و بی‌پروا در این کلیپ‌ها مطرح می‌شود پرداخته نمی‌شود. حال بگذریم از اینکه اکثر بینندگان در ایران امروز بیشتر دنبال‌کنندگان سریال‌های ترکیه هستند تا اینکه پای تماشای سریال‌های «پرهیزکارانه» صداوسیما جمهوری اسلامی بنشینند.

در مورد تکنیک این کلیپ‌ها باید گفت که در چارچوب آثار تلویزیونی و سینمایی جمهوری اسلامی تا اندازه‌ای به دور از سهل‌انگاری ساخته شده‌اند و در مجموع ذوق و سلیقه در تولید آنها به کار می‌رود. مشخص‌تر اینکه کار دوربین و تدوین آنها نیز مشابه آثار مشابه بد نیست. البته از نظر ساختار داستانی تا حد زیادی از منطبق تصادف استفاده می‌کنند؛ برای مثال زن و مردی که سال‌ها ←

با وجود این، به دلایلی از ساخت و پخش آنها جلوگیری نمی‌شود. چرا؟ نقطه نظر و دلیلی که در این نوشته مطرح می‌شود آنست که محتوای ایدئولوژیک و نظام ارزشی موجود در این کلیپ‌ها چالشی جدی و ریشه‌ای در برابر نگرش حاکم و سنتی به رابطه زن و مرد در جمهوری اسلامی به شمار نمی‌رود. یعنی به نظر می‌رسد رژیم می‌تواند درجه‌ای از «شکیبایی» و «انعطاف» در برابر نمایش «نسبتاً» آزاد روابط درون خانگی، بی‌حجابی و عمدتاً نیمه‌حجابی و تماس بدنی خفیف بین زن و مرد و حتی در موارد بسیار نادر در برابر رقص مشترک‌شان، از خود نشان دهد. این تحمل تا جایی است که نگرش عمیق مردسالارانه موجود در ذهنیت حاکمان، به وسیله‌ی محتوای این کلیپ‌ها به چالش جدی گرفته نشود. ضمن اینکه چه بسا سازندگان این کلیپ‌ها که در جهت ترویج ارزش‌های سنتی رژیم هستند در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با نهادهای خود جمهوری اسلامی اقدام به ساختن این کلیپ‌ها کنند که قطعاً بدون هزینه نیست.

این کلیپ‌ها که به فراوانی از شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شوند مسلماً در محدوده‌ای دارای تاثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی هستند که لازم است مورد توجه قرار گیرد. این باور اشتباهی است که تنها آثار برتر سینمایی و تلویزیونی شایسته نقد و بررسی هستند. محصولاتی که برای مخاطب عام ساخته می‌شوند و بدون شک بر اذهان عمومی تاثیر می‌گذارند نیز ضروری است که مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

در میان این کلیپ‌ها که از نظر موضوعی به چند گونه اصلی تقسیم می‌شوند، اکثریت قاطع آنها درباره رابطه زن و مرد در مراحل مختلف آن، یعنی دوستی پسر و دختر، زوج نامزد و زوج ازدواج کرده است. تعداد به مراتب کمتری هم درباره مسائل و مشکلاتی نظیر رابطه زهرآگین و بد بین عروس و مادرشوهر و دفاع اغلب سرسختانه شوهر از مادرش است که از دیرباز جزو معضلات رایج در فرهنگ‌های سنتی

مدت‌هاست که کلیپ‌های کوتاه داستانی زیادی که در ایران ساخته می‌شوند، فضای رسانه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک را پُر کرده‌اند. در مورد تاثیر اجتماعی این کلیپ‌ها اطلاعات دقیقی وجود ندارد. حتی کارگردان و بازیگران این کلیپ‌ها هم به اسم معرفی نمی‌شوند هرچند که این اشخاص ممکن است چهره‌های ناشناخته در ایران نباشند.

این کلیپ‌ها که به فراوانی از شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شوند مسلماً در محدوده‌ای دارای تاثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی هستند که لازم است مورد توجه قرار گیرد. این باور اشتباهی است که تنها آثار برتر سینمایی و تلویزیونی شایسته نقد و بررسی هستند. محصولاتی که برای مخاطب عام ساخته می‌شوند و بدون شک بر اذهان عمومی تاثیر می‌گذارند نیز ضروری است که مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

مشغله ذهنی افراطی سازندگان این کلیپ‌ها با مسائل و معضلات رابطه بین زن و مرد و آنهم بیشتر با تمرکز بر خیانت زنان و در درجه بعدی- البته بسیار کمتر- بازیگوشی و هوس‌رانی جنسی مردهاست. چه بسا سازندگان این کلیپ‌ها که در جهت ترویج ارزش‌های سنتی رژیم هستند در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با نهادهای خود جمهوری اسلامی اقدام به ساختن این کلیپ‌ها کنند که قطعاً بدون هزینه نیست.

مدت‌هاست که کلیپ‌های کوتاه داستانی زیادی در ایران ساخته می‌شوند، فضای رسانه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک را پُر کرده‌اند. در مورد تاثیر اجتماعی این کلیپ‌ها اطلاعات دقیقی وجود ندارد. حتی کارگردان و بازیگران این کلیپ‌ها هم به اسم معرفی نمی‌شوند هرچند که این اشخاص ممکن است چهره‌های ناشناخته در ایران نباشند. با توجه به شماری از خصوصیات این کلیپ‌ها می‌توان نتیجه گرفت که تولیدات به اصطلاح «غیرمجاز» هستند ولی

«جبهه هفت آبان» دو ساله شد



مراسم دومین سالگرد «جبهه هفت آبان» روز شنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ در بروکسل بلژیک برگزار شد. در این مراسم که شماری از اعضا و همچنین مهمانان در آن به سخنرانی پرداختند، اعلام شد که گفتگوهایی در ارتباط با شرایط واقعی مردم ایران و خاورمیانه با سیاستمداران کشورهای مختلف اروپا در سطوح بالا توسط «جبهه هفت آبان» پیش برده شده که با پیگیری و دامنه بیشتری ادامه خواهد یافت.

همچنین «جبهه هفت آبان» از طریق فعالیت‌های مشترک با احزاب ملی‌گرا از جمله حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) و حزب سکولاردموکرات تلاش کرده است صدای مردم داخل کشور را در کشورهای اروپایی بازتاب دهد و در جهت همسویی و همبستگی بیشتر با آنان حرکت کند. این جبهه برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی نیز با نمایندگان پارلمان‌های کشورهای هلند، بلژیک، اتریش، آلمان و... به لابیگری پرداخته است. مراسم دومین سالگرد «جبهه هفت آبان» که همزمان با جنبش ملی ۴۰۱ تأسیس شد، با سرود «ای ایران» آغاز گشت. اختر قاسمی در ارتباط با فعالیت‌های این جبهه با سعید بشیرتاش از بنیانگذاران این جبهه، حامد فرد هنرمند و خواننده رپ و دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک که به عنوان مهمان در این مراسم سخنرانی کرد، گفتگو کرده است.

لازم در تشخیص خوب و بد خود و بستگانشان برخوردار نیستند، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد و خلاصه نمی‌دانند که از زندگی خود، بجز مصرف و خرید و داشتن پول، و یا شکار یک مرد ثروتمند و برخورداری از حمایت مردان چه می‌خواهند و چه از دست آنها بر می‌آید! در حالی که مردان این کلیپ‌ها افرادی وفادار و با عقل و منطق و خوش‌قلب هستند که از صبح تا شب برای خانواده‌هایشان زحمت می‌کشند و خوب می‌دانند که از زندگی خود و برای خانواده خود چه می‌خواهند زیرا سرد و گرم زندگی را چشیده‌اند. این مردان خود را به آب و آتش می‌زنند که از همسر و خانواده خود حمایت کنند. در حالی که زنان در پس ظاهر «زیبا» و دوست‌داشتنی و صدای لطیف و مهربانانه خود، موجوداتی خودپسند، پول‌پرست و خیانتکار و حتی اهریمنی تصویر می‌شوند. دنیای آنها فرسنگ‌ها از دنیای مردانه دور نشان داده می‌شود.

این کلیپ‌ها معمولاً با جملات «داهیاانه»، «پر معنای مردان و یا یک پیام اخلاقی توسط شخصیت مرد پایان می‌یابند تا بر حقانیت دیدگاه مردانه‌ای این کلیپ‌ها تأکید شود. البته به ندرت کلیپ‌هایی هم پیدا می‌شوند که از موضع برابری بین زن و مرد نگاهی متفاوت به رابطه‌ی زوج‌ها دارند.

پیش از هم جدا شده‌اند و سال‌ها بعد به تصادف در کلانشهر تهران همدیگر را می‌بینند. در مورد بازی‌ها هم باید گفت که با همان لحن و اطوار آثار جمهوری اسلامی اجرا می‌شوند. بازیگران البته برای این حد از نمایش از دل و جان خود مایه می‌گذارند. احتمالاً آنها به این کلیپ‌ها به عنوان فرصت و عرصه‌ای برای تمرین و انجام مشق شب می‌نگرند با این امید که روزی بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون ظاهر شده و چه بسا مشهور شوند.

تا جایی که به دیالوگ‌ها مربوط است، همان مکالماتی هستند که از چنین مضامینی انتظار می‌رود. البته در مواردی، به ویژه در جملات پایانی که در اکثر موارد توسط شخصیت‌های مرد گفته می‌شوند، به شعار و اغلب به دادن درس اخلاقی به زنان و ستایش از رفتار و صبوری مردان تبدیل می‌شود.

از نقطه نظر کار دوربین و تدوین هم باید گفت که در چارچوب چنین کلیپ‌هایی دارای جذابیت تصویری هستند و حرکت‌های متناسب دوربین در آنها کم نیست. تدوین آنها هم اغلب فراتر از جنبه تزئینی و به قول معروف «تمیزکاری» رفته و نشان از تلاش برای کمک به داستانگویی تصویری دارد. یعنی عوامل تصویری به کمک دیالوگ‌ها می‌آیند تا آنها را تقویت و تکمیل کرده و قدرت تاثیرگذاری پیام‌ها را بر ذهن تماشاگر دوچندان کنند. با توجه به همین نکات نیز می‌توانند تماشاگرانی را که همین موضوعات مشغله‌ی آنهاست و یا به چنین مسائلی به دلیل سنتی بودن علاقه دارند، جذب کنند. در واقع برقراری ارتباط آسان مخاطبان با این کلیپ‌ها پرده استتاری بر محتوای ایدئولوژیک و ضد زن آنهاست که برخاسته از اخلاقیات سنتی و در خدمت بازتولید و تقویت روابط عقب‌مانده و نگاه زن‌ستیز جمهوری اسلامی است. فرهنگی که در عین حال علیه مردان و درک آنها از روابط شخصی و اجتماعی نیز هست.

در این میان، بازیگران زن نه فقط به معنی واقعی کلمه با هفت قلم آرایش و به شدت مبالغه‌آمیز ظاهر می‌شوند، موهای طلایی یا مش کرده و معمولاً تاتو هم دارند (که البته به افراط در بازیگران مرد هم دیده می‌شود)، علاوه بر این رنگ چشم‌های آنها نیز با لنز به سبز یا آبی تغییر یافته و ناخن‌های رنگارنگ و عجیب و غریبی کاشته‌اند که در چشم مخاطب فرو می‌رود. اینهمه کافی نیست، اغلب بازیگران به افراط بوتاکس تزریق کرده و یا سر و بدن خود را به دست جراحی به اصطلاح «زیبایی» سپرده‌اند. عمل‌هایی که آنها را از حالت طبیعی درآورده و «دفورمه» کرده است. چنین به نظر می‌رسد که سازندگان این کلیپ‌ها می‌خواهند زنان را چون عروسک‌هایی که بطور مصنوعی غربی شده‌اند، نشان بدهند.

زنان این کلیپ‌ها به شدت به دنبال جلب توجه مردان هستند و در مواردی با جملات اغواکننده می‌خواهند مردان را شکار کنند. در واقع یا فقط دنبال مردانی با پول هرچه بیشتر هستند یا حاضرند به آسانی همسر یا دوست پسرشان را با وجدان آسوده با مردی پولدار و مسن ترک کنند و یا با وجود همسر و دوست پسر بطور پنهانی با مردان دیگر رابطه دارند. در حالی که مردان وفادار به عشق و اخلاقیات نشان داده می‌شوند که محکم برای حفظ ارزش‌های انسانی می‌ایستند و حساسیت عجیبی نیز برای حفظ «ناموس» خود دارند و به هر ترتیب که شده از آن دفاع می‌کنند. جالب است که همین مردان بظاهر ساده و تابع اخلاقیات مانند یک کارآگاه حرفه‌ای اعمال همسران خود را پنهانی تحت نظر می‌گیرند تا شواهد خیانت وی را جمع و ضبط کنند. در پایان کلیپ

پیش از هم جدا شده‌اند و سال‌ها بعد به تصادف در کلانشهر تهران همدیگر را می‌بینند. در مورد بازی‌ها هم باید گفت که با همان لحن و اطوار آثار جمهوری اسلامی اجرا می‌شوند. بازیگران البته برای این حد از نمایش از دل و جان خود مایه می‌گذارند. احتمالاً آنها به این کلیپ‌ها به عنوان فرصت و عرصه‌ای برای تمرین و انجام مشق شب می‌نگرند با این امید که روزی بر پرده سینما و یا صفحه تلویزیون ظاهر شده و چه بسا مشهور شوند.

تا جایی که به دیالوگ‌ها مربوط است، همان مکالماتی هستند که از چنین مضامینی انتظار می‌رود. البته در مواردی، به ویژه در جملات پایانی که در اکثر موارد توسط شخصیت‌های مرد گفته می‌شوند، به شعار و اغلب به دادن درس اخلاقی به زنان و ستایش از رفتار و صبوری مردان تبدیل می‌شود.

از نقطه نظر کار دوربین و تدوین هم باید گفت که در چارچوب چنین کلیپ‌هایی دارای جذابیت تصویری هستند و حرکت‌های متناسب دوربین در آنها کم نیست. تدوین آنها هم اغلب فراتر از جنبه تزئینی و به قول معروف «تمیزکاری» رفته و نشان از تلاش برای کمک به داستانگویی تصویری دارد. یعنی عوامل تصویری به کمک دیالوگ‌ها می‌آیند تا آنها را تقویت و تکمیل کرده و قدرت تاثیرگذاری پیام‌ها را بر ذهن تماشاگر دوچندان کنند. با توجه به همین نکات نیز می‌توانند تماشاگرانی را که همین موضوعات مشغله‌ی آنهاست و یا به چنین مسائلی به دلیل سنتی بودن علاقه دارند، جذب کنند. در واقع برقراری ارتباط آسان مخاطبان با این کلیپ‌ها پرده استتاری بر محتوای ایدئولوژیک و ضد زن آنهاست که برخاسته از اخلاقیات سنتی و در خدمت بازتولید و تقویت روابط عقب‌مانده و نگاه زن‌ستیز جمهوری اسلامی است. فرهنگی که در عین حال علیه مردان و درک آنها از روابط شخصی و اجتماعی نیز هست.

در این میان، بازیگران زن نه فقط به معنی واقعی کلمه با هفت قلم آرایش و به شدت مبالغه‌آمیز ظاهر می‌شوند، موهای طلایی یا مش کرده و معمولاً تاتو هم دارند (که البته به افراط در بازیگران مرد هم دیده می‌شود)، علاوه بر این رنگ چشم‌های آنها نیز با لنز به سبز یا آبی تغییر یافته و ناخن‌های رنگارنگ و عجیب و غریبی کاشته‌اند که در چشم مخاطب فرو می‌رود. اینهمه کافی نیست، اغلب بازیگران به افراط بوتاکس تزریق کرده و یا سر و بدن خود را به دست جراحی به اصطلاح «زیبایی» سپرده‌اند. عمل‌هایی که آنها را از حالت طبیعی درآورده و «دفورمه» کرده است. چنین به نظر می‌رسد که سازندگان این کلیپ‌ها می‌خواهند زنان را چون عروسک‌هایی که بطور مصنوعی غربی شده‌اند، نشان بدهند.

زنان این کلیپ‌ها به شدت به دنبال جلب توجه مردان هستند و در مواردی با جملات اغواکننده می‌خواهند مردان را شکار کنند. در واقع یا فقط دنبال مردانی با پول هرچه بیشتر هستند یا حاضرند به آسانی همسر یا دوست پسرشان را با وجدان آسوده با مردی پولدار و مسن ترک کنند و یا با وجود همسر و دوست پسر بطور پنهانی با مردان دیگر رابطه دارند. در حالی که مردان وفادار به عشق و اخلاقیات نشان داده می‌شوند که محکم برای حفظ ارزش‌های انسانی می‌ایستند و حساسیت عجیبی نیز برای حفظ «ناموس» خود دارند و به هر ترتیب که شده از آن دفاع می‌کنند. جالب است که همین مردان بظاهر ساده و تابع اخلاقیات مانند یک کارآگاه حرفه‌ای اعمال همسران خود را پنهانی تحت نظر می‌گیرند تا شواهد خیانت وی را جمع و ضبط کنند. در پایان کلیپ

۱۰ هزار کارگر حفاری نفت؛ از تبعیض درآمد تا عدم برخورداری از مزایای شغلی



● تبعیض شدید در ارتباط با دستمزد بین بخش‌های مختلف کارگران، برخوردهای امنیتی با اعتراضات صنفی، محرومیت از مزایای رفاهی و تفریحی و شرایط کاری سخت از جمله مشکلات کارگران پیمانکاری ملی حفاری نفت است.

● تعداد کل کارگران پیمانکاری شرکت ملی نفت ایران حدود ۱۰۵ هزار نفر است که از این تعداد، حدود ۱۰ هزار نفر به عنوان کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «ارکان ثالث» در شرکت ملی حفاری مشغول به کار هستند.

● کارگران پیمانکاری شرکت ملی حفاری نفت تنها بخشی از نیروهای شاغل در صنعت نفت ایران هستند که در سال‌های گذشته به دلیل تشدید مشکلات صنفی، درآمدهای ناچیز و شرایط دشوار شغلی اعتراضاتی را برگزار کرده‌اند.

کارگران «ارکان ثالث شرکت ملی حفاری نفت» در هفته‌های گذشته در شهرهای مختلف اعتراضات سراسری را برگزار کردند. شمار این کارگران ۱۰ هزار تن است که همگی با تبعیض مزدی، برخوردار نبودن از مزایای شغلی و همچنین ممنوعیت داشتن سندیکا و تشکل کارگری روبرو هستند. شهریور و مهرماه امسال کارگران پیمانکاری شاغل در ملی حفاری چند نوبت اعتراضات سراسری را در پروژه‌های مختلف نفتی برگزار کردند. این کارگران اکنون در گفتگو با رسانه‌های داخلی از شرایط غیرعادلانه درآمدی و صنفی خود خبر داده‌اند.

جمعی از کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شرکت ملی حفاری در گفتگو با روزنامه «اعتماد» بابت رعایت نشدن قانون کار، تبعیض‌های گسترده در پرداخت مطالبات و حقوق صنفی و شرایط دشوار کار به ازای دستمزدهای ناکافی اعتراض کردند. تعداد کل کارگران پیمانکاری شرکت ملی نفت ایران حدود ۱۰۵ هزار نفر است که از این تعداد، حدود ۱۰ هزار نفر به عنوان کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «ارکان ثالث» در شرکت ملی حفاری مشغول به کار هستند.

تبعیض شدید در ارتباط با دستمزد بین بخش‌های مختلف کارگران، برخورد نیروهای امنیتی به اعتراضات کارگری، محرومیت از مزایای رفاهی و تفریحی با وجود شرایط کاری سخت از جمله مشکلات این کارگران است.

روزنامه «اعتماد» گزارش داده که کارگران پیمانکاری ملی حفاری در نقاط مختلف ایران کار می‌کنند و البته شرکت مادر در خوزستان مستقر است اما در استان‌هایی همچون خراسان رضوی، بوشهر، آذربایجان شرقی، فارس و سیستان و بلوچستان هم دکل‌هایی برپا شده است.

اینطور که این کارگران می‌گویند، مهم‌ترین مشکل این جمع ۱۰ هزار نفره، ممنوعیت غیررسمی تشکیل هرگونه تشکل صنفی و کارگری و حتی برگزاری هر اعتراضی است. در جامعه کارگری، هر گروهی که تشکل صنفی نداشته باشد، در واقع هیچ امکان قانونی برای مطالبه صنفی ندارد. یکی از کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شرکت ملی حفاری به «اعتماد» گفته که «در حالی که دولت‌ها ما را از حق داشتن تشکل صنفی محروم کرده‌اند، وقتی دست از کار می‌کشیم یا تجمع برگزار می‌کنیم تا حداقل به این شکل، خواسته‌هایمان را به گوش مسئولان وزارت نفت یا وزارت کار برسانیم، نهادهای امنیتی با ما برخورد می‌کنند و متأسفانه حرف و استدلال ما برای نهادهای امنیتی بی‌معناست، چون این نهادها هم برخورد قاطعی با مقصران

اصلی ندارند و فقط کارگر را می‌بینند.»

این کارگر در ادامه گفته «حرف اصلی ما این است که کارفرما موظف است حداقل ۲۰ درصد از تأکیدات قانون را در قبال کارگر رعایت کند تا در عوض از کارگر انتظار انجام صددرصدی وظایف را داشته باشد. اولین حق قانونی کارگر، وجود تشکل صنفی و نماینده کارگری است. از سال ۱۳۹۶ تا امروز حدود ۱۲ جلسه با مسئولان روابط کار وزارت تعاون داشتیم و در هر جلسه هم گفتیم که ایجاد تشکل کارگری و شورای اسلامی کار و تعیین نماینده صنفی در یک کارگاه، حق کارگران است تا از این طریق به بی‌قانونی اعتراض کنند و بتوانند حق‌شان را بگیرند ولی تا امروز به بهانه موانع قانونی مثل جابجا شدن کارگران در قراردادهای موقت و مهیا نبودن شرایط ایجاد تشکل کارگری به دلیل همین جابجایی‌ها، شرایط تحقق هیچ یک از این سه خواسته را نداشته‌ایم و سال‌هاست که به داشتن یک نماینده کارگری غیرقانونی دلخوش کرده‌ایم؛ نماینده‌ای که وقتی در هر مرجعی بابت مطالباتمان اعتراض می‌کند، به جای توجه به مطالبه ما از او می‌پرسند چه مدرکی برای اثبات نمایندگی خود داری؟»

او افزوده که «یکی دیگر از مشکلات کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری، تبعیض در پرداخت دستمزد است. سال‌هاست که این کارگران، در یک مکان و پا به پای کارگر رسمی یا قراردادی و با وظایف یکسان، کار می‌کنند اما حقوق و مزایای کمتر از همکاران رسمی و قراردادی دارند. اعتراض کارگران ارکان ثالث به این وضعیت از این بابت است که تبعیض در پرداخت‌ها، با وجود وعده‌های دولت سیزدهم همچنان به صورت یک مشکل حل نشده باقی مانده در حالی که ماده ۳۸ قانون کار می‌گوید: «برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.»

این کارگران به «اعتماد» گفته‌اند که ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ قول داده بود این مشکل حل شده و میزان

پرداختی برای هر سه گروه کارگران شاغل، یکسان و برابر شود، اما تا امروز و با گذشت سه سال از این وعده، تبعیض در پرداخت‌ها همچنان وجود دارد.

یکی از این کارگران گفته که «اوایل بهمن پارسال، در حالی که هنوز حقوق‌مان را دریافت نکرده بودیم، با خبر شدیم که کارگران رسمی و قراردادی، نه تنها روز ۲۹ دی حقوق‌شان را گرفته‌اند بلکه به هر نفرشان ۲۹ میلیون تومان بابت بن کارت و ۱۷ میلیون تومان بابت اعیاد مناسبتی پرداخت شده است. با این خبر، اعتراضات شروع شد.»

کارگران می‌گویند «با وجود مشکلات متعدد صنفی، تا امروز حتی یک بازرس از وزارت نفت برای شنیدن اعتراضات کارگران نیامده یا اگر آمده، اجازه دیدار با کارگران را نداشته است.»

«اعتماد» گزارش داده که «کارگران، اصرار دارند که اسم همکار اخراج شده‌شان در این گزارش بیاید؛ یاسر احمدی‌نژاد که خرداد امسال بدون تشکیل کمیته انضباطی و به دلیل اعتراض به تبعیض‌های صنفی اخراج شد و هنوز هم با بازگشت به کارش موافقت نشده و کارگران می‌گویند حتی این اخراج اگر با رای کمیته انضباطی انجام می‌شد، باز هم خلاف قانون است، چون اعضای کمیته انضباطی، نماینده و منتخب کل کارگران نبوده‌اند و با توجه به اینکه کارگران ارکان ثالث، تحت پوشش قانون کار هستند، اما روال اخراج یاسر احمدی‌نژاد، از تأکیدات قانون کار پیروی نکرده است.»

کارگران پیمانکاری شرکت ملی حفاری نفت تنها بخشی از نیروهای شاغل در صنعت نفت ایران هستند که در سال‌های گذشته به دلیل تشدید مشکلات صنفی، درآمدهای ناچیز و شرایط دشوار شغلی اعتراضاتی را برگزار کرده‌اند. کارگران پیمانکاری شاغل در عسلویه، کارکنان رسمی صنعت نفت و حتی بازنشستگان صنعت نفت از جمله گروه‌های مختلف این صنعت هستند که از شرایط درآمدی و شغلی و مستمری بازنشستگی خود رضایت ندارند. از سوی دیگر نارضایتی به بخش کارمندی و حتی مدیران صنعت نفت هم رسیده است. در همین رابطه روزنامه «شرق» از مرخصی بدون حقوق بخشی از مهندسان با مدرک دکترا و مدیرانی حکایت کرده که به دنبال یافتن شغل به کشورهای دیگر می‌روند.

افزایش تورم در مهرماه؛ اقتصاد بر خلاف وعده‌های پزشک‌یان حرکت می‌کند



را برای کالاهای اساسی ۳۰ درصد افزایش داده است. این ارز در صورت تصویب در مجلس برای سال آینده با قیمت حدود ۳۶ هزار تومان خواهد بود.

او همچنین با بیان اینکه «دولت همچنین این ارز را برای بقیه بخش‌ها ۵۵ هزار تومان در نظر گرفته» گفته «اگر این موضوع در مجلس تصویب شود یک افزایش قیمت را برای سال آینده در پی خواهد داشت. به خصوص در بخش کالاهای اساسی که بر اساس بودجه ۱۴۰۴، ۳۰ درصد افزایش قیمت خواهند داشت»

پیشتر نیز حسین راغفر اقتصاددان اصلاح‌طلب از نرخ ۵۵ هزار تومانی دلار دولتی برای واردات کالاها و مواد اولیه خبر داده و گفته بود که «بنا است در بودجه پیشنهادی دولت، در سال آینده ارز را به جای ۲۸۵۰۰ تومان با ۵۵ هزار تومان محاسبه کنند که تورم‌زا است و فشاری دو چندان به مزدبگیران و فرودستان کشور تحمیل خواهد کرد.»

اینهمه در حالیست که مسعود پزشک‌یان کاهش تورم را به عنوان یکی از محورهای وعده‌های اقتصادی خود در زمان انتخابات قرار داده و پس از تشکیل دولت نیز تیم اقتصادی او بر کاهش تورم تأکید داشتند.

مسعود پزشک‌یان در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری گفته بود: «تورم را دولت ایجاد می‌کند. عامل تورم و گرانی دولت است. گرانی ربطی به مردم ندارد. یکبار شب جیب از پول مردم بر می‌دارد و یک بار از آنها مالیات می‌گیرد.»

او افزوده بود که «طرف می‌خواهد صبح بیدار می‌شود متوجه تورم می‌شود و دولت از همان تورم دوباره مالیات می‌گیرد. با تورم دو بار جیب مردم خالی می‌شود. یک بار جیب طرف خالی می‌شود و یکبار هم از داشته فرد مالیات گرفته می‌شود. دولت باید اینها را حل کند.»

پزشک‌یان در نهایت این وعده توخالی را داده بود که «در داخل با وحدت و انسجام می‌توان مشکلات ارز و سوخت مفت دادن و تورم را با هماهنگی بین قوا و کارشناسان و آدم‌های کاردان اصلاح کنیم.»

در حالی در روستاها معادل ۳۱/۲ درصد بوده است. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در نخستین ماه پاییز تورم کالاهای خوراکی و غیرخوراکی، همگی با افزایش روبرو شده‌اند.

تورم ماهانه اقلام خوراکی، آشامیدنی و غیرخوراکی در مهر امسال معادل ۲/۳ درصد بوده که نسبت به تورم ماهانه این اقلام در شهریور ۰/۴ واحد درصد افزایش داشته است.

تورم ماهانه غیرخوراکی و خدمات نیز در این مدت ۲/۹ درصد بوده که در مقایسه با تورم آخرین ماه تابستان افزایشی معادل ۰/۸ واحد درصد داشته است.

همچنین نرخ تورم سالانه کشور در مهر ماه ۱۴۰۳، برابر ۳۳/۶ درصد است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۰/۵ درصد برای دهک اول، تا ۳۴/۱ درصد برای دهک‌های نهم و دهم است.

تورم در مهرماه در حالی روند افزایشی خود را طی کرده که از یکسو با توجه به کسری بودجه در نیم سال دوم و افزایش پرسرعت نرخ ارز در هفته‌های گذشته پیش‌بینی می‌شود تورم تا پایان سال با سرعت بیشتری افزایش پیدا کند و از سوی دیگر با توجه به لایحه بودجه ۱۴۰۴، افزایش تورم در سال آینده نیز ادامه خواهد داشت.

از جمله برنامه‌های تورم‌زای دولت در لایحه بودجه سال آینده، افزایش ۳۰ درصدی نرخ ارز ترجیحی یا همان ارز دولتی است که برای واردات کالاهای اساسی و دارو استفاده می‌شود.

مهرداد لاهوتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۳، قیمت ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی ۳۶ هزار تومان تعیین شده و تأکید کرده که «در صورت تصویب رقم ارز ترجیحی کالاهای اساسی ۳۰ درصد افزایش قیمت خواهند داشت.»

مهرداد لاهوتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» گفته که دولت ارز ترجیحی

● به گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه مهر امسال برابر ۲/۷ درصد و تورم نقطه به نقطه نیز ۳۱/۶ درصد بوده است.

● گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در نخستین ماه پاییز تورم کالاهای خوراکی و غیرخوراکی، همگی با افزایش روبرو شده‌اند.

● با توجه به کسری بودجه در نیم سال دوم و افزایش پرسرعت نرخ ارز در هفته‌های گذشته پیش‌بینی می‌شود تورم تا پایان سال با سرعت بیشتری افزایش پیدا کند.

● از جمله برنامه‌های تورم‌زای دولت در لایحه بودجه سال آینده، افزایش ۳۰ درصدی نرخ ارز ترجیحی یا همان ارز دولتی است که برای واردات کالاهای اساسی و دارو استفاده می‌شود.

مرکز آمار ایران گزارش تورم نخستین ماه پاییز را منتشر کرده که نشان می‌دهد نرخ تورم ماهانه و تورم نقطه به نقطه نسبت به شهریورماه افزایش پیدا کرده است. تورم ماهانه از سوی مرکز آمار ایران ۲/۷ درصد ثبت شده در حالیکه تورم ماهانه شهریورماه ۱/۷ درصد اعلام شده بود.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه، تورم ماهانه مهر امسال برابر ۲/۷ درصد بوده است. شاخص تورم ماهانه در شهریورماه پایین‌تر از ۲ درصد و برابر ۱/۷ درصد بوده است. منظور از تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت، نسبت به ماه قبل است.

تورم نقطه به نقطه ماه گذشته نیز از ۳۱/۲ درصد در شهریور به ۳۱/۶ درصد افزایش یافته است. تورم نقطه به نقطه نشان‌دهنده درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است.

به بیان دقیق‌تر قیمت یک سبد مشخص از کالا و خدمات در مهر امسال نسبت به مهر سال گذشته، ۳۱/۶ درصد افزایش یافته است.

شاخص تورم سالانه نیز ۳۳/۶ درصد اعلام شده که به این معناست که میانگین تورم اقتصاد در طول سال منتهی به مهرماه امسال ۳۳/۶ درصد بوده است.

همچنین اگر روند تورم ماهانه و نقطه به نقطه همچنان صعودی باقی بماند، تورم سالانه نیز روند افزایشی پرسرعتی را در ماه‌های آینده طی خواهد کرد.

از سوی دیگر در مهرماه امسال تورم مناطق شهری به صورت سالانه، نقطه به نقطه و ماهانه از مناطق روستایی بالاتر بوده است. این درحالیست که افزایش تورم ماهانه و نقطه به نقطه در روستاها بیشتر از مناطق شهری برآورد شده است.

در مهرماه امسال تورم ماهانه نقاط شهری برابر با ۲/۷ درصد و در روستاها معادل ۲/۶ درصد ثبت شده است. با این حال افزایش تورم ماهانه نسبت به شهریور در روستاها ۱/۱ واحد درصد و در مناطق شهری ۰/۹ واحد درصد محاسبه شده است.

تورم نقطه به نقطه مناطق شهری نیز در مهرماه امسال ۳۲ درصد و در روستاها ۲۹/۴ درصد برآورد شده است که در هر دو منطقه نسبت به شهریور با افزایش مواجه شده با این تفاوت که میزان افزایش در شهر ۰/۳ واحد و در روستا ۰/۷ واحد درصد بوده است.

تورم سالانه اولین ماه پاییز در مناطق شهری نیز بالاتر مناطق روستایی بوده و معادل ۳۴ درصد برآورد شده

ساخت برج‌های ۲۵ طبقه در دانشگاه تهران؛ رصد وضعیت هوا در تهران مختل می‌شود!



طبقه است حتما به مجوز شورای عالی شهرسازی و معماری هم نیاز دارد. البته نمی‌دانم که آیا برای زمین، پروانه صادر شده و آیا مجوز شورای عالی شهرسازی را دارد؟»

او همچنین خطاب به مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر گفته «مطمئن هستم رئیس شورای شهر که خودش هم در کمیسیون ماده ۵ است، هم به حوزه شهرسازی اشراف کامل دارد و هم نسبت به وضعیت هوای شهر تهران نگرانی و دغدغه دارد و قطعا این موضوع را پیگیری می‌کند.»

مهدی چمران اما با ساخت این برج‌ها مخالفتی ندارد. او گفته «این موضوع را از دانشگاه تهران پیگیری کردم و مسئولین دانشگاه اعتراض سازمان هواشناسی را وارد ندانسته و گفتند که مدت‌هاست درگیر این بحث هستیم و استدلال کردند که اگر چنین باشد، پس دیگر هیچ ساختمان ژئوفیزیکی در هیچ‌کجا نباید بتواند وظیفه خود را انجام دهد.» وی همچنین ادعا کرده که «این ساخت و ساز برج نیست، بلکه می‌خواهند خوابگاه بسازند و قاعدتا برنامه‌ریزی کردند و این موضوع مورد مطالعه و بررسی بسیار قرار گرفته است و تمام ابعاد و جوانب آن سنجیده شده است.»

با اینهمه مازیار غلامی مدیرکل هواشناسی استان تهران توضیح داده که «این ساختمان‌ها مقابل تابش، باد و بارش را خواهد گرفت و وقتی اندازه‌گیری ما دچار خطا شود، پیش‌بینی ما هم دچار خطا می‌شود.»

وی همچنین تأکید کرده تجهیزات هواشناسی امکان جایابی ندارند. او گفته «۶۰ سال است که داده‌های آن نقطه را جمع‌آوری می‌کند و اگر ۱۰۰ یا ۲۰۰ متر آن را جایجا کنیم، با توجه به شبیهی هم که این محدوده دارد، دیگر داده‌های آن نقطه نیست و باد، بارش و کمیت‌های دیگرش تحت تأثیر قرار می‌گیرد و باید از ۶۰ سال آمار چشم‌پوشی کنیم و به یک نقطه دیگر برویم و دوباره شروع به داده‌برداری کنیم. برای این ۶۰ سال آمار هزینه‌های زیادی شده و تغییر مکان مرکز هواشناسی هدررفت بیت‌المال است.»

ناصر امانی عضو شورای اسلامی شهر تهران پس از دیدار با مسئولان سازمان هواشناسی درباره ساخت سه برج در دانشگاه تهران گفته «مدیرکل هواشناسی استان تهران مدتی پیش در ملاقاتی اعلام کرد شهرداری تهران در منطقه ۶ در کنار ایستگاه هواشناسی خیابان کارگر شمالی مجوزی به دانشگاه تهران برای ساخت چند برج مسکونی با ارتفاع بیش از ۲۰ طبقه داده است، که اگر این کار اتفاق بیافتد ماموریت‌های ما که پیش‌بینی هوا است در تهران دچار اختلال می‌شود.»

وی افزوده که درخواست‌شان این بود که درخواست سازمان هواشناسی ایست که با این طرح بطور کامل متوقف شود و یا حداقل از تعداد طبقات این طرح کاسته و ارتفاعش کمتر شود.

حمیدرضا صارمی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران تأکید کرده که شهرداری برای ساخت این سه برج هیچ مجوزی به دانشگاه تهران نداده است. او تأکید کرده که «اقدام دانشگاه برای ساخت و ساز در آن محدوده کاملا غیرقانونی است. شهرداری تهران در حال پیگیری موضوع است و قطعا به صورت قانونی با این تخلف برخورد خواهد شد.»

به گفته معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران در امرداد گذشته، شهرداری منطقه ۶ گزارشی در خصوص ساخت‌وساز غیرمجاز دانشگاه تهران برای احداث برج‌های خوابگاهی به معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران ارائه داد و این معاونت پس از بررسی‌های لازم در جواب این گزارش، به منطقه اعلام داشت تا اقدامات قانونی برای جلوگیری از این تخلف انجام شود.

ناصر امانی نیز گفته «دور از شأن دانشگاه بزرگ و ارزشمند تهران است که به این نوع اقدامات دست بزنند و شبانه فضای سبز و درخت را محصور و قلع‌و‌قمع کند که بخواهد در آنجا ساختمان بسازد.» وی در توضیحاتی گفته «چون مجوز ساخت بیش از ۱۲

این برج‌های ۲۵ طبقه در حریم تجهیزات هواشناسی موسسه ژئوفیزیک قرار دارد و امکان پیش‌بینی دقیق هواشناسی در مرکز شهر را از بین می‌برد.

● حمیدرضا صارمی معاون شهرسازی و معماری شهرداری تهران تأکید کرده که شهرداری برای ساخت این سه برج هیچ مجوزی به دانشگاه تهران نداده است.

● مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر تهران: این ساخت و ساز برج نیست، بلکه می‌خواهند خوابگاه بسازند و قاعدتا برنامه‌ریزی کردند و این موضوع مورد مطالعه و بررسی بسیار قرار گرفته است.

ساخت سه برج ۲۵ طبقه در دانشگاه تهران و در کنار تأسیسات ژئوفیزیک سازمان هواشناسی با اعتراض مدیران این سازمان روبرو شده است اما مهدی چمران رئیس شورای اسلامی شهر از ساخت برج‌ها حمایت می‌کند.

ساخت سه برج ۲۵ طبقه، به عنوان خوابگاه دانشجویان متأهل، در زمین‌های موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران طی روزهای گذشته خرساز شده است. اکنون صدور مجوز برای ساخت آنها با تکذیب و تأییدهایی روبرو شده است.

این برج‌های ۲۵ طبقه در حریم تجهیزات هواشناسی موسسه ژئوفیزیک قرار دارد و امکان پیش‌بینی دقیق هواشناسی در مرکز شهر را از بین می‌برد.

مازیار غلامی مدیرکل هواشناسی استان تهران می‌گوید در پاییز سال گذشته زمزمه‌هایی مبنی بر اینکه در کنار ایستگاه هواشناسی موسسه ژئوفیزیک قرار است ساختمانی بلندمرتبه ساخته شود، شنیده شد. بعد از مدتی متوجه شدیم که قرار است سه بلوک ۲۵ طبقه ساخته شود.

شهرداری تهران اعلام کرده مجوزی به دانشگاه تهران برای ساخت برج‌های ۳ قلو ۲۵ طبقه نداده و دانشگاه تهران ساخت و ساز غیرقانونی انجام داده است. در صورت ساخت این ۳ برج ۲۵ طبقه که در حریم تجهیزات هواشناسی موسسه ژئوفیزیک قرار دارد امکان پیش‌بینی دقیق هواشناسی در مرکز شهر از بین می‌رود.

نیز تأکید کرده که افزایش حداقل دستمزد باید با نرخ تورم و هزینه‌های ماهانه یک خانوار کارگری هماهنگ باشد. اما نادیده گرفتن این اصل از سوی سیاست‌گذاران، وضعیت ناگوار کنونی را رقم زده است.

اکبر شوکت رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی نیز هفته گذشته در گفتگو با اینلا گفته اقدامات دولت به «کاهش قدرت خرید» و «خروج از بازار مصرف» منجر می‌شود. او گفته «وقتی بدون توجه به مشکلات معیشتی، میزان حقوق کارمندان پایین‌تر از نرخ تورم تعیین می‌شود، یعنی تفکری که در دولت قبل در سازمان برنامه بودجه حاکم بوده همچنان پابرجاست و تغییر ملموسی در آن به وجود نیامده است.»

این فعال کارگری افزوده که «با وجود تورم ۳۵ تا ۴۰ درصدی، تعیین ۲۰ درصد برای پایه حقوق کارمندان دولت کاملاً نامعقول است. امیدوارم تفکرات غلط جاری در جلسات اعضای شورای عالی کار، با نمایندگان جدیدی که از طرف دولت منصوب شده‌اند، جایی نداشته باشد. امیدواریم امسال برای نمایندگان کارگری و نظرات آن‌ها ارزش بیشتری قائل شوند. دولت نباید با ارقام پیش‌فرض در جلسات شورایی کار حاضر شود. حقوق کارگران باید مطابق با قانون کار تعیین شود. و مهم‌ترین اصل در تعیین حقوق کارگران این است که کارگران بتوانند نیازهای اساسی خود را تأمین کنند.»

به گفته اکبر شوکت «اگر پایه حقوق کارگران طی دو سال گذشته به درستی و مطابق با نرخ تورم تعیین می‌شد، امروز نیاز به همسان‌سازی نبود و شاهد کسری بودجه برای اجرای همسان‌سازی نبودیم. این کسری منابع، دولت را به سمت چاپ پول می‌کشاند که خود منجر به افزایش تورم خواهد شد.» آمارها نشان می‌دهد از سال ۹۶ به بعد، نرخ ارز حدود ۲۰ برابر افزایش یافته است اما در آنسو حقوق و دستمزد و درآمد مردم از مسیرهای مولد، حدود ۵ برابر افزایش داشته است. به بیان دیگر قدرت خرید به شدت کاهش و شکاف طبقاتی نیز افزایش یافته است.

وبسایت اقتصاد ۲۴ نیز در گزارشی به وضعیت ناهمخوانی تورم با افزایش حقوق‌ها در لایحه بودجه پرداخته و نوشته دولت‌های مختلف در ایران، برای دهه‌ها سعی کرده‌اند با استفاده از روش‌های دستوری، هزینه‌های زندگی را ثابت نگه دارند. این تلاش‌ها عمدتاً به شکل تعیین سقف افزایش حقوق در بودجه‌های سالیانه نمود پیدا کرده است. اما سوال اینجاست که آیا موفق بوده‌اند؟ آیا این سیاست‌ها واقعاً جلوی تورم و کاهش قدرت خرید مردم را گرفته‌اند؟ جواب روشن است: نه. تنها نتیجه‌ای که این رویکرد به دنبال داشته، کاهش واقعی قدرت خرید، افزایش فشار اقتصادی بر دوش مردم و تشدید نابرابری‌های اجتماعی بوده است. این گزارش تأکید کرده که افزایش دستوری حقوق بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و بدون سیاست‌های تکمیلی و حمایتی، نه تنها کمکی به مردم نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود فاصله درآمدی میان طبقات جامعه بیشتر شود.

در این گزارش همچنین آمده که اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، شاید در آینده‌ای نزدیک شاهد افزایش شدیدتری در نرخ فقر و نابرابری باشیم. تصمیم‌گیران اقتصادی کشور باید به این موضوع پی ببرند که راه حل مشکلات اقتصادی ایران نه در افزایش دستوری دستمزدها، بلکه در اصلاحات ساختاری اقتصادی نهفته است. بدون حل مشکلاتی همچون ضعف تولید داخلی، ناکارآمدی نظام بانکی، تورم افسارگریخته و بحران‌های متعدد در حوزه‌های مالی، نمی‌توان به بهبود وضعیت معیشت کارگران و کارمندان امیدوار بود.

تورم و گرداب معیشتی دولت برای حقوق‌بگیران



نفره در آخر تابستان امسال دست‌کم ۳۷ میلیون تومان برآورد شده است.

مقایسه این ارقام با یکدیگر نشان می‌دهد که درآمد یک کارگر در نهایت بتواند هزینه‌های یک هفته تا ۱۰ روز زندگی را پوشش دهد.

وضعیت بسیاری از کارمندان و همچنین بازنشستگان نیز بهتر از کارگران نیست و حقوق اکثر کارمندان بخش خصوصی، دولتی و بازنشستگان کمتر از رقم تعیین شده برای هزینه سبد معیشت است. همین موضوع سبب گسترش قابل توجه جمعیت فقیر در ایران شده؛ بطوری که کارشناسان معتقدند ۶۰ درصد از جمعیت معادل بیش از ۵۰ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی در گزارشی تأکید کرده که یک سوم از جمعیت ایران توان پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی را ندارند.

در این میان لایحه بودجه سال آینده نشان می‌دهد دولت مسعود پزشکیان نیز با وجود وعده‌های زیادی که در رابطه با بهبود معیشت مردم داده بود، به متناسب کردن دستمزدها با تورم بی‌توجه بوده است.

مسعود پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات تأکید کرده بود که «همی‌شود تورم ۵۰ درصد باشد، اما حقوق ۲۰ درصد اضافه شود». اکنون اما در لایحه ارقام بودجه، افزایش حقوق کارمندان تنها ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است!

تیم اقتصادی دولت پزشکیان در حالی تصمیم به افزایش ۲۰ درصدی دستمزد کارمندان دولت برای سال آینده گرفت که نرخ تورم شهریورماه بیش از ۳۴ درصد اعلام شد. اگرچه بسیاری از کارشناسان دولتی رقم واقعی تورم را بیش از ارقام مورد ادعای دولت می‌دانند اما با این حال مشخص نیست تیم اقتصادی دولت چگونه در ماهی که تورم بیش از ۳۴ درصد بود، در تدوین لایحه بودجه افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت را در نظر گرفتند!

این در حالیست که ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی

گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه نشان می‌دهد دهک هزینه‌های اول که ضعیف‌ترین قشر جامعه از نظر اقتصادی محسوب می‌شود، برای سومین ماه متوالی بیشترین تورم ماهانه را داشته است.

مسعود پزشکیان در زمان تبلیغات انتخابات تأکید کرده بود که «همی‌شود تورم ۵۰ درصد باشد، اما حقوق ۲۰ درصد اضافه شود». اکنون اما در لایحه ارقام بودجه، افزایش حقوق کارمندان تنها ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است!

حقوق یک کارگر در سال جاری ۱۱ میلیون تومان و هزینه سبد معیشت برای یک خانوار سه تا چهار نفره در آخر تابستان امسال دست‌کم ۳۷ میلیون تومان برآورد شده است.

آمارها نشان می‌دهد از سال ۹۶ به بعد، نرخ ارز حدود ۲۰ برابر افزایش یافته اما در آنسو حقوق و دستمزد و درآمد مردم از مسیرهای مولد، حدود ۵ برابر افزایش داشته است.

افزایش دستمزد کارگران و کارمندان در ایران سال‌هاست با میزان تورم همخوانی ندارد و اگرچه رقم دستمزدها سالانه با اندکی افزایش روبرو می‌شود اما ارزش واقعی آنها هر ساله با کاهش روبرو بوده و حقوق‌بگیران را در گرداب معیشتی گرفتاری کرده است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه نشان می‌دهد دهک هزینه‌های اول که ضعیف‌ترین قشر جامعه از نظر اقتصادی محسوب می‌شود، برای سومین ماه متوالی بیشترین تورم ماهانه را داشته است.

بر اساس این گزارش دهک هزینه‌های اول در مهرماه امسال تورم ماهانه ۳/۰۵ درصدی داشته که بالاترین رقم در میان دهک‌ها محسوب می‌شود. این در حالیست که کمترین نرخ تورم ماهانه با رقم ۲/۵۸ درصدی در دهک دهم، یعنی پردرآمدترین افراد جامعه ثبت شد.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی اعلام کرده که دلیل بالاتر بودن تورم ماهانه دهک‌های پایین‌تر از دهک‌های بالاتر، اختلاف بالای تورم کالاهای خوراکی در میان این دهک‌هاست. سهم تورم کالاهای غیرخوراکی و خدمات از تورم ماهانه، در دهک‌های اول تا چهارم معادل یک درصد و در دهک‌های بعدی برابر با ۰/۹ درصد بود. این در حالیست که نرخ تورم کالاهای خوراکی، آشامیدنی و دخانیات سهمی ۲/۶ درصدی از تورم ماهانه دهک اول داشته اما این رقم در دهک دهم تنها ۱/۹ درصد بوده است. از همین روی و به دلیل آنکه کالاهای خوراکی سهم بیشتری از سبد مصرفی خانوارهای دهک‌های پایین را تشکیل می‌دهند، دهک‌های هزینه‌های پایین‌تر، تورم ماهانه بیشتری را در مهرماه شاهد بودند.

افزایش تورم طی سال‌های گذشته اقشار حقوق‌بگیر را هدف قرار داده است. هرچند سبد مصرفی اقشار ضعیف تنوع کمتری دارد و غالباً شامل موارد خیلی ضروری از جمله هزینه خوراک، اجاره‌بها، آموزش و درمان است اما همین دسته‌های کالا و خدمات معمولاً بیشترین تورم را داشته‌اند و همین موضوع سبب تحمیل هزینه بیشتر بر تورم اقشار آسیب‌پذیر داشته است.

برای نمونه در سال جاری اگرچه رقم حداقل دستمزد ۳۵/۳ درصد نسبت به سال پیشتر افزایش یافت اما اگر یک کارگر همه مزایای شغلی از جمله حق مسکن و حق اولاد را دریافت کند درآمد او به حدود ۱۱ میلیون تومان خواهد رسید.

این در حالیست که رقم حداقل هزینه زندگی که به هزینه سبد معیشت معروف است برای یک خانوار سه تا چهار

کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد



و گفته «در بودجه همه اهتمام بر این بوده است که نیازمندی‌های دفاعی کشور برطرف شود و توجه ویژه‌ای به این موضوع شده است، از این رو افزایش قابل توجه بالغ بر ۲۰۰ درصدی را در بودجه نظامی کشور شاهد بودیم.» همچنین در شرایطی که بودجه عمرانی و زیرساختی همواره قربانی کسری بودجه دولت‌های جمهوری اسلامی شده و کارشناسان چنین روندی را برای بودجه سال آینده نیز پیش‌بینی می‌کنند، سخنگوی دولت گفته «گاهی اوقات اینطور القا می‌شود که هر چقدر بیشتر پول به دست مردم بدهیم وضعیت بهتر می‌شود در حالی که اینگونه نیست، وقتی پول صرف زیرساخت‌ها می‌شود اثرات بهتری را شاهد هستیم به خصوص زمانی که به صنایع توجه درستی داشته باشیم.»

کارشناسان معتقدند بودجه سال آینده نه تنها سبب افزایش تورم می‌شود بلکه افزایش حقوق‌بگیر را بیش از پیش به زیر خط فقر خواهد راند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده بودجه سال آینده در حالی روند بررسی را پشت سر می‌گذارد که پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که سال ۱۴۰۴ سال چندان آسانی برای اقتصاد ایران نخواهد بود و رشد اقتصادی نیز روندی کاهشی را طی خواهد کرد.

برآوردهای این مرکز نشان می‌دهد رشد اقتصادی تابستان به دلیل قطعی برق صنایع، روند نزولی رشد صادرات نفتی و تداوم بودجه‌های انقباضی دولت ۲/۵ درصد بود است. ضمن اینکه بررسی شکاف تولید در ایران نشان می‌دهد روند این متغیر در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته و بنابراین از محل استفاده از ظرفیت‌های خالی اقتصاد می‌توان به افزایش رشد اقتصادی امیدوار بود.

بطور کلی برآوردها نشان از آن دارد که در سال جاری و سال آینده رشد اقتصادی محدود به ۲/۵ و ۲/۸ درصد خواهد شد. در قانون هفتم توسعه اما رشد اقتصادی سالانه هشت درصد برای اقتصاد کشور پیش‌بینی شده است!

صندوق بین‌المللی پول نیز پیش‌بینی کرده که روند رشد اقتصادی ایران در سال جاری و سال آینده میلادی

چاپ کنیم. اوراق برای درآمد دولت چاپ می‌شود بلکه برای پرداخت بدهی دولت چاپ خواهد شد.»

این در حالیست که برخی موارد گنجانده شده در لایحه بودجه از جمله افزایش درآمدهای مالیاتی با قانون برنامه هفتم توسعه همخوانی نداشته است.

بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه، باید سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی تا پایان این برنامه به ۱۰ درصد برسد که برای تحقق این هدف، اصلاحاتی مانند ساماندهی معافیت‌ها و تغییر نرخ‌های مالیاتی ضروری است. به منظور حمایت از اقشار متوسط نیز، معافیت مالیاتی حقوق و دستمزد دو برابر و معافیت مالیاتی مشاغل سه برابر پیش‌بینی شده است.

درآمدهای مالیاتی که در سال ۱۴۰۳ رقمی معادل ۱۲ هزار و ۲۲۰ هزار میلیارد تومان بوده و در لایحه سال آینده با رشد ۳۹ درصد به ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

بر اساس آمارهای اعلامی لایحه بودجه، درآمدهای دولت، عمدتاً شامل درآمدهای مالیاتی، ۴۴ درصد افزایش یافته است. واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، به دلیل کاهش سالانه سهم دولت از نفت (و افزایش سهم صندوق توسعه ملی) و کاهش برآوردها از فروش اموال دولتی، ۱۷ درصد کاهش یافته است. واگذاری دارایی‌های مالی برای تامین کسری بودجه از محل انتشار اوراق مالی اسلامی (و گنجاندن اوراق منتشرشده خارج از سقف بودجه جداول بودجه) دو برابر شده است. افزایش منابع هدفمندی یارانه‌ها ۳۸ درصد (در صورت افزایش نرخ تورم) بوده و مشخص نیست دولت برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی برنامه‌ای دارد یا خیر.

واگذاری اوراق یا اموال به طلبکاران کلان دولت (بانک‌های تامین اجتماعی و پیمانکاران)، به موجب تکالیف قانون برنامه هفتم توسعه بیش از ۳ برابر شده است. استقراض از صندوق توسعه ملی با هدف جبران کسری بودجه، ۴۹ درصد افزایش یافته است. همچنین جمع منابع بودجه دولت حدود ۴۷ درصد رشد داشته است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز بر سه برابر شدن بودجه نظامی کشور در بودجه سال آینده تأکید کرده

● مسعود پزشکیان در نشست علنی امروز سه‌شنبه هشتم آبان‌ماه مجلس شورای اسلامی به دفاع از لایحه بودجه پرداخت و مدعی شد که آنچه نوشتیم با قانون برنامه هماهنگ است.

● کارشناسان معتقدند بودجه سال آینده نه تنها سبب افزایش تورم می‌شود بلکه افزایش حقوق‌بگیر را بیش از پیش به زیر خط فقر خواهد راند و در بخش‌هایی لایحه بودجه با قانون هفتم توسعه همخوانی ندارد.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی معایب مهم لایحه بودجه ۱۴۰۴ را شامل عدم پیش‌بینی واقعی منابع، استقراض از صندوق توسعه ملی و ناترازی یارانه‌ها ارزیابی شده است.

● با وجود همه این مشکلات در لایحه بودجه به نظر می‌رسد با اعمال نفوذ علی‌خامنه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی که غالباً از جناحین مخالف دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان هستند، کلیات بودجه را به سرعت تصویب کردند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح امروز کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ را با ۱۴۶ رأی موافق از ۲۴۹ نماینده حاضر تصویب کردند. ۹۶ نماینده رأی مخالف و ۴ نماینده نیز رأی ممتنع دادند. پیش از انجام رأی‌گیری مسعود پزشکیان با عبارات شعاری و وعده‌های مبهم از لایحه بودجه دفاع کرد.

مسعود پزشکیان در نشست علنی امروز سه‌شنبه هشتم آبان‌ماه مجلس شورای اسلامی به دفاع از لایحه بودجه پرداخت و مدعی شد که آنچه که نوشتیم با قانون برنامه هماهنگ است.

او افزوده «در خصوص ثبات اقتصادی تلاش کردیم که به بانک‌ها و بورس دقت کنیم. معمولاً اگر دولت کم پول می‌آورد از بانک‌ها قرض می‌گرفت. ما نه تنها از بانک‌ها قرض نمی‌گیریم بلکه ۲۰۰ هزار میلیارد پول گذاشتیم تا بدهی بانک‌ها را بپردازیم و تلاش کردیم سرمایه بانک‌ها افزایش یابد. سعی کردیم تکلیف اضافی بر دوش بانک‌ها نگذاریم. در خصوص بورس نیز ما بجای اینکه اوراق چاپ کنیم بدهی‌های سررسید و سود اوراق را به اندازه‌ای که باید بدهی دهیم اوراق

وزیر نیرو از گران شدن برق خبر داد؛ دولت پزشکيان سياست «صعود آزاد» قيمت‌ها را پيش مي‌برد!



می‌شود». وی تاکید کرد: «قیمت برق مشتریان پرمصرف پلکانی افزایش می‌یابد.»

مدیرعامل شرکت توانیر گفته ساختار تعرفه‌گذاری قیمت برق به گونه‌ای طراحی شده که بیشترین یارانه را مشمول مشترکانی می‌کند که در محدوده الگوی مصرف قرار گرفته‌اند و قبض‌های برق ارزان‌تری دریافت می‌کنند. او افزوده که «بر اساس همین قانون مشترکان خانگی به دو دسته مشترکانی که در محدوده الگوی مصرف و کمتر از آن برق مصرف می‌کنند و مشترکان پرمصرف که بالاتر از الگو برق مصرف می‌کنند، تقسیم می‌شوند.»

او با بیان اینکه الگوی مصرف از ۳۰۰ کیلووات ساعت به ۲۰۰ کیلووات ساعت در ماه کاهش یافته گفته «در صورتی که مصرف خود را کنترل نکنند، مشمول تعرفه‌های بالاتر که پلکانی-افزایشی و نزدیک هزینه‌های تأمین برق است خواهند شد.»

او در بخش دیگری از توضیحاتش هزینه پرداختی توسط مشترکین بدمصرف را ۵ برابر هزینه تأمین برق اعلام کرد و افزود: مشترکینی که زیر الگو مصرف می‌کنند به ازای هر کیلووات ساعت ۱۰۰ تومان پول برق می‌پردازند. البته در مناطق گرمسیر این عدد حدود ۴۰ تومان به ازای هر کیلووات ساعت یا برای کشاورزی حدود ۳۵ تومان است که کمتر از یک دهم هزینه برق غیر یارانه ای است.

آنچه وزیر نیرو دولت چهاردهم به عنوان افزایش قیمت برق توضیح داده همان روند «آزادسازی قیمت برق» است. آزادسازی قیمت‌ها از ابتدای آغاز به کار دولت پزشکيان از سوی برخی کارشناسان مورد اشاره قرار گرفته بود. آنها می‌گفتند که تیم اقتصادی دولت چهاردهم به دنبال افزایش قیمت حامل‌های انرژی است.

در چارچوب همین سیاست قیمت تعرفه آب نیز با افزایش روبرو خواهد شد. بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۴ وزارت نیرو از طریق شرکت‌های آب و فاضلاب استانی سراسر کشور مکلف است علاوه بر دریافت نرخ آب‌بها به ازای هر مترمکعب فروش آب شرب تا الگوی مصرف آب برای مشترکین خانگی (و تا ظرفیت قراردادی برای

● **عباس علی آبادی وزیر نیرو گفته بر اساس قانون «مانع‌زدایی از صنعت برق»، دولت موظف است دیگر نقشی در تأمین ریالی برق نداشته باشد و مردم باید برق مورد نیاز خود را خریداری کنند.**

● **آزادسازی قیمت‌ها از ابتدای آغاز به کار دولت پزشکيان از سوی برخی کارشناسان مورد اشاره قرار گرفته بود. آنها می‌گفتند که تیم اقتصادی دولت چهاردهم به دنبال افزایش قیمت حامل‌های انرژی است.**

● **مقامات جمهوری اسلامی در حالی شهروندان را متهم به مصرف بالای انرژی می‌کنند که در واقعیت ایران با کمبود شدید «تولید انرژی» در پی کاهش تولید و عقب‌ماندگی در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای روبروست.**

وزیر نیرو در دولت پزشکيان از افزایش قطعی قیمت برق خبر داده و گفته بر اساس قانون «مانع‌زدایی از صنعت برق» به این صنعت تکلیف شده است که قیمت برق افزایش پیدا کند و مطابق با قانون وزارت نیرو نباید وابسته به بودجه دولتی باشد.

عباس علی آبادی وزیر نیرو گفته بر اساس قانون «مانع‌زدایی از صنعت برق»، دولت موظف است دیگر نقشی در تأمین ریالی برق نداشته باشد و مردم باید برق مورد نیاز خود را خریداری کنند؛ به‌خصوص پرمصرف‌ها که باید برق خود را از بازار آزاد و محل تجدیدپذیرها تهیه کنند. وزیر نیرو خاطرنشان کرد: بر اساس قانون تنها به مصارف برق تا سطح الگو یارانه پرداخت می‌کند و آندسته از مشترکانی که مصارف بالایی دارند، یا باید با اقدامات مدیریتی مصرف برق خود را به سطح الگو نزدیک کنند و یا برق مازاد خود را از طریق روش‌های جایگزین مانده ذخیره‌ساز، مولدهای خورشیدی و بورس انرژی تأمین کنند.

مصطفی رجبی مشهدی مدیرعامل شرکت توانیر نیز با اعلام جزئیاتی از افزایش قیمت برق گفته «مطابق ماده ۶ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق مصوبه سال ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی، مصارف مازاد بر الگو در تعرفه مشترکان خانگی بر اساس روش پلکانی- افزایشی تعیین

→ **کاهش خواهد بود.** بر اساس پیش‌بینی، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۴ به سطح ۳/۷ درصد برآورد شده که این رقم در سال آینده به ۳/۱ درصد کاهش خواهد یافت.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی معایب مهم لایحه بودجه ۱۴۰۴ شامل عدم پیش‌بینی واقعی منابع، استقراض از صندوق توسعه ملی و ناترازی یارانه‌ها ارزیابی شده است.

در این گزارش آمده که عدم پیش‌بینی منابع واقعی برای مصارف رفاهی (مثل یارانه و نان) یا عدم پرداخت به‌موقع مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از دولت، موجب می‌شود تا آنها برای تأمین منابع مورد نیاز به دریافت وام‌های کلان از نظام بانکی اقدام کنند که منجر به سرایت ناترازی به نظام بانکی شده است. استقراض از صندوق توسعه ملی که قرار است محرک سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد کشور باشد، منابع در دسترس صندوق را برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌دهد و این صندوق را از مأموریت‌های مهم خود بازداشته است. دولت حدود ۱۰۰۰ همت از منابع را از طریق استقراض تأمین خواهد کرد. ناترازی یارانه‌ها به دلیل عدم انجام اصلاحات لازم در حوزه انرژی، در سال‌های اخیر، به بودجه سرایت کرده و پرداخت‌های مربوط به یارانه نان، دارو و بازنشستگی را به خود اختصاص داده است.

با وجود همه این مشکلات در لایحه بودجه به نظر می‌رسد با اعمال نفوذ علی‌خامنه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی که غالباً از جناحین مخالف دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکيان هستند، کلیات بودجه را به سرعت تصویب کردند. از سوی دیگر یکی از حاشیه‌های نشست امروز مجلس شورای اسلامی حضور سعید جلیلی برای بررسی بودجه بود. صبح امروز تصاویری از حضور سعید جلیلی در کمیسیون اصل ۹۰ برای بررسی نقاط قوت و ضعف لایحه بودجه سال آینده منتشر شد. در حالی که گفته شده بود حضور سعید جلیلی در مجلس شورای اسلامی به دعوت از فراکسیون انقلاب اسلامی صورت گرفته، احد آزادی‌خواه سخنگوی فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرگزاری «مهر» این خبر را تکذیب کرد.

احد آزادی‌خواه گفته «این فراکسیون تاکنون هیچ جلسه‌ای درباره بودجه ۱۴۰۴ نداشته و هرگونه اظهارنظر و مصاحبه در این باره صحت ندارد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «ممکن است برخی از حداقل گروه‌ها در مجلس به تشخیص خودشان جلساتی را تشکیل داده باشند که این حق نمایندگان مجلس است و می‌توانند این کار را انجام دهند، اما این جلسه در فراکسیون انقلاب اسلامی به هیچ عنوان نبوده است.»

در آنسو اما عبدالوحد فیاضی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی به خبرگزاری «ایلنا» گفته اگر در وجه کارشناسی حساب کنیم حضور آقای جلیلی ایرادی ندارد، اما اگر نگاه دیگری باشد و از دید منتقدین نگاه کنیم باید ایشان پاسخ دهد که چرا در جلسه حضور داشته است. ورود ایشان به عنوان یک عنصر سیاسی ممکن مورد بحث باشد اما به عنوان عنصری که عضو مجمع است و نظرات مختلفی می‌دهد این گروه احساس کردند می‌توانند از نظرات ایشان استفاده کنند. این نماینده مجلس از حضور محسن رضایی در این نشست نیز خبر داده و گفته «من در جلسه حضور داشتم؛ افراد متخصصی در این مدت درباره مسائل بودجه نظر دادند. بطور مثال صبح هم آقای رضایی آمدند. بعضی از ورزا هم به تناسب به کمیسیون تلفیق آمدند. بعضی از جلسات هم به تناوب در بیرون از مجلس بوده است که یک عده نماینده جمع می‌شوند و صحبت می‌کنند.»

گفته کشور از سال ۱۴۰۶ به بعد دچار افت تولید گاز خواهد شد و تأکید کرده که ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است تا برای اصلاح وضعیت انرژی فقط «زمان» بخریم! محمدرضا مدیری گفته که ایران پس از گاز، در زمینه نفت هم با وجود منابع غنی، به واردکننده تبدیل خواهد شد. او توضیح داده که اگر چه در بخش فروش نفت کشور دچار

تجهیزات، ۵ درصد کاهش می‌یابد. وقتی هوا گرم می‌شود، تولید برق کم می‌شود. این دو عامل دست به دست هم داده‌اند و باعث شده از یک طرف تولید را ثابت نگه نداریم و تقاضا هم در حال افزایش است. البته این آمارها بستگی دارد که چقدر نیروگاه جدید در مسیر بیاوریم.» هاشم اورعی توضیح داده که موضوع کمبود برق و گاز

→ مشترکین غیرخانگی) آب، مبلغ ۲ هزار ریال و به‌ازای هر مترمکعب فروش آب شرب بالاتر از الگوی مصرف آب برای مشترکین خانگی (و تا ظرفیت قراردادی برای مشترکین غیرخانگی) آب مبلغ ۴ هزار ریال از مشترکان خانگی و غیرخانگی دریافت و به حساب شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کنند.

همچنین در لایحه بودجه تأکید شده که ۱۰۰ درصد وجوه دریافتی تا ۲۰ هزار میلیارد ریال جهت هزینه‌کرد «کاهش هدررفت آب شهری» در چارچوب موافقتنامه متبادله با سازمان در همان استان اختصاص می‌یابد.

این لایحه افزوده که دستگاه اجرایی مکلف است تا پایان خردادماه نسبت به مبادله موافقتنامه مزبور اقدام کنند. مشترکان با نرخ تعرفه آب صفر و با معاف از پرداخت تعرفه آب مشمول این بند نیست.

افزایش تعرفه آب و برق در حالی برای دولت درآمدزایی قابل توجهی را به همراه دارد اما ادعای دولت‌مردان تلاش برای کاهش مصرف است.

مقامات جمهوری اسلامی همواره در رابطه با آب، گاز، برق و بنزین مدعی هستند که مصرف بی‌رویه شهروندان سبب ناترازی شده است و افزایش قیمت نیز در راستای سیاست «مدیریت مصرف» توجیه می‌شود.

این در حالیست که ایران نه با مصرف بالای برق و آب و گاز و بنزین، بلکه با کمبود تولید و عقب‌ماندگی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه صنایع تولید انرژی روبرو است.

کمبود انرژی در ایران مرزهای بحران را رد کرده و طی سال‌های گذشته در پی کمبود گاز و برق دولت ناچار به قطع گاز و برق بخش صنعت، کشاورزی و حتی در مقاطعی قطع انرژی بخش خانگی شده است.

جلیل مختار سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی دوم آبان‌ماه جاری آمار کاهش ذخایر سوخت مایع گازوئیل و مازوت نیروگاه‌ها از ۴۹ درصد در شهریور ماه امسال به ۴۶ درصد در ماه جاری را تأیید و تأکید کرد که «این یک ناترازی آشکاری است که اگر برطرف نشود، ممکن است کشور در فصل سرما دچار مشکل شود. به همین دلیل از وزارتخانه‌های نفت، نیرو و صمت خواسته‌ایم تا هر چه سریع‌تر برنامه‌های خود را ارائه دهند.»

جلیل مختار توضیح داده بود که «وزیر نفت به عنوان تأمین‌کننده نیازهای نیروگاه‌ها باید با احصای وضعیت موجود، برنامه‌های خود برای کمک به وزارت نیرو را ارائه دهد و وزارت نیرو هم درصد است با برنامه‌های کوتاه مدت که قول آن را داده‌اند ناترازی‌های موجود را برطرف کنند تا در زمستان به سختی برنخوریم.»

رضا حاجی‌کریم عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت‌های تأسیساتی و صنعتی ایران در گفتگو با خبرنگاری «میزان» در مورد ناترازی انرژی، گفته «اینکه چرا با وجود دانسته‌های فراوان برای رفع ناترازی و کمبودهای انرژی و ارائه پیشنهادها هنوز با مشکلاتی روبرو هستیم، به تصمیماتی که باید در حاکمیت انرژی اتخاذ شود بازمی‌گردد.»

این در حالیست که عملکرد چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی و شرایط کمبود شدید انرژی در ایران که ذخائر قابل توجهی از نفت و گاز دارد نشان از شکست مدیریت انرژی در جمهوری اسلامی است که به «حاکمیت انرژی» نیز تعبیر می‌شود.

هاشم اورعی استاد برق دانشگاه صنعتی «شریف» درباره وضعیت کمبود انرژی گفته «امسال و سال گذشته بیشتر از ۵ درصد افزایش مصرف برق داشتیم. برای امسال تا ۸ درصد هم اعلام شد. میزان تقاضا هر سال ۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. در مقابل میزان تولید ما هم به دلیل کهنگی



تحریم است اما در بخش تولید خیلی تحت فشار تحریم نیست؛ «به معنی اینکه ما تقریباً حداکثر توان تولیدی کشور را تولید می‌کنیم. هر قدر هم که نفت و فرآورده مازاد داریم، می‌فروشیم. من کلمات را با هم خلط می‌کنم و به مخاطبان محترم این دقت را می‌دهم که فقط برای ساده‌سازی است. به این مفهوم که ما در حال حاضر نفتی نداریم که کسی از ما بخرد.»

این فعال صنفی گفته «فارغ از آثار قیمتی، سهولت و هزینه‌هایی که تخمین زده می‌شود نزدیک به ۲۰ درصد تأثیر دارد، آن را اگر کنار بگذاریم و فقط به حجم نگاه کنیم، همین امروز هم تحریم‌ها را برداریم ما بیش از این مقداری که اکنون نفت می‌فروشیم، نمی‌توانیم جمع نفت و فرآورده بفروشیم!»

او همچنین گفته گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می‌گیرد و با تأکید بر اینکه بخشی از فرآورده‌های نفتی هم به واردات افزوده شده گفته بخشی از فرآورده‌ها را هم وارد می‌کنیم؛ همان بنزینی که شما به آن اشاره کردید و واردات گازوئیل هم به تدریج روی میز آمده و همینطور رشد خواهد کرد؛ یعنی ما بنزین و گازوئیل را به تدریج در سبد واردات خود خواهیم دید.

صندوق توسعه ملی نیز چند ماه پیش در گزارشی به کمبود گاز پرداخت و پیش‌بینی کرد ایران از سال ۱۴۲۰ ایران نمی‌تواند دوسوم نیاز گازی خود را تأمین کند.

طبق این گزارش، با وجود سرمایه‌گذاری حدود ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران در میدان عظیم پارس جنوبی، با رشد شدید مصرف گاز طی سال‌های اخیر، تولید پاسخگوی این حجم مصرف نیست.

طبق گزارش وزارت نفت، زمستان سال گذشته میزان کسری گاز روزانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون متر مکعب برآورد شده بود که هزینه‌های حدود ۱۵ میلیارد دلار برای کشور ایجاد می‌کرد.

دیگر فصلی نیست و در تمام طول سال هم کمبود گاز و هم کمبود برق وجود دارد: «مصرف برق دو مصرف دارد، اول بار پایه است که همیشه نیاز داریم. تاکنون مشکل ما بار پایه نبوده بلکه بار متغیری است که در زمان گرما افزایش می‌یابد. با این فرمان که ما حرکت می‌کنیم، به ناترازی در بار پایه هم می‌رسیم. ناترازی در بار پایه یعنی در تمامی فصل‌ها با مشکل برق مواجه می‌شویم. با توجه به کمبود گاز و اینکه سرمایه‌گذاری لازم را انجام ندادیم، کم کم وارد مرحله‌ای می‌شویم که امکان تأمین بار پایه را هم از دست می‌دهیم.»

سعید تاجیک رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران هفته گذشته نسبت به بحران انرژی در ایران هشدار داد و گفت این بحران امروز اقتصادی است ولی در آینده نه چندان دور تبدیل به بحران امنیتی می‌شود.

به گفته رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران افزوده که باید همین امروز تلاش کنیم که تکنولوژی بیاوریم و کاهش مصرف و کاهش تولید کربن را کلید بزنیم. در ضمن اگر می‌خواهیم از حمایت‌های بین‌المللی استفاده کنیم باید به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی بپیوندیم.

رضا سپه‌وند عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته با اشاره به انواع مشکلات ناشی از سوءمدیریت هشدار داد که ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران «دائم» در حال افزایش است.

عضو کمیسیون انرژی در مجلس شورای اسلامی، پنجشنبه سوم آبان‌ماه گفته «فشار مخازن در پارس جنوبی کاهش پیدا کرده و استخراج گاز سخت‌تر شده است و یکسری از منابع مشکل پیدا کرده‌اند.»

محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان هشدار داده ایران با یک تصویر آخرالزمانی از بحران انرژی روبرو است.

محمدرضا مدیری در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز»

ادعای کسری بودجه امسال از سوی دولتمردان؛ غیرواقعی و زمینه‌سازی برای افزایش قیمت‌ها؟

همچنین افزایش قیمت حامل‌های انرژی، کسری بودجه را جبران کند، منتها من جزو افرادی هستم که بارها هشدار داده‌ام شرایط اقتصادی و مردم به گونه‌ای نیست که چنین شوکی را تحمل کنند.

این اقتصاددان معتقد است دولت به جای اینکه به دنبال منابع درآمدی دیگری باشد بهتر این است که هزینه‌های اضافی خود را که بسیار انبوه است کاهش دهد و امیدوارم در بودجه سال ۱۴۰۴ نیز این کاهش هزینه‌ها را در نظر گرفته باشد. از سال ۱۳۹۷ به این سو، دولت حسن روحانی و دولت مرحوم رئیسی هر چه منبع مالی که از فروش شرکت‌ها و اموال دولتی و فروش اوراق قرضه بوده را مصرف کرده‌اند و بعید است پولی مانده باشد.

مرتضی افقه همچنین تأکید کرده که راه‌حل‌های کوتاه‌مدت

خواهد شد.

فرشاد مومنی اقتصاددان در گفتگو با وبسایت «جماران» می‌گوید که اعضای تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان برای توجیه شوک‌درمانی درباره کسری بودجه عراق می‌کنند.

این اقتصاددان نزدیک به اصلاح‌طلبان با بیان اینکه «آماده مناظره با مسئولان اقتصادی هستم» تأکید کرده که علائم و نشانه‌هایی وجود دارد که برخی مسئولان اقتصادی کشور درباره کسری مالی به میراث مانده از دولت رئیسی، سطوحی از اغراق را روا می‌دارند که از نظر خودشان ضرورت شوک‌درمانی را توجیه کنند.

فرشاد مومنی خطاب به پزشک‌یان هشدار داده که «آقای پزشک‌یان اگر چنین تصمیماتی به نفع شما و دولتتان است، ادامه دهید، در غیر این صورت اگر از تیم کارشناسی تان

● عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت گفته که کسری بودجه امسال به رقم ۸۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده و رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز این رقم کسری بودجه را تأیید کرده است.

● فرشاد مومنی اقتصاددان گفته اعضای تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان برای توجیه شوک‌درمانی درباره کسری بودجه عراق می‌کنند.

● مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز اعداد مورد ادعای تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان درباره کسری بودجه سال جاری را غیرواقعی ارزیابی کرده است.

اعضای دولت مسعود پزشک‌یان ادعای کسری بودجه ۱۰۰۰ هزار تا ۸۵۰ هزار میلیارد تومانی تا نیمه نخست امسال را مطرح کرده‌اند. برخی اقتصاددانان با رد ادعای دولت معتقدند این ارقام از کسری بودجه غیرواقعی است و دولتمردان پزشک‌یان برای توجیه «شوک‌درمانی» درباره کسری بودجه عراق می‌کنند.

طی هفته‌های گذشته برخی مقامات دولت مسعود پزشک‌یان آمارهایی عجیب درباره کسری بودجه امسال که برنامه بودجه‌ای آن سال گذشته توسط دولت ابراهیم رئیسی تدوین شده است مطرح کرده‌اند.

از جمله عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت گفته که کسری بودجه امسال به رقم ۸۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. او مدعی شده که در سال ۱۴۰۲ میزان ثروت نقدی برای تبصره ۱۸ دو همت بیشتر نبود و بقیه اوراق بود که تقریباً ۲۴ همت بود. در سال ۱۴۰۳ دچار کسری بودجه شدیم و بخشی از بودجه عمومی را در هدفمندی هزینه کردیم که در بخش هدفمندی هم کسری داریم.

او توضیح داده که قرار بود کمبود بودجه از محل هدفمندی یارانه‌ها جبران شود، اما این بخش نیز با کسری قابل توجهی روبرو و سبب تخصیص بخشی از بودجه عمومی به هدفمندی یارانه‌ها در شش‌ماهه اول سال جاری شده است.

عبدالناصر همتی همچنین گفته که دولت برای تأمین منابع تبصره ۱۸ که به تولید و اشتغال اختصاص دارد، با کمبود بودجه روبرو است، اما بانک‌ها برای حل این مشکل اعلام آمادگی کرده‌اند.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشک‌یان ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۳ اعلام کرد در اقتصاد با یک مسئله جدی ناترازی مواجه هستیم. وی گفته بود که تا پایان نیمه نخست سال کسری عملیاتی بودجه ۱۴۰۳ به ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

دولت مسعود پزشک‌یان در نخستین روزهای آغاز به کار با موافقت علی‌خامنه‌ای مبلغ ۳۵۰ هزار میلیارد تومان از «صندوق توسعه ملی» برداشت کرد تا بخشی از هزینه‌های جاری از جمله معوقات پرستاران را پرداخت کند. این برداشت نشان می‌داد خزانه دولت حتی برای هزینه‌های جاری حقوق کارکنان دولت نیز خالی است!

مسعود پزشک‌یان هفته سوم شهریورماه درباره برداشت از صندوق توسعه ملی توضیح داد که «این منبع با اجازه مقام معظم رهبری از محل منابع صندوق توسعه ملی پرداخت به پرستاران، کشاورزان، معلمان و داروی مورد نیاز انجام



برای جبران کسری بودجه پاسخگو نیست و دولت باید برای برداشته شدن تحریم‌ها گام بردارد: «راه‌حل کوتاه‌مدت من برای دولت چهاردهم این است که تلاش کند تا تحریم‌ها لغو شود تا دوباره درآمد نفت داشته باشیم. البته باز تأکید می‌کنم که این یک شیوه کوتاه‌مدت است و مشکلات را در درازمدت حل نمی‌کند. با توجه به انتخابات آمریکا و معلوم نبودن پیروز نهایی آن فعلاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد که تا پایان سال مسئله تحریم‌ها حل خواهد شد یا خیر.»

با اینهمه حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، نیز تلاش کرده کسری بودجه مورد ادعای عبدالناصر همتی را تأیید کند. او یک هفته پیش و در نخستین نشست خبری خود به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت کسری بودجه ۸۵۰ هزار میلیارد تومانی را تأیید می‌کنم.

رئیس سازمان برنامه و بودجه همچنین گفته «به صورت شفاف کسری بودجه را بیان کردیم تا سال آینده مجبور به اخذ کمک از صندوق توسعه ملی نباشیم.»

چنین تصمیماتی بیرون می‌آید که تا این میزان از جهت بنیه دانایی، کیفیت نازلی دارد، خواهش میکنم رئیس جمهور این سند را به فوریت از مجلس پس بگیرد و برای اعتبارسنجی به شاخه فرهنگستان علوم بدهد. این به نفع کشور است و همه از آن نفع می‌برند.»

او افزوده که «اگر در سند لایحه بودجه خطاهای پرشمار کم باشد، رئیس جمهور و مسئولان اقتصادی هم نفع می‌برند و فقط مافیایا، لاشخورها و رانتخوارها زیان می‌کنند.» مرتضی افقه استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز نیز یکی دیگر از اقتصاددانانی است که اعداد مورد ادعای تیم اقتصادی دولت پزشک‌یان درباره کسری بودجه سال جاری را غیرواقعی ارزیابی کرده است.

مرتضی افقه گفته رقمی که آقای همتی گفتند کمی غیرواقعی و زیاد است و گویی می‌خواهند بستری را فراهم کنند تا به هدف خود که افزایش نرخ ارز است برسند. دولت فعلاً به دنبال این است تا از طریق افزایش قیمت ارز و

کمبود انرژی در ایران؛ یک گام تا تبدیل شدن به بحران امنیتی برای حکومت

طبق این گزارش، با وجود سرمایه‌گذاری حدود ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران در میدان عظیم پارس جنوبی، با رشد شدید مصرف گاز طی سال‌های اخیر، تولید پاسخگوی این حجم مصرف نیست.

طبق گزارش وزارت نفت، زمستان سال گذشته میزان کسری گاز روزانه بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون متر مکعب برآورد شده بود که هزینه‌های حدود ۱۵ میلیارد دلار برای کشور ایجاد می‌کرد.

از سوی دیگر طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز، کمبود گاز از سال گذشته از مرحله ناترازی فصلی خارج شده و حال ایران در کل روزهای سال با ناترازی روزانه حدود ۱۲۳ میلیون متر مکعبی مواجه است.

به دلیل وابستگی نیروگاه‌های تولید برق به گاز، فرسودگی نیروگاه‌ها و خطوط توزیع و در مجموع کاهش تولید، کمبود برق نیز به چالشی جدی تبدیل شده است. اگر چه در سالهای گذشته آثار کمبود برق صرفاً در تابستان نمایان می‌شد اما اکنون به همه فصول سال کشیده شده است.

هاشم اورعی استاد برق دانشگاه صنعتی «شریف» در اینباره گفته «مصرف برق دو مصرف دارد، اول بار پایه است که همیشه نیاز داریم. تاکنون مشکل ما بار پایه نبوده بلکه بار متغیری است که در زمان گرما افزایش می‌یابد. با این فرمان که ما حرکت می‌کنیم، به ناترازی در بار پایه هم می‌رسیم. ناترازی در بار پایه یعنی در تمامی فصل‌ها با مشکل برق مواجه می‌شویم. با توجه به کمبود گاز و اینکه سرمایه‌گذاری لازم را انجام ندادیم، کم آمدن وارد مرحله‌ای می‌شویم که امکان تأمین بار پایه را هم از دست می‌دهیم.»

فرهاد شبیهی مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران روز گذشته کمبود برق در این شهر را ۱۰۰۰ مگاوات اعلام کرد و گفت تلاش می‌کنیم شرایط را برای پایداری شبکه برق فراهم کنیم. موسی احمدی رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی به تازگی مدعی شده رفع ناترازی انرژی مهمترین دغدغه و اولویت نخست مجلس است.

جلیل مختار سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی امروز چهارشنبه دوم آبان‌ماه آمار کاهش ذخایر سوخت مایع گازوئیل و مازوت نیروگاه‌ها از ۴۹ درصد در شهریور ماه امسال به ۴۶ درصد در ماه جاری را تأیید کرده است.

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «این یک ناترازی آشکاری است که اگر برطرف نشود، ممکن است کشور در فصل سرما دچار مشکل شود. به همین دلیل از وزارتخانه‌های نفت، نیرو و صمت خواسته‌ایم تا هر چه سریع‌تر برنامه‌های خود را ارائه دهند.»

جلیل مختار توضیح داده که «وزیر نفت به عنوان تأمین‌کننده نیازهای نیروگاه‌ها باید با احصای وضعیت موجود، برنامه‌های خود برای کمک به وزارت نیرو را ارائه دهد و وزارت نیرو هم درصدد است با برنامه‌های کوتاه مدت که قول آن را داده‌اند ناترازی‌های موجود را برطرف کنند تا در زمستان به سختی برنخوریم.»

با اینهمه مشخص نیست مجلس شورای اسلامی و حتی دولت پزشکیان که به تازگی بخش نخست لایحه بودجه را به مجلس تقدیم کرده چه برنامه‌ای برای جبران کمبود شدید برق و گاز دارند.



گفته کشور از سال ۱۴۰۶ به بعد دچار افت تولید گاز خواهد شد و تأکید کرده که ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است تا برای اصلاح وضعیت انرژی فقط «زمان» بخریم!

دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی سالهاست راهکار مدیریت کمبود انرژی را در قطع گاز و برق واحدهای تولیدی و صنعتی، و در اوج مصرف نیز قطع برق و گاز بخش خانگی یافته‌اند. موضوعی که به گفته محمدرضا مدیری آقار آن در اقتصاد نمایان می‌شود.

محمدرضا مدیری گفته که ایران پس از گاز، در زمینه نفت هم با وجود منابع غنی، به واردکننده تبدیل خواهد شد. او توضیح داده که اگر چه در بخش فروش نفت کشور دچار تحریم است اما در بخش تولید خیلی تحت فشار تحریم نیست؛ «به معنی اینکه ما تقریباً حداکثر توان تولیدی کشور را تولید می‌کنیم. هر قدر هم که نفت و فرآورده مازاد داریم، می‌فروشیم. من کلمات را با هم خلط می‌کنم و به مخاطبان محترم این دقت را می‌دهم که فقط برای ساده‌سازی است. به این مفهوم که ما در حال حاضر نفتی نداریم که کسی از ما بخرد.»

این فعال صنفی گفته «فارغ از آثار قیمتی، سهولت و هزینه‌هایی که تخمین زده می‌شود نزدیک به ۲۰ درصد تأثیر دارد، آن را اگر کنار بگذاریم و فقط به حجم نگاه کنیم، همین امروز هم تحریم‌ها را برداریم ما بیش از این مقداری که اکنون نفت می‌فروشیم، نمی‌توانیم جمع نفت و فرآورده بفروشیم!»

او همچنین گفته گازوئیل هم به تدریج در سبد واردات کشور قرار می‌گیرد و با تأکید بر اینکه بخشی از فرآورده‌های نفتی هم به واردات افزوده شده گفته بخشی از فرآورده‌ها را هم وارد می‌کنیم؛ همان بنزینی که شما به آن اشاره کردید و واردات گازوئیل هم به تدریج روی میز آمده و همین‌طور رشد خواهد کرد؛ یعنی ما بنزین و گازوئیل را به تدریج در سبد واردات خود خواهیم دید.

صندوق توسعه ملی نیز چند ماه پیش در گزارشی به کمبود گاز پرداخت و پیش‌بینی کرد ایران از سال ۱۴۲۰ ایران نمی‌تواند دوسوم نیاز گازی خود را تأمین کند.

● کمبود برق و گاز که تا چند سال پیش به صورت فصلی و به ترتیب در اوج گرما و سرما نمایان می‌شد حالا به بحرانی برای تمام فصول تبدیل شده است.

● رضا سپهوند عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با اشاره به انواع مشکلات ناشی از سوءمدیریت هشدار داد که ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران «دائم» در حال افزایش است.

● به گفته برخی کارشناسان ایران به زودی نیز به واردکننده نفت تبدیل خواهد شد چون با تداوم شرایط کنونی توان استخراج را از دست خواهد داد!

● محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان هشدار داده ایران با یک تصویر آخرالزمانی از بحران انرژی روبرو است و این بحران به زودی تبدیل به بحران امنیتی می‌شود.

کمبود انرژی به یکی از مشکلات برجسته در ایران تبدیل شده است و کارشناسان معتقدند این بحران که امروز اقتصاد از جمله صنعت و تولید را هدف قرار داده، به زودی به بحرانی امنیتی برای حکومت تبدیل خواهد شد.

کمبود برق و گاز که تا چند سال پیش به صورت فصلی و به ترتیب در اوج گرما و سرما نمایان می‌شد حالا به بحرانی برای تمام فصول تبدیل شده است. بنزین و گازوئیل نیز وضعیتی مشابه دارند و زنگ خطر کمبود آنها مدتهاست به صدا درآمده است.

سعید تاجیک رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران هفته گذشته نسبت به بحران انرژی در ایران هشدار داد و گفت این بحران امروز اقتصادی است ولی در آینده نه چندان دور تبدیل به بحران امنیتی می‌شود.

به گفته رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران افزوده که باید همین امروز تلاش کنیم که تکنولوژی بیاوریم و کاهش مصرف و کاهش تولید کربن را کلید بزنیم. در ضمن اگر می‌خواهیم از حمایت‌های بین‌المللی استفاده کنیم باید به کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی بپیوندیم.

رضا سپهوند عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته با اشاره به انواع مشکلات ناشی از سوءمدیریت هشدار داد که ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران «دائم» در حال افزایش است.

عضو کمیسیون انرژی در مجلس شورای اسلامی، پنجشنبه سوم آبان‌ماه گفته «فشار مخازن در پارس جنوبی کاهش پیدا کرده و استخراج گاز سخت‌تر شده است و یکسری از منابع مشکل پیدا کرده‌اند.»

رضا سپهوند همچنین به هدررفت و نشست گاز بالا در شبکه گازی کشور اشاره کرده و همچنین گفته مصرف بی‌رویه گاز در حال افزایش است.

تولید انرژی در ایران با مشکلاتی روبروست که ناشی از سالها عدم سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی است. ایران اگر چه ذخائر قابل توجهی از نفت و گاز را دارد اما توسعه‌نیافتگی صنایع نفت و گاز، نیاز به واردات گاز برای تأمین نیاز داخلی را رقم زده و به گفته برخی کارشناسان به زودی نیز به واردکننده نفت تبدیل خواهد شد چون با تداوم شرایط کنونی توان استخراج را از دست خواهد داد!

در همین رابطه محمدرضا مدیری مدیرعامل پتروشیمی زنجان هشدار داده ایران با یک تصویر آخرالزمانی از بحران انرژی روبرو است. محمدرضا مدیری در گفتگو با وبسایت «تجارت نیوز»

درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۴؛ دست دولت پزشکيان در جيب مردم ايران!



مشمول مالیات سالانه خودرو به نرخ یک درصد (۱٪) می‌گردند.

این لایحه تأکید کرده تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مکلفاند مالیات سالانه مربوط به خودروهای تحت تملک خود و فرزندان کمتر از هجده سال و محجور تحت تکفل را حداکثر تا پایان آبان سال ۱۴۰۴ پرداخت نمایند و در صورت عدم پرداخت مشمول حکم ماده (۱۹۰) قانون مالیات‌های مستقیم هستند.

در بخش دیگری از لایحه آمده که تمامی مراکز درمانی اعم از دولتی، خصوصی، وابسته به نهادهای عمومی، نیروهای مسلح، خیریه‌ها و شرکت‌های دولتی مکلفاند ۱۰ درصد از حق الزحمه یا حق‌العمل گروه پزشکی که به موجب دریافت وجه صورت‌حساب‌های ارسالی به بیمه‌ها و یا نقداً از طرف بیمار پرداخت می‌شود، به عنوان مالیات علی‌الحساب کسر و به نام فرد مربوط تا پایان ماه بعد از وصول مبلغ صورت‌حساب، به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کنند.

در این میان مهرداد لاهوتی با تأیید افزایش درآمدهای مالیاتی در بودجه سال آینده گفته «دولت به سراغ جلوگیری از فرار مالیات‌ها، مالیات‌های وصول نشده و معوقه خواهد رفت تا از این طریق درآمد مالیاتی خود را افزایش دهد.» از سوی دیگر یکی دیگر از موارد قابل توجه در مالیات‌های افزایش یافته در لایحه بودجه ناهمخوانی آن با اهداف برنامه هفتم توسعه است.

بر اساس برنامه هفتم توسعه، باید سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی تا پایان این برنامه به ۱۰ درصد برسد که برای تحقق این هدف، اصلاحاتی مانند ساماندهی معافیت‌ها و تغییر نرخ‌های مالیاتی ضروری است. به منظور حمایت از اقشار متوسط نیز، معافیت مالیاتی حقوق و دستمزد دو برابر و معافیت مالیاتی مشاغل سه برابر پیش‌بینی شده است.

در شرایطی که مسعود پزشکیان و اعضای تیم اقتصادی او مدعی هستند لایحه بودجه بر اساس برنامه هفتم توسعه و اهداف آن تنظیم شده اما دست‌کم در بخش مالیات‌ستانی این لایحه هیچ تناسبی با اهداف برنامه هفتم توسعه ندارد.

حقوق بگیر دولت تا سقف ۱۲ میلیون تومان بود اما امسال به ۲۴ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. برای افرادی که در مشاغل دولتی کار نمی‌کنند تا ۲۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده است.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با بیان این که بقیه اعداد مالیاتی پلکانی شده است گفته که «مالیات حقوق افراد شاغل غیر دولتی از ۲۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تا ۳۶ میلیون تومان ۱۰ درصد است. از ۳۶ میلیون تا ۴۵ میلیون تومان ۱۵ درصد و از ۴۵ میلیون تا ۶۰ میلیون تومان ۲۰ درصد مالیات گرفته می‌شود. از ۸۰ میلیون تومان به بالا هم مشمول مالیات ۳۰ درصد خواهد بود.»

سالمات دولت‌های جمهوری اسلامی مدعی اجرای طرح دریافت مالیات از خانه‌های خالی هستند؛ خانه‌هایی که متعلق به افراد ثروتمند است و بخش زیادی از این خانه‌ها نیز تحت مالکیت و کنترل مافیاهای مسکن قرار دارد.

در بودجه امسال دولت می‌باید از خانه‌های خالی و لوکس رقمی معادل ۱۰۰۰ میلیارد تومان مالیات دریافت می‌کرد اما طی شش ماه نخست امسال، که بر اساس لایحه بودجه باید ۵۰۰ میلیارد تومان مالیات از این خانه‌ها اخذ می‌شد، فقط ۳۰۹ میلیارد تومان مالیات از مالکان خانه‌های خالی دریافت شده که معادل ۰/۸ از هدف برش نیمسال جاری است!

مالیاتی مشابه درباره اتومبیل‌های لوکس تعیین شده که دریافت این مالیات نیز با گذشت چند سال از تصویب و اجرا، همچنان ناموفق بوده است.

این ردیف‌های مالیاتی در لایحه بودجه امسال نیز گنجانده شده است. لایحه بودجه ۱۴۰۴ واحدهای مسکونی که ارزش آن‌ها بیش از ۵۰ میلیارد تومان باشد مازاد بر این مبلغ مشمول مالیات به میزان دو در هزار می‌شوند. این رقم در سال جاری ۳۵ میلیارد تومان بود.

همچنین در لایحه بودجه آمده انواع خودروی سواری و وانت دو اتاق (کابین) دارای شماره انتظامی شخصی در اختیار مالکان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که قیمت روز خودروی آن‌ها بیش از پنجاه میلیارد ریال معادل ۵ میلیارد تومان است نسبت به مازاد بر این مبلغ

قرار است در سال آینده درآمدهای مالیاتی با رشد ۳۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان برسد.

سقف بودجه عمومی در لایحه بودجه ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شده که نشان می‌دهد دولت قصد دارد که ۲۰ درصد از منابع بودجه را از مالیات‌ستانی مستقیم تأمین کند.

اقشار پردآمد و ثروتمند به راحتی فرار مالیاتی می‌کنند و سازوکار شفاف و دقیقی برای دریافت مالیات از آنها وجود ندارد، در مقابل مالیات حقوق‌بگیران از جمله کارگران و کارمندان پیش از واریز حقوق، از درآمد آنها کسر می‌شود.

دولت درآمد حاصل از حقوق ورودی گمرک را ۸۵ درصد افزایش داده و به رقم ۲۶۴ هزار میلیارد تومان رسانده که به معنای افزایش قیمت تمام شده کالاها و در نتیجه گران‌تر شدن کالا و خدمات برای عموم مردم است.

دولت مسعود پزشکیان با وجود ادعای بهبود معیشت مردم در لایحه بودجه ۱۴۰۴ درآمدهای مالیاتی را ۳۹ درصد افزایش داده و قرار است در سال آینده ۵۰۰ هزار میلیارد تومان مالیات بیشتر از سال ۱۴۰۳ از شهروندان دریافت می‌کند و حقوق ورودی گمرکی هم ۸۵ درصد افزایش خواهد یافت.

بر اساس اطلاعات درج شده در بخش نخست لایحه بودجه که از سوی مسعود پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه شده قرار است در سال آینده درآمدهای مالیاتی با رشد ۳۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان برسد.

جدا از رقم درآمدهای مالیاتی که در بودجه آمده، دولت در این لایحه درآمد حاصل از حقوق ورودی گمرک را ۸۵ درصد نسبت به بودجه امسال افزایش داده و به رقم ۲۶۴ هزار میلیارد تومان رسانده است. معنای این افزایش، افزایش قیمت تمام شده کالاها و در نتیجه گران‌تر شدن کالا و خدمات برای عموم مردم است.

از سوی دیگر سقف بودجه عمومی در لایحه بودجه ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شده که نشان می‌دهد دولت قصد دارد که ۲۰ درصد از منابع بودجه را از مالیات‌ستانی مستقیم تأمین کند.

افزایش مالیات و حقوق ورودی گمرکی به معنای تحمیل فشار بیشتر معیشتی به ویژه بر اقشار حقوق‌بگیر است. اگر چه در همه اقتصادها مالیات‌ستانی بیشتر افراد پردرآمد و ثروتمند را هدف قرار می‌دهد اما روند مالیات‌ستانی در جمهوری اسلامی به دلیل ساختار رانتی و مافیایی اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر را زیر فشار قرار می‌دهد.

اقشار پردآمد و ثروتمند به راحتی فرار مالیاتی می‌کنند و سازوکار شفاف و دقیقی برای دریافت مالیات از آنها وجود ندارد، در مقابل مالیات حقوق‌بگیران از جمله کارگران و کارمندان پیش از واریز حقوق، از درآمد آنها کسر می‌شود.

دولت امسال درآمد کارکنان دولت که ماهانه کمتر از ۲۴ میلیون تومان را از مالیات معاف کرده اما درآمد بالاتر از آن را به صورت پلکانی افزایش داده است.

مهرداد لاهوتی نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی درباره میزان مالیات بر درآمدها در لایحه بودجه توضیح داده که معافیت مالیاتی برای افراد

ویرانی‌های فرونشست؛ اینبار در ورزشگاه «نقش جهان» و فرودگاه اصفهان



رودخانه زاینده رود در محدوده دشت اصفهان جریان داشته باشد تا روند فرونشست متوقف شود.»

روزنامه «هم‌میهن» نیمه خردادماه امسال در گزارشی از آثار فرونشست‌ها در استان اصفهان از ایجاد شکاف‌ها و ترک‌هایی در بناهای تاریخی اصفهان از جمله مسجد جامع عباسی، مسجد حکیم، مسجد عتیق، بقعه شهشهان، حمام وزیر، مسجد و حمام علی قلی آقا، مسجد سید، سی و سه پل و پل خواجو خبر داد.

بحران فرونشست همچنین دامن مدارس این استان را هم گرفته است. وبسایت «خبر آنلاین» در گزارشی نوشته مدارس متأثر از فرونشست «نه تنها بر ایمنی دانش‌آموزان تأثیر نهاده، بلکه بر کیفیت آموزشی نیز تأثیر منفی داشته است.»

در این گزارش آمده که فرونشست آسیب‌های قابل توجهی به ۴۰ مدرسه در شهرستان‌های برخوار، شاهین‌شهر و نواحی ۴ و ۵ کلانشهر اصفهان شده است که این آسیب‌ها شامل ترک‌های ساختاری و تغییرات در زیرساخت‌های بنا می‌شود. این گزارش تأکید کرده که در استان اصفهان، بیش از ۳۷۰ هزار دانش‌آموز در مقاطع مختلف تحصیلی مشغول به تحصیل هستند، با آسیب به ۴۰ مدرسه، بیش از ۱۰ هزار دانش‌آموز به طور مستقیم تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند.

موضوع فرونشست اما در دیگر استان‌ها نیز طی هفته‌های گذشته خرساز شده است. استان فارس با گسترش فرونشست در دشت مروشدت و تهدید جدی آثار تاریخی تحت جمشید، نقش رستم و کعبه زرتشت از جمله استان‌های درگیر با فرونشست گسترده است.

مهدی زارع رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله و استاد زلزله‌شناسی روز گذشته در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته برداشت گسترده از منابع آب زیرزمینی در دشت مروشدت،

هست در یک جاهایی در کنار زون‌ها فرونشست زیادی را داریم.»

بیت‌اللهی در توضیح فرونشست‌ها نامتقارن گفته انگار یکطرف ساختمان نشست کمتری داشته باشد و یکطرف ساختمان یا پل نشست بیشتر باشد، در چنین حالتی، چون اینطور مستحذات صلب هستند و قابل خم شدن نیستند شدیداً دچار ترک خوردگی و شکست می‌شوند و این باعث می‌شود که ما آثار فرونشست زمین را در اصفهان و هم در آثار تاریخی و هم در مستحذات و منازل مسکونی این شهر زیاد ببینیم و متأسفانه این پدیده جزو پدیده‌های نادری هست که در اصفهان سراغ داریم.

رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و مسکن شهرسازی وزارت راه و شهرسازی همچنین خاک اصفهان که از نوع «خاک‌های واگرا» است را عامل دیگری در تشدید فرونشست در اصفهان خوانده است.

این نوع خاک وقتی خشک می‌شود در اثر کاهش سطح آب از هم باز می‌شود و ترک‌ها و شکاف‌های عمیق روی سطح آن نمایان می‌شود.

شهر اصفهان یکی از پرتنش‌ترین شهرها در زمینه خشکسالی است و فرونشست در آن نیز به مرز بحران رسیده است.

امرداد امسال احمدرضا لاهیجان‌زاده مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفته بود «از ۳۵ دشت استان که مورد مطالعه قرار گرفته است، ۲۹ دشت از نظر فرونشست در شرایط بحرانی قرار دارد.»

مدیر کل حفاظت محیط زیست اصفهان با بیان اینکه همه سازه‌ها اعم از لوله‌های انتقال گاز، آب و فاضلاب، قطار شهری و بناهای تاریخی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» تأکید کرده بود «باید حداقل ۱۰ تا ۱۵ مترمکعب آب در

● علی بیت‌اللهی از مدیران مرکز تحقیقات راه و مسکن شهرسازی وزارت راه و شهرسازی گفته «فرونشست زمین در اصفهان یک فرونشست نامتقارن هست یعنی در یک جاهایی فرونشست کم هست در یک جاهایی در کنار زون‌ها فرونشست زیادی را داریم.»

● امرداد امسال احمدرضا لاهیجان‌زاده مدیرکل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفته بود «از ۳۵ دشت استان که مورد مطالعه قرار گرفته است، ۲۹ دشت از نظر فرونشست در شرایط بحرانی قرار دارد.»

● استان فارس نیز با گسترش فرونشست در دشت مروشدت و تهدید جدی آثار تاریخی تخت جمشید، نقش رستم و کعبه زرتشت از استان‌های درگیر با فرونشست گسترده است.

● گزارش‌های پی در پی درباره گسترش فرونشست در ایران و گسترش آن به محدوده شهری و آثار تاریخی در حالیکه تا کنون هیچ برنامه مشخص و منسجمی از سوی دولت برای جلوگیری از تشدید این پدیده ویرانگر منتشر نشده است.

تازه‌ترین گزارش‌ها درباره گسترش فرونشست در شهرهای مختلف ایران از شکاف‌های ناشی از فرونشست در فرودگاه اصفهان و حتی چمن ورزشگاه تازه‌تأسیس «نقش جهان» در این شهر خبر می‌دهند.

علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه و مسکن شهرسازی وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده «نمونه شکاف‌های فرونشستی در اطراف فرودگاه اصفهان و حتی چمن ورزشگاه تازه‌تأسیس نقش جهان گزارش شده است.»

وی گفته فرونشست شهر اصفهان از نوع «نامتقارن» خوانده و گفته «فرونشست زمین در اصفهان یک فرونشست نامتقارن هست یعنی در یک جاهایی فرونشست کم

تصویب کلیات لایحه بودجه؛ هشدار مرکز پژوهش‌ها درباره عدم تحقق درآمدهای نفتی



کارشناسان لایحه بودجه سال آینده را در بخش درآمدها غیرقابل دستیابی ارزیابی کرده و معتقدند لایحه بودجه تورم‌زا است. از سوی دیگر فعالان صنفی نیز نسبت به میزان افزایش دستمزد کارکنان و بازنشستگان دولت اعتراض دارند و معتقدند افزایش ۲۰ درصدی درآمدها با نرخ تورم مورد ادعای دولت که بیش از ۳۰ درصد است همخوانی ندارند و نتیجه این افزایش ناچیز، کوچک شدن سفره‌های مردم و تشدید بحران‌های معیشتی خواهد بود.

بر اساس لایحه بودجه میزان تولید روزانه نفت، ۳ میلیون و ۷۵۰ هزار بشکه برآورد شده است. صادرات گاز نیز سالانه ۱۶ میلیارد مترمکعب تعیین شده است. برآورد دولت از قیمت هر بشکه نفت صادراتی ۵۷/۵ یورو و قیمت هر متر مکعب گاز صادراتی ۰/۳ یورو بوده است.

همچنین بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۴ درآمد دولت از محل صادرات نفت و گاز ۵۰۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

پیش از اجرای تحریم‌ها، میزان تولید نفت ایران ۳ میلیون و ۸۳۸ هزار بشکه در روز بود. بدین ترتیب دولت قصد دارد رقم تولید عملیاتی را تا حدود ۹۸ درصد پیش از تحریم‌ها افزایش دهد!

این در حالیست که توان عملیاتی پالایشگاه‌های کشور حدود ۱/۷ میلیون بشکه در روز است، بدین ترتیب دولت قصد دارد در سال آینده حدود ۲ میلیون بشکه در روز نفت صادر کند.

طبق آمار موسسه کپلر، ایران در ماه گذشته میلادی روزانه ۱/۹ میلیون بشکه نفت فروخته که عمده آن به مقصد چین صادر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی اعلام کرده درآمدهای نفتی گنجانده شده در لایحه

● **پیش از اجرای تحریم‌ها، میزان تولید نفت ایران ۳ میلیون و ۸۳۸ هزار بشکه در روز بود. بدین ترتیب دولت قصد دارد رقم تولید عملیاتی را تا حدود ۹۸ درصد پیش از تحریم‌ها افزایش دهد!**

● **مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارزیابی کرده که احتمالاً تنها ۸۶۰ هزار میلیارد تومان از رقم صادرات نفت تحقق یابد و این بخش از بودجه با کسری ۱۸ درصدی مواجه شود.**

● **جدا از تردید کارشناسان درباره تحقق درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه، مالیات‌های افزایش یافته در این لایحه با اهداف برنامه هفتم توسعه ناهمخوان است.**

● **حسین سلاح‌ورزی مواردی همچون افزایش بودجه شرکت‌های دولتی، پیش‌بینی رشد اقتصادی غیرواقعی ۳/۵ درصدی و افزایش بار مالیاتی را از نقاط ضعف اصلی بودجه ۱۴۰۴ ارزیابی کرده است.**

کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ را تصویب کرده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی نسبت به تحقق نیافتن درآمدهای نفتی بودجه هشدار داده است.

محمد مهدی مفتاح سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، با اعلام خبر تصویب کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۴ در این کمیسیون گفته «رای‌گیری در خصوص کلیات لایحه بودجه سال آینده در کمیسیون تلفیق نیز انجام خواهد شد تا گزارش بررسی این کمیسیون در صحن علنی مجلس مورد بررسی و رای‌گیری نهایی قرار بگیرد.»

کلیات لایحه بودجه در حالی تصویب شده که

➔ **موجب بیشترین میزان فرونشست در این دشت شده به گونه‌ای که میزان فرونشست دشت مرودشت طی سال‌های اخیر به حدود ۲۰ تا ۳۰ سانت در سال رسیده که عدد بسیار زیادی است. محوطه‌های باستانی تخت جمشید و نقش رستم هم در مجاورت دشت مرودشت است که بخش‌هایی از این محوطه‌ها هم به دلیل فرونشست دشت، در معرض آسیب قرار گرفته است.**

مهدی زارع گفته تهدید اصلی متوجه بنای کعبه زرتشت است که در محوطه نقش رستم، روی زمین ساخته شده و همین امروز هم به طور مستقیم در معرض فرونشست قرار گرفته و متاسفانه، نشست کعبه زرتشت به سرعت در حال گسترش است.

به گفته او در محوطه نقش رستم، یک جوی زه‌کش درست کرده‌اند که ایجاد این جوی زه‌کش، یک اقدام کاملاً غیرعلمی است علاوه بر اینکه نحوه حفر این جوی این گونه است که انگار تعدادی کارگر را آورده‌اند تا کف محوطه را به این شیوه کنده‌کاری کنند. محوطه باستانی نقش رستم با یک گاراژ اتوبوسرانی فرق داشته و نباید به این شکل زه‌کشی می‌شد که به نظر من، همین زه‌کشی کف محوطه نقش رستم، موجب توسعه شکاف‌ها شده.

رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله با انتقاد از عملکرد سازمان میراث فرهنگی استان فارس تأکید کرده که «طرف دو یا سه سال اخیر، میراث فرهنگی استان فارس جز دریافت وجه بلیت از گردشگران ورودی، هیچ کاری برای نگهداری و پایش و مرمت در این محوطه انجام نداده و البته اقدامات پیش از این سه سال هم چندان قابل تعریف نبوده است.»

علیرضا عسگری چاوردی سرپرست برنامه ساماندهی نقش رستم و مدیر پایگاه میراث جهانی تخت‌جمشید هفته گذشته اعلام کرد «در زمان کاوش‌های باستان‌شناسی یکصد سال پیش هیئت آمریکایی مشخص شد کعبه زرتشت سالم‌ترین بنایی است که از روزگار هخامنشی تا کنون به جای مانده و از زیر خاک نمایان شده است. هخامنشیان این بنا را در برابر خطرات زلزله و هر گزند دیگر کاملاً ایمن ساخته‌اند و به دلیل اهمیت مذهبی این بنا، سازه معماری و مصالح سنگی بکار رفته در ساخت آن یکی از شاهکارهای معماری دوره باستان است اما این بنا در معرض خطر ناشی از فرونشست زمین قرار دارد.»

به تازگی هشدارهایی درباره فرونشست‌های استان تهران منتشر شد. در جنوب این استان سه لکه فرونشست وجود دارد. یکی لکه فرونشست کوچک در محل دفن زباله‌های تهران قرار گرفته است. شدت این فرونشست زیر پنج سانتی‌متر در سال است.

لکه بعدی در محل فرودگاه بین‌المللی «خمینی» قرار دارد؛ شدت فرونشست در این فرودگاه نیز کمتر از پنج سانتی‌متر در سال است و نیمی از باند و تأسیسات فرودگاه در زون فرونشستی جای گرفته است و نیمه دیگر آن دچار فرونشست نیست. این، بدین معنی است زیرساخت‌های فرودگاه «خمینی» ممکن است به سبب وجود گرادیان (اختلاف در اندازه فرونشست) آسیب ببینند.

این فرونشست علاوه بر زیرساخت‌های بنای فرودگاه و باند آن، ریل قطار سریع‌السیر تهران-قم، آزادراه خلیج فارس، بزرگراه فرودگاه «خمینی» و بزرگراه رباط‌کریم-حسن‌آباد (ضلع شمالی فرونشست) را نیز تحت تأثیر قرار داده است. گزارش‌های پی در پی درباره گسترش فرونشست در ایران و گسترش آن به محدوده شهری و آثار تاریخی در حال است که تا کنون هیچ برنامه مشخص و منسجمی از سوی دولت برای جلوگیری از تشدید این پدیده ویرانگر منتشر نشده است.

→ بودجه تحقق نخواهد یافت.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دولت برای سال آینده صادرات روزانه یک میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه صادرات نفت در نظر گرفته که یک میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه آن به ارزش ۳۳/۵ میلیارد دلار برای خود دولت است. دولت قصد دارد ۳۷/۵ درصد از درآمد نفتی، معادل ۱۲/۶ میلیارد دلار یا ۵۰۹ هزار میلیارد تومان را برای هزینه‌های جاری مصرف کند، ۱۶ میلیارد دلار را به صندوق توسعه ملی و ۴/۹ میلیارد دلار را به شرکت ملی نفت بدهد. همچنین ۵۵۰ هزار بشکه از رقم باقیمانده به ارزش ۶۸۷ هزار میلیارد تومان معادل ۱۲/۴ میلیارد دلار برای نیروهای مسلح و طرح‌های خاص و ۵۰ هزار بشکه نیز برای تعهدات ماده ۱۲ است.

مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به عدم تحقق ۱۸ درصدی بودجه نفتی دولت در چهار ماه ابتدایی امسال، برآورد کرده است که سال آینده نیز ۱۸ درصد از بودجه نفتی دولت تحقق نیابد.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در جدیدترین پیش‌بینی دولت از فروش نفت، قیمت فروش هر بشکه نفت حدود ۶۲ دلار یا ۵۷/۵ یورو پیش‌بینی شده است. این احتمال وجود دارد که دولت با توجه شرایط حال حاضر فروش نفت خود و پیش‌بینی‌ای که از آینده بازار نفت ایران دارد سعی کرده تا حد امکان واقع‌بینانه‌ترین برآورد را از قیمت فروش هر بشکه نفت داشته باشد.

در اینصورت اگر قیمت نفت جهانی در سال آینده در حدود ۸۰ دلار نوسان کند، دولت برای پوشش ریسک تحریم‌ها نفت خود را حداقل با ۲۲ درصد تخفیف در سال آینده به فروش خواهد رساند.

در نتیجه می‌توان گفت برآوردهای دولت از فروش نفت در سال آینده با توجه به عملکرد امسال و تحولات بین‌المللی پیش‌رو بوده است و دولت در این لایحه سعی کرده تا حد امکان برآورد واقع‌بینانه‌تری از وضعیت فروش نفت و درآمد نفتی در سال آینده ارائه دهد.

صادرات گاز ایران پارسال نیز تنها ۱۲ میلیارد متر مکعب بود. اکنون مشخص نیست دولت پزشک‌ها با وجود کمبود گاز حتی برای مصرف داخلی و همچنین عقب‌ماندگی از برنامه‌های توسعه‌ای صنعت گاز، بر چه اساسی صادرات سال آینده را ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز در نظر گرفته است!

لایحه بودجه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد دولت از صادرات نفت و دریافت بخشی از سهم صندوق توسعه ملی، در نظر دارد برای سال آینده در مجموع ۱۰۵۰ همت تومان درآمد داشته باشد، اما مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ارزیابی کرده که احتمالاً تنها ۸۶۰ هزار میلیارد تومان از این رقم تحقق یابد و این بخش از بودجه با کسری ۱۸ درصدی مواجه شود.

به غیر از صادرات نفت و گاز، دولت همچنین ۹۱۱ هزار میلیارد تومان منابع حاصل از فروش داخلی و خارجی محصولات نفتی، همچنین فروش داخلی گاز در نظر گرفته که ۱۴ درصد بیشتر از سال جاری است.

خبرگزاری «فارس» نیز در گزارشی بر ۸۰ هزار میلیارد تومان درآمد غیر واقعی هدفمندی در لایحه بودجه تأکید کرده و نوشته در زمینه درآمدهای هدفمندی و سایر موارد نیز پیش‌بینی دولت تحقق درآمد ۹۱۱ هزار میلیارد تومانی است که احتمالاً ۸۰ هزار میلیارد تومان پیش‌برآوردی داشته و ۹۱ درصد آن یعنی ۸۳۲ هزار میلیارد تومان تحقق می‌یابد.

در خصوص استقراض از صندوق توسعه ملی نیز دولت ۵۴۱ هزار میلیارد تومان استقراض در نظر گرفته است که ۸۱ درصد آن یعنی ۴۴۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی تحقق درباره آن وجود دارد و در این مورد نیز ۱۰۱ هزار میلیارد تومان کسری احتمالی تأمین شده ایجاد خواهد شد.

دولت پزشک‌ها همچنین رقم درآمدهای مالیاتی را نیز افزایش داده است؛ این در حالیست که تمرکز مالیات‌ستانی در جمهوری اسلامی بر برداشت از جیب حقوق‌بگیران است و در مقابل، ثروتمندان به راحتی فرار مالیاتی می‌کنند!

بر اساس لایحه بودجه دولت پیش‌بینی کرده در سال آینده درآمدهای مالیاتی با رشد ۳۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان برسد.

جدا از تردید کارشناسان درباره تحقق درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه، مالیات‌های افزایش یافته در لایحه بودجه با اهداف برنامه هفتم توسعه ناهمخوان است.

بر اساس برنامه هفتم توسعه، باید سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی تا پایان این برنامه به ۱۰ درصد برسد که برای تحقق این هدف، اصلاحاتی مانند ساماندهی معافیت‌ها و تغییر نرخ‌های مالیاتی ضروری است. به منظور حمایت از اقشار متوسط نیز، معافیت مالیاتی حقوق و دستمزد دو برابر و معافیت مالیاتی مشاغل سه برابر پیش‌بینی شده است.

در شرایطی که مسعود پزشک‌ها و اعضای تیم اقتصادی او مدعی هستند لایحه بودجه بر اساس برنامه هفتم توسعه و اهداف آن تنظیم شده اما دست‌کم در بخش مالیات‌ستانی این لایحه هیچ تناسبی با اهداف برنامه هفتم توسعه ندارد.

از سوی دیگر کسری بودجه دولت به دلیل درآمدهای تخیلی در لایحه بودجه سبب خواهد شد دولت بودجه در نظر گرفته شده برای بخش‌هایی چون آموزش، درمان و عمران را برای پوشش هزینه‌های جاری استفاده کند و از سوی دیگر دست به اقداماتی چون استقراض از بانک مرکزی بزند که اقداماتی به شدت تورم‌زا در اقتصاد آسیب‌دیده ایران هستند.

در همین رابطه روزنامه «خراسان» در مطلبی نوشته میزان کسری بودجه در صورتی که کسری بودجه به معنای کمبود همه منابع عمومی دولت در برابر همه مصارف عمومی باشد، به معنای آن است که علاوه بر درآمدهای جاری، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای مانند بودجه نفت و همچنین واگذاری دارایی‌های مالی نیز نمی‌توانند این مصارف را پوشش دهند.

این مطلب افزوده «در نتیجه اصطلاحاً کسری تأمین نشده به وجود می‌آید و دولت می‌بایست به ناچار راهکارهای فرابودجه‌ای اتخاذ کند. مثلاً برخی از مصارف بودجه مانند بودجه عمرانی را کاهش دهد؛ نظیر آن چه در سال‌های گذشته نیز اتفاق افتاده است!

حسین سلاح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران نیز با انتقاد از بودجه ۱۴۰۴، به مواردی همچون افزایش بودجه شرکت‌های دولتی، پیش‌بینی رشد اقتصادی غیر واقعی ۳/۵ درصدی و افزایش بار مالیاتی اشاره کرده و این موارد را از نقاط ضعف اصلی بودجه ۱۴۰۴ ارزیابی کرده است.

حسین سلاح‌ورزی تأکید کرده که در بودجه ۱۴۰۴ برنامه‌ای در زمینه تسهیل فضای کسب‌وکار و توسعه صادرات غیرنفتی، دیده نشده است که این امر به نفع بخش خصوص نخواهد بود.

افزایش آمار سالمندان در ایران؛ حقوق ناکافی و ناچیز بازنشستگی و نبود حمایت‌های درمانی شایسته

● قرار است در سال آینده درآمدهای مالیاتی با رشد ۳۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ به ۱۷۰۰۰ هزار میلیارد تومان برسد.

● سقف بودجه عمومی در لایحه بودجه ۶ هزار میلیارد تومان اعلام شده که نشان می‌دهد دولت قصد دارد ۲۰ درصد از منابع بودجه را از دریافت مالیات مستقیم تأمین کند.

● اقشار پردآمد و ثروتمند به راحتی از پرداخت مالیات فرار می‌کنند و ساز و کار شفاف و دقیقی برای دریافت مالیات از آنها وجود ندارد، در مقابل مالیات حقوق‌بگیران از جمله کارگران و کارمندان بیش از واریز حقوق، از درآمد آنها کسر می‌شود.

● دولت درآمد حاصل از حقوق ورودی گمرک را ۸۵ درصد افزایش داده و به رقم ۲۶۴ هزار میلیارد تومان رسانده که به معنای افزایش قیمت تمام شده کالاها و در نتیجه گران‌تر شدن کالا و خدمات برای عموم مردم است.

رئیس مرکز جوانی جمعیت با اشاره به افزایش تعداد سالمندان در ایران خواستار برنامه‌های پزشکی و درمانی در حمایت از سالمندان شده است.

صابر جباری رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت اعلام کرده سالمندان حدود ۱۱/۵ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

او گفته ۴۷/۷ درصد از سالمندان مرد و ۵۲/۳ نیز زن هستند و به طور کلی ایران به سمت زنازه شدن سالمندی حرکت می‌کند.

صابر جباری همچنین به لزوم برنامه‌های حمایتی پزشکی برای زنان اشاره کرده و گفته «وزارت بهداشت، بسته‌های مراقبتی سلامت زنان را از سنین پایین به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی در اختیار جامعه هدف قرار می‌دهد.»

او افزوده به طور مثال، دیابت یک بیماری غیرواگیر است و جزو پنج عامل اصلی مرگ‌ومیر در میان زنان محسوب می‌شود که به هنگام سالمندی سبب بروز مشکلات فراوانی می‌شود. وزارت بهداشت در نظر دارد از ابتلای زنان به بیماری‌هایی مانند دیابت جلوگیری کند و در صورت ابتلای آنها به این بیماری از بروز عوارض خطرناک آن جلوگیری کند.

به گفته رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، مسائلی مانند بهداشت دهان و دندان، اختلالات شنوایی و بینایی جزو چالش‌های سلامت سالمندان است و هزینه فراوانی به آنها تحمیل ←

برگردیم به اقتصاد جهانی، تجارت بین‌المللی و تحریم‌ها برداشته شود و نفت صادر کنیم.»
این اقتصاددان تأکید کرده «علاوه بر اینکه سرمایه‌گذاری می‌کنیم، جذب سرمایه خارجی و داخلی هم داشته باشیم تا بتوانیم درآمد ایجاد کنیم و از همین طریق، هزینه‌های جاری دولت و بدهی‌ها پرداخت کنیم.»
مهرداد لاهوتی معاون پارلمانی اتاق تعاون نیز پیشتر هشدار داده بود که یکی از بحران‌های آینده کشور صندوق‌های بازنشستگی هستند ولی راه نجات آنها در ادغام صندوق‌ها یا برداشتن چتر حمایتی دولت از این صندوق‌ها و اقشار تحت پوشش آن نیست.
معاون پارلمانی اتاق تعاون افزوده بود که مردم به رشد و بلوغ رسیده‌اند و راه نجات صندوق‌های بازنشستگی کشوری و صندوق تأمین اجتماعی این است که اداره این صندوق‌ها به صاحبان اصلی خودش واگذار شود. این شیوه نوعی خصوصی سازی است و اگر چنین اتفاقی بیفتد صاحبان صندوق‌ها برای منافع خود تلاش می‌کنند.



مهرداد لاهوتی تأکید کرده بود که اگر صندوق تأمین اجتماعی منابع خود را در بانک‌ها سپرده گذاری می‌کرد بیشتر به سودآوری می‌رسید تا اینکه امروز فعالیتهای اقتصادی را در پیش گرفته است. بیش از ۹۰ درصد منابع صندوق بازنشستگی کشوری را دولت تأمین می‌کند. اگر گردانندگان صندوق بازنشستگی صاحبان اصلی آن یعنی بازنشستگان بودند هیچ‌گاه هواپیمای خریداری نمی‌کردند و منافع اقتصادی صندوق را با حساسیت بیشتری لحاظ می‌کردند.
جمهوری اسلامی اما افزایش سن بازنشستگی را راهکار نجات صندوق‌های بازنشستگی ارزیابی کرده و در برنامه هفتم توسعه افزایش پلکانی سن بازنشستگی را گنجانده است. این اقدام با هدف افزایش بهره‌وری نیروی کار یا کمک به رشد اقتصادی صورت نگرفته بلکه دلیل آن نبود پول در صندوق‌های بازنشستگی است آنهم در حالی که موضوع اشتغال و بیکاری نسل‌های جوان یکی از معضلات اقتصاد کشور به شمار می‌رود.

افزوده است.
بر اساس آمارها رقم بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان است. از سوی دیگر با روند افزایش تعداد سالمندان به نظر می‌رسد بحران صندوق‌های بازنشستگی رو به افزایش باشد.
در این رابطه وبسایت «انصاف نیوز» در یک گزارش نوشته صندوق‌های بازنشستگی در حالی می‌توانند مستمری بازنشستگان را پرداخت کنند که از سوی دیگر، بیمه‌شدگان به تعداد کافی وجود داشته باشند و حق بیمه بپردازند تا از طریق آورده آنان به صندوق مبلغ مستمری تأمین شود. این مستمری از زمان بازنشسته‌شدن تا زمان فوت افراد پرداخت می‌شود. برای سنجش بهتر این مسئله شاخصی تحت عنوان «فاصله سن بازنشستگی تا امید به زندگی» طراحی شده است. این شاخص نشان می‌دهد که چند سال بین زمان بازنشستگی تا فوت افراد وجود دارد. بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که این نسبت در سال ۱۳۳۰ نزدیک به ۱۱ سال بوده است. به عبارت دیگر، زمانی

که یک شخص در سال ۱۳۳۰ بازنشسته می‌شد، صندوق بازنشستگی به طور میانگین تا ۱۱ سال به او مستمری پرداخت می‌کرد.
این گزارش افزوده چون سن بازنشستگی در ایران به مرور زمان کاهش یافته و در مقابل امید به زندگی مردم بیشتر شده، در سال ۹۹ فاصله سن بازنشستگی تا امید به زندگی به بیش از ۲۴ سال رسیده است. این در حالی است که تغییرات ترکیب جمعیتی ایران به سمتی در حال حرکت است که در سال‌های آینده جمعیت سالمند و بازنشسته بیشتر از جمعیت جوان و شاغل خواهد بود. در نتیجه این تغییرات، صندوق‌های بازنشستگی با افزایش پرداخت مستمری و کاهش دریافت حق بیمه مواجه خواهند شد و همین مسئله ناترازی آنان را تشدید خواهد کرد.
غلامرضا سلامی، اقتصاددان، با هشدار نسبت به بحران‌های عمیق صندوق‌های بازنشستگی گفته «صندوق‌های بازنشستگی مثل مپ ساعتی کار می‌کنند؛ مگر این‌که ما به‌طور کلی تغییر اساسی در سیاست‌ها داشته باشیم؛ یعنی

می‌کند. سالمندان برای حل مسائل بهداشت دهان و دندان، اختلالات شنوایی و بینایی به دندان مصنوعی، سمعک و عمل جراحی بینایی نیاز دارند که جزو خدمات گران حوزه سلامت است. امیدوارم در مسیری قرار بگیریم که اقدامات مداخله‌ای حل اختلالات بینایی، شنوایی و بهداشت دهان و دندان سالمندان تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار گیرد.
او همچنین افزوده که سالمندان به دلیل بروز مشکلات سلامت به پزشکان بسیاری مراجعه می‌کنند و ناچار هستند که داروهای بسیاری مصرف کنند. گاهی اوقات، داروهای تجویزی با یکدیگر تداخل دارند و سبب بروز مشکلات بیشتری برای سالمندان می‌شود. وزارت بهداشت، دوره‌های آموزشی به منظور تجویز داروهای کمتر برای پزشکان برگزار می‌کند تا سالمندان با داروی کمتر درمان شوند.
سالمندان که بخش زیادی از آنها را بازنشستگان تشکیل می‌دهند نه تنها از بیمه‌های درمانی رضایت ندارند بلکه از مستمری‌ها و حقوق‌های ناچیز و ناکافی بازنشستگی نیز

شکایت دارند.
در سال‌های گذشته بازنشستگان مختلف، از بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی تا بازنشستگان صندوق‌های بازنشستگی دولت، تجمعات و اعتراضات زیادی را در شهرهای مختلف برگزار کردند اما دولت برای افزایش حقوق و بهبود مزایای شغلی آنها اقدامی انجام نداده است.
بسیاری از صندوق‌های بازنشستگی در ایران به مرز ورشکستگی رسیده‌اند و به عقیده کارشناسان کسری صندوق‌های بازنشستگی به دلیل «تغییرات جمعیتی و سنی»، «کاهش نسبت پشتیبانی» و «بدهی دولت به صندوق‌ها» است.
در این میان مهمترین مشکل آنها افزایش رقم بدهی دولت به این صندوق‌ها است. دولت‌های گذشته به اسم تسویه بدهی، اقدام به واگذاری شرکت‌های دولتی زیان‌ده و ورشکسته به صندوق‌های بازنشستگی کرده‌اند که این موضوع بر انباشته شدن مشکلات صندوق‌های بازنشستگی

● در بخشنامه ابلاغی از سوی محمدرضا عارف معاون اول پزشکیان آمده که «واردات هر نوع تلفن همراه هوشمند با نشان تجاری اپل، با سود بازرگانی ۹۶ درصد مجاز است.»
● به نظر می‌رسد گوشی‌های پرطرفدار آیفون راهکاری برای درآمدزایی دولت شناخته شده و رفع ممنوعیت «رجیستری» یا ثبت آیفون نه به عنوان اقدامی برای کاهش محدودیت شهروندان بلکه برای پر کردن جیب دولت بوده است!

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از حل مشکل «رجیستری» یا ثبت گوشی‌های آیفون خبر داد. همزمان دولت تعرفه واردات گوشی‌های آیفون را ۹۶ درصد اعلام کرد که به معنای دو برابر بودن قیمت آنها در ایران نسبت به قیمت جهانی است!

ستار هاشمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با انتشار پستی در یک شبکه اجتماعی اظهار کرد: «مشکل رجیستری آیفون با تدبیر دولت وفاق، حمایت رئیس‌جمهور محترم و پیگیری فعالانه وزارت ارتباطات حل شد.»

وی افزود که «معتقدم با کار کارشناسی، ایجاد وفاق، بدون هیاهو و غوغاسالاری می‌توان سایر مشکلات فضای مجازی و مطالبات مردم را حل کرد.»

چند ساعت پس از انتشار خبر لغو ممنوعیت «رجیستری» آیفون، مشخص شد هیئت وزیران تعرفه واردات تمامی گوشی‌های آیفون را ۹۶ درصد تعیین کرده است.

در همین رابطه خبرگزاری «مهر» گزارش داده با مصوبه هیئت وزیران و ابلاغ رسمی معاون اول رئیس‌جمهور، سود بازرگانی واردات گوشی‌های تلفن همراه آیفون ۹۶ درصد تعیین شد. در بخشنامه ابلاغی از سوی محمدرضا عارف معاون اول پزشکیان قید شده که «واردات هر نوع تلفن همراه هوشمند با نشان تجاری اپل، با سود بازرگانی ۹۶ درصد مجاز است.» در لایحه بودجه ۱۴۰۴ که به تازگی از سوی پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه شده حقوق گمرکی گوشی‌های تلفن همراه وارداتی بالای ۶۰۰ دلار در رویه تجاری ۱۵ درصد

و در سایر رویه‌ها ۳۰ درصد تعیین شد. دولت توضیح نداده که چرا حقوق گمرکی نشان تجاری اپل در مصوبه امروز دولت بیش از شش برابر لایحه بودجه تعیین شده است. تعرفه تعیین شده برای موبایل‌های برند اپل به این معناست که با این تعرفه، برای خرید و «رجیستری» کردن یک آیفون، باید پول یک آیفون دیگر را نیز به دولت داد.

تلفن‌های همراه با برند اپل از قیمت بالایی برخوردار بودند و با تعیین چنین تعرفه‌ای، عملاً از دسترس اکثر کاربران دور خواهند شد. فعالان بازار موبایل معتقدند با تعیین این سود بازرگانی احتمالاً قیمت آیفون ۱۶ پرومکس در محدوده ۱۰۰ میلیون تا بالاتر از ۲۰۰ میلیون تومان به دست مصرف‌کننده ایرانی برسد. انجمن واردکنندگان موبایل با تصمیم دولت برای افزایش تعرفه تقریباً صد درصدی واردات موبایل مخالفت کرده و این تصمیم را «یک طرح شکست خورده» خواند.

جلال رشیدی کوچی نماینده سابق مجلس که چندی پیش کارزاری برای واردات آیفون به کشور راه انداخته بود، در واکنش به تصمیم هیئت وزیران پزشکیان در «ایکس» نوشت: «گوشی ۱۰۰۰ دلاری لوکس نیست، اما وقتی ۹۶ درصد تعرفه روی آن می‌بندید و به قیمت ۲۰۰۰ دلار به خلق الله می‌فروشید، می‌شود لوکس! هرچند هنوز هم معتقدم رفع ممنوعیت واردات آیفون دستاورد خوبی است و جلوی انحصارهای بعدی را گرفت، اما آقایان دولت با کج سلیقه‌ی، شیرینی این خبر را به شدت کاهش دادید.»

خردادماه امسال در فهرست جدید منتشر شده از سوی گمرک، تعرفه ۹۶ درصدی برای واردات آیفون تعیین شده بود. رقمی که البته اجرای آن مدت زیادی طول نکشید. حال

آزاد شدن «رجیستری» آیفون به سود جیب دولت؛ قیمت آیفون در ایران دو برابر قیمت جهانی!



دوباره این تعرفه‌گذاری از سوی دولت مطرح شده است. مهدی اسدی رئیس انجمن واردکنندگان موبایل در این رابطه به «شبکه شرق» گفت پیش از این نیز چنین تعرفه‌ای برای گوشی‌های آیفون ۱۳ اعمال شد، اما موفقیت آمیز نبود و تعرفه‌ها به حالت قبل بازگشت.

به اعتقاد این فعال صنفی تعرفه ۹۶ درصدی برای این گوشی‌ها دیگر از جذابیت خبر رفع ممنوعیت رجیستری بکاهد و همچنان بحث قاچاق آیفون ادامه داشته باشد. اسدی تعرفه کمتر از ۵۰ درصد را برای گوشی‌های برند اپل مطلوب دانست و گفت با دولت جلسه خواهند گذاشت و تعرفه‌های پیشنهادی‌شان را اعلام خواهند کرد.

با اینهمه هدفگذاری دولت چهاردهم، درآمد خالص ۲۶۴ هزار میلیارد تومانی از حقوق ورودی گمرکی در سال آینده است. رقمی که نسبت به امسال ۸۵ درصد افزایش داشته و دولت به دنبال افزایش درآمدهای گمرکی است تا بخشی از کسری بودجه‌اش را پوشش دهد.

به نظر می‌رسد گوشی‌های پرطرفدار آیفون هم از جمله کالاهای هدفگذاری شده برای افزایش سود دولت هستند. به بیان دیگر رفع ممنوعیت رجیستری آیفون نه به عنوان اقدامی برای کاهش فشارها و محدودیت‌ها از شهروندان بلکه برای پر کردن جیب دولت بوده است!

تصمیم دولت به نرخ سود بازرگانی ۹۶ درصدی برای آیفون‌های وارداتی در حالی است که خرداد امسال، گمرک در نامه‌ای اعلام کرد نرخ سود بازرگانی تلفن‌های همراه وارداتی بالاتر از ۶۰۰ دلار، ۵۶ درصد و حقوق گمرکی نیز ۴ درصد است و در مجموع حقوق ورودی ۶۰ درصد می‌شود،

نرخه که حالا برای آیفون‌های وارداتی در سال آینده، نزدیک به دو برابر است.

گوشی‌های آیفون با وجود همه محدودیت‌ها همچنان از پرترفدارترین برندهای موبایل در ایران هستند.

بر اساس گزارش‌ها داده‌های دیوار تا پایان ۶ ماهه اول امسال نشان می‌دهد در میان همه مدل‌های گوشی آگهی شده در این پلتفرم، «آیفون ۱۳» با ۳۱ میلیون بازدید از مجموع آگهی‌های این مدل و ۱/۶ میلیون اقدام به تماس با آگهی‌گذارها، محبوب‌ترین مدل گوشی از نگاه کاربران دیوار بوده است. همچنین با در نظر گرفتن بیشترین بازدید آگهی‌ها در دیوار از همه محصولات برندهای تولید تلفن همراه، به ترتیب آیفون، سامسونگ و شیائومی در رده اول تا سوم محبوب‌ترین گوشی‌ها قرار دارند.

به نظر می‌رسد دولت با توجه به برآوردی که از تقاضای بالای گوشی‌های آیفون در ایران دارد، ممنوعیت واردات و رجیستری آیفون را لغو و تعرفه واردات را افزایش داده است. علی‌اکبر گرجی حقوقدان در واکنش به تصمیم عجیب دولت نوشته «واردات آیفون با تعرفه سرگردانه‌ای؟ هدف از این تعرفه‌گذاری باجگیرانه چیست؟ آثار روانی و اجتماعی این رفتار بر مردم نابرخوردار چیست؟ آیا می‌خواهید کاری کنید که داشتن آیفون هم نشانه فخرفروشی و امتیاز طبقاتی باشد؟ همان نکته‌ی که درباره خودرو به بار آورده‌اید؟ چرخه نکبت را کی خواهید شکست؟»

وبسایت «خبر آنلاین» گزارش داده که قیمت آیفون‌های جدیدی که در ایران رجیستری می‌شوند، احتمالاً بین ۶۶ تا ۱۲۰ میلیون خواهند بود. گزارش‌های میدانی خبرآنلاین حاکی از آن است که انتشار خبر رفع ممنوعیت رجیستری آیفون، قیمت‌ها را تا حدی در بازار تکان داده است؛ به طوری که برخی فروشندگان تلفن همراه با سوءاستفاده از این خبر، قیمت آیفون ۱۳ را تا حدود ۵۰۰ هزار تومان بالا برده‌اند. مدل‌های ۱۴ و ۱۵ نیز در بازار افزایشی در حدود ۴ و ۵ میلیون تومان داشته‌اند.

محمدرضا فرجی‌تهرانی، نایب رئیس اتاق اصناف تهران و رئیس اتحادیه فناوران رایانه در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز گفت: «این‌نامه جدید مربوط به واردات آیفون‌های ۱۴ به بالاتر تصویب شده است. تاکنون، به دلیل عدم امکان رجیستری، فروشندگان آیفون ۱۴ به بالا مجبور بودند این محصولات را با سود بسیار کم به فروش برسانند، زیرا این گوشی‌ها به صورت مسافری وارد کشور می‌شدند، همچنین با قانونی و شفاف شدن واردات، احتمالاً یک تأخیر هفت تا هشت روزه در عرضه این گوشی‌ها به وجود خواهد آمد که می‌تواند منجر به افزایش قیمت‌ها شود.»

ممنوعیت واردات و رجیستری گوشی‌های آیفون به علت اینکه این محصول ساخت ایالات متحده است و «آمریکایی» به شمار می‌رود از سوی جمهوری اسلامی صورت گرفت. این محدودیت اما در حالی به شرکت اپل و ایالات متحده ضربه‌ای نزد اما سبب محروم شدن میلیون‌ها علاقمند به محصولات در ایران شد. در آنسو اما مانند محدودیت‌های مشابه، از ابتدای پاییز ۱۴۰۱ که واردات آیفون ۱۴ به بالا به شکل تجاری و مسافری به کشور ممنوع شد، مافیایی برای واردات غیر قانونی آیفون به ایران به راه افتاد که سود سرشاری در این مدت به جیب زده است.

مهدی بهبندی مدیر یک شرکت دانش‌بنیان ایرانی تولیدکننده تلفن همراه آبان‌ماه گذشته اعلام کرد که «ماfiای بزرگ و قدرتمندی در حوزه واردات گوشی‌های همراه وجود دارد و ۳ میلیارد دلار در سال ارزبری در حوزه گوشی‌های تلفن همراه وجود دارد و اراده‌ای برای تولید گوشی در کشور وجود ندارد!»

نویسندگان بودجه ۱۴۰۳ در سازمان برنامه و بودجه بودند. این مهم چنان لایحه پیشنهادی را مشابه بودجه امسال نوشته که گویی در کشور هیچ تغییر مهمی در ساختار اجرایی به وجود نیامده است.»

او با اشاره به بخش مالیات‌های بودجه پیشنهادی ۱۴۰۴، هشدار داده که «درآمدهای مالیاتی ۴۰ درصد افزایش یافتند، ولی به نظر نمی‌رسد این منابع قرار باشد از دانه درشت‌ها یا بخش‌های غیررسمی که زیر چتر مالیاتی قرار گرفتند، تامین شود. با وجود تورم فعلی در واقع این افزایش منابع مالیاتی با فشار بیشتر به مردم و قدرت خرید جامعه به دست خواهد آمد که خود به خود بر روند کاهنده تضعیف قدرت خرید تأثیری دو چندان خواهد گذاشت.»

محمدتقی فیاضی همچنین به کاهش میزان وابستگی به نفت اشاره کرده و گفته «البته روی کاغذ این وابستگی ۴۴ درصد است، اما اگر تعمق بیشتری کنیم، می‌بینیم این وابستگی بیش از ۵۰ درصد است. بطور مثال فروش شرکت‌ها یا اموال دولتی هم سرشتی نفتی دارند. زیرا دولت این منابع را از راه درآمدهای مالیاتی که تهیه نکرده است و در واقع این‌ها نفت‌های فروخته شده در سال‌های گذشته هستند که دولت وقتی دچار تنگدستی شده، قصد خرج آن‌ها را کرده است.»

این اقتصاددان افزوده که «در بودجه عمرانی نیز که معادل ۱۰ درصد منابع عمومی دولت است، من بعید می‌دانم تمام منابع بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان تامین شود. در عمل بعید است بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان آن اختصاص یابد. در زمینه فروش اوراق فرضه که نوعی آینده فروشی هم هست، رویه دولت سیزدهم ادامه یافته است.

محمدتقی فیاضی در تحلیل کسری بودجه لایحه پیشنهادی تأکید کرد: «فقط در یک فقره هدفمندی یارانه‌ها ۲۵ درصد منابع که معادل ۲۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود، محقق نخواهد شد. در حوزه فروش نفت و با سهم صندوق توسعه ملی و همچنین تقویت بنیه دفاعی روی هم رفته ۲۶۴۸ هزار میلیارد تومان منابع پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد بیش از نیمی از آن محقق نخواهد شد. در بخش حقوق گمرکی پیش‌بینی من این است که مانند امسال حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان آن در عمل ممکن شود. البته در این بخش همه چیز وابسته به واردات خودرو است و اگر امکان واردات خودرو نباشد این بخش ظرفیت عدم تحقق ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی دارد.»

فیاضی با اشاره به اینکه «در حوزه تقویت بنیه دفاعی و طرح‌های خاص از آنجایی که خود آن‌ها نفت می‌فروشند، باید عدم تحقق آن‌ها از کسری بودجه کاسته شود» افزوده که «به این ترتیب بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان کسری روی کاغذ است. این میان دولت به مدیریت مصارف دست می‌زند و احتمالاً ۲۶۰ هزار میلیارد تومان در بودجه عمرانی صرفه‌جویی خواهد کرد تا بنیه دفاعی و طرح‌های خاص را اگر کنار بگذاریم، چون آن‌ها خودشان باید نفت شان را بفروشند.»

او البته به اقدامات دولت در سال آینده و در رویارویی با کسری بودجه هشدار داده و گفته «اگر در زمینه مقابله با کسری هم دولت چهاردهم مانند دولت گذشته عمل کند، باید منتظر عدم تخصیص بخشی از منابع و انتقال آن‌ها به سال آینده باشیم. هزینه‌هایی که باید برای پرستاران یا یکسان سازی حقوق بازنشستگان و یا حتی تقویت بنیه دفاعی اختصاص یابد را اگر به سال‌های آینده موکول کنند، تبدیل به «کسری بودجه مزمن» می‌شوند. در ادبیات اقتصادی کسری بودجه مزمن، موتور محرک انواع جهش‌های تورمی است.»

پیش‌بینی تورم ۴۵ درصدی در سال آینده با بودجه ۱۴۰۴



اقتصادی نیز روندی کاهشی را طی خواهد کرد.

برآوردهای این مرکز نشان می‌دهد رشد اقتصادی تابستان به دلیل قطعی برق صنایع، روند نزولی رشد صادرات نفتی و تداوم بودجه‌های انقباضی دولت ۲/۵ درصد بود است. ضمن اینکه بررسی شکاف تولید در ایران نشان می‌دهد روند این متغیر در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته و بنابراین از محل استفاده از ظرفیت‌های خالی اقتصاد نمی‌توان به افزایش رشد اقتصادی امیدوار بود.

بطور کلی برآوردها نشان از آن دارد که در سال جاری و سال آینده رشد اقتصادی محدود به ۲/۵ و ۲/۸ درصد خواهد شد. در قانون هفتم توسعه اما رشد اقتصادی سالانه هشت درصد برای اقتصاد کشور پیش‌بینی شده است!

محمد تقی فیاضی کارشناس اقتصاد کلان نیز چشم‌انداز بودجه پیشنهادی ۱۴۰۴ را نگران کننده خوانده و از تورم ۴۵ درصدی در سال آینده خبر داده است.

این اقتصاددان در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «این بودجه که می‌توانیم آن را اولین آزمون دولت چهاردهم بخوانیم، در واقع چیزی نیست جز تداوم بودجه‌ریزی در دولت گذشته. یعنی بطور خاص اگر صحبت‌های آقای دکتر پزشکیان را مبنا قرار دهیم، ایشان تأکید کرده بود باید مصارف ما به اندازه درآمدهایمان باشد. اما بودجه‌ای که روانه مجلس شده کسری بودجه زیادی، حتی بیش از کسری بودجه ۱۴۰۳ را در پی خواهد داشت.»

محمد تقی فیاضی افزوده «به لحاظ ماهوی میان لایحه پیشنهادی ۱۴۰۴ با بودجه ۱۴۰۳، تغییر چندانی مشاهده نمی‌شود. به زبان دیگر نویسندگان این لایحه بودجه همان

یکی از اصلی‌ترین مشکلات لایحه بودجه افزایش کسری تراز عملیاتی است و شکاف بین درآمدها و اعتبارات هزینه‌ای در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته و به ۱۸۰۵ هزار میلیارد تومان رسیده است.

درآمدهای اصلی دولت شامل درآمدهای نفتی و مالیاتی با ابهاماتی روبروست و پیش‌بینی شده این درآمدها به صورت کامل تحقق نیابند.

برآوردها نشان می‌دهد در سال جاری و سال آینده رشد اقتصادی محدود به ۲/۵ و ۲/۸ درصد خواهد شد. در قانون هفتم توسعه اما رشد اقتصادی سالانه هشت درصد برای اقتصاد کشور پیش‌بینی شده است!

محمدتقی فیاضی کارشناس اقتصاد کلان نیز چشم‌انداز بودجه پیشنهادی ۱۴۰۴ را نگران کننده خوانده و از تورم ۴۵ درصدی در سال آینده خبر داده است.

کلیات بودجه ۱۴۰۴ در حالی روز گذشته با رأی اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که همچنان با انتقاد از سوی کارشناسان روبرو است. یک اقتصاددان تورم سال آینده بر اساس لایحه کنونی بودجه را ۴۵ درصد عنوان کرده و معتقد است دولت کسری مزمن بودجه‌ای ایجاد خواهد کرد که موتور محرک تورم است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز گذشته با ۱۴۶ رأی موافق، ۹۶ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از ۲۴۹ رأی با کلیات بودجه ۱۴۰۴ موافقت کردند.

برخی کارشناسان می‌گویند دولت پزشکیان با وجود همه انتقادهایی که بیشتر به عملکرد تیم اقتصادی دولت رئیسی داشت، همان خط را در بودجه‌نویسی ادامه داده است.

کارشناسان اقتصادی معتقدند بودجه سال ۱۴۰۴ در مواردی مانند کاهش کسری تراز عملیاتی، حرکت در جهت کاهش تصدیری دولت و تأمین منابع لازم جهت ارتقای معیشت کارکنان، عدم درج احکام غیربودجه‌ای ذیل لایحه بودجه، افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و کاهش وابستگی بودجه به نفت و منابع بین نسلی و اجرایی‌سازی برخی از احکام برنامه هفتم دچار ضعف است.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات لایحه بودجه افزایش کسری تراز عملیاتی است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ با افزایش ۴۲ درصدی درآمدها و رشد ۵۵ درصدی اعتبارات هزینه‌ای، شکاف بین درآمدها و اعتبارات هزینه‌ای در مقایسه با سال گذشته افزایش یافته و به ۱۸۰۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. همچنین بر اساس اعلام بانک مرکزی رشد اقتصادی کشور در سه سال گذشته همواره بالاتر از ۴/۵ درصد بوده است؛

با این حال رشد فصل بهار ۱۴۰۳ حدود ۳/۲ درصد و رشد بدون نفت ۲/۵ درصد بوده است. این موضوع نشان از کاهش ۲/۵ واحد درصدی رشد اقتصادی در فصل بهار سال جاری نسبت به دوره مشابه سال گذشته دارد. بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس در صورت تحقق کامل لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ به ویژه از محل رشد سرمایه‌گذاری و صادرات نفت پیش‌بینی شده در فروض این لایحه، افزایش حدود ۰/۸ درصدی رشد اقتصادی با نفت پیش‌بینی می‌شود.

از سوی دیگر دولت توجهی به موضوع فقرزدایی نداشته و پیش‌بینی می‌شود حتی در صورت اجرای کامل بودجه سال ۱۴۰۴ تغییری در نرخ فقر و ضریب جینی رخ نخواهد داد. از سوی دیگر درآمدهای اصلی دولت شامل درآمدهای نفتی و مالیاتی با ابهاماتی روبروست و پیش‌بینی شده این درآمدها به صورت کامل تحقق نیابند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده بودجه سال آینده در حالی روند بررسی را پشت سر می‌گذارد که پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که سال ۱۴۰۴ سال چندان آسانی برای اقتصاد ایران نخواهد بود و رشد

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت ۷ آبان روز کوروش بزرگ

«هم‌میهنان گرامی،

خوشحالم از اینکه امروز برای بزرگداشت یکی از بزرگترین چهره‌های تاریخ، کوروش بزرگ، گرد هم آمده‌اید. کوروش بزرگ که ارزش‌هایش بنیانگذار اولین بیانیه‌ی حقوق بشر است، نمادی از آزادی، عدالت و احترام به کرامت انسانی بوده. دوران فرمانروایی او نه تنها با نبوغ نظامی بلکه با آزادی مذهب و جدایی آن از حکومت مشخص می‌شود.

با نگاه به گذشته و میراث او یادآور می‌شویم که استحکام و همبستگی همواره ستون فقرات فرهنگ ما بوده است. فرهنگی که با وجود چالش‌ها و دشواری‌ها همچنان با صبر و امید می‌درخشد.

بیایید از این پادشاه بزرگ ایران الهام بگیریم و بگذاریم روح او همچنان راهنمای ما باشد.

همانطور که به سوی آینده‌ای سرشار از وحدت و شکوفایی و صلح گام برمی‌داریم، مایلم از صمیم قلب از برگزارکنندگان و هم‌میهنان گرامی و همه کسانی که بطور خستگی‌ناپذیر برای موفقیت این جنبش تلاش کرده‌اند، سپاسگزار می‌کنم. تلاش‌ها شما به شدت در زنده نگه داشتن شعله‌ی تاریخ و فرهنگ ما مؤثر است.

صمیمانه‌ترین درودهای خود را به تک تک شما می‌فرستم. باشد که میراث کوروش بزرگ همچنان مسیر ما را روشن کند. همانطوری که ما تلاش می‌کنیم ارزش‌های گرامی او را سپاس بداریم.»

شادباش و قدردانی گروهی از جوانان داخل کشور به مناسبت زادروز شاهزاده رضا پهلوی

در طی این چهل و اندی از عمر جمهوری اسلامی، تنها کسی که همواره جوان ایرانی را هوشیار و بیدار نگه داشت و رنگ و بوی ایرانی بودن را به جوانان کشور منتقل کرد،



شاهزاده رضا پهلوی بود که نگاه عمیق و اصولی به جوانان میهن داشت و به آنها اعتماد کرد تا جایی که امروز اعتماد جوانان را به ایشان در جای جای ایران می‌بینیم. امروز در زادروز ولیعهد ایران، شه‌ریار ایران، ما گروهی از جوانان داخل کشور از ایشان تشکر کرده و ضمن تبریک تولد ایشان همواره از نگاه پدیده‌ای که به ما جوانان ایرانی دارند، قدردانی می‌کنیم.

احضار پیروز نامی فعال صنفی آموزگاران به دادگاه انقلاب اهواز

پیروز نامی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان، برای تاریخ ۱۶ آبان‌ماه به دادگاه انقلاب اهواز احضار شده است. این فعال صنفی آموزگاران با اتهاماتی از جمله «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «تشکیل گروه» و «اخلال در نظم عمومی» روبروست. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده پیروز نامی پیشتر نیز بارها به دادگاه فرا خوانده شده و چندین نوبت برای ماه‌ها در سلول انفرادی نگهداری شده است.

مرگ تلخ یک کارگر در معدن سنگ آهن کوه سنبل سنگان خواف

به گزارش خبرگزاری «ایلنا»، منابع کارگری از وقوع حادثه مرگباری در معدن سنگ آهن «کوه سنبل» واقع در سنگان خواف خبر داده‌اند. این حادثه زمانی رخ داد که یک کارگر حین بازدید از چرخ‌های عقب یک دستگاه کامیون ده تن که قصد بارگیری داشت، دچار حادثه شد. طبق گزارش‌ها، کارگر بین چرخ و کمپرس کامیون گیر افتاد و جان خود را از دست داد.

به همت جوانان دلیر و آگاه ایران سرزمین کوروش آزاد و پیام‌آور صلح و امنیت و حقوق بشر خواهد شد

شاهزاده رضا پهلوی با انتشار عکسی از آرامگاه کوروش در پاسارگاد و کتیبه‌ی مشهور وی در پیامی کوتاه به مناسبت هفت آبان روز کوروش بزرگ نوشت: «کوروش بزرگ، پادشاهی دادگر و آزادی‌گستر، و نماد مدارا و احترام به تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی مردمش بود. او به جهانیان نشان داد که قدرت می‌تواند در خدمت صلح و کرامت انسانی باشد. رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی اما تماما در نقطه مقابل ارزش‌هایی قرار دارد که کوروش بزرگ



و سرزمین کهن ایران برای قرن‌ها به آنها شناخته شده‌اند. بی‌دلیل نیست که این رژیم و رهبر حقیر آن حتی از آرامگاه کوروش در پاسارگاد و حضور فرزندان ایران در آن مکان شکوهمند نیز هراس دارند. باور دارم که به همت جوانان دلیر و آگاه ایران، سرزمین کوروش آزاد خواهد شد و ایران و ایرانی بار دیگر پیام‌آور صلح و امنیت و حقوق بشر خواهند بود.»

هلی‌کوپتر سپاه در شیراز دچار سانحه شد

یک فروند هلی‌کوپتر متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه نهم آبان‌ماه دچار سانحه شد. علت این سانحه مشخص نیست اما کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه نوشتند که این هلی‌کوپتر هنگام فرود دچار سانحه شد و یک نفر زخمی شده است.

مسعود پزشکیان:

تو خوابم نمی‌دیدم یه روزی اینقدر حقوق به من بدن!

این حرف بیانگر واقعیت درباره فقط مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نیست بلکه درباره همه زمامداران نالایق و بی‌کفایت جمهوری اسلامی از ملا و پاسدار در هر سه قوه و در همه جای ایران، صادق است. آنها وضع‌شان «خیلی خوبه» و به پول و مقامی رسیده‌اند که در خواب هم نمی‌دیدند!

و پزشکیان که هیچ پروتکلی را رعایت نمی‌کند، از جمله پروتکل دروغ‌گویی در جمهوری اسلامی را، این واقعیت را به زبان آورده است.

تیم ملی کشتی آزاد امید ایران برای نخستین بار قهرمان جهان شد

رقابت‌های کشتی آزاد زیر ۲۳ سال قهرمانی جهان که از ۴ تا ۶ آبان ماه ۱۴۰۳ در شهر تیرانا کشور آلبانی برگزار شد، با قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد امید ایران به پایان رسید. تیم ایران با درخشش کشتی‌گیران جوان خود توانست برای اولین بار در تاریخ این رقابت‌ها به عنوان قهرمانی دست یابد.

در این دوره از رقابت‌ها مهدی یوسفی در وزن ۷۹ کیلوگرم، امیرحسین فیروزپور در وزن ۹۲ کیلوگرم، امیررضا معصومی در وزن ۱۲۵ کیلوگرم مدال طلا و مهدی حاجیلوئیان در وزن ۹۷ کیلوگرم مدال نقره و علی مومنی در وزن ۵۷ کیلوگرم،



ابراهیم خواری در وزن ۶۱ کیلوگرم و عباس ابراهیم‌زاده در وزن ۷۱ کیلوگرم مدال برنز کسب کردند و این نتایج باعث شد تا تیم ملی ایران با ۱۵۸ امتیاز در جایگاه نخست جدول تیمی قرار بگیرد و برای اولین بار در تاریخ رقابت‌های کشتی زیر ۲۳ سال جهان، عنوان قهرمانی را کسب کند. پس از ایران تیم‌های آذربایجان و ژاپن با ۹۸ امتیاز به ترتیب دوم و سوم شدند.

فرمانده ارشد حزب الله در «عیتا الشعب» تسلیم اسرائیل شد

منابع اسرائیلی روز ۳۰ اکتبر (نهم آبان ماه) گزارش دادند یکی از فرماندهان ارشد گروه تروریستی حزب الله لبنان در منطقه «عیتا الشعب» خود را تسلیم ارتش اسرائیل کرده است.

اکانت فارسی وزارت خارجه اسرائیل با انتشار تصویری از این فرد نوشت، «یک تصویر به هزار کلمه می‌ارزد، ما بازوهای اختاپوس رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را قطع می‌کنیم.»

هدشار سرپرست سازمان راهداری نسبت به وضعیت نگران کننده جاده‌های ایران

رضا اکبری سرپرست سازمان راهداری گفته «با وضعیت نگران کننده در جاده‌های کشور مواجه هستیم و محاسبات دقیق این است که در نقطه‌ای گیر کرده‌ایم و درجا می‌زیم و اگر به دامن نرسند، وضعیت جاده‌های کشور بسیار بد می‌شود.»

سرپرست سازمان راهداری افزوده «هر کاری که می‌توانستیم در تئوری‌ها انجام دادیم اما وضعیت مالی بسیار بد است.»

آرشاک قوکاسیان دوبلور برجسته ایرانی درگذشت

آرشاک قوکاسیان دوبلور پیشکسوت و یکی از صداهای ماندگار در تاریخ دوبله ایران، در سن ۸۰ سالگی در کانادا درگذشت. او که از اوایل دهه ۶۰ به کانادا مهاجرت کرده بود، در سال‌های اخیر با بیماری آلزایمر دست و پنجه نرم می‌کرد و از دنیای سینما و دوبلوری فاصله گرفته بود.

قوکاسیان در سال ۱۳۳۳ در تهران و در خانواده‌ای ارمنی تبار به دنیا آمد. او فعالیت در حوزه دوبلاژ را از سال ۱۳۳۹ آغاز کرد و به خاطر صدای منحصر به فرد و مهارت بالاایش در این هنر، به سرعت به یکی از چهره‌های شناخته شده



در عرصه دوبلاژ ایران تبدیل شد. از برجسته‌ترین کارهای او می‌توان به صدایشگی در نقش «سعید» در مجموعه تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» و شخصیت «عمار» در فیلم «محمد رسول الله» اشاره کرد.

عطاءالله کاملی از پیشکسوتان دوبلاژ در توصیف صدای قوکاسیان گفته است: «صدای آرشاک معصومیت و نجابت را تداعی می‌کرد.»

اجرای حکم قطع انگشتان دست دو زندانی در زندان مرکزی ارومیه

بامداد روز سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳، حکم قطع چهار انگشت دست راست شهاب و مهرداد تیموری، دو برادر زندانی اهل سرپل ذهاب، در زندان مرکزی ارومیه اجرا شد.

به گزارش «شبکه حقوق بشر کردستان»، این حکم در حضور مقامات قضایی و مسئولان اداره کل زندان‌های استان آذربایجان غربی به وسیله دستگاه گوتین انجام گرفت.

شهاب و مهرداد تیموری پیش از اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شده و پس از چند ساعت به محوطه اجرای احکام برده شدند. این دو برادر به اتهام سرقت به مجازات حدی «قطع ید» محکوم شده بودند. مطابق ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی، قطع دست به عنوان مجازات حدی سرقت در صورتی اجرا می‌شود که ۱۴ شرط خاص برای اثبات سرقت فراهم باشد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که بر اساس کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، مثله کردن به عنوان مصداق شکنجه شناخته شده و ممنوع است. این کنوانسیون اعمال هرگونه مجازات بدنی، از جمله قطع عضو، را محکوم می‌کند.

علاوه بر شهاب و مهرداد تیموری، گزارش‌ها حاکی از آن است که در زندان ارومیه پنج زندانی دیگر نیز به نام هادی رستمی، مهدی شرفیان، مهدی شاهپوند، کسری کرمی و مرتضی اسماعیلیان با محکومیت قطع انگشتان دست مواجه هستند. این افراد نیز در انتظار اجرای احکام مشابه هستند.

سرقت نفت از خط لوله یک پالایشگاه در ایران برای «چندین سال»

مالک شرعی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی سه‌شنبه شب هشتم آبان ماه در یک برنامه تلویزیونی از سرقت نفت بطور مستقیم از زیر خط لوله یک پالایشگاه در ایران خبر داد. وی اشاره‌ای به نام پالایشگاه و مدت دقیق انجام این سرقت نکرد اما گفت، مسئولان این پالایشگاه برای چندین سال



متوجه نبودند که از زیر خط لوله نفتی یک انشعاب زده شده و نفت از آنجا سرقت می‌شود. شرعی با انتقاد از عدم نظارت کافی، این سؤال را مطرح کرد که «چرا کسی که خط لوله را از ابتدا تا انتها باید رصد کند، متوجه این موضوع نشده است؟» بسیاری تحلیلگران می‌گویند سرقت و قاچاق نفت و بنزین در ایران سازمانیافته است و عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشت آن قرار دارند.

هواداران جمهوری اسلامی:

مرگ بر اینستا! مرگ بر واتساپ!

ویدئویی از چند نفر هوادار جمهوری اسلامی در تهران منتشر شده که نشان می‌دهد روی لوگوی پیام‌رسان‌ها و رسانه‌های اجتماعی ایستاده‌اند و علیه آنها شعار می‌دهند از جمله: مرگ بر تلگرام! مرگ بر واتساپ و مرگ بر توئیتر و مرگ بر اینستا!

این در حالیست که خود جمهوری اسلامی به شدت در فضای مجازی و این پلتفرم‌ها فعال است و مقامات آن نیز در این رسانه‌ها اکانت دارند و به تبلیغات مشغولند. علی‌خامنه‌ای نیز چندین اکانت به زبان‌های مختلف دارد. وی اخیراً اکانتی نیز به زبان عبری در شبکه «ایکس» درست کرده بود که پس از یک روز از این شبکه حذف شد.

خامنه‌ای به تلافی حملات اسرائیل اکانت عبری در «ایکس» راه انداخت؛ ولی آنهم حذف شد!

درست روز ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ پس از حملات تلافی جویانه‌ی اسرائیل به پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی جمهوری اسلامی، علی‌خامنه‌ای اکانت به زبان عبری در رسانه اجتماعی «ایکس» به راه انداخت! و یا دقیق‌تر بگوییم، برایش درست کردند. اسرائیل کاتر وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به این اکانت با انتشار عکس نخستین پست «رهبر معظم انقلاب» که به عبری نوشته «بسم‌الله الرحمن الرحیم»، به فارسی و عبری و با پرچم اسرائیل نوشت: «اسرائیل پاینده است.»

اما عمر اکانت عبری خامنه‌ای نیز مانند رهبران نیابتی‌ها و غیرنیابتی‌هایش بسر رسید و هنوز دو روزه نشده بود که از «ایکس» حذف شد.

گسترش «سوء تغذیه» و «کوتاهی قد» در میان کودکان سیستان و بلوچستان



حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که «سوء تغذیه و کوتاهی قامتی دو مشکل اساسی کودکان سیستان و بلوچستان است.»

وی افزوده که «ناامنی غذایی و سوء تغذیه در سیستان و بلوچستان نسبت به سایر استان‌های کشور بیشتر است و بیشتر مبتلایان به سوء تغذیه کودکان زیر ۵ سال هستند.»



عکس هفته | هالووین ۲۰۲۴ در کاخ سفید

جو بایدن که آخرین هفته‌های دوره‌ی چهار ساله‌ی ریاست جمهوری خود را سپری می‌کند، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۴ هالووین را در کاخ سفید جشن گرفت.